

نامه‌های هند

سید محمود مرعشی نجفی

مقدمه

در گذشته که تلفن و تلگراف و وسایل ارتباطی جدید نبود، رابطهٔ عالمان با یکدیگر فقط از طریق نامه‌نگاری میسر بود. نامه‌های گذشتگان، اسناد فرهنگی و اجتماعی است و بخشی از تاریخ گذشته فقط با رجوع به آنها معلوم می‌شود. آنچه سپس می‌آید، شامل گزیده‌ای از نامه‌های دیار هند است که اخیراً در دسترس کتابخانهٔ مرحوم والد قدس سره قرار گرفته است. این نامه‌ها از رجال دینی و علمی سدهٔ اخیر است؛ از جمله: میر حامد حسین، سید ناصر حسین، شیخ الشریعهٔ اصفهانی، سید محمد کاظم یزدی طباطبائی، آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، سید حسن بن ابی‌القاسم طباطبائی، سید عبدالحسین طباطبائی، سید اسماعیل موسوی عاملی (ابن صدرالدین)، علی بن زین‌العابدین مازندرانی حائری، حاج میرزا محمد بن حاج میرزا محمد حسین نوری.

نظر به اهمیت این نامه‌ها، تعدادی از آنها را در ذیل می‌آوریم.



از: سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی رحمته الله

به: سیّد ناصر حسین

یوم دوشنبه ۲۳ شهر جمادی الاوّلی سنه ۱۳۳۸

به حضور مبارک مستطاب حجت الاسلام عماد اهل ایمان و مرجع معتقدی القرآن، مفتی الشّیعه و رافع اعلام الشّریعه، حامی حوزه الدّین، و سّاد ثغور المسلمین سیّد و مولینا المبرّء من کلّ شین و المحلّی بکلّ زین السّیّد ناصر حسین صاحب الرّضوی، نجل عمده الابرار و سیّد الاخیار صاحب عقبات الانوار دام ظلّه علی رؤوسنا، آمین.

قبله گاهها، امید از درگاه حضرت واجب الوجود جلّ شأنه وجود مقدّس قرین صحّت و استقامت بوده باشد. بعد حقیر اسمم آقا نجفی، نسباً حسینی و از مشتغلین در نجف اشرف علی ساکنها السّلام و حقیر و مرحوم ابوی از اخلاص کیشان آن قبله و کعبه هست. مدّتی است می خواهم مصدّع اوقات شریف شوم، ممکن نشده است تا حال. و اکنون به دو-سه کلمه عرض می نمایم که مستدعی از مراحم شامله آن سرور می باشد که نسب شریف با ولادت با سعادت و وفات مرحوم خلد آشیان آقا طاب تراه و قدّس الله تربته مرحمت نموده بفرستید، چون داعی مشغول می باشم به تألیف کتابی در نسب، و دیگر خواهشمندم که یک اجازه روایتی مرحمت نمائید، به جهت تیمن و تبرک و اتّصال سند به اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین و بنده در این اماکن مشرفّه نائب الزیاره و دعاگو می باشم.

جواب این عریضه را مرقوم بفرمائید به این ترتیب: نجف، مدرسه قوام شیرازی، برسد به دست آقا نجفی.

حضور مبارک تمام سعادت قرین عمل و علم، نتیجه تقوی و زهد و حلم آقای حقیقی و آقازاده واجب التعظیم آقای آقا سیّد نصیرالدّین حسین را صدیق ایشان عمده المحقّقین شیخ محمّد حسین شیرازی دام بقاء به عرض سلام مصدّع است. الداعی شهاب الدّین آقا نجفی الحسینی الموسوی

﴿﴾

از: سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی رحمته الله

به: سیّد ناصر حسین

حضور مقدّس حضرت مستطاب قبلہ و کعبہ حجت الاسلام و آیت اللہ بین الانام
مولانا المولوی سیّد ناصر حسین دام ظلّہ و روحی فداه
السّلام علی الامام الہمام و الصّارم الصّمصام و الحبر البحر القمقام، حامل علوم
اجداده علیہ السلام، سلام مخلص مشتاق - ثمّ یا مولای انت الکریم من اولاد الکرام مأمور
بالضيافة و الکرام، فالمأمول من الشّیخ المرضیّہ أن تمّنوا علی المخلص بیعت کلمات
تشتمل علی الاجازة فی الروایة علی الوعد الّذی صدر من حضرتکم ایّام التشرّف
بسرّ من رآه، و کذا اذا امکن بعث مجلدات من العیقات، لأنّه لا وجود لها فی ایران. لا
زلتم علماً لکتب و مناراً فی البلاد. بالتّبیّ و آلہ الکرام و السّلام خیر ختام.
الاقل المخلص المسکین شهاب الدّین الحسینی الحسینی المدعو بالتّجفی
و المکتی بابی المعالی نجل المرحوم ثقه الاسلام السّید شمس الدّین محمود التّسابه عفی عنه
عنوان الجواب قم ایران فلان

بسم

از: سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی رحمته الله

به: سیّد ناصر حسین

خدمت حضرت مستطاب حجت الاسلام و المسلمین آیت اللہ فی الانام، قبلہ و کعبہ
آقای مولوی سیّد ناصر حسین شمس العلماء روحی فداه
السّلام علیک یا بن رسول الله و الرّحمة و البرکة
سیّدی و مولای و ملاذی یابن المیامین من آل طه و یس، قد استجاز العبد من
حضرتک السّنیہ منذ سنین، اعنی عام تشرّفکم بتلثیم العتبه العسکریه بمشهد سرّ من
رآه. فأجزتم شفاهاً و بقی امر الكتابة و ذکر الاسانید و الطّرق الی اوان الوصول الی
الهند. و ها هو الی الآن قد مضی لها متمادیه و لم افز بها و اعدہ مولینا الامام الحبر
القمقام. فالمرجوّ من شیمة المرضیّہ ان ننجز الوعد و ننجز المأمول فإنه من اهل بیت
نیطت تہائمهم بالکرامة و لاحت علی جباههم آثار الشّهامة و لو علی سبیل الاختصار،
یا فلان قد اجزت لك أن تروی عتیّ ما ارویه مراعیاً للاحتیاط و شرائط الاجازة،
لازلت عصمة و ملاذاً مستجاراً و مهحاذاً. بالتّبیّ و آلہ الکرام و السّلام خیر ختام.

الراجی شہاب الدین ابوالمعالی المشہور بالتجفی النسابة الحسینی المرعشی حفید
المرحوم حجت الاسلام السید علی سید الاطباء التبریزی الخلیفة سلطانی الحسینی
فی ۲۴ ربیع الثانی سنة ۱۳۵۲



از: سید شہاب الدین مرعشی نجفی رحمہ اللہ

به: سید ناصر حسین

۲۹ شعبان ۱۳۵۲

حضور مقدس حضرت مستطاب قبلہ و کعبہ حجت الاسلام و آیت اللہ بین الانام
مولینا المولوی سید ناصر حسین دام ظلہ و روحی فداه
السلام علیک یا بن رسول اللہ و فلذة کبدہ، مولای و ملاذی، رقیمة کریمہ زیادت
مع الاجازة الشریفہ، کمال تشکر و دعاگوئی حاصل شد، و غرض از تصدیع آنکہ
اولاً مستدعی ہستم مرحمت فرمودہ، صورت نسب مرحوم والد قدہ و اولاد ایشان و
بنی اعمام را مرقوم فرمائید تا حقیر ثبت نمایم. چون بندہ مدتی است اشتغال بہ جمع
انساب و مشجرات ہاشمیین دارم. ان شاء اللہ مرحمت فرمودہ ارسال می نمائید. و ثانیاً
آنکہ یک نسخہ از کتاب سبکة اللجین و صدور العقیان با یک کتابی کہ مشتمل بر
انساب سادات ہند باشد، بہ جهت داعی ارسال فرمائید. و اگر خزانه کتب سرکار
فہرستی دارد مطبوع، بہ جهت حقیر ارسال فرمائید، متشکرم.
لا زلت علماً للاسلام بجدک سید الانام و السلام خیر ختام.
الراجی شہاب الدین التجفی النسابة الحسینی المرعشی



از: میر حامد حسین

به: سید کرامت حسین

باسمہ تعالی

خدمت استادی سنادی ملاذ العلماء العظام، مرجع الکملاء الفخام، غرہ جبهة
الزمان، حکیم دوران، ارسطو منزلت افلاطون مرتبت، علامہ بی عدیل، فہامہ نبیل،
حاوی المحاسن و المفاخر، حائز الفواضل و المآثر، ذوالفضل الزاہر و الکرم الباہر،

وارث المجد کابراً عن کابر، زبده المصطفین جناب السید کرامت حسین ادام الله معالیهم الشریفه و انجح مآربه المنیفه بعد ابلاغ تسلیمات زاکیات و اسباغ تحیات طبیات به صد شوق لقاء پر نور و ضیاء، التماس ضراعت آنکه احقرالعباد را قبل از آنکه این دفعه شرف لثم عتبه علیه جناب آیه الله اتفاق افتاد، از نشان قیام سامی اطلاعی نبود. هر چند از بعض احباب استفسار هم رفت، لیکن از صورت بیان شأن اطمینان صورت نیست. الحال که ملتان را گذاشته شرف قیام اینجا ادراک کردم و به حال مشرح عالی واقف شدم، عریضه نیاز کلایل فضائل می رسد، شکر خدا که ظهور عبقات و غیره و لا جوابی و بی عدیلی ابناء به حدی رسیده که در بلاد شاسعه و بقاع نائیه مثل آذربایجان و عراق و غیرهما تذکار فضل و کمالش در هر مدرسه و معبد و کوچه و بازار و محافل و مجالس به شهرت تام می شود، و علماء اعلام عراق سر انصاف و اذعان خم کرده، پایه حق بودن آن و همچنین بی نظیری و لا جوابی مقرر هستند، و از جناب باری تعالی دست به دعائند که عمر مصنف علامه اش زیاد کند، و بقیه مجلدات عبقات را به حسن اتمام طبع فرماید. ارسال بعض تقاریظ و خطوط آنجا، مستحسن دانستم و هم در جونپور صرف برای اهتمام عبقات یک کمیته ای قائم شده است و آراء اصحاب آن بر ضرورت طبع و اهتمام آن کتاب لا جواب متفق شده است. شخصی بدون اظهار اسم خود به واسطه شخصی، قریب نهصد رویه برای همین کار عبقاتی را ارسال داشته. آفرین بر همت آن اجل اصحاب با آنکه به طریق واسطه به دریافت رسیده که آمدنی ایشان زیاده از صد رویه ماهوار نمی باشد. مُجملش به حال استقصا کرده فی الجملة ظهور فضیلت حقیقه کتاب مستطاب نتیجه ثبات قدمی جناب مصنف علامه هست، و ظاهر هست که این همه مساعی، ثمره ثبات قدمی صد و بیست ساله جدّ امجد و هر دو عمّ شماس و احوال جناب مولانا دام ظلّه بقول بعض افاضل مشابه است به میرزا محمد صاحب دهلوی در قلت تنخواه یعنی مشاهده...^۱ و ترك منصب پانصد رویه ماهواری برای همین کار اعظم، الحق کوشش مع الثبات را اثری است جلیل و سعی خلوص را ثمره ای است نبیل در هر امری

۱. يك كلمه خوانده نشد.

و کاری که باشد، شنیده باشند که می‌گویند عالمی که متصدی تنزیل برق شده بود، او در اوّل امر خود آنچنان استحکام داشت که وقت اراده شروع این کار، پسر خود را همراه برده بود که اگر از من این کار سرانجام نیافت، بعد از من تو بکن! همانا او می‌دانست که شاید برق بر من بخورد. با وجود این ظنّ متأخّم به یقین عزیمت را بگذاشت و وقوع اراده را بهتر از نفس خود داشت. در حدیث هم دیده شد که مواظبت در امور در کار است. حیف از ماها این چنین طرق سالم يك قلم طریق مجانیت گرفت. الغرض چیزی که او عالم خیال کرده بود، به آن زحمت کشیده، این چنان را پدر ساخت و پسرش هم همچنان کرد، و از زیست دست شست، لکن از پس، پسرش آن کار به حسن صورت به انجام گرائید. اگر پدر نتواند، پسر تمام کند، اینجا صادق است.

این است ثبات قدم و ثمره جمیله‌اش. و غالباً تقاریر مستر بنیت که در ترغیب و تحریض مسلمانان در حیدرآباد و لکهنو و غیره کرد ملاحظه کرده باشید، در این اشخاص به چه مرتبه همت می‌باشد.

به این بعد، ولایت به اعتبار اتحاد نوعی قصد ترغیب و تحریض قومی که روزا روز در رتبه تنزلی دوان بود، ساخت. کتابی که بعضی تقاریر مستر مذکور در آن مندرج است هم مرسل سامی خدمت است، ملاحظه خواهند فرمود که به چه طور هم قاصر اهل اسلام را برانگیخته، در قلوبشان مردانگی تحصیل علم و فضل پیدا ساخته که بناء مدرسه‌ها در جاها واقع شده، چنانچه مثل حیدرآباد دکن اینجا هم مدرسه قائم خواهد شد، و امیر حسن خان - رئیس محمودآباد - دادن يك لك و پنجاه هزار روپیه منظور کرده، و به جناب سامی چیزی از این باب که ماشاءالله ثبات قدمی و همت عالیّه کنیز خانه‌زاد سامی باشد، و هم مساعدت زمان ضمیمه آن شرح دادن، مشابه به لقمان حکمت آموختن است. البتّه در امر عبقّات چیزی جرأت کرده می‌نویسم حضرت من هنوز از عبقّات طیبات...^۱



۱. متأسفانه نامه ناقص و ناتمام است و ۴ صفحه آن در همین جا تمام شده است. و دستورالعملی همراه این نامه است که در پی می‌آید.

- دستور العمل استکتاب کتب که حتّی الوسع تلقین و تفهیم آن می‌فرمایند، اگر چه ذکر آن خالی از گستاخی نیست که ملازمان عالی خود اعرف به آنند.
۱. کاغذ فرانسه عمدۀ پایدار و مفید رونق، نه کاغذ انگریزی که پایدار نمی‌باشد.
 ۲. تقطیع همه کتب مستکتبه مناسب و خوش وضع و یکسان باشد، اگر چه بعضی قلیل الحجم و بعضی کبیر الحجم باشد.
 ۳. ریاض العلماء، اگر بر تقطیع غیر خوش وضع شروع کرده باشند، باقی را بر تقطیع مناسب نویسند، رعایت سابق نکنند.
 ۴. سطر مناسب باشد، و بین السطور گشاده، و خط جلی باشد، که به سبب ضعف بصر خواندن خطّ خفی مشکل است. خطّ جلی اگر مثل بچار، جلد سابع عشر مطبوع، نهایت خوب یا قریب، و خطّ فرق نوبختی نهایت باریک و کم‌جان است که خواندن آن مشکل است.
 ۵. روشنائی نیز رنگ و صمغ کم باشد، که به سبب آن اوراق با هم نچسبد و خراب نشود.
 ۶. هندسه صفحات بر منقول گذارند.
 ۷. و اگر هندسه اصل کتاب هم هر جا که در نقل سرصفحه واقع نشود بنویسند، نهایت خوب است. اگر اصل هندسه نداشته باشد، بر اصل هندسه بنویسند که هندسه از عمدۀ ضروریات کتاب است. مثلاً هندسه اصل در بین سطر نقل است، مثلاً بر لفظ قال ع^{۱۳} همانجا — کشیده هندسه اصل در متن، و هم بر حاشیه نویسند.
 ۸. فهرس اگر در اصل کتاب باشد، آن هم منقول شود، ورنه اگر ناسخ و کاتب جدید، فهم داشته باشد، فهرس ابواب و فصول و عنوانات، خود بنویسد در اول هر کتاب، اجرت خواهد یافت.
 ۹. اگر بر اصل کدامی حاشیه با فائده به این‌طور باشد، آن را هم ضرور نقل کند. و اگر کاتب ذی‌فهم خود به این‌طور بر حاشیه فوائد و عنوانات تواند نوشت، خود بنویسد، اگر چه در اصل نباشد. در این صورت بابت این عنوانات اجرت علی‌حدّه داده شود.
 ۱۰. فهرس کتب رجال، خصوصاً آنچه بر طبقات است، بسیار ضرور است، و آنچه بر حروف معجم مرتب است، در آن هم فهرس معین سهولت استخراج می‌شود.

۱۱. خطّ کاتب خوش‌نما و با رونق باشد، و اگر احیاناً به دست ناید و مثل خطّ فرق نوبختی باشد که خوش‌نما نیست، پس باز هم تأکید رود که جلی و با شأن نوشته باشد و حروف را مندمج نسازد و نقطه‌ها را علی‌حدّه - علی‌حدّه بگذارد، تا يك نقطه از دو متمیّز شود و نقطه بر محلّ خود باشد، مثل آنکه در لفظ نقطه، نقطه نون مقابل نون باشد، و هر دو نقطه قاف مقابل قاف و علی‌حدّه باشد.

خلاصه به سبب ضعف قوی، اگر در کتاب رعایت این امور نباشد، وقت مطالعه، ضیق قلب رو می‌دهد، و از مقصود باز می‌دارد.

۱۲. اگر مجموعه باشد مشتمل بر چند رساله، در آن بر هر رساله هندسه علی‌حدّه گذارند و فهرس مجموعه در اوّل بنویسند و يك هندسه برای کلّ مجموع بر کنار دیگر گذاشته شود.

۱۳. در ابواب و فصول و عنوانات شنجرف ضرور است و در مقام دیگر شنجرف نکنند که عادت بعض کتاب است که بی محلّ خطوط شنجرف می‌گذارند، احتراز از آن ضرور است.

۱۴. اگر ریاض العلماء، اصل خوش تقطیع باشد، نقل آن موافق آن تقطیع و آن مسطر نوشته شود. به این معنی که سطر موافق سطر و صفحه موافق صفحه. این رعایت باعث بر زیادت صحت، و عدم ترك سطری از سطور خواهد شد. لکن در نقل دیگر مختصرات این رعایت نباید فرمود که تقطیع آنها مختلف باشد. و بودن نقل‌ها بر يك تقطیع مطلوب است، نه بر تقطیع‌های مختلفه.



از: میر حامد حسین

به: خان بهادر میرزا محمد در بغداد

دام اقبالکم و اجالالکم

بعد سلام مسنون شوق مشحون التماس آنکه قبل از این در باب طبع مجلّدات عبقات اهتمام و التفات و التماس به خدمت احباب رفیع الدرّجات کم بود، به این خیال که از طرف اخراجات روزمره ذاتی اطمینان و سکون بال حاصل نبود. حالاً که به عنایت و مساعی جمیله ملازمان عالی از این طرف بحمد الله المتّان بنایت فراغ

خاطر اطمینان حاصل است، لهذا سعی و اهتمام و دعوت عام را در باب اشاعت و طبع مجلّات عبقّات اهمّ مهمّ و عمدۀ واجبات و متحتّمات شعائر ایمان و اسلام می‌دانم، و در صورت اعراض و تقصیر خوف مؤاخذه کبیر است؛ زیرا که حالا خوف آنکه مبلغی اگر کسی برای این خطب عظیم مهیا سازد، به صرف ذاتی من برسد، مرتفع است. پس حالا سکوت و صمت در این باب محمول بر طریقه صوقیۀ خشک خواهد بود، که ترویج دین را هم داخل دنیا ساخته از آن اعراض می‌نمایند، و به زهد بی‌معنی مشغول می‌باشند. و عمدۀ اسباب ترویج و اشاعت عبقّات به ذهن ناقص آن است که ملازمان عالی و هم راجه غضنفر حسین صاحب چنانچه مکرّر فرموده‌اند، در این باب دیگر اکابر و اعظام را در وقت اجتماع در لکهنو داعی، و در اتقاد این مهمّ عظیم و تکمیل این خطب فخیم ساعی شوند، که به سبب عظمت شأن و جلالت مکان ملازمان عالی و جناب راجه صاحب ممدوح، امر بالا خواهد گرفت، و کلمه و کلام در این باب مسموع خواهد شد. مگر ظاهر نیست که به سبب سعی بلند صاحب، یک و نیم لکّه رویه را از یک ریاست، و ده هزار را اشخاص متعدّد و عده می‌نمایند، پس چه عجب است که به سبب ارشادات و مواعظ و تأکیدات و نصایح جناب عالی و راجه صاحب ممدوح، به عشر این وعده مائل و به خردی یسیر آئل شوند، لکن چون ملازمان عالی در اوقات اقامت لکهنو از بیت الاحزان فقیر به فاصله بعید تشریف‌فرما می‌شوند، به این سبب از برکات و فیوض ملازمان عالی محروم می‌مانیم. اگر قریب نخاس مکانی را مشرف سازند، کارها برآید، و امور متسنّنه به فضل الهی درست شود، که قرب را ابار و ثمرات بی‌انتهاست، و قرب اغیار مثمر ثمرات جلیله و منتج فواید عظیمه. چه جا قرب مثل ملازمان عالی که لطف و نوازش و کرم عنایت جناب را به حال این متشتت البال، حدّی و پایانی نیست.

فجزاکم الله عن اهل البيت خیر الجزاء و اسغ علیکم جلیل النعماء و جمیل الآلاء.



از: میر حامد حسین

به: الطاف حسین خان صاحب

ادام الله اقبالهم و اجلالهم

... الطاف حسین خان صاحب صدرنشین اریکۀ اقبال مرجع اهل کمال عالیجناب
معلی القاب عمدة الارکان عین الاعیان

بعد سلام مسنون شوق التماس می رود که بحمدالله و حسن توفیقه حال فقیر قرین
خیر و عافیت است. دیری است که از احوال سامی جناب اطلاعی نرسیده، رجا از
توجّه و التفات می دارم که از حالات خبریت مهمّات اطلاع فرمایند. در این زمان
برکت اقتران، طبع جلد ثانی حدیث غدیر از کتاب *عقبات الانوار فی اثبات الأئمة
الاطهار*، که کتابی است حافل و کافل به دفع شبهات جمیع متقدّمین و متأخرین سنیان
علی الخصوص باب الامامة تحفه عزیزیه است و به الطاف ربانیّه و تأییدات فوقانیّه
منتخبات مکّه معظمه زادهای الله شرفاً و کرامه و منتخبات کتبخانه مدینه منوره علی رافدها
آلاف التحیه الی یوم القیامة و منتخبات کتب نجف اشرف و کربلای معلی و دیگر مواطن
که در وقت حبه سامی در آن بلاد مقدّسه انتخاب کرده بودم، در آن داخل شده،
قریب شروع است. اگر ملازمان عالی اعانتی در طبع این کتاب مبذول فرمایند، مثوبه
اسنی و عایده ابهی در جریده اعمال ملازمان ثبت خواهد شد. و این اعانت دین و
دبّ حریم اسلام، اگر از جناب سامی سرزند، ذکر جمیل علی مرالدهور، ذکر العصور
و تواتر الیالی و الایام و تعاقب الشهور و الاعوام ساری دسائر و جاری دوائر
خواهد شد، و برکت توجّهات باطنیه و عنایات خفیه جناب. طبع این کتاب به هر
حال می شود مگر به اعانت جناب سامی برکت را نداء و سعادت وافر حاصل
خواهد شد که جمال ظاهر به عمدگی کاغذ و رستاق کتابت و حُسن خط، که
موجب رغبت و میلان قلوب می شود، پیدا خواهد گردید. بالجمله در این زمان که
نجوم و شموع زاهده دین رو به افول و خمود آورده، اعانت در طبع این کتاب
فرمودن، احیاء دین و حمایت حق و حفاظت و یاری مذهب و اعلائی کلمه حق
فرمودن است، و جزائی که برین مترتب خواهد شد، جز ارحم الراحمین که می داند،
ان شاء الله به روز قیام اجر آن از ملك العالم خواهد یافت.

اعمال العباد فی عاجلهم نصبك اعینهم فی اجالهم فقط

سجع مهر مربع

«لا إله الاّ الله العلي، عبده مير حامد حسين بن العلامة السيد محمد قلي»



از: میر حامد حسین

به: شرف الدین (?)

خط مسرت نط رسید، خطی که قبل از آن نوشتند متضمن رسید عبقات نرسید. مضامین اگر خواسته باشند اعاده فرمایند. مطاعن معاویّه در تشیید المطاعن، جلد ثانی جدّ امجد طاب ثراه مفصل مذکور است. نسخه چاییه آن موجود نیست.

در جگرانوضلع لودیانه از خدمت مولوی شریف حسین صاحب مع جلد اول تشیید المطاعن به قیمت شاید به دست آید. کتاب مناقب که ذکرش سابقاً نوشته بودند، يك ورق اول آن ارسال فرمایند تا دیده شود که چه کتاب است. اسم آن که تحریر فرمودند شنیده نشد و نه در تصنیفات سیوطی دیده شد. کتبخانه بدرالدوله مفتی مندراس در مندراس در آن بعض کتب که نقل آن می خواهم، موجود است. و با صاحب زاده شان مولوی سعید صاحب تعارف حاصل است. اگر جناب سامی کاتبی را مقرر سازند کس صحیح نویس باشد، گو بد خط باشد، بعض کتب نویسانده شود و جلد حدیث غدیر که مکرر رفته است به کدامی صاحب استحقاق بدهند که این جلد وقف است و هم جلدی که به خدمت شریف رسیده واپس کردن ضرورت ندارد. اگر کدامی کتاب حدیث یا رجال یا مناقب در آنجا به معرض بیع باشد یا نزد کسی صاحب علم باشد، از اسامی آن مع حال مفصل مطلع فرمایند. و از فهرس کتب مطبوعه مندراس هم اطلاع رود، سابقاً صحیفه شریفه و عنیقه انیقه متضمن وعده اعانت در باب عبقات الانوار ورود فرموده، مسرور و مبتهج فرموده بود. غرض عمده در این باب، آن بود که بعض امرا و تجار را که در امور خیر مبالغ خطیر صرف می کنند، اگر ثنیّه و تذکیر کرده شود، غالباً به این امر جلیل الشان که از حقیقت آن واقف نیستند، متوجه شوند و نیز در باب سید ناصر حسین سلمه الله تعالی که پسر بزرگ حقیراند می خواهم فکری کنم که از دو سال نهایت علیل و مریضم، و حیات را اعتباری نه. اگر سفارشی به نام کمشنر لکهنو یا دهی کمشنر باهاس فورت که جهتم وثیقه حسین آباد لکهنوست به ذریعه جناب حاصل شود، شاید کاری برآید. و هر چند درخواست چنین امور با وصف تعارفات ظاهریه مستبعد می نماید، لکن چون غرض از آن محض ترویج دین است، بعض اوقات علاقه باطنی به مراتب بالاتر و مؤثرتر بر تعارفات ظاهریه می باشد.



از: میر حامد حسین

به: سید مظفر حسین صاحب

شفیق مکرّم عنایت فرمای معظّم سید مظفر حسین صاحب زادت الطافه بعد سلام، التماس آنکه قبل از این خطّی به خدمت سامی مرسل شده، ظاهراً تلف شد. خلاصه والدۀ شما عجب بیداد آغاز نهاده‌اند که زبان بیان از آن قاصر است. اهل خانۀ شما اولاً قریب به هلاکت بودند، اینجا آمدند، و به عنایت الهی صحّت حاصل شد. باز نزد والدۀ ماجدۀ شما فرستاده شد. باز اوشان را تنها گذاشته و تزیّی در مآکل و مشرب به غایت رسانیده به مفتی گنج رفتند. این بیچاره باز به مرض مهلك به سبب ناسازی غذا گرفتار شد. همشیره معظّمۀ شما به اصرار و استخاره علی ما سمع مکرّر اهل خانۀ شما را روانۀ خانۀ من ساختند. باز به عنایت الهی، از آن مرض نجات حاصل شد. والدۀ ماجدۀ شما به این سبب نهایت مبغض و ناراض شدند، و نوبت به سبّ و شتم ما مردم به هم رسانیدند و هیچ دقیقه بی‌حرمتی نگذاشتند، چنانچه مکرراً شنیده شد. غرض ما را جای شکایت نیست که در این عالم از کسی توقع نداریم، شما هم از جمله ایشان باشید. لکن عجیب است از سعادتندی و تقوی و ورع و تدبّین و تقدّس و خداترسی و گریه و زاری به خوف باری که شما به آن اتّصاف دارید که راضی شوید بر این ظلم عظیم بر زوجه خود، و این همه مظالم. گویا به چشم خود معین شد و آنچه در آگره بر او رفته، تفصیل بعضی آن زبانی حاجی سید محمد صاحب معلوم شد و هم زبانی دیگر نسوان و رجال که حاضر آنجا بودند. غرض که اطاعت والدۀ در امور غیر محرّمه باید، نه در حرام محض و ظلم بحت که اصلاً شرعاً و عقلاً و عرفاً و جهی از جواز ندارد؛ بلکه چنین اطاعت در شرع محض مذموم و ملامت، بلکه محض مخالفت حیّ قیوم و نبیّ معصوم ﷺ است و حضرات ائمه است. آخر زوجه شما هم از اولاد حضرات معصومین است، رعایت سیادت باید کرد. و از چنین جور و جفا که بر کفّار هم روا نباید داشت، باید گذشت. طرفه این است که با این همه ظلم و حیف، ترانه انصاف و رعایت و لطف و محبّت و خداترسی می‌سرایند؛ یعنی والدۀ شما بی‌باکانه ما مردم را مورد غضب و عتاب می‌سازند.

هر دم آرزو کی غیر سبب را چه علاج ما گذشتیم ز لطف تو غضب را چه علاج

و حالا جناب میر لطف الله صاحب اهل خانه شما را به وطن می‌برند که چاره جز این نیست و معیت با والده شما غیر ممکن. اگر شما چاره داشته باشید، علاج بکنند؛ یعنی همراه خود دارند، یا تدبیری دیگر کنند.

و ائما نشکو حزنی و بثی الی الله، و حسبنا و نعم الوکیل و لا حول و لا قوّة الا بالله العلیّ العظیم، و ما اردت الاّ الاصلاح ما استطعت، و ما توفیقی الاّ بالله.



از: میر حامد حسین

به: منشی کریم علی صاحب

عالی جناب معلی الالقاب عمده الارکان عین الاعیان صدرنشین اریکه اقبال مرجع اهل الفضل و الکمال منشی کریم علی صاحب ادام الله اقبالهم و اجلالهم بعد سلام مسنون شوق، التماس می‌رود که بحمدالله و حسن توفیقه حال فقیر قرین خیر و عافیت است. دیری است که از احوال سامی جناب اطلاع نرسیده، رجاء از توجه و الطاف می‌دارم که از حالات خیریت سمات اطلاع فرمایند، و در این زمان برکت اقتران، طبع جلد ثانی حدیث غدیر از کتاب *عبقات الانوار فی اثبات امامة الائمة الاطهار* که کتابی است حافل و کافل به دفع شبهات جمیع متقدمین و متأخرین سنّیان، علی الخصوص باب الامامة، تحفه عزیزیه است. و به الطاف ربّانیّه و تأییدات فوقانیّه منتخبات مکه معظمه زادها الله شرفاً و کرامه و منتخبات کتبخانه مدینه منوره علی راقدها آلف التحیه الی یوم القیامة و منتخبات کتب نجف اشرف و کربلائی معلّی و دیگر موطن که در وقت حبه سالی در آن بلاد مقدسه انتخاب کرده بودم، در آن داخل شده، قریب شروع است. اگر ملازمان عالی اعانتی در طبع این کتاب مبذول فرمایند، مثویه اسنی و عائده ایهی در جریده اعمال ملازمان ثبت خواهد شد. و این اعانت دین و تشیید ارکان ایمان و قرب حریم اسلام، اگر از جناب سامی سرزند، ذکر جمیل علی مرّ الدهور، ذکر العصور و تواتر اللیالی و الایام و تعاقب الشهور و الاعوام ساری و سائر و جاری و دائر باشد.

و به برکت توجهات باطنیه و عنایات خفیه جناب طبع این کتاب به هر نوع شروع می‌شود، مگر به اعانت جناب سامی، برکت زاید و سعادت وافر

حاصل خواهد شد که جمال ظاهر به عمدگی کاغذ و رساقت کتابت و حسن خط که موجب رغبت و میلان قلوب می شود، پیدا خواهد گردید. بالجمله در مثل این زمان که نجوم و شموع زاهده دین رو به افول و خمود آورده، اعانت در طبع این کتاب فرمودن، احیاء دین و حمایت حق و حفاظت دمار مذهب و اعلاء کلمه حق فرمودن است، و ثواب و جزایی که بر این مترتب خواهد شد، جز ارحم الراحمین که می داند، ان شاء الله به روز قیام اجر آن از ملك العلام خواهد یافت. اعمال العباد فی عاجلهم نصب اعینهم فی اجالهم.

مهر: «لا اله الا الله العلی

عبدہ حامد حسین بن العلامة السید محمد قلی»



از: میر حامد حسین

به: '؟' درباره ملك الاطبا و سید الحکما

بعد ابلاغ تحیات وافره و اسباغ اشواق متکاتره، التماس آنکه جناب حبر المعی و نحریر لودعی، فخر اهل تحقیق، صدر ارباب تدقیق، کاشف اسرار طب روحانی و جسمانی، خائن غمار معالجات برطیه و یونانی، المظهر لعجائب التدریر و العلاج المفصح عن روائع التأثير و اصلاح المزاج المبدی لما هو شبيه بالخوارق و الجرائح الکرامات المتقن المبهر من غوامض الطب و الحکمة بأبهر العقول القادسات ملك الاطبا، سید الحکما جناب السید...^۱ دامت معالیه و بورك ایامه و لیالیه حسب طلب بعض اکابر و اعیان والا شأن وارد آن بلد مجمع اهل ایمان می شوند، به حقیقت بخت حیدرآباد فیض بنیاد در این ایام میمنت انجام بیدار است و آثار ترقی و تعلی و ارتفاع مدارج و ارتقاء معارج آن هویدا و آشکار که اعیان آن مثل چنین وحید عصر

۱. این نامه ظاهراً به صاحب حیدرآباد نوشته شده است. و درباره جد آیت الله العظمی مرعشی

نجفی رحمته الله جناب علامه سید شرف الدین سید علی مرعشی معروف به سید الاطبا و سید الحکماست.

۲. چون ایشان به سید الاطبا و سید الحکما مشهور بوده اند، طبیعی است که اسمشان به خاطر

نیامده و جای آن سفید مانده است.

و فرید دهر را به قدردانی تمام و معرفت نیک انجام و رغبت و میلان و جنوح و رکون مالاکلام طالب و به قدوم میمنت لزوم چنین حاذق دوران و فائق اقران مائل و راغب - فجزاهم الله خیر الجزاء و صانهم و کلاهم من کلّ بؤس و لأواء- و علاوه بر کمال حذق و مهارت و فرید اتقان صناعت و حیازت بصارت و شهرت تامّه در بلاد و امصار و ارتفاع ذکر در نواحی و اقطار جناب سیّد الحکما را بحمدالله و حسن توفیقه نهایت تدبیر و تورّع و خداپرستی و حق شناسی و حبّ ترویج دین و تأیید طریقه حقّه اهل بیت معصومین علیهم السلام و کمال شغف و رأفت بر ضعفای مؤمنین و خلوص نیّت و صفای طویّت و علوّ همّت و سموّ نهمت و جلالت و نبالت خاندان و عظمت بین الاجلّه و الاعیان به مثابه حاصل است که توجّه باطنی ایشان کار دیگر می کند که برای دیگر ارباب عصر کمتر حاصل می شود. ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء، و الله ذو الفضل العظیم.

خلاصه مرجو از اخلاق کریمه و عنایات صمیمه ملازمان عالی آن است که به مفاد القادام یزار، جناب سیّد الحکما را به مقدم شریف مسرور و مبتهج فرمایند که جنابشان از عنایت فرمایان قدیم و شفیقان صمیم این خاکسارانند. هر قدر بذل عنایت در تبجیل و اکرام و اجلال و اعظام و اعلائی قدر و احترام و اشاعت ذکر جمیلشان در میان خواص و عوام خواهند فرمود، عین منّت و احسان بر این کثیر العصیان است، و ان شاء الله تعالی بعد حصول موافات و ملاقات فضائل رائعه و مناقب ناصعه سیّد الحکما دامت مکارمه خود به خود بر ملازمان عالی واضح خواهد شد و مصداق یصغی الخبر عند الخبر ظاهر گردد. و امید از الطاف نامتناهی الهیه آن است که اگر اقامت جناب سیّد الحکما دامت مکارمه در آن دیار اتفاق افتد، برای ترویج شعائر دین و حفظ مؤمنین از امراض ظاهریّه و باطنیّه سببی عظیم و باعشی فخیم پیدا گردد. و ما ذلك علی الله بعزیز ان ارید الاّ لاصلاح ما استطعت، و ما توفیقی الاّ بالله، علیه توکلّت و الیه انیب.

امضای حامد حسین



از: سیّد محمّد نصیر موسوی

به: سیّد ناصر حسین

باسمه سبحانه

جناب سرکار شریعتمدار حجّة الاسلام و المسلمین نجم الملة و الدین، صدر المحققین ادام الله ظلکم العالی علی رؤوس الموالی مادامت الایام و اللیالی به عزّ عرض عالی می‌رساند، که اولاً عمده مطالب استمزاج مزاج سرکار عالی است. و ثانیاً اینکه تعلیقۀ انیقۀ جناب عالی صادر شده، خیلی مرا مسرور کرد، خصوصاً ذکر صحبت فضائل بسیار محظوظ نمود. خداوند عالم سایه عاطفت سرکار عالی را از سر ما خصوصاً و جمیع شیعیان عموماً کم نکند، آمین. از آنجا یک عریضه در هفته محتتمه به جناب سرکار ارسال نمودم، امید که رسیده باشد. روز جمعۀ سابقه، جناب مولوی صاحب هم مشرف شدند و بعضی علما و اعلام را خبر دادند و آن‌ها مرا مشرف فرمودند و اسم‌های بعضی علما که تا امروز مرا مشرف فرمودند، علاوه طلبیه می‌نویسم. سرکار شریعتمدار حجّت الاسلام آقای شیخ الشریعۀ اصفهانی که اعظم علماء آنجا هستند، و در علم رجال خیلی ید طولی دارند؛ و حجّت الاسلام آقا سیّد علی داماد؛ و حجّت الاسلام آقا سیّد مصطفی کاشی که در عربیّه و ادبیّه خیلی ملکه تامه دارند؛ و جناب سرکار آقا شیخ علی آل کاشف الغطاء که در علم رجال و تاریخ نظیر ندارند، و مشغول هستند در تصنیف کتاب مبسوط که ان شاء الله تعالی به سی مجلد می‌رسد، و خیلی اصرار فرمودند که ترجمه جناب جدّ امجد مفتی صاحب اعلی الله مقامه و ترجمه جناب فردوس مآب اعلی الله مقامه و ترجمه جناب سرکار عالی مدّ الله ظلکم العالی را خیلی زود بطلبید تا که درج کتاب که تصنیف می‌کنم، نمایم. و فرمودند که همراه ترجمه، مراسلات و قصائد منتخبه هم بفرستید و خیلی سلام اخلاص و شوق فرمودند. و ان شاء الله، اسم‌های آن کسانی که در این هفته می‌آیند، باز می‌نویسم. و جناب مولوی صاحب قبله کار درس ما سپرد کردند به جناب آقا سیّد جعفر جهرمی که ارشد تلامیذ جناب آقای شیخ الشریعۀ هستند و تلمیذ جناب آخوند مرحوم هم هستند، و خیلی مرد فاضل جید هستند، و به جناب عالی مراسله هم دارند. من هر روز به خدمت ایشان برای درس می‌روم و تقریر ایشان خیلی خوشم می‌آید.

امروز صبح جناب سیّد صاحب مع جمیع همراهیان روانه کربلا شدند، و بعد سه-چهار روز روانه کاظمیه علیه السلام می‌شوند. و من در خانه خودم که به اجاره گرفته‌ام آمدم، و جناب مولوی صاحب قبله هم در همین مکان، بعد دو-سه روز مستقلاً آن شاء الله خواهند آمد همراه بنده.

- و آن کتب را فرمودند که بطلبید، فلهاذا ترجمه و آن کتب خیلی زود بفرستید.
 ۱. *اطباق الذهب*، که نزد میرزا کاظم محمد صاحب هست، مال بنده، طبع بیروت.
 ۲. *رسائل ابوبکر خوارزمی*.
 ۳. *مقامات بدیعی* مشرح، طبع بیروت.
 ۴. *قوانین* و شرح معه، چاپ عبدالرحیم، که آنجا خیلی مرغوب است، می‌خواهم بخرم.
 ۵. *عقبات*، برای تقسیم علماء اعلام.
- و هرچه جناب عالی در کتب ترسّل و ان شاء الله مناسب حال بنده بدانید، بفرستید. در خدمت جمیع حضرات عرض سلام بفرمائید. وقت تنگ است، ان شاء الله تعالی باز می‌نویسم.

عریضه حقیر نصیر، از نجف اشرف،

۲۴ محرم سنه ۱۳۳۱ مطابق ۳ جنوری (ژانویه) ۱۹۱۳



از: تقوی کابلی، سیّد علم الهدی

به: سیّد ناصر حسین

بسم الله الرحمن الرحيم

آستان مبارک حضرت حجة الاسلام بالاستحقاق سرکار آقای آقا سیّد ناصر حسین دامت برکاته علی رؤوس الأنام
الحمد لله الذي جعل الأنبياء أعلام الهداية لقوم يؤمنون و وصل لهم القول بامام بعد امام لعلمهم يتذكرون و الصلاة و السلام على أشرف سفرائه مركز دائرة العرفان محمد المبعوث بكل لسان و على أوصيائه الهادين أمناء الرحمن سيما على المدخر لتجديد الفرائض و السنن القائم المنتظر و الامام الثاني عشر و اللعنة على أعدائهم مادامت السماء مزينة بالشمس و القمر و بعد

سلام على المولى الذى أنا عبده و حق لمثلئى أن يكون له عبداً
 گرچه در ظاهر تاکنون توفیقم رهنمون به عرض عریضه به آستان مقدس
 نگردیده و نتوانسته‌ام در قلب منیر جایی و در ضمیر محبت تخمیر مأوایی گزینم و
 در اثر سوء حظی که لازم لا ینفک من است از مشرب عذب مکتوب خصوصی آن
 آموزگار یگانه لبی تر نکرده لکن به مفاد حدیث شریف الأرواح جنود مجتدة.
 یحییٰ إلیک القلب فی کلّ غدوة و یشغلنی ذکراک کلّ مساء
 و لله درّ من قال

إن كنت لست معی فالذکر منک معی یراک قلبی و إن غیبت عن حضری
 فالعین تبصر من هوی و تفقده و مشاغل القلب لا یخلو عن النظر

محبت و مودت امثال حضرتت که به نیروی بنان و بیان ینفون تحریف الغالین و
 انتحال المبطلین و یحفظون ثغور الدین عن هجوم مردة الشیاطین الذین مدادهم افضل
 من دماء الشهداء و بهم یحیی الله ما درس من آثار الأنبیاء علاوه از فرمان مطاع ﴿قل
 لا أستلکم علیه أجرة الا المودة فی القربی﴾ بر هر کسی واجب و حتم است اینک علت
 این تصدیع علاوه از آنکه موجب فتح باب مکاتبه و سبب استفاده از آثار قلم مبارک
 شیم است آنکه اولاً مکتوب جوف متعلق به حضرت مستطاب نقاد بصیر و نسابه
 خیر السید شهاب الدین الحسینی المرعشی است که ملتتمس ایشان و بنده این است
 که به اسرع وقت جواب او را مرقوم دارید و بر ما منت گذارید ثانیاً سلسله اجازه
 حضرتت را از طریق حضرت والد ماجد متصلاً معنعناً جهت خود حقیر مرقوم
 فرموده با جواب رقیمه سید معظم له به عنوان ذیل سریعاً ارسال فرمائید (ایران
 دولت آباد ملایر الحاج سید علم الهدی النقی القابلی) به ما خواهد رسید در پایان
 عریضه بقای وجود فیاض را خواستار و ارجاع اوامر مطاعه را مترصد و ارسال
 آنچه معروض افتاد در اسرع وقت منتظرم متیناً و متدیلاً این حدیث شریف را که
 در کافی شریف است عرضه می‌دارم ردّ الكتابة واجب کوجوب ردّ السلام مستدعی
 است تاریخ مسافرت اخیر والد ماجد طاب الله ثراه را به اعتاب مقدسه سنه و شهراً
 و یوماً نیز مرقوم دارید علم الهدی النقی.

چون ظن غالب من این است که رساله شریفه شاخه طویی را که از مؤلفات علامه نوری رضوان الله علیه که از والد ماجد سرکار طاب الله ثراه مجازند کتباً و شفاهاً که این رساله در کمال لطافت و ظرافت نوشته شده است و من بحمد الله و حسن اعانته در این اوان ظفر یافته او را استنساخ کرده‌ام و نزد داعی موجود است تا حال ندیده‌اید برای استحضار خاطر مبارك محبراً عرض شد که فعلاً آنچه مستحضرم دو نسخه فعلاً در دنیا بیشتر از آن موجود نیست یکی نسخه اصل به خط مؤلف یکی دیگر نزد دعاگوی است هرگاه میل داشته باشید مرقوم دارید که استنساخ شده ارسال دارم قطراً قرب يك و نیم زاد المعاد قطع کوچک مرحوم مجلسی می باشد تحقیقاً بر حسب بیت نمی دانم.



از: تقوی کابلی، علم الهدی

به: سید ناصر حسین

حضور مبارك حضرت حجة الاسلام بالاستحقاق سرکار آقای سید ناصر حسین دامت برکاته علی رؤوس الآفاق

السلام عليك يا ابن رسول الله و علی آباءك المعصومين المظلومين و علی من لا ذنبك من أهل الدین عجل الله لكم الفرج و الدولة و أسئله أن یرینا فیکم ذلك و فی أعدائکم و مخالفیکم اللعنة و الحزی و الذلّة من العبد المجرّد عن المسّمی و المسّمی العاری عن المفهوم المعترّبة فی المعنی إلى منار التقی و قطب رحاء الفضل و العلی و المجرّد عن قید الهوی.

و صان فی الفحشاء نفساً زکیّةً أبت همّه إلاّ العلی و المعالیاً

له همّة تعلو علی کل همّة كما قد علی بدر النجوم الذراریاً

بعد از تقدیم مراسم اخلاص آنچه سزاوار مقام آن عالی مقام است به شرف عرض می‌رساند که لازال دوام وجود مقدس را بر مسند عزّ ترویج شرع و تکفّل ایتم آل محمد ﷺ الذين انقطعوا عن امام زمانهم از خدای منان خواستار بوده و هستم و ایقنت ان الله یقبل تسألی و أمّا ما ینفع الناس فیمکث فی الأرض سیّدی و ابن سادتی در اوائل شهر محرم عریضه به توسط پست عرض شده است امروز هم که

شنبه نهم ربیع الأول و بنا بر روایت احمد بن اسحاق قمی و بسی روز عید و یوم مبارکی است به این مختصر مصدع شدم که خود را یادآور خاطر عاطر نموده باشم چون جواب از طرف قرین الشرف تا حال نرسیده مذکراً یادآوری کنم که در عریضه سابق عرض شده بود که دو سه نسخه از رساله شریفه / افحام / المحصوم فی نفی عقد أم کلتوم که از آثار قلم شریف است علی ما بلغنا به توسط پست به عنوان مطبوعات ارسال دارید که چشم ناظرین به دیدن آن روشن و قلوب موالی به مطالعه اش خورسند گردد چون اسمی از این اوراق شریفه شنیده شده است و در ایران پیدا نمی شود بعد از تفحص طریق حصولش را منحصر به استدعا از آستان مبارک دانستیم که یک نسخه آن را حضرت مستطاب ملاذ الأنام و سید الفضلاء الأعلام آقای آقا سید شهاب الدین الحسینی المرعشی نزیل قم استدعا کرده بودند کما اینکه در عریضه سابق خط خود ایشان مجوفاً ارسال حضور مبارک شده است و یک نسخه هم برای خود این بی مقدار استدعا شده بود و حضرت حجة الاسلام سرکار آقای حاج آقا حسین طباطبایی دامت برکاته ساکن بروجرد در ضمن بعضی از مکاتیب شان مرقوم داشته بودند بعد از آنکه من ایشان را بشارت به تنظیم این نسخه شریفه داده بودم این معنی را قلمی فرموده اند به دعاگو که اگر این تألیف مبارک رسید به اسرع وقت به من برسانید که زیارتش مشرف شویم این عریضه را راجیاً مستدعیاً در تعقیب عریضه سابق مذکراً عرضه داشتیم که شاید از کثرت مشاغل فراموش شده باشد روی مرسوله همین قدر که مرقوم شود ایران دولت آباد ملایر به علم الهدی نقوی برسد بلا تردید می رسد در خاتمه بقاء آن ذات مقدس را از خداوند سائل و اجابت دعوات آن بزرگوار را در حق خود مایلیم چون گرفتاری و تراکم هموم و غموم نوعی و شخصی دینی و دنیوی فوق العاده متهاجم است فتنه عمیاء و ظلماء ظلمات بعضها فوق بعض إذا أخرج هذه لم یکد یراه الأحقر علم الهدی النقوی به قربانت.



از: نمازی غروی، میرزا فتح الله (شیخ الشریعه اصفهانی)

به: سید ناصر حسین

بسم الله الرحمن الرحيم

سرکار شریعتمدار عمدة العلماء المحققین و زبدة الفضلاء المدققین قدوة الأجلاء
المتكلمین ناصر الملة و الدين آقای سید ناصر حسین وقاه الله من كل ضر و شین و
حباہ بكل ما تقرّ به العین

به عرض می‌رساند امید است ساعات سعادت ایاب و اوقات توفیق سمات
مصروف طاعات و عبادات و قضاء حاجات و ترویج شرع شریف و اعانه لهوف و
ضعیف بوده و باشد رقیمه کریمه کاشفه از کمال لطف و مودت و اشفاق و مرحمت
مسرت بخش خاطر این مهجور گردید و مضامین شیرین نمکین دلنشین مندرجه او
کمال انبساط و بهجت بخشید و دعاگویی که شیوه قدیمه دیرینه این مهجور بود به
مضاعفه انجامید حقیقت آن است که غالب اوقات به ذکر اوصاف حمیده و مصنفات
سدیده مرحومین مبرورین جدّ امجد و والد ماجد و خدمات و زحمات آن دو بزرگوار
در اتقان عقائد مذهب جعفری و ذبّ از مقاصد دین و طریقه اثنا عشری و طلب
مغفرت و رفع درجات آنها و دعاء طول حیات و کثرت توفیق و تأیید و تسدید
سرکار که فعلاً نشر اینگونه امور و کسر ظهور جمهور به آن جناب قائم است اشتغال
داشته از مراتب مرقومه کوتاهی نشده و نخواهد شد ان شاء الله تعالی بسیار بسیار
مشتاق ملاقات هستم مطلب مندرج در کتاب مستطاب امتثال شد از مصنفات
علامه مرحوم جلدین استقصاء الأفحام و دو جلد حدیث منزلت و مجلد باب مدینه
مرسله سرکار و جلد ثانی و ثالث از حدیث غدیر و از مصنفات مرحوم جد کتاب
تشییذ المطاعن نزد این ضعیف حاضر است و از برای فروش هم در این صفحات
یافت نمی‌شود و الاّ خریده شده بود هرگاه بعضی از آنها که اینجا نیست سهل باشد
فرستادن آنها بر سرکار روانه فرمائید کمال متّ بر این ضعیف خواهید داشت ولو
به آنکه قیمت آنها را حواله بفرمائید به آورنده تسلیم کنم یا آنکه از تجار حواله آنجا
گرفته بفرستم زیاده جز التماس دعا در مظان اجابت عرضی نیست و السلام علیکم
و رحمة الله و برکاته.

من الجانی الحاج المیرزا فتح الله الغروی الاصبحانی

المشتهر بشیخ الشریعة عفی الله عن جرائمه الفظیعة



از: سیّد محمد نصیر موسوی

به: سیّد ناصر حسین

باسمه سبحانه

جناب آیت الله فی العالمین حجة علی المجاحدین نجم الملة و الدین صدر المحققین دام
ظلمکم العالی بدوام الایام و اللیالی

به عزّ عرض عالی می‌رساند که فدوی مع جمیع همراهیان بحمدہ تا به حال به
خیریت است و امید از درگاه باری تعالی شأنه این است که سرکار عالی هم به
خیریت باشید. تعلیقہ انیقہ جناب عالی نمره ششم و ہفتم رسید. خیریت مزاج و ہاج
سرکار عالی معلوم شد، شکر خدا به جا آوردم. الحمدلّٰہ کہ من به ہمراہی آن
کسانی کہ در مخصوصی غدیر مشرفّ نشدہ بودند، بہ تاریخ پانزدہم ماہ محرمّ وارد
عتبہ عالیہ نجف اشرف شدم و بحمدہ تازہ صحت یافتہ، اشرف بیگم و اطہر بیگم
سلمہما اللہ تعالیٰ را بہ برکت آن سفر هیچ کسالت ہم پیدا نکردند، و از ہم آن سبب
جناب سیّد صاحب ارادہ دارند کہ قبل اربعین روانہ ہندوستان بشوند و قدم‌بوسی
سرکار عالی حاصل بکنند. و ان شاء اللہ حق سبحانہ، خادم سرکار عالی را ہم با
مراد بہ شرف قدم‌بوسی مشرفّ بکند و سرکار عالی را مشرفّ بہ آن عتبات عالیات
بکند، بہ حقّ الحقّ و نبیّ المطلق، آمین ثمّ آمین. علماء آنجا حالا برای دید بندہ
نیامدہ اند، چرا کہ حالا مولوی شبیر حسن صاحب قبلہ حالا آنجا تشریف نیاوردہ اند
از کربلا، و فرمودہ بودند کہ تا من نیایم، هیچ کس را اطلاع نخواہد کرد. امروز یا
فردا مولوی صاحب تشریف می‌آورند. باقی ہمہ بہ خیریت ہستند. جواب خطّ
میرزا کاظم محمد صاحب در ہفتہ آیندہ می‌نویسم.

عریضہ حقیر نصیر، از نجف اشرف، ۱۷ محرمّ سنہ ۱۳۳۱



از: نقوی کابلی، سیّد علم الہدی

به: سیّد ناصر حسین

بسم اللہ الرحمن الرحیم

آستان مبارک حضرت حجة الاسلام مطلق آقای آقا سیّد ناصر حسین دامت
برکاتہ علی رؤوس الأنام

سلام من السلسال و الشهد أعذب و من نفحات المسك أحلى و أطيّب
 على ذى جلال لست أحصى ثنائه و إن كنت ملئى الدهر أملئى و أكتب
 سلام عليك يا ابن رسول الله و على آبائك عجل الله لكم الفرج و النصره و أسأله
 أن يرينا فيكم السرور و الحبور و أن يمكّننا لدولتكم و يشرفنا فى عافيتكم.
 و بعد القى إلى كتاب كريم من لدن حبيب عليهم همانا چون آب حیات بر ارض
 جرز دل نازل فاهتزت و ربت دل را نور و خاطر را سرور بخشید هر حرفش مفتاح
 فلاح و هر نکته‌اش موجب نجاح جوابی که راجع به حضرت مستطاب علامه نسّابه
 سیّد شهاب الدّین مرعشی دامت برکاته بود رسانده و اینک نیز این رقیمه از ایشان و
 اجمالاً عرض می‌کنم این سیّد بزرگوار شایسته هرگونه ابراز لطف و اظهار مرحمت و
 محل انواع کرامات و در خور هر نوع مکرمت است.
 و عریضه که قبلاً تقدیم داشته بودم هرچند در جواب به ارسال اجازه سرافراز و
 مفتخرم فرموده بودید ولی مسئول این داعی غیر از آن بود که اکنون نیز معروض
 می‌افتد.

۱. سلسله اجازات حضرتت را از والد ماجد خواسته بودم خواهشمندم که اجازه
 خودتان را از مرحوم والدتان تا به معصوم مرقوم فرمائید.
۲. آخرین دفعه که مرحوم والد ماجدتان به اعتاب عالیات تشرف یافته‌اند چه
 سالی بوده تاریخ آن را مرقوم فرمائید که این هر دو محل حاجت است.
 در خاتمه سلامت وجود فیاضت را خواهانم جواب مکتوب به آدرس ذیل ارسال
 گردد با جواب مراسله آقای مرعشی. (ایران، ملایر، علم الهدی النقوی الکابلی) به
 تاریخ دوم ذی قعدة الحرام ۱۳۵۲.



از: نمازی غروی، فتح الله (شیخ الشریعه اصفهانی)
 به: سیّد ناصر حسین

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض می‌رساند امید آنکه ذات با برکات کثیر الخیرات آن جناب که از اعلام
 بلاد و ادلاء رشاد و مشیّدین طریقه حقّه و افتخار طائفه محقه و سیف مسلول

و غضب مصقول بر اهل ضلال و الحاد و ناکبین از صواب و سداد و راکبین غی و فساد است پیوسته مهذب شمائمه اقبال و مبسم ازهار آمال مصون از فتنه عین الکیمال محفوظ به حفظ حضرت ذی الجلال بوده و باشد اگرچه تاکنون به انفاذ خطابی و ارسال کتابی از آنجا و عرض عریضه و اظهار ذریعه از این ضعیف اقدامی نشده الا آنکه بصیر ما فی الضمیر و خبیر به تقیر و قطمیر آگاه و گواه است که این داعی دائم وظیفه دعا را مراعی و در تقدیم به لطیفه ثنا قائم و ساعی بوده مساعی جمیله جلیله مرحومین مبرورین جدّ امجد و والد ماجد قدس الله تربتهما اللطیفه در تشیید مذهب جعفری نه به حدی است که تا دامنه قیامت کسی را از آنها غفلت و نسیانی رو دهد و از قرار مسموع فعلاً قائم به این سنت سنیه و طریقه انیقه شخص سرکار هستیید معلوم است دعاء امتداد و طول عمر آن جناب تالی فرائض است ضمناً زحمت می دهد که اجزاء رصینه متینه متعلق به حدیث باب مدینه شرف وصول بخشد و غایت نشاط و سرور و ابتهاج و حبور روی داد لا جعله الله آخر العهد منّا بمثل هذا الاکرام و حفکم بانواع الفضل و الانعام.

من العاصی الجانی فتح الله الغروی
الاصبهانی المدعو بشیخ الشریعة
عفی الله عن جرائمه الفظیعة



از: میر حامد حسین

به: مولوی سید شریف حسن خان صاحب

عالی جناب حاوی الفضائل و الفواضل عمدة الاجلّة و الامائل دامت مکارمکم الشریفة

بعد سلام و نیاز، عرض آنکه شنیدم که کتبخانه مظفر حسین خان را اولادشان می فروشد و ارزان می دهند به سبب بی قدری. هرچند به سبب آنکه وقف است علی ما سمع، قیمت ارزان دادن مشکل، لکن به سبب شوق به خدمت عرض است که اگر به خدمت مولوی علی حسین به الحاح و مبالغه در این باب تحریر فرمایید، شاید بعض کتب به دست آید. هر قیمتی که مقرر شود، از نزد خود عنایت سازند،

حقیر فوراً ارسال خواهم ساخت. لکن غالباً به اخفا فروخته باشند، پس تدبیری فرمایند که جناب مولوی صاحب ممدوح نام خود ظاهر نفرمایند، به واسطه کسی اخذ فرمایند. غرض بر تدبیری که مؤثر شود به عمل آید، و الشاهد یری ما لا یراه الغائب. اسماء کتب مطلوبه که به عاریت می خواستم، سابقاً نوشته ام و باز می نویسم و مشخص برایم نیست، بلکه برای کتب مذهب اهل حق و عقلیات هم اگر سیر شود، آن را هم خواهم گرفت.

در این باب، هر قدر سعی و کوشش خواهند فرمود، مت و احسان آن، تمام عمر فراموش نخواهد شد، و اجر جزیل و ثواب جمیل از ربّ جلیل که توقع آن است، خود بی حساب است، فقط.

حامد حسین



از: میر حامد حسین

به: نواب سید محمد علی خان صاحب

...

عالی مناصب والا مناقب عمدة الاجلة و الاکابر جناب نواب سید محمد علی خان صاحب دام مجدکم

بعد سلام مسنون شوق مشحون، التماس خطی قبل از این به خدمت به ذریعه مولوی سید غلام عباس صاحب روانه شده، یقیناً جناب سامی نظر به اتحاد و روابط و مراسم قدیم و جدید، صلاح و مشورت و خیال و تعظیم و تکریم مولوی صاحب موصوف کرده باشند، و نیز در امری که مخصوص برای آن مولوی صاحب را فرستاده ام، هر آنچه در امکان جناب خواهد بوده سعی و کوشش خواهند فرمود. با این همه مکرر التماس است که جناب نواب صاحب والی خیرپور سنده، نواب محمد علی مراد خان صاحب بهادر دام اقبالهم مدت پنج-شش سال است که به موجب درخواست جناب مولوی رجب علی خان صاحب بهادر مرحوم چند رویه ماهانه

وظیفه مقرر کرده بودند. مگر هنوز نوبت وصول نیامده، حالا چون جناب نواب صاحب بهادر دام اقبالهم در دهلی تشریف آورده‌اند، اگر صورتی پیدا شود، موجب اطمینان گردد. و چون کار من عین کار ذات عالی است، لهذا هر قدر در آن کوشش و سعی از ملازمان ممکن باشد فرمایند که موجب منت خواهد شد. زیاده تحریر و تأکید هم فضول می‌دانم. ملازمان را خود هر وقت خیال من می‌باشد. و السلام خیر ختام.

حامد حسین عفی عنه

۱۳ من ذی حجّة سنة ۱۲۹۳



از: میر حامد حسین

به: سیّد عبدالرحیم صاحب

۱...

میر صاحب شفیق و مهربان، عنایت فرمای نیازمندان سیّد عبدالرحیم صاحب دام مجدهم

بعد سلام مسنون شوق مشحون، التماس اینکه زمانه گذشته که از حالات آنجا اطلاع نشده، مولوی سیّد غلام عباس صاحب که از خلص احباب و معتمدین نحیف هستند، به ذریعۀ ملتسمه، حاضر خدمت خواهند شد. زحمت فرموده از جمله حالات آنجا مطلع فرمایند که اطمینان شود، و نیز اگر مولوی صاحب در امری از امور از ملازمان استشاره فرمایند، ملازمان سامی در آن توجه خواهند فرمود.

و نواب علی مراد خان صاحب مدتی هست که برای نحیف وظیفه مقرر فرموده بودند و تا حال خبری از آن وصول نشده. مولوی سیّد غلام عباس را برای تحریک این امر زیاده‌تر فرستاده‌ام که تدبیر وصول آن نمایند. پس ملازمان عالی هم در این باب توجه فرمایند، و هر آنچه صلاح و مناسب می‌باشد، موافق آن، مولوی صاحب

تلقینی فرمایند، و خود به ذریعه وسایل و وسایط خود هم هرآنچه در امکان باشد،
کوشش فرمایند، فقط. مصدق حسین سلام می‌رساند

حامد حسین عفی عنه

۸ من ذی حجة سنة ۱۲۹۳



از: میر حامد حسین

به: مولوی سیّد حسین صاحب

...

جناب مولوی صاحب عمدة الاعیان مرجع الاماثل و الاقران جناب مولوی سیّد
حسین صاحب دامت معالیکم

بعد سلام مسنون شوق مشحون، التماس اینکه خطی به خدمت عالی به دست
مولوی سیّد غلام عباس صاحب روانه کرده‌ام. چنانچه از تحریر مولوی صاحب
دریافتم که به خدمت واصل شد. اگرچه به مقتضای محبت و عنایت سامی امید قوی
است که برای امری که مولوی صاحب گفته باشند کوشش در آن خواهند فرمود،
لاکن مکرر التماس است که جناب نواب علی مراد خان صاحب بهادر دام اقبالهم
والی سنده مدت پنج سال می‌شود که برای نحیف و وظیفه چند رویه ماهانه مقرر
کرده‌اند، مگر تا حال وصول نشده. اگر ملازمان عالی اندک توجه فرمایند و اوفی
کوشش نمایند، این امر انفاذ یابد و علی الدوام جاری مانده موجب اعانت و حمایت
مذهب شود. و اگر ممکن باشد از جناب گردون رکاب جناب نواب مختار الملك بهادر
در این امر استعانت فرمایند که اگر این جاری شود، گویا آب از دریا بخشیدن است.
بالجملة از ذات عالی امید قوی است که هرآنچه در این باب ممکن خواهد شد، در
آن دریغ نخواهند فرمود. و السلام خیر ختام.

حامد حسین عفی عنه

۱۳ من ذی حجة سنة ۱۲۹۳



از: میر حامد حسین

به: دیوان صاحب

جناب ینبوع المحاسن والمآثر، عمدة الاجلة والاکابر جناب دیوان صاحب دام اجلالهم بعد سلام مسنون شوق مشحون، التماس آنکه سابقاً ملتمسه ارسال خدمت عالیہ کرده بودم، غالباً فائز خدمت شریف گردیده. مبالغی که سالانه عنایت می‌شود از آن رفع بعض ضروریات می‌شود، و بالفعل ضرورت عدیده در پیش است، از آن جمله آنکه قریب یکصد و پنجاه صفحه کاپنی (?) بلکه قدری زائد از حدیث منزلت نوشته شده، لکن خرج طبع آن مهیا نشده. پس در این باب و نیز دیگر مصارف مثل آن، ان شاء الله تعالی صرف خواهد شد، اگر مبالغ سالانه عنایت شود. و چون برای اعانت دین این مبالغ عنایت می‌شود، لهذا در یاددهی آن جسارت رفت و الاّ خلاف دأب بود، فقط.

حامد حسین عفی عنه



از: میر حامد حسین

به: مولوی سیّد شریف حسن خان صاحب

...

جناب مولوی صاحب حاوی الفضائل السنّیّه و المناقب البهیّّه مولوی سیّد شریف حسن خان صاحب دام مجدّم بعد سلام مسنون شوق مشحون، التماس اینکه در این ولا مولوی سیّد غلام عبّاس صاحب که از خلّص احباب و معتمدین هستند، معہ پروانه سنده و هدیّه عبقّات و خط برای جناب والی سنده بهادر دام اقباهم می‌رسته. امید که ملازمان عالی هم در این باره توجّه بلیغ فرمایند و چنان شود که اجرای و انفاذ این وظیفه گردد. در این باب هر قدر مساعی ممکن باشد، خواهید فرمود، فقط.

حامد حسین عفی عنه

۸ من ذی حجّة سنة ۱۲۹۳



از: میر حامد حسین

به: مولوی سیّد شریف حسن خان صاحب

جناب مولوی صاحب حاوی الفضائل و الفواضل دامت الطافهم

بعد سلام، التماس آنکه بحمدالله و حسن توفیقه طبع جلد ثانی حدیث غدیر از کتاب عبقات الانوار شروع شده است. و جلد اول حدیث غدیر غالباً به خدمت رسیده یا از جگر انوضلع لودیانه طلب فرمائید. به سبب کمی سامان و اسباب در طبع جلد ثانی بزودی رو می دهد. اگر موقع به دست آید، تصدّق علی خان صاحب را در این باب یاددهی خواهند کرد، یا کسی دیگر را اگر مناسب باشد، ترغیب و تحریص بر اعانت در این باب خواهند نمود و المجالس بالامانة، فقط.

حامد حسین عفی عنه



از: میر حامد حسین

به: مولوی سیّد مقربّ علی صاحب

...

جناب مولوی صاحب حاوی الفضائل و الفواضل عمدة الاجلّة و الامثال جناب

مولوی سیّد مقربّ علی صاحب دام مجدهم

بعد سلام شوق، التماس اینکه دیروز خطّی به نشان پتیاله روانه کرده‌ام. در این زمان مولوی سیّد غلام عباس صاحب که از خلّص احباب و معتمدین نحیف‌اند، برای کوشش وصول وظیفه مقررّه سنده می فریسم، به خدمت عالی هم خواهند رسید. از جناب سامی در این باب هر آنچه استشاره و غیره نمایند، جناب سامی در آن توجّه خواهند فرمود. و السلام خیر ختام.

حامد حسین عفی عنه

۸ من ذی حجّة سنة ۱۲۹۳



از: میر حامد حسین

به: رضا حسن خان صاحب

۱...

جناب عالی مناصب والا مناقب عمدة الاعیان و الاکابر منبع المحاسن و المفاخر
جناب رضا حسن خان صاحب دام مجدهم
بعد سلام مسنون شوق مشحون، التماس اینکه مولوی سیّد غلام عباس صاحب
به خدمت عالی به ذریعۀ رقیمه خواهد رسید. اگر در امری از امور از ملازمان عالی
استشاره نمایند، توجّه خواهید فرمود. و السلام خیر ختام.

حامد حسین عفی عنه

۸ من ذی حجّة سنة ۱۲۹۳



از: سیّد حسن بن ابی القاسم طباطبائی

به: سیّد ناصر حسین

حضور مبارک حضرت مستطاب عماد العلماء الاعلام، سناد الفقهاء الکرام ناصر
الملّة و الدّین

حجت الاسلام و المسلمین، قبلة الانام آقای مولوی آقا سیّد ناصر حسین دامت برکاته

به تاریخ ۲ رجب المرجّب ۱۳۳۵

سیّدی و مولای ادام الله ظلکم العالی

به شرف عرض اقدس حضرت مستطاب عالی می‌رساند، بعد ابلاغ تسلیمات
خالصه وافیّه و اهداء ادعیۀ زاکیۀ صافیّه، آنکه از آنجایی که عرایض متعدّدۀ ارسال
حضور مبارک شده که غرض اصلی و مقصد کلی استعمال از صحّت و سلامتی ذات
شریف با برکات آن جناب بوده به مقصود خود نائل نگشته و به وصول تعلیقۀ
مبارکه مفتخر نشده، حتّی دو ماه قبل هم دو طغری عریضه در مقام تسلیت از
والدۀ مرحومۀ مکرمه اعلی الله مقامها و در تهنیت عروسی و شادی جناب آقای

عماد العلماء الاعلام و سناد الفقهاء الكرام، ملاذ الانام ثقة الاسلام آقا سيّد محمد نصير دام فضله السّامی انفاذ حضور مبارك شد مع يك طغرى عريضة از برای خود ایشان ايضاً، مرام حاصل نشد. اگرچه يقين دائم از راه عدم لطف نبوده، بلکه سه طريق مانع بوده، فعلاً طريق بغداد مفتوح، و عذر مرتفع، به نگارش اين عريضة مبادرت نموده، مصدّع اوقات شريف می‌گردم. مأمول از الطاف و مراحم آن سيّد و مولای خود - دامت برکاته - جز اعلام از حالات خجسته آیات حضرتش نمی‌باشد. اميد چنان است که مرحمت فرموده، دو کلمه دستخط در خصوص حصول آمال و انافی این مخلص از آن ناحیه عالیّه پر فيض نائل شوم. پیوسته این مخلص به وظیفه خود که بیان اوصاف حمیده و خصایل پسندیده و مراتب شوون معظمّ به قدر مقدور خودم در محافل و مجالس دوستان و شیعیان مولای متّقیان مترنّم و در هنگام تشرفّ به عتبه‌بوسی سلطان مظلومان حضرت ابی‌عبدالله الحسين ارواحنا له الفداء و روضه مبارکه ماه بنی هاشم علم بردار، حضرت ابی‌الفضل عليه السلام مخصوصاً از آن جناب متذکّر است.

مراسله حضرت ملاذ الانام حجت الاسلام و المسلمین عماد الملة و الدین آقاي آقا سيّد محمد صادق طباطبائی دامت برکاته، و متّع الله المسلمین بطول بقائه به نام نامی و اسم گرامی آن جناب مرقوم فرموده‌اند، در جوف عريضة ملحوظ نظر عنایت اثر خواهد گردید.

استدعا از مراحم و الطاف کامله سيّد و مولای خود آنکه مکاتیب جوف را به ملازمان حضور مبارك امر فرموده ایصال دارند. خاصّه مکتوبی که از برای سرکار عظمت مدار نواب رامپور دام اقباله العالی است ایصال دارند. از آنجایی که بسیار شاقّ و صعب بود ایصال به سرکار ایشان، لذا زحمت افزا شد. ایّام افاضت و افادت مستدام باد. و متّع الله المسلمین بدوام خلودکم الی يوم القیام.

جواب را مرحمت فرموده رأساً ارسال بفرمایند بغداد، به توسط عمدة الاخيار خیر الحاج و العماد حاج حسین ترک، ایشان از برای بنده ارسال می‌دارند به کربلائی معلی. الداعی حسن بن ابی‌القاسم الطّباطبائی

[و اثر مهر ایشان]



از: سیّد عبدالحسین طباطبائی

به: سیّد ناصر حسین

محضر انور حضرت مستطاب علم الاعلام و ملاذ الانام ثقة الاسلام و مروّج شریعة جدّه سیّد الانام حجت الاسلام آقای آقا سیّد ناصر حسین دامت برکاته سیّدنا و ملاذنا و مولانا اطال الله بقاءك و متّع الله المسلمين بطول بقاءك به عرض عالی می‌رساند، همواره از خلاق عالم مسئلت می‌نمایم که ظلّ ظلیل آن خداوندگاری را بر سر قاطبه اسلام و اسلامیان باقی و مستدام بدارد. همیشه اوقات از شاردین و واردین استفسار حالات حضرت مستطاب عالی را بنموده و از بشارت صحت آن ذات مقدّس دامت برکاته شکر و حمد حق را بنموده، امیدوارم که همیشه اوقات موفق و مؤید در تشیین دین مبین و آئین خیر المرسلین ﷺ بوده باشند. و چنانچه از احوالات این طرف استعلام فرمایند، تفصیل موکول است به حضرت مستطاب ثقه المسلمين الاعلام آقای حاجی سیّد احمد استرآبادی - دام فضله - و بحمدالله نعمت امنیّت برقرار است در جمیع نقاط عراق. محض اظهار اخلاص واقعی و ارادت قلبیه به این مختصر عریضه مصدّع اوقات مبارک شدم. ایام افاضت مستدام باد.

الداعی عبدالحسین الطّباطبائی

۲۳ ذی القعدة سنة ۱۳۳۶



از: سیّد محمد کاظم طباطبائی یزدی

به: سیّد ناصر حسین

ششم شهر ربیع الثانی ۱۳۲۳

جناب مستطاب ملاذ الانام شریعتمدار، عمدة العلماء الفخام سرکار مولوی سیّد ناصر حسین صاحب دام فضله

عرض می‌شود، ان شاء الله تعالی مزاج شرافت امتزاج آن جناب مستطاب سلیل الاطیاب عالی سلمه الله تعالی در کمال صحت و اعتدال است. امیدوارم که همواره اوقات در ترویج شریعت مقدّسه ساعی باشید. بعد، مقصود از مزاحمت آن جناب

این است که بعضی اعمال خیریه سرکار جلالت مدار اجل اکرم والی رامپور دام اجلاله العالی در نجف اشرف به دست جناب سلیل الانجاب آقا سید محمد کمونه طاب الله ثراه بوده، از چراغ و سایر اعمال خیریه. حال چون که آقا سید محمد مشارالیه وفات و به رحمت ایزدی پیوسته، والد ماجد بزرگوارش جناب مستطاب سلیل الاطهار آقای حاجی سید علی کمونه، خادم المحضرت الحیدریه دام بقائه موجود هستند، و در زمان حیات مرحوم آقا سید محمد، خود جناب حاجی سید علی مباشر بوده بر این عمل خیریه، و فعلاً هم خود جناب حاجی سید علی مباشر است و مشغول هستند در اجراء آنها، مجملأ متوقعم که جناب عالی زحمت کشیده این امر را به اسم جناب حاجی سید علی کمونه، خادم آستانه مبارکه، درست نموده و امرنامه به اسم جناب معزّی الیه صادر نموده، ارسال نمائید، ان شاء الله مسامحه نفرمائید.

جناب حاجی سید علی، بسیار آدم خوب و درست رفتار و خوش کردار هستند. و همیشه اوقات از سلامت مزاج مبارك اطلاع داده، اینجانب را مسرور بفرمائید. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

الاقل سید کاظم یزدی الطباطبائی

کتب مرسله به توسط مرحوم آقا سید محمد کمونه واصل نشد و معلوم نیست که چه شده است، معلوم باشد.

الاحقر محمدکاظم الطباطبائی



از: سید صدرالدین، سید اسماعیل موسوی عاملی

به: سید ناصر حسین

خدمت ذی سیادت جناب مستطاب شریعتمدار، عمدة العلماء الراشدین، ثقة الاسلام، ظهیر المسلمین، السید السند، الاجل المعتمد حضرت مولوی سید ناصر حسین دامت برکاته الشریفه

بسم الله الرحمن الرحيم و به تفتی

به عرض می‌رساند، اولاً ان شاء الله موفق به توفیقات ربانیه و مؤید به تأییدات سبحانیه صحیحاً سالمأ مشغول ترویج شریعت مطهره خواهید بود. ثانیاً جناب

مستطاب شریعتمدار ملاذ الانام ثقة الاسلام قرّة العین مسعود، آقای آقا شیخ محمود دام علاه نجل جلیل مرحوم علیین مکان آیت الله آقای حاج میرزا حسین طهرانی نجفی قدس سرّه به واسطه سدّ ابواب در این سنین محاربه و ضرریات وارده و جمعیت عیال و کثرت گرانی، مبلغی خطیر مقروض و امورشان در کمال سختی پریشان شده، لهذا مجبور به مسافرت گردیدند که شاید به عنایات ربانیّه و توجّهات ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین اصلاح پریشانی امور و اداء دیون و حلّ مشکلاتشان بشود. همت و سعادت و بزرگی جناب عالی و حقوق عظیمه مرحوم آیت الله بر عموم مسلمین مقتضی است که بذل توجه مخصوص و پذیرائی قابل لایق که در خور شأن جناب معزّی الیه و سرکار عالی باشد، در اصلاح امورشان بفرمائید که باعث مزید عزّت و سعادت و خیر دنیا و آخرت خواهد بود، و اینجانب هم مخصوصاً در اعتاب مقدسه متبرکه، سرکار را از دعا فراموش نمی‌کنم، ان شاء الله تعالی. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

الاحقر ابن صدر الدین العاملی
[و محلّ مهر: عبده اسماعیل الموسوی]



از: سیّد محمد کاظم یزدی طباطبائی

به: سیّد ناصر حسین

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب سیّد العلماء الاعلام مروّج شریعة جدّه سیّد الانام ملاذ الاسلام آقای مولوی سیّد ناصر حسین دام تأییده بعد از دعای مزید توفیقات و تأییدات دینیّه و تقویت شریعت مقدسه نبویه و احوال پرسی، اظهار می‌دارد آنکه از قرار معلوم دو مقبره است در کربلای معلی: یکی مقبره مرحوم اعتماد علی خان، و دیگری مقبره مرحوم داراب علی خان. و ظاهراً امر آن راجع به جناب عنبر علی خان می‌باشد. سابقاً به وساطت مرحومه حاجیه بی بی عجمی دائر بوده، و فعلاً چون امورات آن مرحومه من باب الوصایه راجع به جناب مستطاب شریعت مآب سیّد الافاضل الازکیاء و مروّج

شريعة الغراء قره العين محترم آقاى آقا سيّد مصطفى كشميرى سلمه الله است، مناسب آن است كه هر اين دو مقبره هم در كربلاى معلّى راجع به ايشان شود. و مرجو از محبت جناب عالى آنكه اهتمام تامّى در اين خصوص بفرمائيد و از قبل اين جانب هم به جناب عنبر على خان ابلاغ نمائيد كه اين دو مقبره به وساطت آقاى معظّم له در كربلاى معلّى دائر باشد كه ضمن حفظ شئونات جناب ايشان شده باشد و آسوده خاطر مشغول به وظائف مشروعه خودشان باشند. زاد الله فى تآييداكم، و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

محمد كاظم الطباطبائى

[و اثر مهر]



از: ابن صدرالدين، سيّد اسماعيل موسى عاملى

به: سيّد ناصر حسين

۲۳ شعبان المعظّم ۱۳۲۴

خدمت جناب مستطاب شريعتمدار صديق افتخار ملاذ الانام، مرجع الاحكام، آقاى مولوى سيّد ناصر حسين صاحب متّع الله المسلمين بطول بقاءه به عرض مى‌رساند، ان شاء الله تعالى مدام در حفظ و حراست حضرت ملك علاّم عز اسمّه مؤيّد به ترويج دين مبين حضرت خاتم النبیین صلى الله عليه و آله اجمعين بوده، كافه انام از خواص و عام پيوسته مستفيض و مستفيد باشند. مدّتی گذشته كه به عريضه‌نگارى مصدّع اوقات جناب سامى نگرديده، نوشته جناب سليل الاطياب آقا سيّد محمد مرتضى سلمه الله تعالى چند ماهى قبل از اين خدمت جناب سامى فرستاده، هر قدر جويًا گرديده، خبرى از وصول آن نوشته، به ايشان نرسيده، اكنون بهانه جسارت به عريضه، پس از استعلام و استخبار از سلامتى مزاج وهّاج جناب سامى اين است كه صاحب والا نواب كامياب آقاى محمد محسن خان مطالبى در نظر دارند، و استدعاى انجام مرام از آن مرجع العام و الخاص دارند. رجاء واثق آنكه ملازمان سامى توجهى كامل و عنايتى شامل فرموده، مقاصد ايشان را به كف كفايت آن ملازمان كه موجب صلاح و سداد است انجام فرمايند. الحق جناب نواب

در عراق بسیار گرفتار گردیده‌اند، رفع ابتلاآت ایشان باید بشود، و بودن آن در کمال به موقع مورد است. ان شاء الله تعالی پیوسته منتظر اعلام سلامتی و هرگونه فرمایش و از انتظار در آوردن جناب آقا سید مرتضی می‌باشد. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

حرره الراجی ابن صدرالدین عاملی



از: حسینی شهرستانی، سید هبه‌الدین

به: سید ناصر حسین

از بمبئی ۲۳ شوال سنة ۱۳۳۱

حضور مبارك حضرت مستطاب شریعتمدار ثقة الاسلام علامه العلماء الأعلام نصیر الدین صدر المحققین جناب مولانا آقا سید ناصر حسین صاحب مدّ ظلّه العالی السلام علیکم و علی من لدیکم و رحمة الله و برکاته، علیه توکلنا بعد تقدیم شعائر ارادت و اخلاص و گزارش سلام و ستایش زحمت‌افزا می‌شود ان شاء الله تعالی وجود فیض نمود هماره از کافه مکاره محفوظ و به کلیه عنایات الهی محظوظ بوده و خواهد بود ضمناً تشکرات صمیمانه خود را از عنایت مدینه العلم عبقات الأنوار که عبقات انوار مدینه العلم بود تقدیم می‌نمایم.

چنانچه از تشریف‌آوری جناب برای مواده فقیر نهایت امتنان را حاصل فرمود فی الحقیقه این تشریف‌آوری نه تنها فقیر را موجب مزید تشکر و افتخار شد بلکه دفع يك غائله موهومه را نیز نمود کما اینکه اولین زیارت جناب بسیار تقویت خیال و عقد آمال به جهت اصلاح احوال قوم ضعیف ما کرده بود افسوس که سوء اخلاق بعض حاسدین و سوء افکار بعض مفسدین چاه راه گردید شرح این جمله مجمله موکول بر آن قریحه وقاده است البته ضمیر منیر از تحریرات و تقریرات این فقیر دریافته‌اند که عمده توجهاتم خاصه در این سفر بر خطر سوی ابطال مساعی مضلین نصارا و تنبیه غافلین مسلمین بوده و هست ان شاء الله تعالی و دشمنان هوشیار ما بیدار اقوال و اعمال این فقیر هستند لهذا هیچ از مکاید و مصاید آنان مأمون نیستیم که جماعتی را خفیه مقرر بنمایند برای القای اختلاف و تنافر بین علمای دین

و رؤسای مسلمین تا که هر يك از ایشان قوای مالی و حالی و مقالی خود را در اضمحلال دیگری صرف نماید و به علاوه انشغال علمای اسلام از معارضه دسایس اجانب خود به شمشیرهای خود یکدیگر را تباه نمایند و از برای آن ملاعین کفره میدان بدون زحمت خالی شود چنانچه تاریخ قدیم هندوستان و تاریخ جدید ترکی و ایران مصدق این عرض و محقق این فرض است.

فَللّٰهُ الْحَمْدُ كَمَا صَفَّاهُ أَنْ قَلْبٌ تَصْفِيهِ هَذَا آبٌ كَلٌّ وَ حَلُّ هَذَا مَشْكَالٌ رَاغِمًا عَلٰى
انوف الأغيار بنمود شعر

مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز دست غیب آمد بر سینه نامحرم زد
البته اختلاف آراء نظریه متاع رایج اسواق علمای آفاق بلکه مجبول علیه اقوام
بشر است علی الاطلاق و هرگز منشأ تنافر قلوب و جدایی حبیب از محبوب و
اصغاء برای هر حاسد یا مفسد نخواهد گردید إن شاء الله تعالی.

باری مزید توفیقات جناب را همواره از حضرت احدیت خواستارم و به جهت
نجاح مقاصد و قبولی اعمال و سلامتی از آفات التماس دعا دارم چنانچه اتصال
سلسله تراسل و تواصل را در هر زمان و هر مکان امیدوارم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اقل خدام الشریعة الطاهرة هبة الدین الحسینی الشهرستانی

ضمناً پوشیده نباشد که سرور مکرم اخوی کوچک مرحوم حجة الاسلام و
المسلمین آقای آقا سید محمد باقر کربلایی قدس سره که نام شریف ایشان آقای آقا
سید حسن می باشد مدتی است به سبب کثرت دیون از عراق متوجه به این آفاق
شده بودند و به علاوه ابتلائی که در اغتراب کشیده اند خبر فوت مرحوم مرقوم
بسیار در ایشان مؤثر و این ایام عزم تشریف خدمت را داشتند و البته هنگام ملاقات
مراتب فضل و بزرگی و نجابت ایشان بر جناب پوشیده نخواهد ماند و بدیهی است
که الطاف عمومی جناب درباره ایشان خصوصیت خواهد یافت و السلام علیکم.



از: موسوی عاملی، سید صدر الدین صدر بن سید اسماعیل

به: سید ناصر حسین

بسمه تعالی

حضور حضرت مستطاب عماد الشیعة و ناصر الشریعة عمدة العلماء الأعلام و صفوة الفقهاء العظام سرکار شریعتمدار مولوی سید ناصر حسین صاحب آدام الباری ظلّه العالی علی رؤوس الأدانی و الأعالی

عرض می‌شود بعد از سؤال از سلامتی وجود شریف و دعای ازدیاد عمر و عزت سرکار سامی آنکه رقیه کریمه که یک جهان لطف و یک عالم مرحمت بود شرف وصول ارزانی داشت از سلامتی وجود مبارک نهایت مسرت حاصل گردید و از خبر وحشت اثر فوت آقازاده محترم زیاده از حد افسرده خاطر شدم و در این مصیبت شریک هم و غم سرکار عالی گردیدم خداوند عز شأنه را به مقریان درگاهش قسم می‌دهم که اجر جمیل و صبر جزیل به حضرت عالی و من یتعلق بکم کرامت فرماید و از عوض آنچه گرفته است مرحمت فرماید ﴿ان الله لا یخلف المیعاد﴾ و آقازاده محترم موجود را طول الله عمره را در تحت ظل ظلیل حضرت عالی به اعلی درجه کمال و اعلی مرتبه علم برساند الحق دعای آن جناب و متعلقین حضرت عالی و دوام عز و عزت آن خانواده اسلامی و حامیان مذهب مقدس جعفری بر هر کسی لازم است در خصوص فوت امیر الأمراء میرزا محمد عباس خان بهادر نورالله مضجعه و رفع فی الخلد مقامه اگرچه مخالطه با آن مرحوم نداشتم ولی چونکه مسبوق بر حالات خدایسندانه و خدمات اسلام پرستانه ایشان بودم کمال تأثر حاصل و طلب مغفرت به جهت آن مرحوم نموده و دوام سعادت و صلاح اعقاب و احفاد ایشان را از حضرت پروردگار خواهانم ایام عزت و شوکت حضرت عالی مستدام باد.

الأقل صدر الدین نجل السید الصدر

﴿﴾

از: موسوی عاملی، سید صدرالدین صدر بن سید اسماعیل

به: سید ناصر حسین

بسمه تعالی

خدمت سرکار شریعتمدار عماد الملة و الدین ثقة الاسلام و المسلمین جناب مولوی سید ناصر حسین صاحب دامت برکاته.

عرض می‌شود این شاء الله مزاج مبارك سالم و از هرگونه ملال در کنف حضرت متعال مصون و چشم شریعت به وجود مبارك روشن باد بجمّد و آله الأجداد اگرچه تا به حال در ظاهر روابط مراسلات و ارسال مکاتبات از طرفین جاری نبود لکن از آنجایی که بر هر مسلمانی لازم است که با کمال خلوص و خصوصیت در دعای سلامتی وجود مبارك کوتاهی نکند لازال دعاگوی وجود مبارك هستم و پیوسته ذکر اوصاف حمیده و اخلاق جمیله حضرت عالی را زیب مجالس خود نموده ایام ترویج دین مبین را به سلامت مزاج و هّاج و استقامت وجود ذیجود مستدام می‌خواهیم و بسیار میل داشتم به وسیله‌ای راه مراسله باز شود تا آنکه بحمدالله در کربلای معلی کتابخانه به همت بعضی اسلام‌پرستان باز شده که واقعاً اسباب رفاهیت طلاب و غیرهم شد این مطلب را وسیله گرفته عریضه‌نگار شدم اولاً اظهار اخلاص خود کرده باشم دیگر آنکه در باب مصارف کتابخانه خود طلاب فعلاً مصارف را به حسب رئوس می‌دهند یکی نیم قران دیگری يك قران و آن یکی دو قران در هر ماه و حال طلاب در امر معیشت معلوم و دشواری جمع نمودن این وجوه اعانه حاجت به شرح نیست فعلاً مصارف کتابخانه مع اجاره خانه ماهانه ۱۸ روپیه می‌شود و اوضاع عراق هم يك طوری است که تجّار و اغنیاشان ابداً در این صدد نیستند اگر يك طوری می‌شد که طلاب را فضلا بر خوشنودی خدا و رسول و ائمه ممنون کرد و آسوده نمود چقدر خوب بود بعید نیست که سرکار شریعتمدار ملاذالأنام آقای آقا حاج سیّد احمد استرآبادی هم به جناب عالی در این باب مکتوبی نوشته باشند این شاء الله جواب را به توسط آقای معظم الیه زیارت خواهم نمود و اگر وجه اعانه ماهانه تعیین شد باید به توسط و نظارت آقای مذکور باشد.

(آقای صدرزاده)



از: سیّد احمد حسینی استرآبادی

به: سیّد ناصر حسین

حضرت حجة الاسلام آية الله في الأنام دامت برکاتهم

بسم الله الرحمن الرحيم

و به تقی

قبله و کعبه بنده به طریق دست بوسی عرضه می دارم که چون حواس حضرت عالی به واسطه علالت مخدرات جمع نبود سکوت بودم حال که خداوند عز شأنه به برکت ائمه انام علیهم صلوات الملك العلام همه را به صحت مخدرات خوش دل نمود و دیده مبارک را به سلامت ایشان روشن فرمود در حالی که کمال تشکر را از مراحم آن وجود ذیجود دارم رخصت نقل مکان می خواهم که فعلاً قریب چهار ماه است که مزاحم هستم و زیاد بر این ماندن در یکجا خیلی در انظار مردم رکیک و بد است و خیال خانه شیخ را هم ندارم اولاً به جهت عدم اصرار ایشان ثانیاً به واسطه بودن اشخاص مختلف از عطار، بزاز و صراف و غیره که بنده در ضمن آنها لا شیء هستم خصوص که غالب اقارب شیخانند عنوان بنده ضایع می شود خداوند - عز شأنه - یک وجود مبارک را این صفت داده که هرکس را به قدر شأن او ملاحظه فرموده قریب و بعید در نزد مکارم اخلاق آن قبله محترم فرقی ندارند بلکه اجنبی را زیادتراً ملاحظه دارید چنانچه وضع ائمه انام علیهم السلام بود لهذا استدعا دارم استدعای بنده نسبت به مولا آنکه اذن فرمائید تا هر محلی که خداوند مقدر فرموده بروم زیرا که کار بنده از قوه عباد خارج است تا ببینم کی خداوند فرج خواهد کرد امیدی به شیخ در مسئله معهوده دانستم آن هم خائب شد إن شاء الله مرحمت فرموده اذن خواهید فرمود باقی خداوند روز به روز بر عمر و عزت سرکار بیفزاید و جمیع متعلقین را سالم بدارد.

الأحقر احمد الحسینی الأسترآبادی

۲۹ محرم ۱۳۳۷



از: سید احمد حسینی استرآبادی

به: سید ناصر حسین

حضور حضرت مستطاب عمدة العلماء المحققین و قدوة الفقهاء و المجتهدین الحامی عن الدین و مروّج شریعت حضرت سید المرسلین مولانا الاکرم و مطاعنا المعظم

ابوالفضائل سرکار شریعتمدار جناب قبله محترم آقای سید ناصر حسین صاحب
مدظله و اطال الله عمره و ابقاه و خذل من ناصبه و عاداه

یا ناصر الشیعة و یا حامی الشریعة

و كنت ادعوك للجلی لتنصرنی و انت تترکنی فی الحادث الجلیلی
به شرف عرض اقدس عالی می‌رساند، هرگاه از آن مرحمت بی‌نهایت که با مخلص
خود، از احوال خواسته باشید، من جمیع الجهات افسرده و از هر جهت دل مرده‌ام.
نه دستی آنکه با گردون ستیزم نه پائی آنکه از دوران گریزم
اگرچه شهدالله جناب سرکار کمال لطف و مرحمت را با مخلص دارند، لکن شرم از
احباب سرکار ایشان است که دائماً در صدور و وروداند و مکان مخلص هم بر سر
راه ایشان است، چنانچه در چهار شب قبل، دو نفر که به شخصاً می‌شناسم و به
واسطه تاریکی شب نه رؤیتاً از مقابل مکان مخلص عبور نموده، یکی به دیگری
می‌گفت: این کیست که در این مکان منزل دارد؟

دیگری جواب داد: فقیر است، از میرزا صاحب چیزی تمنا دارد.

این سخن آتش به جانم افکند. به خداوند جلّ شأنه قسم است، آن شب را تا
صبح خواب نکردم. الموت اولی من رکوب العار، لکن چه چاره با بخت گمراه
اکلف النفس مع علمی بعزتها و طئناً علی البیض او حملاً علی الأسل
روز و شب در گوشه مکان نشسته، و احدی نزد من نمی‌آید لا اقل احوالی پرسد،
مگر جناب آقا میرزا محمد هادی صاحب و گاهی داروغه کاظم حسین و خود
سرکار هم چون طریق محلّ طعام میل فرمود نشان از پهلوی مکان مخلص است، در
هنگام طعام ایستاده، احوالی سؤال می‌کنند. باز هم ممنونم که بالمره ترک احوالپرسی را
نفرموده‌اند. اگرچه زمانه چنان مخلص را بی‌قدر نموده که این هم از برای من زیاد
است.

افّ لهذا الزّمان و تعساً لهذه الاّیام

کسی را که فعلاً مرحمت شعار و ذره بر خود می‌دانم، حضرت عالی هستید. و لهذا
در سفر قبل تمام مطالب قلبی خود را در حضور مبارک ابراز نمودم، و از برای من
کسری نیست.

خداوند حفظ کند سرکار حجت الاسلام آقای صدر را گاه گاهی که درد دل با مخلص می فرمایند، می گویند: شخص در نزد صنف خود اگر بیان احوال خود نماید شکستی نیست، مشروط بر اینکه رفیق شفیق هم باشد؛ ولی در حیرتم که سرکار بوجه من الوجوه اقدام در کار مخلص خود در این مدت چهارده روز که در لکهنو هستم، فرموده اید!

آیا تقصیر از مخلص سرزده؟! با کمال ادب عذر می خواهم.

اگر مرحمت و لطف عام حضرت مستطاب عالی کم شده است، از خداوند ازدیاد آن را می خواهم. حاشا از بزرگی سرکار که مرحمت خود را با فدوی خود کم کرده باشید. ما هکذا الظنّ بك.

کسی را که برداشتید زمین نخواهید انداخت. آمدن این سفر، عمده برای طلا کردن گلدسته های حضرت سیدالشهداء ارواح العالمین له الفداء است که لااقل در انظار مخالفین موهون نباشد و بالتبع برای ماهوار مخلص از رامپور ماهی شصت روپیه که فرمان داده شده از سرکار نواب در دفتر خزانه قید است از سنه دوازده تا شانزده مرحمت شده و از آن تاریخ که سنه شانزده باشد، نداده اند. الحق و الانصاف مروّت اقتضای دادن را دارد که از قید سخت قرض که کمر فیل را می شکند، آسوده شوم. و دادن ماهوار این سنین ماضیه که ده سال می شود، در نزد سرکار نواب رامپور قریب ندارد، مشروط به اقدام تامّ مشفقانه حضرت عالی. اگر بفرمائید که حرف سرکار پیشرفت ندارد، تعبداً قبول می کنم؛ لکن مفاد ما کان الله ینمو راسخ عقیده مخلص اوست، ابداً از جلالت قدر حضرت عالی کاسته نخواهد شد، بلکه افزوده می گردد. رفتن حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به وساطت نزد قصاب برای زن خادمه کاشف است به حق ولایت ائمه انام لاسیما حضرت امام امیرالمؤمنین علیه السلام. قسم است که حال تحریر این عریضه، در کربلا چهار هزار روپیه مدیونم، غیر آنچه را برای خرج آمدن قرض نمودم که تقریباً یکصد و پنجاه روپیه می شود. به ورود عین ده روپیه باقی داشتم برای بعضی مصارف خود. برای آمدن به لکهنو، پنجاه روپیه از آواره حاجی سید احمد تاجر یزدی قرض نموده که سی و دو روپیه کرایه ریل در سکن دادم مع کرایه وزن اسباب و بعضی مایحتاج لازمه گرفتم، فعلاً مقدار هشت روپیه آن باقی است. شما را به خدا ملاحظه فرمائید، سرکار نواب رامپور سالی

شش هزار روپیه می‌دهند به خدام مشاهد مشرقه که در اماکن متبرکه چراغ روشن کنند و اطعام نمایند. آنچه را سرکار ایشان خیال فرموده‌اند، وجود خارجی ندارد سهل است، بلکه وجود ذهنی هم ندارد. و تمام خرج واهیات می‌شود. باز اگر روشنی می‌افروختند، شهرت دنیوی از برای سرکار ایشان بود، آن هم بحمدالله نیست. و این مقدار جزئی را که سالی هفتصد و بیست روپیه می‌شود، مضایقه دارند و حال آنکه خیر دنیا و آخرت ایشان است. امیدوارم که بعد از خواندن عریضه مخلص به دقت در مسئله گلدسته‌ها و کار مخلص اقدام تام خواهید فرمود، و از همت بلند حضرت مستطاب عالی که همت خداداد خانوادگی است، قبل از آمدن برصات در تحت قبه مبارکه دعاگو باشم که سه ماه به برصات باقی است. شما را به خدا انصاف بدهید که از هر دو مسئله هنوالکف برگردم، چه حالی بر من خواهد گذشت، خصوص مسئله حضرت که در تمام کربلا و نجف و کاظمین مشهور شده که فلان کس برای این مطلب به هند رفته است، خصوصاً مخالفین و این مطلب هم بر سرکار عالی البته واضح است که اخلاص کیش چون آقایان دیگر که از بلاد خود می‌آیند، هر چند روز در يك شهر و يك قریه می‌روند و از هر جا خواه به عزت و خواه به ذلت در مدت چند ماه مقداری جمع نموده برمی‌گردند، مخلص نمی‌توانم. شرافت و عزت من مانع است از این کار در این مکان که در واقع مکان خود مخلص و مرحمت سرکار میرزا صاحب را با خود می‌دانم. مع ذلك هر ساعتی ماهی، و هر روزی سالی بر من می‌گذرد. پس در این صورت اگر به همت بلند سرکار که اسبابی است من عندالله، کار من درست نشود، از جای دیگر یقیناً نخواهد شد و به خواست خداوند و نظر ائمه مطمئنم از همت سرکار. خیلی زیاد مزاحم اوقات شریف شدم.

چکنم دلم گرفته غربت مورنر است دل قریب به پاره شدن است

امیدوارم چشم از زیاد عرض نمودن و جسارت من خواهید پوشید و به بزرگی و تقرب جوئی به خدا در امور مخلص خواهید کوشید. باقی، ایام ترویج دین مبین و تشیید شریعت سید المرسلین به وجود مبارک مستدام باد بر ب العباد.

دعاگوی از وطن آواره السید احمد الاسترآبادی

مورخه ۱۹ محرم ۱۳۲۶

خلاصه حضرت علی علیه السلام از ابراهیم بن ابراهیم نقل کرده است که
 مولود ما در حین شمس الطلوع در ماه
 رجب
 السلام علیک یا من رسول الله
 والحمد لله
 بعد از آنکه از مادرش متولد شد
 من الطیرین قد استجاب العبد
 من حضرت تاج الشیخه سید الشیخین
 اعنی عام شریفی تلمذ العتبه العسکریه
 بهیله سیرتیه فخرتیم شفایا
 و تعالی الامارات و کمال السیاد
 و الطریق الاولی الی وصول الی
 الهند و ما یقول اللان قد
 مد تدری و لم افتر بر علی

السلام علیک یا من رسول الله
 والحمد لله
 بعد از آنکه از مادرش متولد شد
 من الطیرین قد استجاب العبد
 من حضرت تاج الشیخه سید الشیخین
 اعنی عام شریفی تلمذ العتبه العسکریه
 بهیله سیرتیه فخرتیم شفایا
 و تعالی الامارات و کمال السیاد
 و الطریق الاولی الی وصول الی
 الهند و ما یقول اللان قد
 مد تدری و لم افتر بر علی

السلام علیک یا من رسول الله
 والحمد لله
 بعد از آنکه از مادرش متولد شد
 من الطیرین قد استجاب العبد
 من حضرت تاج الشیخه سید الشیخین
 اعنی عام شریفی تلمذ العتبه العسکریه
 بهیله سیرتیه فخرتیم شفایا
 و تعالی الامارات و کمال السیاد
 و الطریق الاولی الی وصول الی
 الهند و ما یقول اللان قد
 مد تدری و لم افتر بر علی

السلام علیک یا من رسول الله
 والحمد لله
 بعد از آنکه از مادرش متولد شد
 من الطیرین قد استجاب العبد
 من حضرت تاج الشیخه سید الشیخین
 اعنی عام شریفی تلمذ العتبه العسکریه
 بهیله سیرتیه فخرتیم شفایا
 و تعالی الامارات و کمال السیاد
 و الطریق الاولی الی وصول الی
 الهند و ما یقول اللان قد
 مد تدری و لم افتر بر علی

مخبروں مبارک حضرت ستار حجتہ سلام عماد اہل الایمان
 و جمع محققہ القرآن منبع الشیخہ و مانع اعلم الشریعہ
 حاج حجتہ الزہری و تادین المصلین سید و مولانا المیزان
 شین و المجلد علی بن السید ناصر الدین حسین صاحب
 الرضویہ محل عمرہ الامیر و سید الاخبار صاحب
 الفکر و ام ظلمہ علی و سید الامین سید
 ملاحظہ فرمائید

انا بنو
 حجتہ

یوم شنبہ ۲۶ مارچ ۱۳۳۱
 211

قبل کا
 اسم اللہ کا حضرت کا

شانہ وجود متذکرین صحت و استقامت
 باشد بعد از اسم آقا محمد نبی صلی علیہ و آلہ
 و سلمین و خاندان شریف علیہم السلام و
 رحمہم اجمعین ان الاصل کما ان التبرکات
 مدینت بنحو اسم صانع اوقات شریف
 نشرت تا حال و اکنون بد و سکرہ
 کہ سید علی را حجتہ اند و مدیا شد کہ
 نسب شریف با ولادت با سعادت و ذات
 خلدہ لیل آقا طاب ثوابہ و قدس اللہ تبارک
 و تعالیٰ عنہ بفرستہ چون را جو مشعل
 کتاب و نسب و ذکر خواہ محمد
 روایت رحمت ناسر کہ رحمت

بسم اللہ الرحمن الرحیم
 در بیان فضائل حضرت امیر
 المومنین علی بن ابی طالب
 علیہ السلام و خاندان شریف
 علیہم السلام و رحمہم اجمعین
 و در بیان کرامات و معجزات
 آن بزرگوار و در بیان
 فضائل و مناقب آن بزرگوار
 و در بیان کرامات و معجزات
 آن بزرگوار و در بیان
 فضائل و مناقب آن بزرگوار



تقریظ آیت‌الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته الله بر مستدرک نهج البلاغه میرجهانی رحمته الله

محمدجواد طالبی هنزایی

مقدمه

رساله حاضر تقریظی است که حضرت آیت‌الله العظمیٰ مرعشی نجفی برای کتاب مستدرک نهج البلاغه موسوم به مصباح البلاغه فی مشکاة الصیاعة مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدحسن میرجهانی طباطبائی اصفهانی جرقویه‌ای محمدآبادی به تاریخ ۲۳ ربیع الثانی سال ۱۳۸۸ نوشته‌اند در معرفی کتاب‌ها و رساله‌هایی که بیانات حضرت علی علیه السلام را گرد آورده‌اند. این تقریظ به صورت رساله کوچکی در ۱۱ برگ، در جلد ۳۳ فهرست کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی به شماره ۱۳۱۸۸ با عنوان «الرسالة المنیفة حول کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام» معرفی شده است.

مرحوم میرجهانی (۱۳۱۹-۱۴۱۳ق) از شاگردان مرحوم حضرت آیت‌الله سیدحسین طباطبایی بروجردی و مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی بوده‌اند که اواخر عمرشان را در تهران می‌گذراندند و هرگاه به قم می‌آمدند بعد از زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام حتما دیداری نیز با اساتید خود از جمله مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی داشته و همین طور که در این رساله مشاهده می‌شود ایشان نیز از او به نیکی یاد نموده‌اند.

از ميرجهانی تالیفات زیادی به یادگار مانده که بعضی از آنها چاپ شده است، همچنین کتابخانه بسیار نفیسی داشته‌اند که به جز چندین هزار جلد کتب چاپی، افزون بر پانصد کتاب نفیس خطی نیز در آن وجود داشته است. از جمله تالیفات ایشان عبارت‌اند از: *روائح النسمات فی شرح دعای سمات، السبکة البیضی و نوائب الدهور فی علائم الظهور...*



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على ما انعم و علم من البيان ما لم نعلم، و الصلوة و السلام على اشرف البرية و افصح من نطق بالضاد، سيد الوجود و منبع الفيض و الجود، مولانا ابي القاسم محمد و على عترته البررة مصابيح الهدى، و المشاكي في الدياتي الحوالمك.
و بعد، غير خفي على من القى السمع و هو شهيد ان من اعظم منن الباري سبحانه على عباده هو البيان المعرب عما في الجنان و كفى في فضله ما اطرى في كتابه الكريم الذي لا ياتي به الباطل من بين يديه و لا من خلفه.
و ان من اجل مصاديق تلك النعمة العظيمة و الموهبة الكريمة و امنعها هو ما صيغ في افادة المعارف و الالهيات و الاحكام و الاخلاقيات و تهذيب النفوس و احياء مواتها.
و من البديهي الغير المرتاب فيه، ان ابا بجدة هذه الفسحة، هو رب ارباب البلاغة، و كبش كتيبة الفصاحة، الهزار الصيت بين لابتى العالم حلال معاضل العلوم ببيانه المصقع، و كشاف الاستار عن المشاكل بكلامه الرائق، سيد المظلومين و قدوة المضطهدين و المهضومين، غرة المهاجرين و صفوة الهاشميين صارم الدين الحنيف و مصقوله، لسان الشرع الشريف و مقوله رجل الكتيبة و الكتاب و المحراب و الجراب، و الطعن و الضراب، راد المعضلات بالجواب الصواب، ابوتراب مجندل الاتراب منطبق الاسلام و متكلمه، مولانا و مولى الكونين، ابي الحسنين و والد الريحانتين، امير المؤمنين على بن ابي طالب و حوى لتراب نعله الفداء، فائه سلام الله عليه في هذا الشأن امام لا يشق غباره، و مقدم لا يلحق اثاره، بحر خصم من اى طرف اتيت راعتك عظمته، و اذ هلك جبروته، قد امهر الالباب و العقول بخطبه، و حير الانظار و الأفكار بأماليه، أفصح بها عن اسرار الحكم و بدايع الكون، قد زيتت بنقلها طروس العلوم و زبر الفنون و الاسفار.

فمن ثمّ توجّهت همم عدّة من ذوی الاقلام الرشیقة، و الیراعات الشائقة، الى جمع ما صحّ استناده اليه و ساغ الاعتماد عليه، فدوّنها بين الدفتین ثلّة من فطاحل الاسلام و البحّاثین اهل النقد و التنقیب كالشريف الجليل سيدنا ابی القاسم عبدالعظیم الحسنى صاحب المشهد المتبرک به فی بليدة (رى) و كابى المنذر هشام بن محمد الكلبي النسابة الثقة الشهير و قد اوردت ترجمته فی المجلد الاول من كتابى طبقات النسابين و كالثقة الامين صالح بن حماد الرازى و كالثقة ابى حنيفة القاضى نعمان المصرى صاحب كتاب دعائم الاسلام و ابى عبدالله محمد بن سلامة القضاعى المغربى صاحب كتاب الشهاب و كالجلودى الثقة الورع و كالجاحظ و على بن محمد الليثى الواسطى و ابى موسى محمد بن ابى بكر احمد الاصبهانى الشهير بابن المدينى و العلامة السيد ابى الرضا فضل الله بن على الحسنى الراوندى الكاشانى و قد ألّفت فی ترجمته كتاب لمعة النور و الضياء و طبع بحمده تعالى.

و ابنه العلامة السيد عز الدين على و العلامة البيهقى و العلامة الكيدرى و العلامة شيخنا ابى على الفضل بن الحسن الطبرسى و العلامة الشيخ عبدالواحد بن محمد الآمدى التيمى و جمال الدين العلامة السيد احمد بن طاوس الحسنى و اخيه جمال السالكين السيد رضى الدين على بن طاوس و العلامة الشيخ ابى العباس ابن فهد الحلّى و غيرهم من القدماء ممن لا فسحة و لا مجال لذكره خوفا ايراث السامة و الملل. و اما المتأخرون فقد شمّر الذيل جمّ غفير و جمع كثير الى تنسيق تلك الدرر منهم: العلامة المولى محمد مهدي المرندى الاصفهانى و العلامة السيد عليخان الموسوى المشعشى الحويزى و العلامة السيد قوام الدين الحسينى القزوينى صاحب المنظومات العلمىة الكثيرة و تلميذه العلامة المولى محمد محسن بن محمد طاهر القزوينى صاحب كتاب العوامل فى النحو و ابنه العلامة المولى محمد كاظم بن محمد حسن القزوينى المدرّس فى المدرسة الالفتائىة من مدارس تلك البلدة الطيبىة و العلامة السيد بهاء الدين محمد الحسينى المختارى النائينى و العلامة السيد جمال الدين احمد الحسنى الكوكبانى اليمانى من اجلّة علماء الزيدىة و العلامة الميرزا جمال الدين محمد القمى المشهدى و العلامة الميرزا كمال الدين الفسائى صاحب شرح الشافية فى الصرف و العلامة الآية الباهرة الحاج الشيخ محمد الباقر البيرجندى من مشايخنا فى الرواية

والعلامة الآية الزاهرة الشيخ ملا مهدي البنابي ثم الحائري صاحب كتاب شرح خطبة سيدتنا الزهراء في المسجد النبوي والعلامة الحجة الآية الجليلة الشيخ هادي بن العلامة الشيخ عباس آل كاشف الغطاء النجفي من اجلة مشايخنا في الرواية وغيرهم ممن لو سردنا اسمائهم لخرجنا من وضع هذه الرسالة المنيقة.

و ليعلم ان اشهر من جمع كلمات مولى الموحدين امامنا امير المؤمنين سلام الله عليه هو اديب قريش و جمال الاسرة النبوية درة تيجان العلويين سيدنا الشريف الرضى محمد بن الحسين الموسوي المتوفى سنة... فانه جمع شطراً من خطب الامام و رسائله و كلماته في مؤلف اسماء بنهج البلاغة و لكن ما اورده ليس الا بعض من كل، و قل من جل، و طل من وبل، كيف لا وقد جمعت من كلامه الذي وقفت عليه في كتب اخواننا المسلمين من الامامية و الاحناف و الشوافع و الحنابلة و المالك و الزيود و الظاهرية ما يزيد على نهج البلاغة اضعاف مضاعفه و من راجعه و قايسه معه يرى الشريف كالمعترف من البحر القمقام بكفه و المعترف بنقصان مجموعته عنه و ان بالغ في وصفه، و لاغرو في حق مولانا سيد الموحدين، بعد كونه هو الشارب من ينبوع النبوي، و الفائض من جنبه العلم حسب ما ادته الينا الثقافات من ائمة الحديث في الفريقين من قوله عليه السلام: ان بين جنبيّ لعلماً جمّاً و لو اصبحت له حملة... الخبر.

و ممن وفقه المولى سبحانه في زماننا هذا بالتقاط ما لم يذكره الشريف الرضى و لا الامدى في كتابيهما من الخطب و الرسائل، هو العلامة الجليل بركة العصر و يمينه، صاحب الآثار النفيسة، و الكتب النافعة، الورع التقى، ناشر اخبار الائمة، و المجاهد في سبيلها، حجة الاسلام و المسلمين زين الخطباء و المحدثين، فضيلة الحاج السيد محمد حسن الطباطبائي المير جهاني الاصفهاني الجرقويه المحمدابادي فانه دام مجده، وفاق سعده قد جمع من الكتب المعتمدة و الزبر المعتمدة ما لم يذاكره و ساعدتني سواعد التوفيق بسرح اللحظ في شطر منه، فرأيته كان الله له في كل حال، قد اتعب نفسه النفيسة، و بذل جهده الجهد و وسعه البالغ الواسع، في اقتطاف تلك الازهار من رياض الكتب، و استخراج هاتيكة اللثالي الثمينة من بحار الاسفار، فما اجدر مجموعته بما سماه (مصباح البلاغة) و لاغرو فان كلام علي، علي الكلام فالمرجو من فضل الله عز شأنه و بهر برهانه، ان يمد في ايام المؤلف النبيل حتى يأتينا كل عام باضراب هذه الزواهر

و الجواهر، و ان يبقية لنا ذخراً و كرامةً و شرفاً و مزيداً، والسلام على من اتبع الهدى،
و اعرض و نأى بجانبه عن الهوى.

حرّره العبد الكئيب المعتور عليه الاحزان و الآلام، مقصوص الجناح و دامى القلب
من ايدي الحساد، خادم علوم اهل البيت عليهم السلام ابوالمعالى شهاب الدين الحسينى
المرعشى النجفى فى اصيل يوم السبت لسبع بقين من ثانى الربيعين سنه ١٣٨٨ لائذاً
بمشهد الستّ كريمة آل الرسول الاكرم فاطمة المعصومة روحى لها الفداء ببلدة قم
المشرّفه حرم الائمة و عشّ آل محمد صلى الله عليه و آله و سلم حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً.



١٣٨٨ هـ
سنة التحرير

المراد على العموم وليس البيان ما علم والصلوة والسلام على الشرف البرية وانفع من نوح بالاضداد سيلا وجود ومنع المنع والجود مولانا اننا ناسم جمل ولحق شدة البرية مصابيح الهوى ، ولنا في الدنيا حي الحواكف وحقبة غير خفي علم الواسع وهو شهد ان من اعظم من الباري سبحانه عليه هو البيان العرعرع والبيان وكفى في فضله ما لم يخفى كما في الكرم الذي لا ياتي الا على من بين يديه والمرن خلفه وان من اجل صديق تلك العجوة العظيمة والوهبة الكريمة وانسها هو ما صنع في افادة العاروف والاهلث والاحكام والاخلاقت وتهدب النفوس واحيها من انما

من البديهي

ومن البديهي الغير تريب فيه ، ان الباحة هذه كلام القسمة ، هويتها انا بالجنة ، وكين كينته هو القسامة ، الهن الرضيت بين الرتي العلم ، حالها حاصل العلم ببناء الحق وكتاف الاستار عن المشاطة والتميز بين الخليلين وقلة الضميرين والظلمين ، غرة الهن والذين وصفتها الهنمين ، محل الكين والكتب ، والحرب والجراب ، واللعن والضارب ، لاد العضلات بالجواب الصوب ، ابوزيادنا من القرب مولانا وهو كوكب ابو الحسنين و والاد الحياتين ، امير المؤمنين علي بن ابي طالب يحيى لثرب نعلم الفل ، فانه لا اعلم به في هذا الشأن امام لاشيق غبار ، ومعلم هذا يحيى الامارة ، ~~تطهير القلب والعقل~~ بحر حضم

تقرظ آيت الله مرعشي بر مصباح البلاغة



بر ساحل ابن شهر آشوب (درنگی در زندگی و کارنامه علمی ابن شهر آشوب)

سید محمود مرعشی نجفی

۱. نام، لقب، کنیه، شهرت

محمد بن علی بن شهر آشوب بن ابی نصر کیاکی بن ابی جیش سرّوی مازندرانی،^۱
ملقب به «رشیدالدین»^۲ و «عزالدین»^۳ و «زین الدین»^۴. معروف به «ابن شهر آشوب»،

۱. الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲، أمل الآمل ۲۸۵/۲ شماره ۸۵۱، طبقات المفسّرين سیوطی،
ص ۹۶ شماره ۱۱۰، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۰/۴، دائرة المعارف تشیع ۳۳۷/۱، مقدّمه معالم
العلماء، ص ۲، ریحانة الأدب ۵۸/۸.

۲. الوافی بالوفیات ۱۶۲/۴ شماره ۱۷۰۲، أمل الآمل ۲۸۵/۲، شماره ۸۵۱، طبقات المفسّرين
سیوطی، ص ۹۶ شماره ۱۱۰، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۰/۴، دائرة المعارف تشیع ۳۳۷/۱، تقد
الرجال ۲۷۶/۴ شماره ۴۹۳۱، ریحانة الأدب ۵۸/۸، ریاض العلماء وحبیاض الفضلاء ۱۲۴/۵،
روضات الجنّات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، منتهی المقال ۱۲۴/۶ شماره ۲۷۶۸، ریاض الجنّة ۲۱۵/۱
شماره ۳۷، اعیان الشیعة ۸۲/۱.

۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۰/۴.

۴. لؤلؤة البحرين، ص ۳۴۰ شماره ۱۱۳، ریحانة الأدب ۵۹/۸.

برخی کنیه «ابوجعفر»،^۱ و برخی کنیه «ابوعبدالله»^۲ را برای او ذکر نموده‌اند. از آنجا که ابن شهر آشوب در تمام علوم اسلامی مهارت کافی داشت، بعد از فقیه و محدث بزرگ شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) که ملقب به «شیخ الطائفه» بود، در میان علمای اسلام فقط ابن شهر آشوب مشهور و ملقب به «شیخ الطائفه» دوم گردید.^۳

۲. محلّ ولادت و تاریخ آن

ولادت او در ماه جمادی‌الثانی سال ۴۸۸ق، و به قولی سال ۴۸۹ق^۴ بوده، از نسبت «سروی» که به وی و پدر و جدش داده‌اند برمی‌آید که اصل این خاندان از ساری مازندران بوده است، اما اینکه محلّ تولّد ابن شهر آشوب نیز مازندران باشد، نمی‌توان با اطمینان اظهار نظر کرد.^۵

ولی بعضی از محققان برآنند که ابن شهر آشوب در مازندران به دنیا آمده و مقدمات علوم اسلامی را در آنجا فرا گرفته است.^۶ از دیگر سو بعضی بر این عقیده‌اند که پدر و جدّ ابن شهر آشوب در بغداد ساکن بوده و زندگی می‌کردند و جدّش شاگرد شیخ طوسی بود. لذا تولّد ابن شهر آشوب در بغداد اتفاق افتاده است.^۷

۱. الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲، طبقات المفسّرين سیوطی، ص ۹۶ شماره ۱۱۰، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۰/۴، لسان المیزان ۳۹۵/۶ شماره ۷۸۸۹، ریحانة الأدب ۵۸/۸، اعیان الشیعة ۸۲/۱.
 ۲. دائرة المعارف تشیيع ۳۳۷/۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۲، ریحانة الأدب ۵۸/۸، روضات الجنّات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، خاتمة مستدرک الوسائل ۵۷/۳. در دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۰/۴ آمده است: تنها در سند سماع کتاب سلیم بن قیس (ص ۶۳) کنیه او «ابو عبدالله» آمده، و از آنجا وارد منابع متأخر شده است.

۳. مقدمه معالم العلماء، ص ۲، منتهی المقال ۱۲۵/۶، شماره ۲۷۶۸.

۴. مقدمه معالم العلماء، ص ۳، ابن شهر آشوب در حریم ولایت، ص ۲۷.

۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۹۰.

۶. دائرة المعارف تشیيع، ج ۱، ص ۳۳۷.

۷. مقدمه معالم العلماء، ص ۳.

۳. تحصیلات و سفرهای علمی

ابن شهر آشوب از کودکی به تحصیل علم پرداخت، چنان که در هشت سالگی قرآن را از بر داشته است،^۱ و از این رو او را «حافظ» (حافظ قرآن) لقب دادند.^۲ ابن شهر آشوب بعد از فراگیری قرآن و دروس مقدماتی و ادبی، به تحصیل علوم و معارف دینی مثل فقه و اصول، حدیث، رجال، کلام و تفسیر پرداخت. آغاز و انجام تحصیلات عالی او دقیقاً معلوم نیست، اما همین قدر معلوم است که در نزد پدر و جدش و بزرگانی چون شیخ طبرسی، صاحب تفسیر مجمع البیان و عبدالواحد آمدی، صاحب غرر الحکم و قطب الدین راوندی، سطوح عالی علم و ادب را گذراند. وی در راه کسب علم و معرفت و برای استفاده از محضر دانشوران بزرگ شیعه سال‌ها از این شهر به آن شهر، و از دیاری به دیار دیگر در حال مهاجرت بوده است. درباره سفرهای علمی وی به این نکته اشاره شده که به دنبال درگیری با حکمران مازندران، آن دیار را ترک کرده و رهسپار بغداد شده است. ورود او به بغداد در ایام خلافت مقتفی (۵۳۰-۵۵۵ق) بود. وی در این شهر به وعظ و مناظره پرداخت و نزد خلیفه منزلتی یافت، اما پس از مدتی اقامت در بغداد آن شهر را ترک کرده، به موصل و سپس به حلب رفت. از بررسی مشایخ ابن شهر آشوب در مقدمه مناقب آل ابی طالب وی برمی آید که پیش از ترک مازندران سفرهایی به خراسان کرده است. از استماع وی از فتال - که در ۵۰۸ق در گذشته - می توان نتیجه گرفت که ابن شهر آشوب اندکی پیش از این تاریخ در نیشابور بوده است. همچنین استماع وی از شحّامی و روایت مسند ابویعلی از او، با عنایت به اینکه شحّامی روایت مسانید را از حدود ۵۱۳ق در نیشابور آغاز کرده و تا هنگام وفات (۵۳۳ق) ادامه داده است، می توان دریافت که وی در این اثنا سفری دیگر به نیشابور کرده است.

۱. الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۱۶۴، شماره ۱۷۰۲، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۹۰.

۲. مقدمه معالم العلماء، ص ۳.

روایت مستقیم *الکشاف* زمخشری و مجمع *البیان* طبرسی نشان می‌دهد که وی در فاصله سال‌های ۵۲۸-۵۳۸ق بین تألیف *الکشاف* و وفات زمخشری ظاهراً در خوارزم با وی ملاقات کرده و نیز پس از ۵۳۶ق، سال فراغ طبرسی از تألیف مجمع *البیان*، در سبزوار با او دیدار کرده است. همچنین از استماع وی از ابوالحسین بیهقی و شوهانی برمی‌آید که وی در بیهق و مشهد نیز بوده است.

ابن شهر آشوب سفرهایی نیز به مناطق مرکزی ایران کرده که به احتمال قوی در مسیر وی از مازندران به بغداد بوده است. زیرا استماع وی از ابوالفتوح رازی، سید فضل‌الله راوندی، ابوشکر صفار و ابوالعلاء همدانی و بعضی دیگر از مشایخ مذکور در مقدمه *مناقب آل ابی‌طالب* نشان می‌دهد که وی ظاهراً و در مواردی مطمئناً به ری، کاشان، اصفهان و همدان سفر کرده و از این قراین متعدد از جمله این نکته که ابوالعلاء تنها در فاصله ۵۴۶-۵۴۸ق در همدان بوده، برمی‌آید که این دوره سفر در حوالی ۵۴۷ق بوده است.

ابن شهر آشوب ظاهراً در حوالی همین سال پس از ترک همدان وارد بغداد شده است. به هر حال ورود وی به بغداد چنانکه گذشت، در دوران خلافت مقتفی بوده است. استماع وی از ابوالوقت سجزی نشان می‌دهد که وی تا سال‌های ۵۵۲-۵۵۳ق در این شهر ساکن بوده،^۱ و ظاهراً تا زمان خلافت مستضیء نیز در بغداد زیسته است. در دوران خلافت مستضیء (۵۶۶-۵۷۴ق) به سبب سعی این خلیفه در گسترش عقاید و افکار حنبلی و اقتدار علمای حنبلی، بغداد دیگر مکان مناسبی برای ادامه فعالیت ابن شهر آشوب نبود. از این رو در اوایل خلافت مستضیء به حله رفت و در ۵۶۷ق در آنجا به تدریس پرداخت. و ظاهراً در همین سفر ابن‌ادریس و ابن‌بطریق از وی حدیث شنیده‌اند.

سفر او به موصل ظاهراً به هنگام وزارت جلال‌الدین ابوالحسن علی بن محمد در ۵۷۱ق صورت گرفته است، و احتمالاً با عزل او از وزارت در ۵۷۳ق ابن شهر آشوب موصل را به مقصد حلب که از زمان همدانیان پناهگاه شیعیان شده بود، ترک کرد.^۲

۱. *مناقب آل ابی‌طالب*، ج ۱، ص ۶.

۲. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، ص ۹۰-۹۱.

۴. اساتید و مشایخ روایت و اجازه نقل حدیث

ابن شهر آشوب درس استادان بسیاری را درك کرده و نزد بسیاری از بزرگان علم و ادب قرن ششم علم آموخته، و از بسیاری از دانشمندان اجازه نقل حدیث و روایت داشته است، از جمله:

۱. احمد بن علی ابوقتیاح رازی.

شیخ حرّ عاملی درباره اش می نویسد:

او عالم، فاضل و فقیه بوده، ابن شهر آشوب از او روایت می کند.^۱

۲. احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی ابومنصور، معروف به شیخ طبرسی صاحب الاحتجاج.^۲

ابن شهر آشوب در کتاب هایش به ویژه در کتاب رجالی خود (معالم العلماء) به بزرگی از او یاد کرده، و درباره اش می نویسد:

استادم احمد بن ابی طالب طبرسی کتاب های مختلفی دارد، از جمله: الکافی در

فقه که کتاب خوبی است، و الاحتجاج، مفاخره الطالبیّة، تاریخ الأئمّة علیهم السلام،

فضائل الزهراء علیها السلام و کتاب الصلاة.^۳

و در کتاب مناقب آل ابی طالب می نویسد:

کتاب احتجاج طبرسی را به خطّ وی یافتیم.^۴

کتاب احتجاج وی که مشتمل بر روایاتی از ائمّه اطهار علیهم السلام در مناظره با مخالفان

خود می باشد، یکی از بهترین و معتبرترین کتاب های شیعی، و مورد استفاده عموم

دانشمندان - به ویژه علمای علم کلام - است.

۳. احمد بن محمد غزالی.^۵

۱. أمل الآمل ۱۸/۲، شماره ۴۱، خاتمه مستدرک الوسائل ۶۶/۳، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۳.

۲. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۷/۵، خاتمه مستدرک الوسائل ۶۰/۳، دائرة المعارف تشیع ۳۳۸/۱.

۳. لؤلؤة البحرين ص ۳۴۱، شماره ۱۱۴، ریحانة الأدب ۵۹/۸، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۰ و ۱۲.

۴. معالم العلماء، ص ۲۵، شماره ۱۲۵.

۵. مناقب آل ابی طالب ۱۲/۱.

۵. مناقب آل ابی طالب ۹/۱، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۵/۵، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

۴. ابو جعفر بن کمیح. اسناد ابن شهر آشوب به کتاب‌های شیخ مفید، از طریق این شخص، از پدرش، از ابن براج، از شیخ مفید می‌باشد.^۱
۵. حسن استرآبادی عمادالدین قاضی ابو محمد.
عبدالله افندی درباره وی می‌نویسد:
فاضل، عالم، فقیه، جلیل، و از مشایخ ابن شهر آشوب است.^۲
۶. حسین بن احمد بن طحال مقدادی ابو عبدالله.
شیخ حرّ عاملی درباره‌اش می‌نویسد:
او عالمی جلیل بوده، ابن شهر آشوب از او روایت می‌نماید.^۳
۷. حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی رازی نیشابوری جمال‌الدین، معروف به ابوالفتوح رازی (م ۵۵۲ق)، صاحب تفسیر *روض الجنان و روح الجنان*.^۴
وی از دانشوران و مفسران بزرگ شیعی در قرن ششم هجری و یکی از اساتید معروف ابن شهر آشوب می‌باشد. کتاب تفسیر او به زبان فارسی از تفاسیر قدیم شیعه و در شمار بهترین تفاسیر قرآن و آثار کهن زبان فارسی است. گفته شده فخر رازی بخشی از تفسیر خود را از تفسیر ابوالفتوح گرفته است.^۵
۸. داعی بن رضا بن محمد حسینی ابوالفضل، صاحب کتاب *آثار الأبرار و أنوار الأخیار*.^۶
۹. داعی بن علی بن حسن حسینی، سید ابوالفضل، معروف به «ابوالفضل داعی».^۷

-
۱. مناقب آل ابی طالب ۱/۱۲، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۹۰، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۶.
۲. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱/۱۵۹، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۹۶، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۸.
۳. أمل الآمل ۲/۹۰، شماره ۲۴۰، مناقب آل ابی طالب ۱/۱۱۱، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۶۹، دائرة المعارف تشیع ۱/۳۳۸، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۸.
۴. معالم العلماء، ص ۱۴۱، شماره ۹۸۷، مناقب آل ابی طالب ۱/۱۱۱، ریحانة الأدب ۸/۵۹، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۷۲.
۵. دائرة المعارف تشیع ۱/۳۳۸، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۱ و ۱۵.
۶. دائرة المعارف تشیع ۱/۳۳۸.
۷. مناقب آل ابی طالب ۱/۱۱۱، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۶۷، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۳.

۱۰. سیّد ذوالفقار بن محمّد بن معبد بن حسن بن ابی جعفر، عمادالدین ابو صمصام و ابو وضّاح، از تلامیذ سیّد مرتضی و شیخ طوسی.^۱
۱۱. زید بن حسین ابوالقاسم بیهقی (م ۵۱۷ق)، صاحب حلیة الأشراف.^۲
۱۲. سعید بن هبة الله بن حسن ابوحسین راوندی، معروف به «قطب الدین راوندی» (م ۵۷۳ق)،^۳ صاحب شرح نهج البلاغة و خرائج و جرائح و قصص الأنبياء و فقه القرآن و لبّ اللباب و الدعوات، و کتاب های دیگر.
- ابن شهر آشوب درباره وی می نویسد:
- استادم ابوالحسین سعید بن هبة الله راوندی دارای تألیفات زیادی است، از جمله: ضیاء الشهاب، مشکلات النهایة و جنی الجنتین فی ذکر العسکریین.^۴
۱۳. شهر آشوب بن ابی نصر کیاکی، جدّ ابن شهر آشوب، چنانچه ابن شهر آشوب در اوّل کتاب مناقب آل ابی طالب به آن تصریح نموده است.^۵
۱۴. عبدالجلیل بن عیسی بن عبدالوهّاب رازی قزوینی ابوسعید، صاحب کتاب مراتب الأفعال، نقض کتاب التصفّح ابوحسین.^۶
- ابن شهر آشوب درباره وی می نویسد:
- استاد بزرگوار من عبدالجلیل بن عیسی بن عبدالوهّاب رازی دارای کتاب معروفی است به نام النقض، که این کتاب ناقم مانده است.^۷

۱. خاتمة مستدرک الوسائل ۹۱/۳ و ۱۱۴، دائرة المعارف تشیّع ۳۳۸/۱، مقدّمه معالم العلماء، ص ۱۶.

۲. معالم العلماء ص ۵۱، شماره ۳۴۳، مناقب آل ابی طالب ۱۲/۱، خاتمة مستدرک الوسائل ۱۰۲/۳، مقدّمه معالم العلماء، ص ۲۰.

۳. ریحانة الأدب ۵۹/۸، خاتمة مستدرک الوسائل ۷۹/۳، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴، دائرة المعارف تشیّع ۳۳۸/۱، مقدّمه معالم العلماء، ص ۱۱ و ۱۵.

۴. معالم العلماء، ص ۵۵، شماره ۳۶۸.

۵. مناقب آل ابی طالب ۹/۱ و ۱۰ و ۱۲، أمل الآمل ۲۸۶/۲ شماره ۸۵۱، روّضات الجنّات ۲۹۱/۶ شماره ۵۸۵، ریاض الجنّة ۲۱۶/۱ شماره ۳۷، خاتمة مستدرک الوسائل ۶۶/۳.

۶. مناقب آل ابی طالب ۱۱/۱، خاتمة مستدرک الوسائل ۶۷/۳، مقدّمه معالم العلماء، ص ۱۳.

۷. معالم العلماء، ص ۱۴۵، شماره ۱۰۲۱.

۱۵. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، سید ناصح الدین ابوالفتح (مولود ۵۱۰ق)، صاحب کتاب غررالحکم ودرر الکلم، ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابی طالب از این استادش چنین یاد می‌کند:
- آمدی، نقل روایت از کتاب «غرر الحکم و درر الکلم» را به من اجازه داد.^۱
۱۶. علی بن ابی القاسم زید بن الحسین ابوالحسن بیهقی، معروف به «فرید خراسان» (م ۵۶۵ق)، صاحب تاریخ بیهق، نخستین شارح نهج البلاغه.^۲
۱۷. علی بن شهر آشوب، پدر ابن شهر آشوب.^۳
- شیخ حرّ عاملی درباره اش می‌نویسد:
- فاضل و عالم، پسرش محمد از او روایت می‌کند، و فقیه و محدّث بوده است.^۴
۱۸. علی بن علی بن عبدالصمد ابوالحسن رکن الدین سبزواری نیشابوری تمیمی، روایت حرز مشهور امام جواد علیه السلام به وی منتهی می‌شود.^۵
- شیخ حرّ عاملی از او چنین یاد می‌کند:
- فاضل و عالم، ابن شهر آشوب از او روایت می‌کند.^۶
۱۹. فضل بن حسن بن فضل ابوعلی طبرسی (م ۵۴۸ق)، صاحب تفسیر مجمع البیان.^۷

-
۱. مناقب آل ابی طالب ۱/۱۲، معالم العلماء، ص ۸۱، شماره ۵۴۹، دائرة المعارف تشیع ۳۳۸/۱، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۹۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۷.
۲. خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۹۹، معالم العلماء، ص ۵۱، شماره ۳۴۳ در شرح حال پدرش، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۴/۹۱، دائرة المعارف تشیع ۳۳۸/۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۸.
۳. مناقب آل ابی طالب ۱/۱۱، روایات الجئات ۶/۲۹۱، شماره ۵۸۵، ریاض الجئنة ۱/۲۱۶، شماره ۳۷، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۶۶.
۴. أمل الآمل ۲/۱۹۰، شماره ۵۶۴.
۵. مناقب آل ابی طالب ۱/۱۱، تقد الرجال ۴/۲۷۶، شماره ۴۹۳۱، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۶۳، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۲.
۶. أمل الآمل ۲/۲۸۶، شماره ۸۵۱.
۷. ریحانة الأدب ۸/۵۹، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۶۹، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۴/۹۱، دائرة المعارف تشیع ۳۳۸/۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۱.

ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی طالب می نویسد:

طبرسی به من خبر داده (و اجازه روایت داده است) به تفسیر مجمع البیان
لعلوم القرآن و إعلام الوری بأعلام الهدی.^۱

و همچنین در معالم العلماء می نویسد:

استادم ابوعلی طبرسی، کتاب‌هایی دارد، از جمله: مجمع البیان فی معانی القرآن، که
کتاب خوبی است، و الکاف الشاف من الکشاف، و النور المبین، و الفائق، که کتاب
خوبی است، و إعلام الوری بأعلام الهدی، و الآداب الدینیة للخزانة المعینیة.^۲

۲۰. فضل الله بن علی بن عبیدالله حسنی، سید ضیاء‌الدین ابوالرضا راوندی کاشانی

(م ۵۶۲ق).^۳

او از تبار پاک حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و از علمای بزرگ شیعه در قرن
ششم هجری بود، که در کاشان سکونت داشت. شیخ حرّ عاملی درباره وی می نویسد:
او علّامه زمان خود بود که میان علوّ نسب، و کمال فضل و حسب را جمع
کرده بود، او استاد دانشمندان عصر خود بود، دارای کتاب‌هایی است، از
جمله: ضوء الشهاب فی شرح الشهاب، و نظم العروض للقلوب المروض
و الحماسة و الکافی فی علم العروض، و القوافی، و النوادر، و أدعیة السّر،
و کتاب‌های دیگر.^۴

حافظ ابو عبدالله عبدالکریم سمعانی مروزی شافعی (م ۵۶۲ق)، درباره ملاقات

خود با سید ضیاء‌الدین در شهر کاشان، در کتاب الأنساب می نویسد:

مردم کاشان همه شیعه بودند. چون به آنجا رسیدم دو روز توقف کردم و
در این مدّت دو روز به ملاقات گروهی از علما موقت شدم؛ از جمله

۱. مناقب آل ابی طالب ۱/۱۱ و ۱۲.

۲. معالم العلماء، ص ۱۳۵، شماره ۹۲۰.

۳. مناقب آل ابی طالب ۱/۱۱، خاتمه مستدرک الوسائل ۳/۱۰۴، دائرة المعارف تشیع ۱/۳۳۸، مقدمه

معالم العلماء، ص ۲۱.

۴. أمل الآمل ۲/۲۱۷، شماره ۶۵۲.

سید فاضل ابوالرضا فضل‌الله... وقتی در خانه او رسیدم لحظه‌ای درنگ کردم، چشمم به سر در خانه افتاد که آیه شریفه تطهیر بر آن نقش شده بود: ﴿إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾^۱، روایات و احادیثی از او شنیدم و نوشتیم، و همچنین قطعه‌هایی از اشعارش.^۲

۲۱. ابوالقاسم بن کمیح.

اسناد ابن شهر آشوب به کتاب‌های شیخ مفید از طریق این شخص، از پدرش، از ابن برّاج، از شیخ مفید می‌باشد.^۳

۲۲. محمد بن احمد ابوعبدالله نظری، سنی مذهب، صاحب کتاب *الخصائص العلویة علی سائر البریة*.

ابن شهر آشوب در کتاب‌های خود، این دانشمند و آثارش را معرفی کرده است، وی در کتاب *مناقب آل ابی طالب* می‌گوید:

ابوعبدالله محمد بن احمد نظری کتاب *خصائص العلویة* را به من داد.^۴

و همچنین در کتاب *معالم العلماء* می‌نویسد:

ابوعبدالله محمد بن احمد نظری، سنی مذهب، صاحب کتاب *الخصائص العلویة علی سائر البریة* و کتاب *المآثر العلویة لسید الذریة*.^۵

۲۳. محمد بن حسین بن جعفر شوهانی ابوجعفر، ساکن مشهد الرضا علیه السلام.^۶

شیخ حرّ عاملی درباره وی می‌نویسد:

شیخ عقیف... فقیه، صالح، ثقه.^۷

۱. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲. *الأنساب* ۴/۲۶۴: «القاسانی».

۳. *مناقب آل ابی طالب* ۱/۱۲، *خاتمة مستدرک الوسائل* ۳/۹۰، *مقدمه معالم العلماء*، ص ۱۶.

۴. *مناقب آل ابی طالب* ۱/۱۱۱، *مقدمه معالم العلماء*، ص ۸.

۵. *معالم العلماء*، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۰.

۶. *مناقب آل ابی طالب* ۱/۱۱۱، *الفوائد الطریفه* ص ۵۷۵، *خاتمة مستدرک الوسائل* ۳/۶۱، *مقدمه*

معالم العلماء، ص ۱۲.

۷. *أمل الآمل* ۲/۲۶۷، شماره ۷۷۵.

۲۴. محمد بن حسن بن علی بن احمد بن علی ابوعلی فتال، واعظ نیشابوری (شهید ۵۰۸ق)، صاحب کتاب *روضۃ الواعظین* و کتاب‌های دیگر، معروف به «فتال» و «ابن فارسی»^۱.

ابن شهر آشوب در کتاب *مناقب آل ابی طالب* می‌نویسد:
فتال کتاب‌های *التنویر فی معانی التفسیر* و *روضۃ الواعظین* و *بصیرة المتعظین*
را برای من [خواند] و حدیث نمود.^۲

۲۵. محمد بن علی بن عبدالصمد نیشابوری.^۳

شیخ حرّ عاملی درباره وی می‌نویسد:
فاضل، جلیل، و از مشایخ ابن شهر آشوب است.^۴

۲۶. محمد بن علی بن حسن حلبی.^۵

شیخ حرّ عاملی درباره او می‌نویسد:
او فاضل و ماهر بوده، و از مشایخ ابن شهر آشوب می‌باشد.^۶

۲۷. محمد بن فضل طبرسی ابوعلی.^۷

شیخ حرّ عاملی درباره‌اش می‌نویسد:

او عالم، صالح و عابد بوده است. ابن شهر آشوب از او روایت می‌نماید.^۸

۲۸. محمود بن عمر بن محمد بن احمد ابوالقاسم جارالله زمخشری خوارزمی معتزلی (م ۵۳۸ق).^۹

-
۱. *معالم العلماء* ص ۱۱۶، شماره ۷۶۹، *خاتمة مستدرک الوسائل* ۹۸/۳، *دائرة المعارف تشیع* ۳۳۸/۱، مقدمه *معالم العلماء*، ص ۱۸.
 ۲. *مناقب آل ابی طالب* ۱۲/۱.
 ۳. *مناقب آل ابی طالب* ۱۱/۱، *تقد الرجال* ۲۷۶/۴ شماره ۴۹۳۱، *خاتمة مستدرک الوسائل* ۶۴/۳، مقدمه *معالم العلماء*، ص ۶۴.
 ۴. *أمل الآمل* ۲۸۶/۲ شماره ۸۵۱.
 ۵. *مناقب آل ابی طالب* ۱۱/۱، *خاتمة مستدرک الوسائل* ۶۲/۳، مقدمه *معالم العلماء*، ص ۱۲.
 ۶. *أمل الآمل* ۲۸۲/۲، شماره ۸۴۰.
 ۷. *خاتمة مستدرک الوسائل* ۶۸/۳، *دائرة المعارف تشیع* ۳۳۸/۱، مقدمه *معالم العلماء*، ص ۱۴.
 ۸. *أمل الآمل* ۲۹۳/۲، شماره ۸۸۱.
 ۹. *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء* ۱۲۵/۵، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۹۱/۴، *دائرة المعارف تشیع* ۳۳۸/۱، مقدمه *معالم العلماء*، ص ۸.

او کتاب‌های خود از جمله تفسیر الکشاف و الفائق فی غریب الحدیث و ربیع الأبرار را برای ابن شهر آشوب قرائت نموده و به وی اجازه روایت کتاب‌هایش را داده است.^۱

۲۹. مسعود بن علی بن محمد صوابی ابوالحسن.^۲

شیخ حرّ عاملی درباره‌اش می‌گوید:

او فقیه، صالح، جلیل و از مشایخ ابن شهر آشوب است.^۳

۳۰. منتهی بن ابی‌زید بن کیابکی حسینی جرجانی (م ۵۱۶ق).^۴

ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابی‌طالب در ذکر طرق خود به کتاب‌های شیخ طوسی از وی نام برده است.^۵

۳۱. مهدی بن ابی‌حرب حسینی جرجانی، شیخ طبرسی صاحب احتجاج.

ابن شهر آشوب در مناقب آل ابی‌طالب بدین مطلب تصریح نموده است.^۶

۳۲. موفق بن احمد بن محمد مکی، ابوالمؤید خطیب خوارزم.

ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل ابی‌طالب می‌نویسد:

موفق بن احمد مکی خطیب خوارزم، کتاب الأربعین را برای من نوشت.^۷

نکته قابل توجه اینکه ابن شهر آشوب در مقدمه کتاب مناقب آل ابی‌طالب طرق روایت خود به کتاب‌های دانشمندان اهل سنت را ذکر نموده، سپس طرق روایت خود به کتاب‌های علما و بزرگان شیعه را بیان نموده است، همانند شیخ مفید، شیخ طوسی، سید رضی، سید مرتضی، شیخ صدوق، کلینی، ابن شاذان، ابن فضال، ابن ولید، ابن حاشر، علی بن ابراهیم، حسن بن حمزه، صفوانی، عبدکی و فلکی، سپس می‌نویسد:

۱. مناقب آل ابی‌طالب ۱/۱۱۱، ریحانة الأدب ۵۲/۸.

۲. مناقب آل ابی‌طالب ۱/۱۱۱، خاتمة مستدرک الوسائل ۶۸/۳ در آن «صوابی» آمده، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۴ در آن «صوابی» آمده.

۳. أمل الآمل ۳۲۲/۲، شماره ۹۹۰.

۴. خاتمة مستدرک الوسائل ۹۰/۳، دائرة المعارف تشیع ۳۳۸/۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۶.

۵. مناقب آل ابی‌طالب ۱/۱۲۱.

۶. مناقب آل ابی‌طالب ۱/۹ و ۱۰، خاتمة مستدرک الوسائل ۹۹/۳، مقدمه معالم العلماء، ص ۱۸.

۷. مناقب آل ابی‌طالب ۱/۱۱۱، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

فتال، برایم حدیث نمود (و به من اجازه داد نقل اخبار و مطالب) کتاب
التنوير في معاني التفسير» و کتاب روضة الواعظین و بصیرة المتعظین را.
طبرسی به من خبر داد (و اجازه داد نقل کتاب) مجمع البیان لعلوم القرآن و
کتاب إعلام الوری بأعلام الهدی را.
ابوالفتوح کتاب روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن را به من اجازه
داده است.

بیهقی کتاب حلیة الأشراف را به من داد (و اجازه داد که آن را روایت نمایم).
آمدی روایت کتاب غرر الحکم و درر الکلم را به من اذن داده است.
کتاب احتجاج طبرسی را به خطّ وی دیده (و مورد استفاده قرار داده‌ام).
تازه همه اینها جزئی از کلّ است، و در عین حال خدا می‌داند با آن همه
نعمت‌هایی که برایم ارزانی کرده است به ناتوانی خود معترفم و همان گویم
که ابوالجوائز گفت:

رویت و ما رویت من الروایة و کیف و ما انتهیت إلى نهاية
و للاعمال غایات تناهی و إن طالت و ما للعلم غایة^۱
- از همه گونه روایات بهره‌مند گردیده (و احادیث و اخبار را) روایت نمودم،
در عین حال سیراب نشده و به نهایت منظور خود نایل نشده‌ام.
- زیرا برای همه کارها - اگرچه زیاد و فراوان باشند - نهایتی است جز برای
دانش که نهایتی متصور نمی‌باشد.

۵. شاگردان و راویان

ابن شهر آشوب حدود صد سال زیسته و در مازندران و بغداد و حلب به تعلیم
و تدریس اشتغال داشته و شاگردان بسیاری تربیت نموده است.
از شاگردان و راویان وی می‌توان افراد ذیل را نام برد:
۱. ابن ادریس حلّی.^۲

۱. مناقب آل ابی طالب ۱/۶-۱۲.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

۲. ابن بطریق حلّی.^۱
۳. حسن بن علی دربی تاج‌الدین.^۲
۴. سید کمال‌الدین حیدر بن محمد بن زید بن محمد بن عبدالله حسینی.
عبدالله افندی درباره او می‌نویسد:
این عالم بزرگ شیعه در سال ۵۷۰ق موفّق به کسب اجازه حدیث از
استادش ابن شهرآشوب شده است.^۳
۵. علی بن شعره حلّی جامعانی جمال‌الدین ابوالحسن.
ابن شهرآشوب با خطّ خود در نقل تمام تألیفاتش، از جمله *معالم العلماء* به او
اجازه داده و مورد ستایش قرار گرفته است، تاریخ آن اجازه ۱۵ جمادی الثانی سال
۵۸۱ق می‌باشد.
- از تاریخ آن اجازه‌نامه معلوم می‌شود که ابن شهرآشوب کتاب *معالم العلماء* را
قبل از سال ۵۸۱ق نوشته است. و چون در این کتاب نام استادش قطب‌الدین
راوندی را ذکر کرده است و او هم در سال ۵۷۳ق دار فانی را وداع نموده، روشن
می‌شود که کتاب *معالم العلماء* بعد از سال ۵۷۳ق تألیف شده است.^۴
۶. سید محمد بن ابی القاسم عبدالله بن علی بن زهره حسینی حلّی، ابوحامد
نجم‌الدین (متوفای پس از سال ۵۸۵ق).
وی صاحب کتاب *الأربعین* می‌باشد که درباره حقوق برادران دینی نوشته شده
است، شهید ثانی از این کتاب رساله امام صادق علیه السلام به نجاشی والی اهواز را نقل
می‌نماید. او نوه دختری ابن ادریس حلّی صاحب کتاب *سرائر* است.^۵
۷. یحیی بن ابی طی حلّی.
ابن حجر عسقلانی درباره وی می‌نویسد:

۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.
۲. مقدمه مجارالأنوار، ص ۱۱۲، ابن شهرآشوب در حریم ولایت، ص ۴۹.
۳. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۶/۵، ابن شهرآشوب در حریم ولایت، ص ۵۰.
۴. مقدمه معالم العلماء، ص ۷.
۵. أمل الآمل ۲۸۶/۲ شماره ۸۵۱، تقد الرجال ۲۷۶/۴ شماره ۴۹۳۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۷،
دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴، مقدمه مجارالأنوار، ص ۱۱۲.

او از شاگردان ابن شهر آشوب مازندرانی بود و فقه را از وی فراگرفت.^۱
۸. شیخ یحیی بن محمد بن یحیی بن فرج سوراوی.^۲

۶. ابن شهر آشوب از نگاه دانشمندان شیعه

ابن شهر آشوب از مفاخر علمای امامیه و مشایخ جلیل القدر، مفسر، محدث و ادیب بوده، تبخر وی در علوم قرآنی و حدیث و رجال از آثار بازمانده وی به خوبی آشکار است.

گرچه او کتابی شناخته شده در فقه و اصول نداشته، لیکن در این دو رشته، اطلاع گسترده‌ای داشته است، چنانکه شاگردانش وی را اغلب با لقب «فقیه» یاد می‌کردند. او در شعر نیز دستی داشت، و این مطالب از توجه به گزیده‌های شعر موجود در کتاب مناقب آل ابی طالب و نیز از خاتمه معالم در ذکر شعرای اهل بیت به خوبی روشن است. وی خود نیز شعر می‌سروده و اشعاری در فضائل ائمه: به طور پراکنده، در کتاب مناقب آل ابی طالب آورده است.

از حیث توثیق رجالی تا سده ۱۱ هجری درباره وی سکوت شده و در این سده میرداماد اجتهاداً وی را توثیق کرد، و پس از آن در کتب رجالی مکرراً به توثیق وی پرداخته شده است.^۳

گفته‌ها و سخنان و اظهار نظرهای دانشمندان اسلامی چراغی است که در پرتو آن، شخصیت علمی و شأن و منزلت معنوی بزرگانی چون ابن شهر آشوب را بهتر می‌توان شناخت، پس با بررسی گفتار آنان به عظمت روحی و مقام علمی و معنوی ابن شهر آشوب بیشتر پی می‌بریم.

۱. دانشمند بزرگ اسلامی و فقیه رجالی، علماً مه میر مصطفی حسینی تفرشی (م ۱۰۲۱ق) می‌نویسد:

۱. لسان المیزان ۲۶۳/۶، ابن شهر آشوب در حریم ولایت، ص ۴۹.
۲. مقدمه بحار الأنوار، ص ۱۱۲، ابن شهر آشوب در حریم ولایت، ص ۴۹.
۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

- رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی، پیشوای طایفه شیعه و فقیه آنان، شاعری بلیغ، و نویسنده بود، و دارای تألیفاتی است.^۱
۲. محدث نامی، شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ق) می‌گوید:
ابن شهر آشوب عالم، فاضل، ثقه، محدث، محقق، عارف به علم رجال و اخبار و احادیث، شاعر و ادیب و جامع همه خوبی‌ها بود، و دارای کتاب‌هایی است.^۲
۳. عالم بزرگ، میرزا عبدالله افندی (م ۱۱۳۰ق) همانند شیخ حرّ عاملی او را توصیف می‌نماید.^۳
۴. محدث توانا، شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ق) می‌نویسد:
ابن شهر آشوب دانشمندی فاضل و محدث و محقق بود، او در فنّ علم رجال، تاریخ و اخبار، مهارت خاصی داشت... و دارای اوصاف جمیل بود.^۴
۵. رجالی خبیر، ابوعلی حائری، دانشمند بلندآوازه (م ۱۲۱۵ق)، پس از نقل سخن علامه تفرشی و استادش وحید بهبهانی می‌نویسد:
ابن شهر آشوب (بعد از شیخ طوسی) شیخ الطائفه است، و پایه فضل او گفتگو ندارد؛ چنان که جمعی از استادان تصریح به این معنا کرده‌اند، و میرداماد در کتاب خود *رواشح سماویه* تصریح به وثاقت وی نموده است.^۵
۶. محقق بزرگ رجالی، میرزا محمدحسن زنوزی (م ۱۲۱۸ق) می‌گوید:
محمد بن علی بن شهر آشوب... عالم، فاضل، ثقه، محدث، عارف به علم رجال و اخبار و احادیث، ادیب توانا، شاعر ماهر و دارای همه خوبی‌ها بود، وی صاحب تألیفاتی است.^۶
۷. تراجم‌نگار شهیر، محمدباقر خوانساری (م ۱۳۱۳ق) می‌نویسد:

۱. تقد الرجال ۲۷۶/۴، شماره ۴۹۳۱.

۲. أمل الآمل ۲۸۵/۲، شماره ۸۵۱.

۳. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۴/۵.

۴. لؤلؤة البحرین، ص ۳۴۰-۳۴۱، شماره ۱۱۲.

۵. منتهی المقال ۱۲۴/۶-۱۲۵، شماره ۲۷۶۸.

۶. ریاض الجئنة ۲۱۶/۱، شماره ۳۷.

ابن شهر آشوب عالمی فاضل و معتمدی محدث و محقق بود، از فن رجال و تاریخ و اخبار کاملاً اطلاع داشت، و ادیبی شاعر و دارای همه خوبی‌ها بود، و دارای کتاب‌هایی است.^۱

۸. علامه منتبّع، حاج میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ق) می‌نویسد:

فخر شیعه و تاج شریعت، افضل الأوائل و دریای متلاطم ژرفی که ساحل ندارد، احیاکننده آثار مناقب و فضائل، رشیدالملة والدین، شمس الاسلام و المسلمین، ابن شهر آشوب، فقیه، محدث و مفسر و محقق و ادیب عالیقدر و جامع فنون فضائل، صاحب کتاب مناقب که از گنجینه‌های شیعه است.^۲

۹. محقق رجالی، میرزا محمدعلی مدرس تبریزی می‌گوید:

محمد بن علی بن شهر آشوب... از اهالی ساری مازندران و از مفاخر علمای امامیه و مشایخ شیعه اواخر قرن ششم هجری می‌باشد که فقیهی است محدث، رجالی متکلم، ادیبی نحوی، مفسر، واعظی محقق، شاعر منشی بلیغ، جامع فنون فضائل و کنیر المشایخ... علاوه بر علمای رجال شیعه، علمای عامه نیز او را تجلیل و تبجیل کرده، و به شرح حال او پرداخته، و با صدوق اللهجة و ملیح المحاوره بودن و کثرت علم و عبادت و خشوع و تهجد و دائم الطهاره [بودنش او را] ستوده‌اند.^۳

۱۰. در کتاب نامه دانشوران آمده است:

ابن شهر آشوب... از طایفه امامیه و از مشایخ آن سلسله جلیله است. در بازار حدیث دانی و رجالشناسی صرافی بی‌مانند... و به علو قدر و شرح صدر و خضوع قلب، ممتاز و مستثنا بود، و در علوم ادبیه و رسوم ترسیل نامه‌نویسی و آداب شعر در شمار فحول علما و ارکان ادبا معدود گشت.^۴

۱. روضات الجنات ۲۹۰/۶، شماره ۵۸۵.

۲. خاتمه مستدرک الوسائل ۵۶/۳-۵۷.

۳. ریحانة الأدب ۵۸/۸-۵۹.

۴. نامه دانشوران، ج ۱، ص ۵۳۰.

۷. ابن شهر آشوب از نگاه دانشمندان اهل سنت

دانشمندان و بزرگان اهل تسنن به گونه‌ای از ابن شهر آشوب تجلیل نموده و به بزرگی یاد کرده‌اند، که کمتر در حق کسی از علمای شیعه چنین کرده‌اند.

۱. صلاح‌الدین صفدی (م ۷۶۴ق)، یکی از عالمان بزرگ اهل سنت می‌نویسد:

محمد بن علی بن شهر آشوب... یکی از سرشناسان شیعه است. او در هشت سالگی قرآن را حفظ کرده بود، و در علم اصول شیعه به حدّ نهایه رسید. دانشمندان برای فراگیری علوم به سوی او می‌رفتند. وی در علوم قرآنی و مشکلات حدیث و اخبار و لغت و نحو تبحر داشته است. او در دوران خلافت مقتفی خلیفه عباسی در بغداد منبر رفت، و موعظه و سخنان و خطابه وی به قدری مورد تحسین خلیفه واقع گشت که خلیفه به او خلعت بخشید، و از وی بسیار تعریف و تمجید نمود.

وی دارای دانش وسیع بود، بیشتر عبادت می‌کرد و همیشه با طهارت بود. ابن ابیطی در کتاب تاریخ خود او را مورد ستایش فراوان قرار داده است.^۱
۲. قاضی القضاة، مجدالدین بن محمد فیروزآبادی (م ۸۱۷ق) در کتاب *البلغة* که در شرح حال علمای نحو و لغت نوشته، پس از نقل سخن صفدی، می‌نویسد:

ابن شهر آشوب دارای تألیفاتی است به نام *الفصول* در علم نحو... و کتاب *المجدیدة* که فواید و گوهرهای بسیاری را در آن گرد آورده است...^۲
۳. حافظ، ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) می‌نویسد:

ابن شهر آشوب از بزرگان شیعه است. و ابن ابیطی درباره‌اش گفته است: ابن شهر آشوب به فراگیری علم حدیث اشتغال ورزید و در این راه با بسیاری از علمای حدیث ملاقات نمود. سپس به تحصیل علم فقه پرداخت و در آن به مقام عالی و نهایه رسید، و در علم اصول نیز تتبع بیشتری نموده و به مهارت کاملی دست یافت. و در علوم قرائت و قرآن و تفسیر و ادبیات عرب از دیگران پیشی گرفت.

۱. الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴، شماره ۱۷۰۲.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل ۵۹/۳.

وی وجهه‌ای مقبول داشته و بیانی ملیح و نمکین، و در مورد تمام علوم و معارف اسلامی، متفق و مفرق، مؤتلف و مختلف، فصل و وصل، و فرق بین رجال خاصه و عامه (یعنی اهل سنت و شیعه) کتاب‌هایی تألیف و تصنیف کرده است. و در پیشگاه خدا بسیار خاشع بوده است.^۱

۴. دانشمند معروف، جلال‌الدین عبدالرحمان سیوطی (م ۹۱۱) درباره ابن شهر آشوب می‌نویسد:

... او پیشوای دانشمندان زمان، و یگانه روزگار بود. او در علوم قرآنی (تفسیر و قرائت) و حدیث نیز احاطه کاملی داشت.

وی در تصنیف و تعلیق احادیث و در رجال حدیث، احادیث مرسله، متفق و مفرق، و علوم دیگر، در میان شیعه همانند خطیب بغدادی در نزد اهل سنت است. وی دارای علم و دانش گسترده، و در تمام فنون (و علوم) مهارت داشت.

ابن ابی طی گفته است: دانشمندان حلب، قبل از آنکه ابن شهر آشوب به آن شهر بیاید، هیچ يك فرق بین ابن بطه حنبلی و ابن بطه شیعی^۲ را نمی‌دانستند و تشخیص نمی‌دادند، ولی وقتی که ابن شهر آشوب به آن دیار شیعه‌نشین قدم گذاشت، این مطلب را (در میان علمای حلب) مطرح کرد و توضیح داد که ابن بطه حنبلی، با فتح باء است، و ابن بطه شیعی، با ضمّ باء است.^۳

۸. آثار و تألیفات

ابن شهر آشوب در اکثر علوم اسلامی، اعمّ از فقه، اصول، کلام، تفسیر، رجال و... تألیفات ارزنده‌ای دارد، که هر يك در نوع خود مهم و نشانگر مقام والای علمی وی

۱. لسان‌المیزان ۳۵۹/۶، شماره ۷۸۸۹، اعیان‌الشیعه ۸۲/۱، مقدمه معالم‌العلماء، ص ۴.

۲. منظور از ابن بطه شیعی، ابوجعفر محمد بن جعفر بن بطه قمی مؤدب است، و منظور از ابن بطه حنبلی، ابوعبدالله عبیدالله بن محمد بن محمد بن محمد بن حمدان بن بطه عکبری صاحب‌الإبانه (م ۳۸۷ ق) می‌باشد. الکنی و الألقاب، شیخ عباس قمی، ج ۱، ص ۲۱۷.

۳. طبقات‌المفسرین، ص ۹۶، شماره ۱۱۰.

می باشد، آثاری که همواره مورد توجه و عنایت عالمان دینی قرار گرفته است، و آن ها عبارت اند از:

۱. الأریعون حدیثاً

این کتاب در مناقب حضرت زهراء علیها السلام می باشد.^۱

۲. الأسباب و النزول علی مذهب آل الرسول^۲

ابن شهر آشوب در معالم العلماء این کتاب را در ردیف آثار خود نام برده است.^۳ ظاهراً این کتاب همان کتاب بیان التنزیل است که نزد علما مه مجلسی موجود بوده و از او در بحار الأنوار^۴ نقل کرده، و اظهار داشته که کتابی کوچک، ولی پرمحتواست.^۵ ابن شهر آشوب این کتاب را در موضوع علوم قرآنی نوشته است.^۶

* أعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق ← الطرائق فی الحدود و الحقائق

۳. أنساب آل ابي طالب^۷

۴. الأوصاف^۸

۱. الذریعة ۴۲۶/۱، شماره ۲۱۸۲، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴، دائرة المعارف تشیع ۳۳۸/۱، ریحانة الأدب ۵۲/۸، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۲.
۲. الذریعة ۱۲/۲، شماره ۳۷، أمل الآمل ۲۸۵/۲ شماره ۸۵۱، الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲ به عنوان (أسباب نزول القرآن)، لؤلؤة البحرين ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، ریحانة الأدب ۵۲/۸، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۴/۵، روضات الجنات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، ریاض الجنة ۲۱۶/۱ شماره ۳۷، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۰.
۳. معالم العلماء، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱.
۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۹.
۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۴/۴.
۶. طبقات مفسران شیعه ۱۷۶/۲.
۷. تقد الرجال ۲۷۶/۴ شماره ۴۹۳۱، الذریعة ۳۷۸/۲ شماره ۱۵۱۸، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴، دائرة المعارف تشیع ۳۳۸/۱، ریحانة الأدب ۵۹/۸، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۲.
۸. الذریعة ۴۷۶/۲ شماره ۱۸۶۴، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴، أمل الآمل ۲۸۶/۲ شماره ۸۵۱، لؤلؤة البحرين ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، ریحانة الأدب ۵۹/۸، ریاض الجنة ۲۱۶/۱ شماره ۳۷، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۵/۵، روضات الجنات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۲.

ابن شهر آشوب این کتاب را در *معالم العلماء* جزء آثار خود نام برده است.^۱
* بیان التنزیل^۲ ← الأسباب و النزول علی مذهب آل الرسول

۵. الجديدة

فیروز آبادی (م ۸۱۷ق) دانشمند و لغت‌شناس بلندیایه اهل سنت در کتاب خود
البلغة نام این کتاب را ذکر نموده است، و گفته است:

نویسنده آن در این کتاب فوائد بسیاری جمع نموده است.^۳

۶. الحاوي^۴

ابن شهر آشوب این کتاب را در ردیف آثار خود در *معالم العلماء* ذکر نموده است.^۵

۷. الطرائق في الحدود والحقائق

ابن شهر آشوب این کتاب را با همین عنوان در *معالم العلماء* جزء تألیفات خود نام
برده است.^۶

اما شیخ آقا بزرگ تهرانی و دیگران آن را به عنوان *أعلام الطرائق في الحدود
والحقائق* ذکر نموده‌اند.^۷

و صفدی آن را به عنوان *الأعلام والطرائق في الحدود والحقائق* آورده است.^۱

۱. *معالم العلماء*، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱.

۲. *ریحانة الأدب* ۵۹/۸.

۳. *الذريعة* ۹۱/۵ شماره ۳۸۰، خاتمه مستدرک الوسائل ۵۹/۳، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۹۲/۴،
مقدمه *معالم العلماء*، ص ۳۲.

۴. *الذريعة* ۲۳۶/۶ شماره ۱۳۱۲، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۹۲/۴، *أمل الآمل* ۲۸۶/۲ شماره ۸۵۱،
لؤلؤة البحرين ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، *ریحانة الأدب* ۵۹/۸، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء* ۱۲۵/۵،
روضات الجنات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، *ریاض الجنة* ۲۱۶/۱ شماره ۳۷، مقدمه *معالم العلماء*، ص ۳۰.

۵. *معالم العلماء*، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱.

۶. *معالم العلماء*، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۹۲/۴، مقدمه *معالم العلماء*، ص ۲۷.

۷. *الذريعة* ۲۳۹/۲ شماره ۹۵۰، *أمل الآمل* ۲۸۵/۲ شماره ۸۵۱، *لؤلؤة البحرين* ص ۳۴۱ شماره
۱۱۲، *ریحانة الأدب* ۵۹/۸، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء* ۱۲۴/۵، *روضات الجنات* ۲۹۰/۶
شماره ۵۸۵، *ریاض الجنة* ۲۱۶/۱ شماره ۳۷.

۸. الفصول

این کتاب درباره علم نحو می‌باشد، فیروزآبادی (م ۸۱۷ق) در کتاب خود *البلغة* از آن نام برده است.^۲

جلال‌الدین سیوطی نیز در *بعیة الوعاة* آن را ذکر نموده است.^۳
صفدی می‌نویسد:

این کتاب درباره علم نحو است، که مؤلف در آن *أمّهات* مسائل را آورده است.^۴

۹. مائدة الفائدة^۵

ابن شهر آشوب در *معالم العلماء* این کتاب را جزء تألیفات خود نام برده است.^۶
صفدی می‌نویسد:

در این کتاب مطالب نادر و کمیاب جمع آوری شده است.^۷

۱۰. متشابه القرآن ومختلفه

ابن شهر آشوب در این کتاب آیات متشابه را به ترتیب موضوعی مورد بررسی قرار داده است، و موضوعات آن را اصول عقاید، فقه، اصول فقه، علوم قرآن، ادبیات و غیر آن تشکیل می‌دهد، مؤلف کتاب را در سال ۵۷۰ق به پایان رسانیده است.^۸ از اینکه در برخی نسخ *معالم العلماء* برخلاف نسخه چاپ نجف (ص ۱۱۹

۱. الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴، شماره ۱۷۰۲.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل ۵۹/۳، الذریعة ۲۴۳/۱۶ شماره ۹۶۸.

۳. مقدمه معالم العلماء، ص ۳۲، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴.

۴. الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲.

۵. أمل الآمل ۲۸۵/۲ شماره ۸۵۱، لؤلؤة البحرین ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، ریحانة الأدب ۵۹/۸، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۴/۵، مقدمه معالم العلماء، ص ۲۷، روّضات الجنّات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، ریاض الجنّة ۲۱۶/۱ شماره ۳۷. در بعضی منابع «فائدة الفائدة» ثبت شده است.

۶. معالم العلماء، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱.

۷. الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴.

۸. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

شماره ۷۹۱) از کتاب *متشابه القرآن* مؤلف یادی نشده، می‌توان حدس زد که *متشابه القرآن* پس از *معالم العلماء* تألیف شده است.^۱

کتاب مذکور در سال ۱۳۶۹ هجری قمری در تهران در دو جلد چاپ شده است، جلد اول در ۲۶۱ صفحه، و جلد دوم در ۲۷۸ صفحه.

در آخر جلد دوم علامه سید هبة‌الدین شهرستانی (م ۱۳۸۶ ق) گفتاری پیرامون کتاب دارد که به خلاصه آن اشاره می‌نماییم:

این کتاب گرانقدر دارای سبک و اسلوب زیبا و بیانی رسا و در عصرهای مختلف و شهرها و ممالک اسلامی مورد توجه خاص عالمان و دانشمندان بوده است، شاید نخستین کتاب در موضوع خود می‌باشد، و بر تفسیرهای دیگر امتیاز دارد.

مؤلف این کتاب از قدر و منزلت بلند در زمینه‌های دینی، علمی و ادبی برخوردار است، با اندک مراجعه به کتب تراجم، شخصیت ممتاز وی مشخص می‌گردد.

این کتاب ویژگی‌های فراوان دارد، از جمله:

ویژگی اول: حسن شیوه و نوآوری در تنظیم و ترتیب.

مؤلف علامه و ذوفنون آن، آیات را براساس اولویت و به ترتیب تنظیم کرده، نخست از ابواب توحید و صفات خداوند شروع و سپس عدل و تنزیه خداوند و پس از آن ابواب امامت و سپس معاد را مورد بحث و بررسی قرار داده، و بعد از آن ابواب فقهی و تشریحی را به ترتیب کتب فقهی مطرح کرده، و در آخر، از احکام فقه قرآن، سپس فنون ادبی و عربی سخن گفته است.

ویژگی دوم: حسن اسلوب و سبک بدیع در انتخاب معانی مهم و ارزنده، شعر زیبا، نقل صحیح و نقد بجا.

ویژگی سوم: فصاحت لفظ همراه با بلاغت معنا، با ایجاز و اختصار. لذا بسیار مناسب است که این کتاب نفیس و ارزنده جزو برنامه درسی دانش پژوهان و دانشجویان علوم اسلامی قرار گیرد.^۱

علّامه نوری می نویسد:

نسخه‌ای از کتاب *متشابه القرآن* در نزد ما می‌باشد، استاد ما شیخ حرّ عاملی آن را به علّامه مجلسی اهداء نموده، و در روی آن نسخه، خطّ آن دو بزرگوار می‌باشد، و این کتاب عجیبی است که نشان‌دهنده تبحّر نویسنده آن است، بزرگان و دانشمندان اهل سنت هم در جلالت قدر و علو منزلت وی اذعان و اعتقاد دارند.^۲

علّامه خبیر، شیخ آقا بزرگ تهرانی در مورد این کتاب می‌نویسد:

کتاب جالب و شگفت‌انگیزی است که از علم وافر و ادب کامل مؤلف عالیقدرش بازگو می‌کند.

نسخه‌هایی از آن در کتابخانه شوشتری‌ها و کتابخانه شیخ علی آل کاشف الغطاء و کتابخانه مدرسه ملّا محمدباقر سبزواری در مشهد مقدّس پیدا می‌شود.^۳

۱۱. المثل في الأمثال^۴

ابن شهر آشوب آن را در *معالم العلماء* در ردیف آثار خود نام برده است.^۵

۱۲. مثالب النواصب

این کتاب را مؤلف خود در *معالم العلماء* و در اجازه‌ای که به شاگردش علی بن شعره جامعانی داده، ذکر کرده است، و نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه سپهسالار موجود است.^۶

۱. مقدّمه معالم العلماء، ص ۳۰.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل ۵۸/۳.

۳. الذریعة ۶۲/۱۹ شماره ۳۳۱.

۴. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۴/۵، لؤلؤة البحرین ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، أمل الآمل ۲۸۵/۲ شماره ۸۵۱، مقدّمه معالم العلماء، ص ۲۷، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴، ریحانة الأدب ۵۹/۸، روضات الجنّات ۲۹۰/۶ شماره ۵۸۵، ریاض الجنّة ۲۱۶/۱ شماره ۳۷.

۵. معالم العلماء، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱.

۶. معالم العلماء، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۱۲۴/۵، سپهسالار ۴۸۹/۵، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴، أمل الآمل ۲۸۵/۲، شماره ۸۵۱، مقدّمه معالم العلماء، ص ۲۷.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در مورد این کتاب می‌نویسد:

نسخه خطی این کتاب در خزانه کتب خطی سید ناصر حسینی هندی به حجم کتاب مناقب آل ابی طالب و نسخه دیگر در تهران در کتابخانه سید محمد محیط یافت می‌شود.^۱

این کتاب را در سال ۱۳۷۰ مؤسسه قائم آل محمد علیهم‌السلام قم مورد تحقیق و بررسی قرار داده ولی هنوز چاپ نشده است.
آن مؤسسه می‌نویسد:

این کتاب مجموعه آیات روایات و حکایات و اشعاری است درباره چهره نهانی ناصبین و قاسطین و مارقین و ناکثین و کسانی که در مقابل پرتو خورشید حق، خفاش‌گونه به افکار تابش‌های سپیدی آفرین پرداختند و در کتمان روشنایی‌ها کوشیدند.

وی کتاب را در يك مقدمه به پنج قسم سامان داده و در ختم آن به آراء و اندیشه‌های یادشدهگان و زشتی‌ها و کثروی‌های فقهای گمراهی آفرین و گزارش افکار فرقه‌ها و نحله‌ها پرداخته است، و بدین سان می‌توان گفت کتابی است تاریخی، اعتقادی، فرقه‌شناسی و کلامی.^۲

۱۳. المخزون المکنون في عيون الفنون^۳

ابن شهر آشوب در معالم العلماء این کتاب را در ردیف تألیفات خود نام برده است.^۴ و در کتاب مناقب آل ابی طالب متذکر شده که دو خطبه بدون الف و بدون نقطه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را در «المخزون المکنون» آورده است.^۵

۱. الذریعة ۷۶/۱۹ شماره ۴۰۹.

۲. مجله آینه پژوهش، شماره ۵۰، ص ۶۱.

۳. أمل الآمل ۲/۲۸۵ شماره ۸۵۱، الوافی بالوفیات ۴/۱۶۴ شماره ۱۷۰۲، لؤلؤة البحرین ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، ریجانه الأدب ۸/۵۹، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۵/۱۲۴، روضات الجنات ۶/۲۹۰ شماره ۵۸۵، ریاض الجنّة ۱/۲۱۶ شماره ۳۷، مقدمه معالم العلماء، ص ۲۷.

۴. معالم العلماء، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱.

۵. مناقب آل ابی طالب ۲/۴۸، شرح حال امام علی علیه‌السلام فصل فی المسابقة بالعلم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۴/۹۲.

۱۴. معالم العلماء

این کتاب در واقع تلخیصی است از کتاب *الفهرست* شیخ طوسی که زیاداتی بدان افزوده شده است. این اثر یکی از کتاب‌های عمده *فهرست* و رجال شیعه در فاصله سده ۵ تا ۸ق به شمار می‌رود.^۱

این کتاب بنابر تصریح خود ابن شهر آشوب به عنوان *تتمیم و تکمیل الفهرست* شیخ طوسی نوشته شده و علاوه بر همه نام‌هایی که در *الفهرست* آمده مشتمل بر نام گروهی از معاصران و متأخران از شیخ نیز هست... در این کتاب نام نود نفر و ششصد کتاب بیش از یادشدگان در *الفهرست* آمده است، در ذیل نام افراد، گاهی به وثاقت یا ضعف آنان و هم به تاریخ وفاتشان اشاراتی رفته و این یکی دیگر از امتیازات این کتاب بر *الفهرست* شیخ است.^۲

ابن شهر آشوب در این کتاب کم‌حجم جمعاً ۱۰۲۱ تن از دانشمندان را نام برده و آنان را همراه با آثارشان به اجمال و گاهی به تفصیل شناسانده است، به جز شعرا که در آخر، فصلی نیز به گزارش نام آنان اختصاص داده است.^۳

مؤلف در مقدمه کتاب می‌نویسد:

این کتاب درباره *فهرست کتب شیعه و اسامی مصنفین قدیم و جدید* است. اگرچه شیخ بزرگوار ما ابو جعفر طوسی رحمته الله فهرستی نوشته است که در آن عصر نظیر نداشته، ولی این مختصر دارای مطالب اضافه و فایده‌هایی است که در آن نیست.

بنابراین *معالم العلماء* *تتمه فهرست شیخ طوسی* است. من در این کتاب نزدیک به ششصد کتاب، بیش از کتب موجود در *فهرست* آورده‌ام، و اشاره به کتبی که از *فهرست* وی حذف شده است، نموده‌ام؛ هرچند کتاب‌ها بیش از این‌ها بوده است... بعد از ذکر اسامی مصنفین، اسامی شعرا مشهور اهل بیت علیهم السلام را در حدّ توان و آشنایی آورده‌ام.^۴

۱. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۹۱/۴.

۲. *چهار کتاب اصلی علم رجال*، مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ص ۵۸.

۳. *مقدمه معالم العلماء*، ص ۲۷.

۴. *معالم العلماء*، ص ۲-۳.

این کتاب گرانقدر بار نخست در سال ۱۳۵۳ق به کوشش و تصحیح و مقابله و مقدمه دانشمند فقید مرحوم استاد عباس اقبال آشتیانی در تهران به چاپ رسید، بار دیگر در سال ۱۳۸۰ق با پاورقی و مقدمه مفصل فرزانه گرانقدر جناب سید صادق آل بحر العلوم در ۱۵۳ صفحه در نجف اشرف چاپ شد.

ابواب مباحث این کتاب به ترتیب الفباست، که در هر باب نام اشخاص و شرح حال اجمالی از آنان ذکر می‌شود. باب ۲۲ در معرفی اشخاصی است که با کنیه، لقب یا قبیله و شهر مشهور شده‌اند. آنگاه معرفی کتاب‌هایی که مؤلفان آن‌ها مشخص نیستند. باب ۲۳ مختص بعضی از شعرای اهل بیت علیهم‌السلام است، که آن‌ها را به چهار گروه تقسیم نموده است: مجاهرین، مقتصدین، متقین، متکلفین.

۱۵. مناقب آل ابی‌طالب

معروف‌ترین و گرانقدرترین اثر ابن شهر آشوب همین کتاب و بیشترین شهرت مؤلف نیز به سبب تألیف آن است، به گونه‌ای که کتاب به مناقب ابن شهر آشوب معروف گشته است.

وی در این کتاب، مناقب و فضایل چهارده معصوم علیهم‌السلام را یکایک مورد بحث و شرح قرار داده است.

استاد شهید مطهری درباره کثرت و سابقه مناقب‌نویسی در شأن حضرت امام علی علیه‌السلام می‌گوید:

نه فقط از زبان مسلمین، بلکه از زبان کافر، مسیحی و یهودی، هرکس که يك وجدانی دارد، ستایشگر حضرت علی علیه‌السلام واقع می‌شود. ابن شهر آشوب وقتی که مناقب را می‌نویسد مدعی است الآن که من مناقب را می‌نویسم، هزار کتاب مناقب (مناقب علی علیه‌السلام) وجود دارد.^۱

حال من نمی‌دانم آن کتاب‌ها را هم ابن شهر آشوب در کتابخانه اش داشته، یا لااقل فهرست آن‌ها را داشته است.^۲

۱. این مطلب را شیخ عباس قمی در *تتمه المنتهی*، ص ۳۶۴ نقل کرده است.

۲. *فلسفه اخلاق*، شهید مطهری، ص ۱۱۳.

آری، در مورد تاریخ حیات چهارده معصوم: و مناقب و فضایل آنان کتاب‌های زیادی نوشته شده - چه قبل از ابن شهر آشوب یا بعد از او - ولی هیچ يك از آنها همانند مناقب وی در میان عالمان دین جایگاهی ندارد.^۱

در این کتاب برای اثبات مدّعی خود شواهدی از کتب شیعه و سنی و گفتارهای دانشمندان آنان و شعرای مشهور عرب آورده که از هر جهت حاکی از نبوغ فکری و علمی و وسعت نظر و همت عالی و شهامت مؤلف بزرگوار است. کسانی که بعد از وی مناقب نوشته‌اند، همگی از مناقب وی سند گرفته‌اند.^۲

این کتاب نخست در سال ۱۳۱۳ق در بمبئی و پس از آن چندین بار در ایران و عراق و لبنان به چاپ رسیده است. به قرینه روایت ابن شهر آشوب از ابوالوقت سجزی تألیف این کتاب اندکی پس از سال ۵۵۳ق در بغداد صورت گرفته است.^۳

عبدالله افندی درباره تاریخ کتابت مناقب می‌نویسد:

از بررسی محتوا و مطالب لابلای کتاب برمی آید که کتابت آن در سال ۵۹۵ق بوده است.^۴

مؤلف به تفصیل در مقدمه به انگیزه تألیف پرداخته است. طبق آنچه در مقدمه مناقب آمده، این کتاب با ذکر مناقب پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آغاز می‌شده، سپس به ذکر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌پرداخته، و به ذکر صحابه و تابعین ختم می‌شده است، اما نسخ موجود کتاب با یاد امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام پایان می‌پذیرد.

این احتمال که بخش پایانی کتاب اساساً توسط ابن شهر آشوب تألیف نشده باشد، منتفی است، زیرا وی خود در *معالم العلماء*^۵ به بخش مربوط به امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ارجاع داده، و ابن طاووس در *الملاحم*^۶ از آن بخش کتاب قطعاتی نقل کرده است.^۷

۱. مقدمه *معالم العلماء*، ص ۲۶.

۲. *ابن شهر آشوب در حریم ولایت*، ص ۷۲.

۳. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۹۱/۴.

۴. *الفوائد الطریفة*، ص ۵۲۷.

۵. *معالم العلماء*، ص ۱۱۳، شماره ۷۶۵، شرح حال شیخ مفید، که می‌نویسد: امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وی را لقب «مفید» داده، سبب آن را در کتاب *مناقب آل ابی طالب* بیان نموده‌ام.

۶. *الملاحم و الفتن*، ص ۳۷۰-۳۷۲.

۷. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی* ۹۱/۴.

کتاب مناقب توسط حسین بن جبر (یا جبیر) تلخیص شده و نخب المناقب نام یافته است.^۱

اوصافی که ابن جبر برای کتاب مناقب آورده، این تصور را به وجود می‌آورد که نسخه مورد استفاده او از حیث ذکر اسناد و تفکیک احادیث کامل‌تر از نسخه موجود و از نظر حجم مفصل‌تر از آن بوده است. بر همین پایه علامه نوری در خاتمة مستدرک الوسائل^۲ نتیجه گرفته که نسخه حاضر در واقع همان نخب المناقب ابن جبر یا تلخیص دیگری از مناقب است.

به هر حال با توجه به نقص کتاب مناقب در بخش پایانی، همچنین یافت نشدن برخی از مطالب موجود در نخب (همچون سند جوینی در مورد سند حدیث غدیر) در نسخه حاضر از مناقب، و برخی شواهد دیگر می‌توان نتیجه گرفت که مناقب حاضر نسبت به متن اصلی تقایصی دارد، ولی مقایسه آن با نسخ نخب المناقب ابن جبر نشان می‌دهد که کتاب موجود همان نخب المناقب نیست.^۳

علامه نوری می‌نویسد:

کتاب مناقب که در زمان ما و زمان‌های گذشته تا عصر علامه مجلسی موجود بوده و می‌باشد، اصل آن نیست، بلکه مختصر آن است که ابن جبیر یا دیگری آن را برگزیده است، کتاب کنونی مناقب تا زندگانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را شرح داده است و شرح حال امام زمان علیه السلام را در آن نمی‌بینیم و دانشمندان پیش از ما همه مانند علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی چیزی از آن راجع به امام زمان علیه السلام نقل نکرده‌اند. لذا چه بسا ممکن است توهم شود که ابن شهر آشوب موفق به نگارش این قسمت نشده است، ولی از آنچه در کتاب رجال خود معالم العلماء ضمن شرح حال شیخ مفید (م ۴۱۳ق) نگاشته برمی‌آید که بخشی از کتاب مناقب در دست ما نیست.

۱. الذریعة ۸۸/۲۴ شماره ۴۶۲، الفوائد الطریفة، عبدالله افندی، ص ۶۰۰-۶۰۲، خاتمة مستدرک الوسائل ۵۷/۳.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل ۵۷/۳.

۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

وی می نویسد: امام زمان علیه السلام او را ملقب به مفید کرده است و ما علت آن را در کتاب مناقب آل ابی طالب بیان کرده ایم.^۱

علامه ملا محمدباقر قاینی بیرجندی صاحب کتاب کبریت الأحمر و چندین اثر ارزشمند دیگر و از مشایخ روایتی مرحوم والد رحمته الله نیز در کتاب فوائد کاظمیه به این مطلب تصریح نموده است، وی می نویسد:

مناقب ابن شهر آشوب که امروزه در دسترس ما می باشد در حقیقت منتخب مناقب است، چنان که سید هاشم بحرانی در مدینه المعاجز از آن تعبیر به منتخب المناقب نموده است، و بعضی از افراد متبحر و صاحب نظر گفته اند: اصل مناقب چند برابر مناقب موجود بوده است، و لذا می بینیم که علما و دانشمندان شرح حال امام زمان علیه السلام را از آن کتاب نقل می نمایند، در حالی که مناقب موجود به شرح حال امام حسن عسکری علیه السلام پایان می یابد.^۲

علامه سید محمدصادق آل بحر العلوم می نویسد:

کتاب مناقب آل ابی طالب که الآن در دسترس عموم است از او اخرش معلوم می شود که این کتاب مختوم نیست، بلکه بابی دیگر نیز در احوالات حضرت امام زمان علیه السلام می باشد که حذف شده است. والله العالم.^۳

۱۶. المنهاج

ابن شهر آشوب این کتاب را در معالم العلماء جزء آثار خود نام برده است.^۴

۱۷. المواید

۱. معالم العلماء، ص ۱۱۳، شماره ۷۶۵.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل ۳/۵۸-۵۷.

۳. فوائد کاظمیه، نسخه خطی شماره ۳۴۱۵، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

۴. مقدمه معالم العلماء، ص ۲۶.

۵. معالم العلماء، ص ۱۱۹، شماره ۷۹۱، الذریعة ۲۳/۱۵۴، شماره ۸۴۶۷، دائرة المعارف بزرگ

اسلامی ۹۲/۴، أمل الآمل ۲/۲۸۶، شماره ۸۵۱، لؤلؤة البحرين ص ۳۴۱ شماره ۱۱۲، ریحانة الأدب

۵۹/۸، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء ۵/۱۲۵، روضات الجنات ۶/۲۹۰، شماره ۵۸۵، ریاض الجنّة

۱/۲۱۶ شماره ۳۷، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۲.

شیخ آقا بزرگ تهرانی به نقل از اقبال سید ابن طاووس این اثر را به ابن شهر آشوب نسبت داده است.^۱

شایان توجه اینکه کتاب‌هایی که ذکر شد ابن شهر آشوب خود اسم بعضی از آن‌ها را در کتاب *معالم العلماء* آورده است، و آن‌هایی که در آنجا متذکر نشده، احتمال دارد که بعد از تألیف *معالم العلماء* نوشته باشد.

نکته دیگر اینکه ظاهراً آثار ابن شهر آشوب بیش از آن است که ذکر شد، زیرا شاگردش ابن ابی طی گفته: «وی در متفق و مفترق، مؤتلف و مختلف، و فصل و وصل تصنیفاتی دارد»،^۲ و علی بن هلال جزائری در سده ۹ آثاری را از وی در معقول و منقول و فروع و اصول می‌شناخته است.^۳

۹. شعر و ادب

ابن شهر آشوب در شعر نیز تبحر داشته، علامه تفرشی درباره وی می‌نویسد: «کان شاعراً بلیغاً منشئاً»^۴ او شاعری توانا و زبردست و ادیبی ماهر بود. و این مطالب از توجه به گزیده‌های شعر موجود در کتاب *مناقب آل ابی طالب* و نیز از خانمه *معالم العلماء* در ذکر شعرای اهل بیت علیهم‌السلام به خوبی روشن است. وی خود نیز شعر می‌سروده، و اشعاری از او در فضائل *أئمه علیهم‌السلام* به طور پراکنده در کتاب *مناقب آمده است*.^۵

ما در اینجا به عنوان نمونه، دو بیت از اشعار وی را که در مدح و منقبت *أئمه اطهار علیهم‌السلام* گفته است، می‌آوریم:

بعد النبیّ أئمة لمعاشر وأئمتی من بعده أولاده
إن کان قد شرفت به أصحابه فبنوه ما شرفوا وهم أكباده^۶

۱. الذریعة ۲۳۳/۲۳ شماره ۸۷۷۹. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴ می‌نویسد: با مقایسه گفته ابن طاووس (اقبال، ۵۹۸) با آنچه در مناقب (۴۲۴/۴) آمده، روشن می‌شود که نقل ابن طاووس از مناقب بوده است.

۲. لسان المیزان ابن حجر عسقلانی ۳۱۰/۵، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴.

۳. بحار الأنوار مجلسی ۲۸/۱۰۸-۳۴، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۲/۴.

۴. تقد الرجال ۲۷۶/۴ شماره ۴۹۳۱، أمل الآمل ۲۸۶/۲ شماره ۸۵۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۳.

۵. دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴.

۶. مناقب آل ابی طالب ۱۴۸/۴، شرح حال امام سجّاد علیه‌السلام فصل فی معجزاته علیه‌السلام.

- بعد از رحلت پیامبر ﷺ مردمان را پیشوایانی بود، اما پیشوایان من بعد از آن حضرت، فرزندان او هستند.
- چرا که اگر اصحاب او، به خاطر صحابه بودن، شرافت یافتند، فرزندان وی، هم این شرافت را داشتند و هم جگرپاره‌های او بودند.^۱

۱۰. محل وفات و تاریخ آن

ابن شهر آشوب پس از سال‌ها اقامت در بغداد به حلب - که در آن هنگام در یرتو حمایت حمدانی‌ها از پیشرفته‌ترین مراکز علمی تشیع بود - مسافرت کرد،^۲ و سرانجام پس از گذراندن ۹۹ سال و دو ماه عمر با خیر و برکت در شب جمعه ۲۲ ماه شعبان سال ۵۸۸ در شهر حلب درگذشت، و در جبل الجوشن در نزدیکی محلی مشهور به «مشهد الحسین علیه السلام» در جوار مرقد حضرت محسن ابن ابی عبدالله الحسین علیه السلام به خاک سپرده شد.^۳



۱. ابن شهر آشوب در حریم ولایت، ص ۸۸-۸۹.

۲. دائرة المعارف تشیع ۳۳۷/۱.

۳. لسان المیزان ۳۹۵/۶ شماره ۷۸۸۹، طبقات المفسرین سیوطی، ص ۹۶ شماره ۱۱۰، دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴، الوافی بالوفیات ۱۶۴/۴ شماره ۱۷۰۲، ریحانة الأدب ۶۰/۸، روضات الجنات ۲۹۳/۶ شماره ۵۸۵، اعیان الشیعة ۸۲/۱، مقدمه معالم العلماء، ص ۳۵. بنابر قولی، ابن شهر آشوب در ایران، شهر بارفروش مازندران، قریه «کنجی زور» دار فانی را وداع نموده و در آنجا به خاک سپرده شده، و الآن هم بر مزارش قبّه‌ای است که مورد زیارت دوستداران اهل بیت علیهم السلام میباشد. «افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۱۲۶». دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۹۱/۴ می‌نویسد: افندی به خطا وفات او را در «مشهد گنج افروز» از قرای بارفروش (بابل) دانسته و اظهار داشته که آرامگاه او در آنجا زیارتگاه مردم است.

کتابنامه

۱. ابن شهر آشوب در حریم ولایت، محمد رحیم بیگ محمدی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول. ۱۳۷۴.
۲. أعيان الشيعة، سيد محسن امين، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق = ۱۹۸۳م.
۳. أمل الآمل، محمد بن حسن، معروف به «شيخ حرّ عاملي»، بغداد: مكتبة الأندلس.
۴. الأنساب، عبدالكريم بن محمد سمعاني، بيروت: دارالكتب العلميّة، چاپ اول ۱۴۰۸ق = ۱۹۸۸م.
۵. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، تهران: دارالكتب الإسلاميّة، چاپ چهارم. ۱۳۶۲.
۶. تنمّة المنتهى، شيخ عباس قمی.
۷. چهار کتاب اصلی علم رجال، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای.
۸. خاتمة مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، مؤسسه آل البيت: چاپ اول ۱۴۱۵ق.
۹. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، چاپ اول تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۰. دائرة المعارف تشييع، زیر نظر احمد صدر حاج سيّد جوادى و...، چاپ اول تهران، بنياد اسلامى طاهر، ۱۳۶۶.
۱۱. الذريعة، شيخ آقا بزرگ تهراني، قم: مؤسسه اسماعيليان.
۱۲. روضات الجنّات، ميرزا محمدباقر خوانسارى، قم: مكتبه اسماعيليان، ۱۳۹۰ق.
۱۳. رياض الجنّة، محمدحسن حسيني زنوزي، كتابخانه آيت الله العظمى مرعشى نجفى، چاپ اول ۱۴۱۲ق = ۱۳۷۰ش.
۱۴. رياض العلماء وحياض الفضلاء، ميرزا عبدالله افندى اصفهانى، قم: چاپخانه خيام، ۱۴۰۱ق.
۱۵. ریحانة الأدب، ميرزا محمدعلى مدرّس تبريزى، كتابفروشى خيام، چاپ سوم، ۱۳۶۹.
۱۶. طبقات مفسران شيعه.
۱۷. طبقات المفسرين، عبدالرحمان بن ابى بكر سيوطى، بيروت: دارالكتب العلميّة.
۱۸. فلسفه اخلاق، شهيد مطهرى.

۱۹. الفوائد الطریفه، عبدالله افندی اصفهانی، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول ۱۴۲۷ق = ۱۳۸۵ش.
۲۰. فوائد کاظمیه، محمدباقر بیرجندی، نسخه خطی، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی. نگر: میراث شهاب، ش ۶۷، مقاله «فوائدی از الفوائد الکاظمیه».
۲۱. الکنی والألقاب، شیخ عباس قمی، قم: انتشارات بیدار.
۲۲. لؤلؤة البحرین، یوسف بن احمد بحرانی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۳. لسان المیزان، احمد بن علی، مشهور به «ابن حجر عسقلانی»، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول ۱۴۱۵ق = ۱۹۹۵م.
۲۴. مجله آینه پژوهش، شماره ۵۰.
۲۵. معالم العلماء، محمد بن علی بن شهر آشوب، نجف اشرف، مطبعه حیدریه، ۱۳۸۰ق = ۱۹۶۱م.
۲۶. الملاحم والفتن، سید علی بن موسی ابن طاووس، اصفهان: مؤسسه صاحب الامر علیه السلام چاپ اول ۱۴۱۶ق.
۲۷. مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، قم، مؤسسه انتشارات علامه.
۲۸. منتهی المقال، محمد بن اسماعیل ابوعلی حائری مازندرانی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام چاپ اول ۱۴۱۶ق.
۲۹. نامه دانشوران.
۳۰. نقد الرجال، سید مصطفی بن حسین حسینی تفرشی، مؤسسه آل البيت علیهم السلام. چاپ اول ۱۴۱۸ق.
۳۱. الوافی بالوفیات، خلیل بن ایبک صفدی، چاپ ۱۳۸۱ق = ۱۹۶۲م.



کتابشناسی شروح شرایع الاسلام

ناصرالدین انصاری قمی

مقدمه

فقیه پرآوازه و عالم متفکر بلندپایه شیعه ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن بن یحیی بن حسن بن سعید هُذَلی حَلّی (۶۰۲-۶۷۶ق)، مشهور به «محقق» و «صاحب شرایع» شخصیتی است درخشان در قاموس پیشوایان شیعه که ستایش بزرگی و جلالت وی در این مختصر نگنجد و کتابی مفصل را می‌طلبد.^۱

۱. دانشمند معظم آیت‌الله استادی دامت برکاته این مهم را بر عهده گرفته و کتابی به نام: شرح احوال و آثار محقق حَلّی را به سامان رسانیده است. برای آشنایی بیشتر با زندگانی محقق، ببینید: لؤلؤة البحرین، ص ۲۲۷-۲۳۵؛ اعیان الشیعة، ۹۳/۴-۸۹/۴؛ روضات الجنّات، ص ۱۴۶-۱۴۹؛ ریحانة الادب، ۳/۴۸۲-۴۸۴؛ الذریعة (مجلدات مختلف)؛ قاموس الرجال، ۳۷۸/۲؛ شعراء الحلّة، ۱/۱۹۴-۲۰۲؛ فقهاء الحلّة، ۱/۱۹۱-۲۰۵؛ تاریخ الحلّة، ۲/۱۷۵-۱۸۰؛ فوائد الرضویة، ص ۶۲-۶۷؛ الکنی و الالقاب، ۳/۱۲۷-۱۲۹؛ طرائف المقال، ۲/۴۴۱-۴۴۴؛ بهجة الآمال، ۲/۵۱۴-۵۲۶؛ تنقیح المقال، ۱/۲۱۴-۲۱۵؛ اعلام العرب، ۲/۹۷-۱۰۰؛ رجال ابن داود، ص ۸۳-۸۴؛ البابلیات، ۱/۷۱-۷۳؛ قصص العلماء، ص ۳۶۴-۳۶۷؛ مفاخر اسلام، ۴/۱۷۵-۱۸۸؛ مقدمه شرایع الاسلام؛ مقدمه الرسائل التسع؛ مقدمه المعتبر فی شرح المختصر؛ مقدمه المختصر النافع؛ مقدمه معارج الاصول.

دانشمندان و تراجم‌نگاران شیعه و سنی در توصیف عظمت وی دادِ سخن داده و صفحات بسیار در پیرامون وی نگاشته‌اند.

علامه فقید مرحوم میرزا محمدعلی مدرس خیابانی گوید:

... از مفاخر علمای امامیه قرن هفتم هجرت که بسیار جلیل‌القدر و عظیم‌الشان و رئیس‌العلماء و فقیه‌الحکما و بدرالعرفا و وارث علوم ائمه هدی بوده و تبحر او در تمامی علوم متنوعه دینی و تمهر وی در شعر و انشا و فنون ادب و تحقیق و وثاقت و تدقیق و فصاحت و جامعیت فضائل نفسانیه و مکارم اخلاق کمالیه، کالشمس فی رابعة النهار، واضح و آشکار و شهره آفاق و محقق علی‌الاطلاق می‌باشد، که در مضمار مسابقت، گوی این مکرمت را از دیگران ربوده... و بسیار سریع‌الاستحضار و در اثبات مطالب حق غامضه اصلیه و فرعیه و ریاضیه و عقلیه و نقلیه، ابصر و در حل مشکلات علمیه، افطن اهل عصر بوده است و بالجمله در میان علمای شیعه آفتابی است درخشان که اشراقات انوار علمیه‌اش نورافکن تمامی بلاد اسلامی گردیده است...^۱

کتاب‌ها و آثارش که قرن‌های متمادی است در آسمان علم و دانش خوش می‌درخشد، عبارت‌اند از: ۱. *المسلک فی اصول الدین* ۲. *الکهنه یا التکهنه یا اللهنه فی المنطق* ۳. *معارج الاصول* ۴. *نهج الوصول الی علم الاصول* ۵. *شرح نکت النهایه* ۶. *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام* ۷. *مختصر النافع* ۸. *المعتبر فی شرح المختصر* ۹. *استحباب التیاسر لاهل العراق* ۱۰. *مختصر المراسم (مراسم تألیف سلار دیلمی و در فقه است)* ۱۱. *تلخیص الفهرست (فهرست تألیف شیخ طوسی و در طبقات رجال است)* ۱۲. *المسائل العزیه* ۱۳. *المسائل المصریه* ۱۴. *دیوان شعر*.^۲

۱. *ریحانة الادب*، ۴/۴۸۲-۴۸۳.

۲. به اهتمام حضرت آیت‌الله استادی، ۹ رساله محقق در مجموعه‌ای به نام: *الرسائل التسع* به چاپ رسیده است. این رساله‌ها عبارت‌اند از: ۱. *تیاسر القبله* ۲. *المقصود من الجمل والعقود* ۳. *المسائل الخمسة عشرة* ۴. *المسائل الکمالیه* ۵. *المسائل الطبریة* ۶. *المسائل البغدادیه* ۷. *المسائل المصریه* ۸. *المسائل التسع* ۹. *المسائل العزیه*.

از آن میان کتاب شرایع در میان کتاب‌های فقهی شیعه از شهرت و درخشندگی خاصی برخوردار است. این کتاب یکی از برترین، ارزنده‌ترین و جامع‌ترین کتاب‌های فقهی امامیه است که از بدو تألیف تا کنون همواره محور تدریس و تحصیل و عنوان درس خارج استدلالی اساطین حوزه‌های علمیه بوده و از زمان مؤلف تا این هنگام بارها و بارها بر آن حاشیه، تعلیقه، شرح و ترجمه، به زبان‌های گوناگون (فارسی، اردو، ترکی، روسی، فرانسوی و احتمالاً انگلیسی) نوشته شده است.

مؤلف خود کتاب الشرایع را به نام: *النافع فی مختصر الشرایع یا المختصر النافع* تلخیص و سپس به اسم: *المعتبر فی شرح المختصر* شرح نمود، که *مختصر النافع* نیز، بارها مورد شرح فقهای شیعه قرار گرفته است.^۱ و این‌ها همه به دلیل چند ویژگی کتاب است:

۱. تبویب بی‌نظیر کتاب: تا پیش از زمان محقق، کتاب‌های فقهی از نظم خاصی پیروی نمی‌کرد و ابواب عبادات و معاملات همه درهم آمیخته بود، که نمونه‌اش *مقنعه* شیخ مفید (م ۴۱۳ق) است. اما محقق با تدوین *شرایع فقه* را نظم خاص بخشید و آن را به چهار بخش: عبادات، عقود، ایقاعات و احکام مرتب ساخت؛ زیرا بحث‌های علم فقه یا به امور دنیا تعلق دارد و یا به امور آخرت؛ اگر به امور اخروی تعلق داشته باشد «عبادات» است و اگر به امور دنیوی مربوط باشد از دو حال خارج نیست: یا به عبارت نیازمند نیست که آن را «احکام» می‌نامند؛ مانند: میراث، قصاص و دیات. و اگر محتاج به عبارت باشد از دو حالت خارج نیست: یا نیاز به دو طرف دارد و یا یک طرف کفایت می‌کند. اگر دومی باشد «ایقاعات» است؛ مانند: طلاق و عتق. و چنانچه اولی باشد «عقود» نامیده می‌شود؛ مانند: معاملات و نکاح.^۲ از این روش از آن زمان تا کنون در تمام کتاب‌های فقهی پیروی می‌گردد.

۲. ترتیب احکام: محقق حلی در بیان مسائل شرعی شیوه‌ای خاص برگزیده؛ یعنی ابتدا واجبات احکام، سپس مستحبات، و پس از آن مکروهات و در پایان محرّمات را ذکر کرده است.

۱. شروح آن را ببینید در: *الذریعه* ۵۷/۱۴.

۲. حاشیه شرایع، چاپ سنگی، ص ۲.

۳. کثرت فروعات: *شرایع الاسلام* دربرگیرنده مسایل بسیار فقهی و خلاصه نهاییه شیخ طوسی (که عبارات آن مضامین روایات است) و مبسوط و خلاف شیخ (که همانند کتب فقهی عامه در جمع فروع) است و همین سبب توجه بیش از حد فقها و دانشمندان در طی قرون و اعصار بدین کتاب شده است.^۱

۴. نثر زیبا و دلپذیر: قلم استوار، زیبایی کلام، اسلوب واحد، کمی الفاظ و کثرت معانی از ویژگی‌های دیگر این کتاب است.

۵. جامع ابواب فقه: *شرایع* دربرگیرنده تمام ابواب فقه از طهارت تا دیات است و کمتر مسئله فقهی است که در این کتاب بی‌مانند، نیامده باشد.

این‌ها همه انگیزه آن شد که این کتاب رایج‌ترین و استوارترین متن فقه امامیه قرار گیرد، که به یمن شرح و تفسیر آن از زمان‌های دور تا کنون مجموعه‌ای گرانبها از تراث فقهی شیعه در دسترس ما قرار گرفته است.

شرح‌های این کتاب (که به گونه‌های مختلف مانند: شرح آمیخته با متن (مزجی)، تعلیقه و قال-اقول بوده) دو قسم‌اند:

۱. شرح‌هایی که نام خاصی ندارند و به نام *شرح شرایع الاسلام* معروف‌اند.^۲
۲. شروحنی که عناوین خاصی دارند. معروف‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: *مسالک*، *مدارک*، *جواهر*، *مطالع الانوار* و *مصباح الفقیه و هدایه الانام*.

مقاله‌ای که در پیش روی شماست، با استفاده از مصادر فراوان، در صدد معرفی شروح قسم دوم و توصیف و یادکرد نسخه‌های خطی و چاپی آن‌ها برآمده است. امید است که این نوشتار گامی کوتاه در جهت آشنایی دانشوران و اندیشمندان، با برخی از تراث فقهی شیعه و کوشش‌های فقهای امامیه، در راه اعتلای فقه شیعه بوده باشد.



۱. قاموس الرجال، ۳۷۸/۲.

۲. الذریعه، ۳۳۲-۳۱۶/۱۳؛ نیز تعلیقات *شرایع* را در همان کتاب، ۱۰۸/۴ و حواشی آن را در همان، ۱۰۶/۶-۱۰۹ ببینید.

۱. احکام الأنام في شرح شرایع الإسلام

آیت الله سید نورالدین حسینی شیرازی (۱۳۷۵ق -)

۲. ادلة الاحکام في شرح شرایع الاسلام

علامه شیخ محمد رضا غراوی نجفی از شاگردان آیات عظام: سید کاظم یزدی و شیخ علی رفیش مؤلف تنها دو کتاب طهارت و صلوة شرایع را شرح نموده است. الذریعة، ۴۰۲/۱.

۳. اساس الاحکام في شرح شرایع الاسلام

علامه شیخ محمد حسن بن مولی محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی تهرانی (۱۲۴۹-۱۳۱۸)، از شاگردان شیخ انصاری و شیخ محسن خنفر. آقا بزرگی تهرانی، چهار جلد از آن را به این شرح نزد فرزندش شیخ محمود شریعتمدار دیده است: ج ۱: مواقیت، بحث مواسعه و مضایقه و مبحث قبله. ج ۲: وقف، صوم، ضمان، برخی فروع نکاح و رضاع (در ابتدایش اجازه شیخ راضی نجفی به مؤلف دیده می شود). ج ۳: قضاء و شهادت (اجازه علامه شیخ مشکور حولای به نویسنده، در آغاز کتاب مندرج است). ج ۴: غصب، اجاره، بیع صرف و خیارات. الذریعة، ۴/۲.

۴. أسس الحدود و التعزیرات

میرزا جواد تبریزی (۱۳۴۵-۱۴۲۷ق)، از شاگردان آیات عظام: آقای خوبی و میرزا باقر زنجانی، چاپ قم، ۱۴۱۷ق، وزیری، ۴۹۰ ص.

۵. أسس القضاء و الشهادة

آیت الله حاج میرزا جواد تبریزی، چاپ قم، ۱۴۱۵ق، وزیری، ۶۲۴ ص.

۶. الالتقاط في الفقه

علامة بزرگ آیت الله العظمی حاج میرزا حبیب الله رشتی (۱۲۳۴-۱۳۱۲ق). از شاگردان شیخ انصاری و صاحب جواهر از این کتاب شریف، از ابتدای طهارت تا آخر عبادات در چند جلد بزرگ برآمده و از معاملات، کتاب‌های اجاره (همراه با بحث بیع فضولی و معاطاة) و قضا و غصب به چاپ رسیده و رهن و وقف و احیاء موات و صید و ذباحت آن در کتابخانه حسینیة شوشتری‌های نجف بوده است. الذریعة، ۱/۲۸۵، ۱۲۲-۲۸۶.

۷. انوار الفقاهة

شیخ دخیل بن شیخ محمد حچامی نجفی (م ۱۳۰۵ق)، از شاگردان شیخ محمدحسین کاظمی این کتاب شرح شرایع و توضیح و تبیین بخش عبادات آن در چندین مجلد است. (احتمالاً شرح کتاب صلوة، صوم، حج، بوده است). الذریعة، ۲/۴۳۷ و معجم رجال الفکر و الادب فی النجف، ۱/۴۰۲.

۸. ایضاح ترددات شرایع الاسلام

از: نجم‌الدین جعفر بن الزهدری حلی (از شاگردان محقق حلی - م ۶۷۶ق-). مسائلی را که محقق در شرایع با تردید مطرح نموده و در آن‌ها فتوا نداده است، در این کتاب با استدلال بررسی شده و گفتار فقهای مشهور را با نقد و بررسی توضیح می‌دهد.

نسخه خطی آن به ش ۵۱۷۷ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی موجود است. فهرست کتابخانه، ۱۳/۳۸۳. این کتاب در قم به چاپ رسیده است.

۹. ایضاح الکلام فی شرح شرایع الاسلام = ایضاح الاحکام

علامه شیخ حسین بن مولی محمدعلی اعسم نجفی - شاگرد صاحب ریاض - (م ۱۲۸۸ق). آقابزرگ تهرانی جلد اولش - شرح کتاب طهارت - را دیده و ظاهراً جلد دومش نیز، در شرح کتاب صلوة نگاشته است. الذریعة، ۲/۴۹۷-۴۹۸ و معجم رجال الفکر فی النجف ۱/۱۶۴.

نسخه خطی آن به ش ۲۲۴۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی و به ش ۶۸۹۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.
فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس، ص ۷۹؛ فهرست دانشگاه، ۳۹۰/۱۶.

۱۰. بدائع الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

شیخ عبدالرحیم حائری اصفهانی (۱۲۹۴-۱۳۶۷ق) نوه صاحب فصول و از شاگردان شیخ زین العابدین مازندرانی.
معجم رجال الفکر فی النجف ۳۸۲/۱.

۱۱. بحر الحقایق

علامه فقیه آیت الله میرزا ابوالقاسم بن محمدتقی اردوبادی (م ۱۳۳۳ق) - پدر میرزا محمدعلی غروی اردوبادی و از شاگردان فاضل ایروانی و ملاعلی نهاوندی.
این کتاب شرح باب طهارت بوده و در کتابخانه مولی علی محمد نجف آبادی - نجف - بوده است.
الذریعه، ۲۸۲/۱۶.

۱۲. بحر الحقائق

ملا عبدالصمد همدانی
نسخه خطی آن در کتابخانه مجلس به شماره ۵۹۱۶ موجود است.
فهرست کتابخانه مجلس ۳۰۳/۱۷، مقدمه ای بر فقه شیعه ۹۲.

۱۳. بدایع الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی (۱۲۳۵-۱۳۰۲ق) - نویسنده کتاب های بسیار و از شاگردان صاحب جواهر و صاحب ضوابط. بنا به گفته مؤلف فقیه:
این کتاب مشتمل است بر ذکر اقوال و بیان استدلال و حق در مقال و إلى الآن - ۱۲۹۰ق - هفده مجلد نگاشته شده [است].
تفصیل آن عبارت است از: شرح بخش های: طهارت، صلات، زکات، خمس، صوم، متاجر، قضاء، غضب و صید و ذباحه. و هر مجلد تقریباً هفت هزار بیت است.
فصص العلماء، ص ۸۵ و الذریعه ۶۰/۲-۶۱

۱۴. بدائع الأفهام في شرح شرايع الإسلام

مولا محمدرضا نجفی گلپایگانی

۱۵. بدائع الاسلام في شرح شرايع الاسلام

میرزا محمد حسن بن حاج ملا علی علیاری تبریزی (۱۲۶۶-۱۳۵۸ق) از شاگردان آخوند خراسانی و سیدکاظم یزدی.

مقدمه بهجة الآمال، ص ح (ص ۸) و معجم رجال الفکر فی النجف ۹۰۱/۲.

۱۶. براهین الاحکام في شرح شرايع الاسلام

سید ابوالحسن بن هادی حسینی تنکابنی (ح ۱۲۲۲-۱۲۸۶ق) - از شاگردان

صاحب جواهر و صاحب ضوابط.

اصل کتاب در کتابخانه مدرسه آیت الله العظمی بروجردی - نجف - موجود است.

دلیل المخطوطات، ص ۸؛ بزرگان رامسر، ص ۲۲-۲۳ و معجم رجال الفکر فی

النجف ۳۱۶/۱.

۱۷. البرهان الساطع للانام في شرح شرايع الاسلام

شیخ محمدجواد بن شیخ حسن حارثی عاملی نجفی.

پایان تألیف: ربیع الثانی ۱۲۳۶؛ این کتاب شرح استدلالی مفصّلی با عناوین

«قوله-قوله»، با نقل گفتار فقها و ردّ و نقد بسیار است.

علّامة تهرانی جلد اول کتاب را که شرح برخی مباحث طهارت بوده، در مجلدی

بزرگ به خط مؤلف - همراه با تقریظ شیخ قاسم محی الدین نجفی (م ۱۲۳۷ق) -

مشاهده کرده است.

الذریعة، ۹۵/۳-۹۶ و کرام البررة ۲۷۸/۱.

نسخه اصل آن در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، به ش ۳۹۵۰ موجود است.

فهرست کتابخانه مرعشی، ۳۳۴/۱۰.

۱۸. تحقیق دلائل الاحکام في شرح شرايع الاسلام

شیخ مشکور بن محمد جواد حولای نجفی (م ۱۳۵۳ق).

این کتاب شرح گسترده‌ای بوده و از آن مباحث صلاة، زکاة و منجزات مریض برآمده است.

الذریعة، ۴۸۳/۳ و ۳۲۸/۱۳.

نسخه خطی آن (شامل مقدمات نماز و منجزات مریض) در کتابخانه مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی به ش ۶۴۱۱ موجود است
فهرست کتابخانه مرعشی، ۱۸/۱۷.

۱۹. تحلیل الکلام فی شرح شرایع الاسلام

حاج شیخ راضی نجفی تبریزی (۱۳۲۵-۱۴۰۹ق) از شاگردان آیات عظام: شیخ عبدالکریم حائری و سید محمدتقی خوانساری. این کتاب شرح «کتاب القضاء» شرایع بوده و در قم به چاپ رسیده است. نیز باب طهارت (و نجاسات و تیمم) را هم نگاشته و به چاپ نرسیده است.
گنجینه دانشمندان ۱۰۰/۲.

۲۰. تشریح الاحکام

این کتاب شرح فصل «میراث» شرایع بوده و به زبان اردو به چاپ رسیده است.
الذریعة ۱۸۵/۴.

۲۱. تقریر المرام فی شرح شرایع الاسلام

مولی محمدعلی بن مولی حسین شوشتری.
آقایزرگ تهرانی جلد اولین کتاب را که شرح مزجی «طهارت» تا پایان «احکام اموات» و بسیار گسترده بوده، در کتابخانه سیدآقا شوشتری در نجف مشاهده کرده است.
الذریعة، ۳۶۶/۴.

۲۲. توضیح الأحکام فی شرح شرائع الاسلام

شیخ عبدالله نعمة عاملی.
معجم رجال الفكر فی النجف ۱۲۹۶/۳.

۲۳. تنقیح الکلام فی شرح شرایع الاسلام

شیخ حسین عصامی نجفی - معاصر صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ق) -
الذریعة، ۴/۴۶۴.

۲۴. توضیح الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

شیخ احمد بن رجب بغدادی (م بعد از ۱۱۶۶ق) -
نسخه اصل اولین جلد آن - که شرح کتاب اجاره تا پایان عتق است - در کتابخانه
شیخ مشکور حولای (م ۱۳۵۳ق) بوده است.
الذریعة، ۴/۴۸۹-۴۹۰.

۲۵. التوضیح النافع فی شرح تردّدات صاحب الشرایع

شیخ حسین فرطوسی حویزی (معاصر)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق،
وزیری، ۴۷۶ص.

۲۶. توضیح الکلام فی شرح شرایع الاسلام

علامه شیخ محمد مظفر (۱۲۵۶-۱۳۲۲ق).
شرح مزجی مختصر تمام شرایع، در دو جلد بوده است. نسخه خطی آن نزد نواده
مؤلف در بغداد موجود است.
الذریعة، ۵/۴۹۵.

۲۷. جامع الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

سید محمد بن حسن بن سید محسن اعرجی کاظمی (م ۱۳۰۳ق).
اولین جلد آن به شرح کتاب طهارت از آغاز تا پایان بحث وضو پرداخته است.
(آقابزرگ تهرانی مؤلف را به وصف «امام» ستوده است. الذریعة ۴۸/۵، سطر ۴).
الذریعة، ۵/۳۲-۳۳.

۲۸. جامع المدارک

آیت الله حاج سید احمد موسوی خوانساری (۱۳۹۰-۱۴۰۵ق) - از مراجع تقلید
بزرگ معاصر -.

مؤلف معظم، شرح تمام ابواب مختصر النافع را در کتاب جامع المدارک نموده و شرح باب حج را از کتاب شرایع انتخاب نموده است.

۲۹. جامع الجوامع في شرح الشرايع

سیدحسن بن سیدمحسن اعرجی کاظمی.

مؤلف کتاب شرایع را از ابتدای «طهارت» تا انتهای کتاب «حج» در چهار جلد شرح داده است (طهارت، صلاة، زکات، خمس، صوم، حج).
الذریعة ۴۸-۴۷/۵.

۳۰. جامع الغرر

از سید محمدعلی بن محمدباقر شفتی اصفهانی (م ۱۲۸۲ق).
نسخه خطی آن در مجموعه ش ۱۹۹۵ کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی و به ش ۵۱۷ در کتابخانه مسجد اعظم قم، موجود است.
فهرست کتابخانه مرعشی، ۳۶۷/۵؛ فهرست مسجد اعظم، ص ۱۰۱.

۳۱. جواهر الافکار

شیخ محمد بن ابراهیم مشهدی (م ۱۲۸۱ق). این کتاب در چندین جلد نگاشته شده است.
الذریعة ۲۶۳/۵ و معجم رجال الفکر فی النجف ۱۲۰۶/۳.

۳۲. جواهر الکلام في شرح شرايع الاسلام

علّامه بزرگ و فقیه سترگ آیت الله العظمی شیخ محمدحسن نجفی بن شیخ باقر (ح ۱۲۰۲-۱۲۶۶ق).
زبان از گفتن و بنان از نوشت بزرگی و قدر و منزلت کتاب باز می ماند. کتابی که شبیه آن در شیرینی تعبیر، حسن بیان، دقت نظر، قدرت استدلال، نقل گفتار فقها و استنباط حلال و حرام بوده باشد، تاکنون نوشته نشده است. هیچ فقیهی بی نیاز از این کتاب نیست. مؤلف با زبردستی و چیرگی تمام و با احاطه ای تام با استفاده از ادله اربعه کتاب، سنت، اجماع و عقل به تحریر مطلب پرداخته و به شایستگی از عهده آن بر آمده است.

مرحوم محدث نوری درباره آن می‌نویسد:

در تاریخ اسلام کتابی فراگیر به مانند آن در حلال و حرام نگاشته نشده است. و سپس از استادش مرحوم شیخ عبدالحسین شیخ‌العراقین تهرانی چنین نقل می‌کند: اگر مورخ زمان صاحب جواهر می‌خواست تاریخ یکی از امور عجیب روزگار را بنویسد، امری عجیب‌تر و شگفت‌آورتر از تألیف این کتاب در زمان خویش نمی‌یافت.^۱

مرحوم علامه سیدمحسن امین نیز می‌نویسد:

هماره علمای پس از وی بر این کتاب تکیه کرده و کتاب دیگری را بر آن برتری نداده‌اند. و این به خاطر مزایا و ویژگی‌هایی است که این کتاب داراست؛ از قبیل: دربرگرفتن تمام ابواب فقه از عبادات، و سیاسات و معاملات، و جمع نمودن اقوال و گفته‌های فقها در تمام موضوعات فقهی، و قرار گرفتن مبنای کتاب بر استنباط و استدلال، و اعمال نظر دقیق و تجلی روح تحقیق در جای-جای کتاب و خالی بودنش از حشو و زواید. همه این‌ها خصایصی است که در کمتر کتابی از متقدمان و متأخران گرد آمده است...^۲

مرحوم علامه شیخ آقابزرگ تهرانی می‌فرماید:

... این کتاب از آیات فقه جعفری و ستارگان آسمان دانش است. آوازه شهرتش کران تا کران عالم را در نور دیده است و از سرچشمه زلال دانشش بزرگان دانشمندان سیراب گشته‌اند.^۳ در گنجینه‌های ملوک و پادشاهان بعضی از جواهرات کتابش یافت نمی‌شود. و در ذخایر علمی دانشمندان یکی از میوه‌های درخت جواهر معهود نیست، کتابی فراگیر و جامع به مانند آن در استنباط حلال و حرام نگاشته نشده، و هیچ یک از فقها

۱. مستدرک الوسائل، ۳/۳۹۷ و در چاپ مؤسسه آل‌البیت، ۲۰ (جلد ۲ خاتمه مستدرک) / ۱۱۵.

۲. اعیان الشیعة، ۹/۱۴۹.

۳. الکرام البررة، ۱/۳۱۳.

و دانشمندان به موفقیتی همانند آن دست نیافته است. زیرا این کتاب دربرگیرنده ابتدا تا انتهای فقه همراه با استدلال، و با دقت نظر و نقل گفتار فقیهان بوده و مؤلف عمر شریفش و تمام وسع و توانایی اش را در نگارش آن به کار گرفته، و بیش از سی سال در تألیف آن رنج برده و زحمت کشیده [۱۲۲۷-۱۲۵۷ ق - پایان تألیف آخرین جلد کتاب: باب جهاد-] و با کار بزرگش بر تمام بزرگان و دانشوران ممت نهاد و همگان را ریزه‌خوار خویش در شناخت و استنباط احکام دین ساخته است...^۱

امتیازهای جواهر - از آنچه گفته شد - عبارت‌اند از:

۱. احاطه به سخنان فقها و ادله فتاوی علما و مناقشه در آن با دید تحقیق و نظر عمیق.
 ۲. دربرگرفتن تمام ابواب فقه از: عبادات، معاملات، سیاسات و ایقاعات.
 ۳. یکنواختی اسلوب و روش از ابتدای کتاب تا انتهای آن.
 ۴. بی‌نیاز کردن فقیه از بسیاری آثار فقهی متقدمان، و دربرداشتن بسیاری از بحث‌های تألیفات فقهی متأخران. مجتهد با در اختیار داشتن آن و تأمل در صفحاتش از استنباط حکم شرعی مطمئن خواهد بود.
 ۵. دربرگیرنده بسیاری از فروع فقهی نادر و کمیاب است که آن‌ها را در کتاب‌های مفصل فقهی دیگر نمی‌توان یافت. این کتاب شامل امهات مسائل و فروع مباحث فقه است.
- آری اگر سی سال شیخ بزرگ بر سر این کتاب عمر نهاد، اما در عوض جاودانه کتابی از خود به یادگار گذاشت که تا قرن‌ها و عصرهای متمادی، همانند اختری فروزان در آسمان علم و دانش خوش خواهد درخشید.
- بی‌جهت نیست که مؤلف خود فرموده بود:

هر که نزد او جامع‌المقاصد، وسائل و جواهر بوده باشد به کتاب دیگر محتاج نخواهد بود، زیرا فقیه با مطالعه این سه کتاب از عهده فحوص و جستجو - که برای استنباط مسائل فرعی واجب است - خارج خواهد شد.^۲

۱. الذریعة، ۲۷۶/۵.

۲. فواید الرضویة، ۴۵۳.

و مانند همین گفتار نیز از شیخ انصاری نقل شده است.^۱
 نسخه خطی پاکنویس شده از خط مؤلف - که به نظر وی رسیده به و تصحیحات بسیاری به خط خویش بر آن نگاشته - در کتابخانه نواده اش شیخ عبدالحسین جواهری در ۴۴ جلد موجود بوده است. این کتاب بارها در ایران و لبنان به چاپ رسیده و آخرین چاپ آن در ۴۳ جلد، با تصحیح و تعلیق آقای حاج شیخ عباس قوچانی و فرزندش حاج شیخ محمود قوچانی، به وسیله انتشارات دار احیاء التراث العربی، در لبنان، انجام گرفته است (و جلد ۴۱ و ۴۲ - چاپ اسلامیة - به تصحیح آیت الله رضا استادی است).

الذریعة، ۲۷۵-۲۷۷؛ الکرام البررة، ۳۱۲/۱.

نیز این کتاب با تحقیق گروهی از محققان، در ۴۳ جلد، به وسیله انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و هم با تحقیق گروهی دیگر - تحت نظارت و اشراف آیت الله حاج سید محمدباقر شیرازی - توسط مؤسسه امام عصر ع، در مشهد، به چاپ رسیده است.

بر این کتاب حواشی، تلخیص‌ها و کارهای گوناگونی انجام شده است؛ از جمله:

۱. آیات الاحکام فی الجواهر، تحقیق: صاحبعلی محبی، چاپ قم، ۱۴۱۹ق.
۲. معجم الجواهر، کاری از محققان: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مبنای مذهبی اهل بیت - قم، چاپ قم، ۶ جلد (رحلی).
- محققان در این کتاب، مطالب جواهر را به صورت الفبایی، موضوعی کرده و مطالب همگون و همسان آن را از دیگر مواضع کتاب استخراج کرده و در کنار هم آورده اند و در ضمن به تلخیص مطالب و حذف اقوال، پرداخته‌اند.
۳. مختارات الجواهر، کاری از محققان مؤسسه فوق‌الذکر.
- در این کتاب، مدعاهای صاحب جواهر به همراه ادله و مناقشات در آنها و اقوال دیگر فقیهان استخراج شده است، این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است.
۴. التعریف بمصادر الجواهر، توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به چاپ رسیده است.

۵. الدرّ الباهر فی تلخیص الجواهر، از سید جمال‌الدین دین‌پرور، چاپ قم، ۱۴۱۹ق. مؤلف در این کتاب، طهارت جوهر را تلخیص نموده است (۳۹۳ص).
۶. خلاصه الجواهر مع البیان الزاهر، از آیت‌الله سیدمرتضی حسینی فیروزآبادی (۱۳۲۹-۱۴۱۰ق)، بخشی از این کتاب - شرح طهارت در سه جلد رحلی - در قم، به چاپ رسیده است.
۷. حاشیه بر «خمس» جوهر، آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری (۱۲۷۱-۱۳۴۶ق).
۸. حاشیه بر جوهر الکلام، آیت‌الله حاج ملاعلی کنی (۱۲۲۰-۱۳۰۶ق).
۹. حاشیه بر جوهر، آیت‌الله میرزا محمد تنکابنی (۱۲۳۴-۱۳۰۲ق).
۱۰. حاشیه بر جوهر، آیت‌الله سید عبدالاعلی سبزواری (۱۳۲۹-۱۴۱۴ق).
۱۱. حاشیه بر جوهر به نام: الانصاف فی تحقیق مسائل الخلاف، آیت‌الله شیخ محمدطه نجف (۱۲۴۱-۱۳۲۳ق). بخشی از جلد اول آن در نجف به چاپ رسیده و علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، مجلد بزرگی از آن - از اول متاجر تا پایان قضاء - را دیده است.
- الذریعة، ۵۸/۶.
۱۲. حاشیه بر «شفعه» جوهر، آیت‌الله شیخ محمدجواد بلاغی (۱۲۸۲-۱۳۵۲ق).
۱۳. حاشیه بر خمس جوهر. آیت‌الله سید ابوتراب خوانساری (۱۲۷۱-۱۳۴۶ق)
۱۴. حاشیه بر مهور جوهر. آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی (۱۲۹۲-۱۳۸۰)
- این کتاب به چاپ رسیده است.
- مجله نور علم، ش ۴۱، ص ۵۵.
- ۳۳. حقائق الأحكام في شرح شرایع الاسلام**
- شیخ محمدحسن بن ملا صالح برغانی قزوینی (م بعد ۱۲۸۸ق).
- تراجم الرجال ۱۷۶/۳ و مقدمه کتاب دیات (شهید ثالث): ۳۰.
- ۳۴. حاوي مدارک الاحکام في شرح شرایع الاسلام**
- مولی مهدی قمشه‌ای اصفهانی (م ح ۱۲۸۰ق).
- برخی از مجلدات آن در کتابخانه شیخ آقابزرگ تهرانی موجود است.
- الذریعة، ۳۱۷/۱۳.

۳۵. حاوي المرام في شرح شرايع الاسلام

ملاً محمدباقر گلپایگانی (زنده در ۱۲۶۸ق).
نسخه‌هایی از آن به ش ۶ و ۷ در کتابخانه مرحوم آیت‌الله گلپایگانی موجود است.
فهرست کتابخانه، ۷۰/۱-۷۴.

۳۶. حقائق الفقه في شرح شرايع الاسلام

شیخ محمدرضا محقق تهرانی (۱۳۳۲-۱۴۱۵ق).
این کتاب شرح مفصل شرايع است و -ظاهراً- تمام آن در بیش از شصت جلد به چاپ رسیده است.

۳۷. خصائص الاعلام في شرح شرايع الاسلام

رضوان‌الدین عبدالوهاب بن محمد صالح برغانی قزوینی (م ۱۲۹۴ ق).
نسخه خطی آن به ش ۵۲۴۹ در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی و به ش ۱۸۰۸/۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است.
فهرست کتابخانه مرعشی، ۴۵/۱۴؛ فهرست کتابخانه مجلس؛ ۴۰۶/۹.

۳۸. الخيارات

شیخ مهدی بن شیخ علی بن شیخ جعفر کاشف‌الغطاء (۱۲۲۶-۱۲۸۹ق).
شرح کتاب خيارات شرايع است.
معجم رجال‌الفکر فی النجف ۳/۱۰۵۴.

۳۹. الدر المنضود في احكام الحدود

تقریرات درس: آیت‌الله سید ابوالحسن هبه‌الله محمدرضا موسوی گلپایگانی (۱۳۱۶-۱۴۱۴ق)، نگارش: علی کریمی جهرمی، وزیر، ج ۳: ۴۳۰+۴۴۵+۵۰۰ ص، چاپ قم، ۱۴۱۲ و ۱۴۱۴ و ۱۴۱۷ق.

۴۰. دلائل الاحكام في شرح شرايع الاسلام

سید محمدرضا اعرجی فحام (۱۳۶۸-۱۴۲۱ق).
اختران فضیلت ۲۹۶/۱.

۴۱. الدرّة الحائریة فی شرح بعض الابواب الفقھیة - من کتاب (شرایع الاسلام) -

حاج میرزا علی نقی بن سید حسن - نوه سید بجرالعلوم - بن سید محمد مجاهد صاحب مفاتیح - بن میر سید علی طباطبایی صاحب ریاض (م ۱۲۸۹ق). مؤلف در این کتاب برخی از مباحث اصولی مانند: عام و خاص را تدوین کرده و به شرح ابواب طهارت، عقود و ایقاعات (نکاح و طلاق)، کتاب بیع (از آغاز عقدالبیع و شروط آن تا پایان محجوریت عبد و مالک نشدن او) پرداخته و در زمان زندگانی اش در ایران به چاپ رسیده است.

الذریعة، ۹۷/۸.

۴۲. دقائق الافهام فی شرح صلح شرایع الاسلام

از نویسنده‌ای ناشناخته - و شاید از شاگردان شیخ انصاری رحمته الله - .
علّامة تهرانی نسخه خطی آن را در کتابخانه مرحوم میرزای شیرازی، در سامرا دیده است.

الذریعة، ۲۳۴/۸.

۴۳. دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

آیت الله العظمی سید محمدابراهیم بن محمدباقر موسوی قزوینی صاحب ضوابط الاصول (۱۲۱۴-۱۲۶۲ق).
این کتاب شرح تمام شرایع به عنوان «قوله قوله»، به جز قضاء و شهادت و کمی از وقف است و تمام مجلدات آن در کربلا یافت می‌شود.
نیز در کتابخانه سید محمدصادق بجرالعلوم در نجف، سید محمدباقر حجت حائری در کربلا، و آیت الله سید محمد حجت کوه‌کمری اکثر مجلدات این کتاب موجود بوده است. (کتاب رهن (تا آخر باب صلح) آن به ش ۷۰ در کتابخانه مدرسه امام صادق - قزوین - موجود است.

الذریعة، ۲۳۹/۸ - ۲۴۰ و فهرست کتابخانه ۱۲۰/۱.

چند نسخه خطی از آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس، ص ۲۵۲، ۷۵۴-۷۵۵.
نیز در کتاب: مقدمه‌ای بر فقه شیعه، ص ۹۳-۹۴، نسخه‌هایی از آن معرفی شده است.

۴۴. دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

شیخ علی فرزند حاج حسنعلی خیزی (خنیزی) قطیفی (۱۲۹۱-۱۳۶۳ق).
این کتاب به شرح برخی از ابواب شرایع پرداخته است.
الذریعة، ۲۴۱/۸.

۴۵. دلائل الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

آیت‌الله حاج مولی علی علیاری تبریزی (۱۲۳۶-۱۳۲۷ق) صاحب بهجة الآمال
فی علم الرجال.

این کتاب چند جلد است و در کتابخانه نوادگان مؤلف، در تبریز موجود است.
مقدمه بهجة الآمال، ۱/«ع»، (ص ۴۳) و معجم رجال الفکر فی النجف ۲/۹۰۰.

۴۶. ذخیره البضایع فی شرح الشرایع

از نعمت‌الله بن عبدالله.
نسخه خطی آن -تحریر پیش از ۱۲۵۵ق- به ش ۲۰۸۴ در کتابخانه ملی موجود است.
فهرست کتابخانه ملی، ۳۲۳/۱.

۴۷. الذرایع فی شرح الشرایع

علامه بزرگ سید میر حامدحسین کنتوری لکهنوی صاحب عبقات الانوار (م
۱۳۰۶ق) بن سید محمدقلی موسوی صاحب تشیید المطاعن.
این کتاب شرح برخی از ابواب شرایع بوده و در کتابخانه بزرگ و مشهورش در
لکهنو -هند- موجود است.
الذریعة، ۲۳/۱۰.

۴۸. ذرایع الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

شیخ محمدرضا مجتهد قمی (۱۲۶۹-۱۳۳۶ق).
تاریخ بیداری ایرانیان، ۳/۴۱۶؛ اختران قم.

۴۹. ذرایع الاحکام الی اسرار شرایع الاسلام

آیت الله حاج شیخ محمدحسن مامقانی نجفی (۱۲۳۸-۱۳۲۳ق)، صاحب بشری الوصول الی اسرار علم الاصول.

این کتاب شرح بخش‌های طهارت، صلوة، زکاة، خمس، صوم و حج بوده و کتاب طهارت در دو جلد، بخشی از کتاب صلوة، و کتاب صوم آن با تعلیقات فرزندش علامه آیت الله شیخ عبدالله مامقانی، در سال‌های ۱۳۱۹، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹ق به چاپ رسیده است.

الذریعة، ۲۴/۱۰؛ ریحانة الادب، ۴۳۳/۳.

۵۰. ذرایع الافهام الی احکام شرایع الاسلام = الذرایع فی شرح الشرایع

حاج شیخ عبدالحسین بن شیخ محمدعلی اعسم نجفی (م ۱۲۴۷ق). مؤلف در این کتاب به شرح و توضیح فصل «طهارت» شرایع دست یازیده و در سه جلد بزرگ، موفق به اتمام آن شده است:

ج ۱: احکام آب‌ها تا اقسام و احکام غسل‌ها.

ج ۲: از غسل‌ها تا احکام خون‌ها - پایان تألیف: ۱۲۳۹ق.

ج ۳: احکام اموات تا نجاسات و مسائل آن‌ها - پایان تألیف: ۱۲۴۳ق.

الذریعة، ۲۳/۱۰-۲۴ و معجم الرجال الفکر فی النجف ۱/۱۶۵.

نسخه‌ای از آن به ش ۷۶۵۹ - به خط مؤلف در ۱۲۳۹ق - در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس، ص ۲۷۲.

۵۱. ذرایع الانام فی شرح شرایع الاسلام

آخوند ملا احمد ملابری (ق ۱۴هـ).

این کتاب شرح استدلالی مزجی شرایع بوده و به نقل گفتار برخی از فقه‌های معروف نیز پرداخته است.

نسخه خطی کتاب طهارت آن - نوشته شده در ۱۳۱۰ق - به ش ۳۲۹۵ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی موجود است (نیز نسخه‌ای از آن به ش ۲۲۶۳ در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است).

فهرست کتابخانه مرعشی، ۷۷/۹؛ فهرست کتابخانه مسجد اعظم، ص ۱۹۸.

۵۲. زبدة الاحكام في شرح شرايع الاسلام = تحفة الاسلام

میرزا عبدالحسین بن ابوالحسن تبریزی (ق ۱۳هـ) - از شاگردان صاحب جواهر - شرح استدلالی مزجی شرایع بوده و از آن کتاب‌های طهارت، صلاة، صوم و نکاح برآمده و کتاب صلاة آن، که به خط مؤلف است و در ۱۲۷۸ق پایان پذیرفته، به ش ۷۳۸۶ در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی موجود است. فهرست کتابخانه مرعشی، ۱۸۸/۱۹.

۵۳. زينة الشرايع

سید محمد بن جعفر حسینی قزوینی. این کتاب شرحی ناقص و پاکنویس ناشده بر شرایع بوده و نسخه اصل آن نزد مولوی حسن یوسف در کربلا یافت می‌شده است. الذریعة، ۹۳/۱۲.

۵۴. سبيل السلام في شرح شرايع الاسلام

مولی محمد رفیع بن عبدالمحمد کزازی نجفی (م بعد ۱۳۰۰ق) - از بزرگان شاگردان آیت‌الله العظمی میرزا حبیب‌الله رشتی. این کتاب در چندین جلد درباره طهارت، نماز مسافر، زکاة، قضاء و شهادت، نکاح و غیر این‌ها بوده و در کتابخانه دامادش مرحوم آقا سید ابوالقاسم اشکوری بوده است. الذریعة، ۱۳۴/۱۲.

۵۵. سفينة الاحكام في شرح شرايع الاسلام

ملا محمد صالح بن مختار رودباری (ق ۱۳هـ). شرح استدلالی مزجی متوسطی، با نقل گفتار فقهای قدیم است. شرح کتاب قضا و شهادت آن - که به خط مؤلف در ۱۲۷۱ق پایان پذیرفته - به ش ۴۱۴۰ در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی موجود است. فهرست کتابخانه مرعشی، ۱۵۸/۱۱-۱۵۹.

۵۶. الشارح في شرح الشرائع

شیخ محمدطاهر کاظمی دزفولی (۱۲۳۰-۱۳۱۵ق).
معجم رجال الفكر في النجف ۵۳/۱.

۵۷. شوارع الاحكام في شرح شرايع الاسلام

شیخ علی بن شیخ عبدالحسین طریحی نجفی (م ۱۳۳۳ق).
این کتاب شرح برخی از فصل‌های شرایع بوده و از جلد اول آن در ۱۳۱۵ق
فراغت جسته و نسخه اصل آن در کتابخانه آل طریحی، در نجف اشرف موجود است.
الذریعة، ۲۳۶/۱۴؛ معجم رجال الفكر في النجف ۸۳۷/۲.

۵۸. ضياء الاحكام لتحقيق شرايع الاسلام

شیخ طاهر بن عبدعلی حجامی (۱۲۰۰-۱۲۷۹ق).
نسخه اصل آن - به خط مؤلف، شرح کتاب طلاق- ضمن مجموعه ش ۲۰۴۶ در
کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام - نجف اشرف - موجود است.
مجله تراثنا، ش ۸۶، ص ۲۱۲.

۵۹. شوارع الاعلام في شرح شرايع الاسلام

میرزا محمدحسین حائری شهرستانی (م ۱۳۱۵ق).
این کتاب در سه مجلد است و شرح طهارت، صلوة، زکوة، خمس، صوم - و شاید
حج - شرایع بوده و در کتابخانه‌اش در کربلا بوده است.
نسخه‌ای خطی از آن به ش ۲۴۸ ج در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران
موجود است.
فهرست کتابخانه، ص ۳۹۴؛ الذریعة، ۲۳۶/۱۴.

۶۰. شوارع الاعلام في شرح شرايع الاسلام

سیدمحمد بن سیدهاشم هندی غروی (۱۲۴۲-۱۳۲۳ق) داماد صاحب جواهر.
این کتاب در چندین جلد بوده و به شرح طهارت، زکاة، مضاربه، حج و وقف و
صدقات پرداخته و تدوین آن از سال ۱۲۶۲ تا ۱۳۰۱ق به طول انجامیده و نسخه
خطی آن در کتابخانه فرزندش علامه سیدرضا هندی بوده است.
الذریعة، ۲۳۶/۱۴.

۶۱. شوارع السلام الي شرايع الاسلام = شوارع الشرايع

سيدحسن بن سيد محمدعلي مدرس يزدي (از شاگردان صاحب جواهر)، زنده در (۱۲۵۶ق).

از اين كتاب شرح طهارت، صلات، و ميراث و رضاع، احياء موات، لقطه، صلح، بيع، خمس، زكات برآمده و نسخه خطي آن در مجموعه ش ۱۴۶۹ كتابخانه مرحوم وزيرى (يزد) و به ش ۱۳۸۸ و ۸۶۷۰ در كتابخانه دانشگاه تهران موجود است. فهرست كتابخانه وزيرى، ۱۱۵۴/۴؛ فهرست دانشگاه، ۷۲/۸ و ۳۸۶/۱۶.

۶۲. الضياء اللامع في شرح الشرايع

سيدعلي بن احمد بن محمدحسن موسوى آل كمال الدين حلي (۱۲۵۵-۱۳۲۲ق). اين كتاب در هفده جلد است و آقاي بزرگ تهراني شرح فصلهاي: صيد و ذباجه، حج و طهارت را مشاهده کرده و بر آن تقييدهاي برخي از علماي بزرگ را ديده است. نسخه خطي آن نزد فرزندش - سيدحسين - در نجف موجود است. الذريعه، ۱۲۸/۱۵ و ۳۴۹/۱۸.

۶۳. الطلائع في شرح الشرائع

شيخ نورالدين جزائري (۱۳۲۷-۱۴۰۹ق). اين كتاب در ۱۰ جلد مي باشد. المنتخب من اعلام الفكر والادب / ۶۹۲.

۶۴. العروة الوثقى التي لا انفصام لها

شيخ محمد بن يونس شويهي
اين كتاب شرح شرايع است و جلد اول آن - در طهارت - نزد شيخ محمدجواد سماوي بوده است. الذريعه، ۲۵۳/۱۵.

۶۵. غاية المرام في شرح شرائع الاسلام

سيدحسين حسيني طالقاني نجفي (۱۰۸۸-۱۱۶۲). معجم رجال الفكر في النجف / ۸۱۹/۲.

۶۶. غایة المرام في شرح شرایع الاسلام

شیخ مفلح بن حسن صیمری - شاگرد ابوالعباس احمد بن فهد اسدی حلی (م ۸۴۱ق) - این کتاب به شیوه «قال-اقول» بوده و به شرح مبهمات و مشکلات و تردّدات و مسائل اختلافی شرایع پرداخته و در کتابخانه میرزای شیرازی جلد اول آن - که تا پایان کتاب نکاح بوده - نگهداری می شده است.
الذریعة، ۲۰/۱۶.

نسخه خطی آن - از احکام بندگان تا احکام قصاص - به ش ۶۲۵۷ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی موجود است.
فهرست کتابخانه مرعشی، ۲۳۹/۱۶.
(این کتاب در ۲ جلد به چاپ رسید).
چند نسخه خطی دیگر آن عبارتند از:
ش ۱۵۵ کتابخانه آیت الله گلپایگانی (فهرست کتابخانه، ۱۴۳/۱).
ش ۲۷۹۰ و ۶۵۱۸ کتابخانه آستان قدس (فهرست کتابخانه، ۴۶۸/۵).
ش ۵۸ و ۱۵۳ کتابخانه مسجد گوهرشاد (فهرست کتابخانه، ص ۳۵۵).
ش ۴۲۲۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (فهرست کتابخانه، ۲۴۳/۱۱) و نسخه های دیگر.
مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۱۶۳.

۶۷. غایة المرام في شرح شرائع الاسلام

شیخ محمد تقی فرشته بن شیخ محمد جعفر طالقانی قزوینی (م ۱۱۸۶ق).

۶۸. الفقه

حاج سید محمد حسینی شیرازی (معاصر).
مؤلف محترم، پس از شرح ابواب عروة الوثقی به شرح بقیة ابواب فقهی بر مبنای شرایع پرداخته است. این شرح - عروه و شرایع - در بیش از ۱۴۰ مجلد به چاپ رسیده است و یکی از مفصل ترین دوره های فقهی شیعه و شامل مسائل مستحدثه (اجتماع، اقتصاد، سیاست خانواده) نیز می باشد.

۶۹. فقه الحدود و التعزیرات

سید عبدالکریم موسوی اردبیلی (معاصر)، چاپ قم، مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۱۳ق، وزیری، ۸۹۵ص.

۷۰. فقه الديات

سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، قم، مکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۱۶ق، وزیری، ۶۵۵ص.

۷۱. فقه الشركة علي نهج الفقه و القانون (همراه با کتاب التأمین)

سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، قم، مکتبه النجات، ۱۴۱۸ق، وزیری، ۵۱۵ص.

۷۲. فقه القضاء

سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۸ق، وزیری، ۷۲۸.

۷۳. الفوائد في شرح الشرايع

مولی ابراهیم لاهیجی (ق ۱۳هـ).

جلد اول آن - که مؤلف در ۱۲۵۶ق آن را نگاشته است - نزد مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی بوده و اینک به ش ۳۹۵۴ در کتابخانه ایشان موجود است. *الذریعة*، ۳۵۵/۱۶؛ فهرست کتابخانه مرعشی، ۳۷۷/۱۰.

۷۴. فوائد المرام في شرح شرايع الاسلام

از: مؤلفی ناشناخته.

نسخه خطی آن - تحریر ۱۱۰۷ق - در مدرسه سید محمدکاظم یزدی - در نجف - موجود است.

الذریعة، ۳۵۸/۱۶-۳۵۹.

۷۵. القصاص في ضوء الكتاب و السنة

تقریرات درس: آیت الله العظمی ابوالعالی سید شهاب الدین محمد حسین مرعشی نجفی (۱۳۱۵-۱۴۱۱ق).

نگارش: سید عادل علوی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۱۶، ۱۴۱۹ق، وزیری، ج ۳: ۴۵۶+۴۹۳+۴۵۰ص (ج ۱ و ۲: فی قصاص النفس).
ج ۱: فی الموجب و فی الشروط المعتبرة فی القصاص.
ج ۲: فی دعوی القتل و فی کیفیت الاستیفاء.
ج ۳: فی قصاص الطرف (این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است).
- شرح کتاب الحج نیز در دست چاپ است.

۷۶. القضاء فی شرح شرائع الاسلام

شیخ محمد ازیرجاوی (م ۱۲۸۳ق).
معجم رجال الفکر فی النجف، ۱/۱۱۲.

۷۷. قضاء الاحکام فی شرح قضاء شرایع الاسلام

شیخ محمد علی اجتهادی اراکی (۱۳۵۰-۱۴۱۴ق).
جلد اول این کتاب به سال ۱۳۹۸ق، در قم به چاپ رسیده و بقیه مجلدات آن مخطوط مانده است.

۷۸. القول الجامع فی تحریر فروع الشرایع

حاج شیخ محمد کرمی حویزی اهوازی (معاصر).
از این کتاب شرح مزجی باب طهارت تا پایان وصایا در نه جلد به چاپ رسیده است.

۷۹. کتاب الحج

آیت الله سید حسن طباطبایی قمی (۱۳۲۹-۱۴۲۸ق).
شرح باب حج شرایع بوده و در ۳ جلد به چاپ رسیده است.
اختران فضیلت، ج ۱، ص ۵۴۴.

۸۰. کاشف الابهام عن مسائل شرایع الاسلام

شیخ قاسم بن محمد نجفی - از شاگردان صاحب جواهر و شریک بحث شیخ نوح جعفری - این کتاب شرح استدلالی مزجی شرایع است و نسخه اصل کتاب تجارت آن

- از احکام خیارات تا احکام بیع سلم- به ش ۲۸۷۳ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی موجود است.

فهرست کتابخانه مرعشی، ۸۱/۸؛ تراجم الرجال، ص ۱۲۰.

۸۱. کشف الابهام عن وجه مسائل شرایع الاسلام

مولی محمدعلی بن مولی مقصودعلی مازندرانی غروی کاظمی (م ۱۲۶۶ق). این کتاب بسیار بزرگ و در بیست مجلد و شرح مزجی شرایع بوده است. ظاهراً نویسنده بزرگوار موفق به شرح تمام شرایع نشده و کتاب خویش را به پایان نرسانیده است. زیرا علامه شیخ آقابزرگ تهرانی جلد شانزدهم آن را - که دربرگیرنده مباحث وقف و سبق و رمایه بوده- در کتابخانه مرحوم سیدحسن صدر و جلد هیجدهم آن را - که در کتابخانه خودش و شرح کتاب نکاح به خط شارح در ۱۲۶۲ق بوده- دیده است. و دو جلد باقیمانده آن نمی تواند شرح تمام کتاب های پس از نکاح باشد.

الذریعة، ۶/۱۸-۷؛ اعیان الشیعة، ۲۷/۱۰.

۸۲. کشف الاسرار فی شرح شرایع الاسلام

حاج مولی حسینعلی بن نوروزعلی تویسرکانی (ح ۱۲۱۶-۱۲۸۶ق)- شاگرد شیخ محمدتقی اصفهانی صاحب هدایة المسترشدين. این کتاب در یازده جلد بزرگ تألیف شده و مؤلف در ۱۲۶۲ق از اتمام آن فراغت جسته است. جلد سوم و چهارم نسخه اصل آن - شرح کتاب زکات، خمس و صوم- که در ۱۲۶۵ق پایان پذیرفته، در کتابخانه مرعشی به شماره ۵۲۴۰ موجود است. فهرست کتابخانه مرعشی، ۳۵/۱۴؛ الذریعة، ۱۸/۱۸.

بقیه مجلدات آن (شرح: طهارت، صلاة، نماز جمعه و جماعت، و هم زکات و خمس و صوم، کتاب حج، تجارت و بیع، رهن و حجر و ضمان و حواله و کفالت و صلح و شرکت، اجاره و وکالت و وصایا، نکاح و قوف و صدقات، قضاء و شهادت، و میراث) نزد آقای دکتر سیداحمد تویسرکانی (همراه با بقیه تألیفات آن عالم بزرگوار) موجود است. طبق نوشته ایشان، این شرح کامل است و بقیه مجلدات آن در جای دیگر است. مجله مشکاة، ش ۵۰ (بهار ۱۳۷۵ش)، ص ۲۲۲.

۸۳. کشف الظلام عن وجه شرایع الاسلام

شیخ مولی محسن بن مرتضی اعسم نجفی (م ۱۲۳۸ق) - شاگرد شیخ جعفر کاشف الغطاء - این کتاب شرح مزجی شرایع و شامل تمامی اقوال و فروع و ادله احکام است و یازده جلد از آن - از اول طهارت تا پایان حجر و ضمان و کفالت - در کتابخانه مرحوم شیخ الشریعة اصفهانی بوده است. نسخه خطی کتاب تجارت آن - در چهار جلد - به ش ۶۴۴۷ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی و به ش ۱۱۰۰، ۱۱۰۷ و ۱۲۲۲ در کتابخانه غرب (همدان) موجود است.

فهرست کتابخانه مرعشی، ۱۷/۵۱-۵۲؛ فهرست کتابخانه غرب، ص ۱۷۵، ۲۸۹؛ الذریعة، ۱۸/۴۰-۴۱.

۸۴. کشف الغوامض فی شرح الفرائض

شیخ احمد آل عبدالرسول (م ۱۳۳۱ق).

معجم رجال الفکر فی النجف، ۵۹/۱.

۸۵. کشف الفقه

حاج شیخ ابوالقاسم بن محمدصادق نورائی سدهی اصفهانی (م ۱۳۰۵ق). این کتاب در شش جلد بزرگ و شامل کتب: طهارت، صلوة، صوم، وقف، اجاره، خیارات و قضا بوده است.

در مقدمه آن پس از حمد الهی چنین می نویسد:

... فهذه نکت حررتها علی الشرایع مع الاشارة الى ما استفدنا من الشيخ

الاستاذ...

نسخه اصل آن نزد نواده اش در اصفهان موجود است.

الذریعة، ۱۸/۵۱.

۸۶. کشف القناع عن الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

حاج مولی محمدکاظم همدانی.

شرح مبحث اقرار تا پایان میراث - که از شرح کتاب غضب در ۱۲۵۲ق فراغت

جسته است - در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.

الذریعة، ۵۲/۱۸-۵۳.

و نسخه‌ای از آن به ش ۲۶۹۵ در کتابخانه ملی ملک - تهران - موجود است.
فهرست کتابخانه ملی، ۵۹۶/۱.

۸۷. کنز الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

شیخ محمد قاسم بن شیخ محمد نجفی مشهدی (م ۱۲۹۰ ق).
ظاهراً نه جلد از این کتاب تألیف شده و از پایان یافتن آن اطلاعی در دست نیست.
الذریعة، ۱۴۳/۱۸؛ معجم رجال الفکر فی النجف، ۳/۱۳۱۴.

۸۸. لنالی البدایع فی شرح الشرایع

شیخ حسین بن احمد بن محمد آل سمیسم نجفی (م ۱۳۴۰ ق).
علّامه تهرانی می‌نویسد:
این کتاب چند جلدی است و در ۱۳۳۳ ق تألیف آن را آغاز کرده و در
۱۳۳۹ ق از آن فراغت جسته است.
نسخه اصل آن نزد فرزند مؤلف، در نجف بوده است.
الذریعة، ۲۵۸/۱۸.

۸۹. اللوامع فی شرح الشرایع

سید علی بن اسماعیل حسینی قزوینی (م ۱۲۹۸ ق).
شرح استدلالی بسیار مفصّلی بر کتاب، با عنوان «لامعة-لامعة»، و از تقریرات
درس شیخ انصاری بوده است.
نسخه خطی خلل نماز در مجموعه ش ۵۹۰۵ کتابخانه مرحوم آیت‌الله العظمی
مرعشی موجود است.
فهرست کتابخانه مرعشی، ۲۸۴/۱۵.

۹۰. لوامع الاحکام = لوامع النکات

علامه شیخ محمود میثمی عراقی تهرانی (۱۲۴۰-۱۳۰۸ ق).

این کتاب تقریرات درس فقه مرحوم شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ق) در چهار جلد و دربرگیرنده تمام تحقیقات فقهی شیخ (به جز طهارت و مکاسب که به قلم استادش نوشته شده بود) است. برخی از مباحث آن عبارت‌اند از:

«صلاة»، «زکاة»، «خمس»، «صوم»، «رهن»، «اجاره»، «نکاح»، «ارث» و...
الذریعة، ۳۵۸/۱۸؛ ریحانة الادب، ۴۳۶/۲.

نسخه‌های خطی متعددی از آن در کتابخانه‌های کشور موجود است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: نسخه خطی ش ۷۴۴ تا ۷۴۹ کتابخانه دانشگاه تهران (فهرست کتابخانه، ۱۹۴۳/۵، ۲۰۰۰). نسخه خطی ش ۶۶۵۴-۶۶۵۶ کتابخانه آستان قدس رضوی (فهرست کتابخانه، ۴۸۸-۴۸۷/۵). نسخه خطی ش ۱۴۱۹ و ۲۷۳۴ کتابخانه ملی ملک (فهرست کتابخانه، ۶۲۴/۱). و سه نسخه خطی در کتابخانه غرب (همدان) (فهرست کتابخانه، ص ۱۷۸-۱۷۹). و نسخه خطی ش ۹۵۳۳، ۱۱۶۳۶، ۱۱۵۱۶ کتابخانه آستان قدس رضوی (فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس، ص ۱۷۵، ۴۸۶).

۹۱. نوامع الدرر علی شرایع الاسلام

ملاعلی نصرآبادی استرآبادی

نسخه اصل آن - به خط مؤلف - که شرح کتاب قضاء و شهادت شرایع و مورخ به سال ۱۲۶۶ می‌باشد، نزد این جانب (ناصرالدین انصاری) است. در آغاز آن اجازه اجتهاد آیت‌الله شیخ مهدی کاشف‌الغطاء به مؤلف آمده است.

۹۲. مبانی الأحکام فی شرح شرایع الإسلام

شیخ علی آزاد قزوینی (معاصر).

این شرح، شامل بسیاری از ابواب فقه است.

۹۳. المبانی الجعفریة

شیخ جعفر بن شیخ عبدالحسن بن آیت‌الله العظمی شیخ راضی نجفی، (م ۱۳۴۴ق). این کتاب شرح باب «طهارت» شرایع و در چهار جلد بوده است. عناوین مجلدات آن عبارت‌اند از: ۱. آغاز طهارت تا پایان نواقض وضو ۲. در وضو ۳. در غسل ۴. در تیمم.

این کتاب نزد فرزند مؤلف، در نجف موجود است.
الذریعة، ۴۵/۱۹-۴۶.

۹۴. مجامع الاحکام فی شرح شرایع الإسلام

سید محمدتقی - سیدآقا - بن سیدرضا حسینی قزوینی (م ۱۳۳۳ق).
این کتاب شرح شرایع از آغاز طهارت تا پایان بیع و معاملات (طهارت، صلاة، زکاة، خمس، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و متاجر) بوده و نسخه اصل آن در نجف یافت می شود.
الذریعة، ۳۷۴/۱۹ و معجم رجال الفکر فی النجف ۳/۹۹۲.

۹۵. مجمع الاحکام

علی محمد بن علی حسینی.
نسخه خطی آن به ش ۱۵۰ در کتابخانه وزیری یزد موجود است.
فهرست کتابخانه، ۱۸۳/۱-۱۸۷.

۹۶. محاضرات فی فقه الامامیه

تقریرات درس آیت الله سید محمدهادی حسینی میلانی (۱۳۱۳-۱۳۹۵ق).
شرح کتاب زکات و خمس و شرایع بوده و به چاپ رسیده است.

۹۷. مخازن الاحکام و مقالید الافهام فی شرح شرایع الإسلام

میرزا محمدباقر بن زین العابدین یزدی حایری (م ح ۱۳۰۰ق) - شاگرد صاحب ضوابط - این کتاب شرح مفصل ابواب: طهارت، صلاة، بیع، نکاح، اجاره، وکالت و قضای شرایع بوده و نسخه خطی آن در برخی کتابخانه های کربلا موجود است.
الذریعة، ۱۶۴/۲۰ و ۳-۲/۲۲.
یک نسخه خطی از آن به ش ۳۳ در کتابخانه آیت الله حکیم - نجف - موجود است.
درباره نسخه های خطی، ۴۳۳/۵.

۹۸. مدارک الاحکام فی شرح عبارات شرایع الإسلام

از علامه فقیه سیدمحمد بن علی بن حسین موسوی عاملی (م ۱۰۰۹ق)، معروف به صاحب مدارک.

این کتاب یکی از بهترین شروح شرایع به شمار می‌رود. شرح کتاب از آغاز عبادات تا پایان حج (طهارت، صلاة، زکاة، خمس و حج) بوده و شاید به عنوان متمم و تکمیل شرح جدش - شهید ثانی - (مسالك الافهام)، این کتاب را نگاشته باشد. زیرا مرحوم شهید در مسالك بخش عبادات را به اجمال و بخش معاملات را به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار داده است. (اعیان الشیعة، ۷/۱۰).
این کتاب چند بار به چاپ رسیده، و اخیراً به وسیله مؤسسه آل‌البیت در قم، تحقیق شده و به صورت زیبایی در هشت جلد به چاپ رسیده است.

۹۹. مدارک الاحکام فی شرح شرایع الإسلام

از سیدمهدی حکیم بن سید صالح حسینی طباطبایی نجفی (م ۱۳۱۲ق) - پدر آیت‌الله العظمی حکیم -
اعیان الشیعة، ۱۵۲/۱۰.
اما مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی نام آن را: معارف الاحکام فی شرح شرایع الإسلام نامیده و می‌نویسد:
جلد اول آن در طهارت و بخشی از صلاة است و نسخه خطی آن نزد فرزندش آیت‌الله حکیم بوده است.
الذریعة، ۱۸۹/۲۱.

۱۰۰. مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

سید محمدجواد ذهنی تهرانی (۱۳۶۷-۱۴۲۳ق).
این کتاب، شرح فارسی شرایع الاسلام و در ۱۰ جلد می‌باشد و به چاپ نرسیده است.
اختران فضیلت، ج ۱، ص ۳۷۵.

۱۰۱. مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

مولا محمد مهدی قمشه‌ای نجفی (۱۲۰۵-۱۲۸۱ق).
معجم رجال الفکر فی النجف، ۱۰۰۹/۳.

۱۰۲. المرتقی الی الفقه الارقی (بحث زکاة)

تقریرات درس: آیت‌الله سید محمد حسینی روحانی قمی (۱۳۳۸-۱۴۱۸ق).

نگارش: محمدصادق جعفری (م ۱۴۱۹ق)، چاپ قم، ۱۴۱۷ق، وزیری، ج ۳: ۴۵۰+۴۵۰ص.

و شرح «کتاب الحج»، نگارش: شهید سید عبدالصاحب حکیم (۱۳۶۰-۱۴۰۳ق)، تهران، دارالجللی، ۱۴۱۹ق، وزیری، ج ۲: ۴۶۱+۴۹۱ص (نیز شرح باب صوم و خمس آماده چاپ است).

۱۰۳. المرغوب فی شرایع الإسلام

از محمدمهدی بن علی گیلانی (زنده در ۱۲۵۴ق).
شرح استدلالی متوسطی است همراه با نقل گفتار برخی از فقها.
نسخه اصل آن - کتاب الرهن که در ۱۲۴۸ق نگاشته است - به ش ۲۱۱۶ در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی موجود است.
فهرست کتابخانه مرعشی، ۱۲۸/۶-۱۲۹.

۱۰۴. مدارک الاحکام

ملا محمد قمشه‌ای اصفهانی (م ۱۲۸۱ق).
الذریعة، ۳۳۰/۱۳.

۱۰۵. مسالک الافهام فی شرح شرایع الإسلام

شهید ثانی، شیخ زین الدین بن علی بن احمد جبعی عاملی (۹۱۱-۹۶۵ق).
این کتاب، به صورت «قال-اقول» به گونه حاشیه بوده و بخش عبادات آن مختصر و قسمت معاملات آن گسترده می‌باشد (که در حقیقت این کتاب و مدارک الاحکام مکمل یکدیگر به شمار می‌روند).
گویند: که مدت نگارش آن نه ماه بوده و در سال ۹۶۴ق، از تألیف آن فراغت جسته است.

این کتاب وسیله مؤسسه الوفاء، در بیروت به چاپ رسیده است.

۱۰۶. مشارع الاحکام فی شرح شرایع الإسلام = المشارع فی

شرح الشرایع.

شیخ محمدطاهر بن محسن دزفولی (۱۲۳۰-۱۳۱۵ق) برادرزاده شیخ اسدالله دزفولی - شاگرد صاحب جواهر -.

نسخه خطی این کتاب در کربلا موجود است.
الذریعة، ۳۱/۲۱.

۱۰۷. مصابیح الظلام في شرح شرایع الإسلام
سید محمد بن علی حسینی خسروشاهی تبریزی (م ۱۳۱۲ق).
الذریعة، ۸۹/۲۱.

۱۰۸. مصابیح الظلام في شرح شرایع الإسلام
علامه سید عبدالله بن محمدرضا شبر حسینی کاظمی (۱۱۸۸-۱۲۴۲ق).
نسخه‌ای از آن - به خط شیخ درویش کاظمی در ۱۲۳۱ق - به ش ۷۹۴۸ در
کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.
فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس، ص ۵۲۲.

۱۰۹. مصباح الاجتهاد
محمد ابراهیم بن بهرام خلیج خرقانی (زنده در ۱۲۴۳ق).
نسخه خطی آن در کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم: به ش ۳۴۷ و ۳۴۸
موجود است.
فهرست کتابخانه، ۴۷۷.

۱۱۰. مصباح الانام في شرح شرایع الإسلام
شیخ جعفر بن احمد بدیری نجفی (۱۲۸۳-۱۳۶۹ق).
الذریعة، ۱۰۲/۲۱.

۱۱۱. مصباح الظلام في شرح شرایع الإسلام
سید علی داماد بن سید محمد رضوی تبریزی (۱۲۷۵-۱۳۳۶ق)، داماد آیت الله
شیخ محمد حسن مامقانی.
الذریعة، ۱۱۲/۲۱-۱۱۳.

۱۱۲. مصباح الفقيه في شرح شرايع الإسلام

آیت الله العظمی علامه حاج آقا رضا همدانی (م ۱۳۲۲ق).

این کتاب شرح مزجی شرايع، و یکی از برترین و گسترده‌ترین شروح آن بوده که از بدو تألیف تاکنون همواره مورد استفاده بزرگان و دانشمندان حوزه‌های علمیه بوده و از آن شرح کتاب‌های طهارت، صلاة، زکات، خمس، صوم و رهن و اجاره برآمده و به چاپ رسیده است.

(ریحانة الادب، ۳۲۶/۴).

مؤلف بزرگوار، هر شب یک صفحه از آن را نگاشته و هنگام صبح بر شاگردان خویش همانند حضرات آیات شیخ علی همدانی، شیخ علی جواهری، حاج شیخ علی قمی، شیخ احمد کاشف‌الغطاء، شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء، سیدمحسن امین عاملی، شیخ ابوالقاسم کبیر قمی، شیخ محمدتقی مقدس تهرانی، شیخ عبدالحسین کاظمی و شیخ آقابزرگ تهرانی و سید جمال‌الدین گلپایگانی، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا جوادآقا ملکی تبریزی می‌خوانده و با آنان به بحث و گفتگو می‌پرداخته و گاهی عبارات را تغییر می‌داده است و جان کلام آنکه: این کتاب بسیار پرمغز و پرمحتوا و آکنده از تحقیقات بکر و دقت‌های فقهی و اصولی و تفسیری، حدیثی، ادبی و لغوی و اثری کم‌نظیر است.

الذریعة، ۱۱۵/۲۱-۱۱۶؛ مجله آینه پژوهش، ش ۳۷، ص ۶۹.

۱۱۳. مطالع الانوار المقتبسة من آثار الائمة الاطهار

آیت الله العظمی حاج سید محمدباقر موسوی شفتی اصفهانی - سید حجت‌الاسلام -

(۱۱۷۵-۱۲۶۰ق).

این کتاب شرح بخش‌های «طهارت» و «صلاة» - تا پایان نماز میت - شرايع بوده و در شش مجلد تدوین گردیده است، که عبارت‌اند از: ج ۱. در طهارت؛ ج ۲. افعال نماز؛ ج ۳. قواطع و خلل نماز؛ ج ۴. عدالت و شرایط امام جماعت؛ ج ۵. نماز عیدین؛ ج ۶. نماز میت؛ این کتاب در ۶ جلد رحلی در اصفهان به چاپ رسیده است.

مؤلف بزرگوار، این کتاب را به فارسی نیز به نام: تحفة الابرار المتقط من آثار الائمة الاطهار علیهم‌السلام در آورده، و در سال ۱۴۱۲ق، در اصفهان با تحقیق سیدمهدی رجایی، در دو جلد به چاپ رسیده است (الذریعة، ۴۰۴/۳).

نیز آخوند ملا محمدتقی هروی اصفهانی (م ۱۲۹۹ق) این کتاب را تلخیص نموده، و سپس آن را با نام: کاشف الاستار فی شرح تلخیص تحفة الابرار شرح نموده است. الذریعة، ۲۳۳/۱۷ و ۱۴۲/۲۱-۱۴۳.

۱۱۴. معارج الاحکام فی شرح شرایع الإسلام و مسالک الاحکام

سیدحسین بن امیرابراهیم بن امیرمعصوم حسینی قزوینی (م ۱۲۰۸ق) - استناد سید بحر العلوم - این کتاب بسیار بزرگ، و از ابتدای عبادات تا انتهای دیات است و مشتمل بر مقدمات سودمند رجالی بسیار - همچون: تلخیص جامع الرواة اردبیلی و مشترکات کاظمی و طریحی - و خاتمه‌ای در چند مبحث - از جمله کتاب‌های مشهور شیعه و احوال مؤلفان آن‌ها و ذکر بسیاری از مشایخ و اساتید خود و پدرش - بوده و نسخه‌های خطی فراوان از آن موجود است. از جمله:

دو جلد از آن به ش ۷۲۵۴ و ۱۱۶۲۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است. فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس، ص ۵۳۰.

نسخه‌های متعددی از آن - شامل کتاب‌های: نکاح، طلاق، رهن تا مساقاة - در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی موجود است.

فهرست کتابخانه مرعشی، ۳۷۸/۵ و ۲۸/۷ و ۶۵/۱۴.

نسخه‌های دیگر آن عبارت‌اند از:

نسخه ش ۲۴۴ و ۳۵۷۴ کتابخانه مسجد اعظم (فهرست کتابخانه، ص ۳۷۰).

نسخه ش ۹۹ و ۳۸۹ کتابخانه مدرسه فیضیه (فهرست کتابخانه، ۲۵۷/۱-۲۵۹).

نسخه ش ۷۲۵۴ کتابخانه آستان قدس (فهرست کتابخانه، ۵۰۷/۵).

نسخه ش ۱۶۶۵۰ کتابخانه دانشگاه اصفهان (فهرست کتابخانه، ص ۹۱۶).

نسخه ش ۲۶۹۷ کتابخانه مدرسه شهید مطهری (فهرست کتابخانه، ۵۹۴/۵).

نسخه ش ۳۵۲۶ کتابخانه ملی ملک (فهرست کتابخانه، ۶۹۲/۱).

۱۱۵. معارف الاحکام فی شرح شرایع الإسلام

محمد مهدی ساروی مازندرانی نجفی (م بعد ۱۲۸۲ق).

معجم رجال الفکر فی النجف، ۶۵۹/۲.

۱۱۶. معتمد الاحكام في شرح شرايع الإسلام

شيخ خلف بن شيخ حسن حايري، پايان نگارش: ۱۲۳۲ق.
 اين كتاب شرح باب «طهارت» شرايع است و نسخه خطي آن در كتابخانه
 مدرسه آيت الله بروجردي - نجف - موجود است.
 الذريعه، ۲۱/۲۱۱-۲۱۲.

۱۱۷. معتمد الانام في شرح شرايع الإسلام

شيخ محمد صادق بن شيخ محمد - شاگرد شيخ جعفر كاشف الغطاء - اواخر قرن ۱۳
 هجري شرح استدلالی مزجي با ردّ و ايراد اقوال فقيهان می باشد.
 نسخه اصل آن (كتاب القضاء) به ش ۲۸۱۱ در كتابخانه آيت الله العظمی مرعشی
 نجفی موجود است.
 (نيز نسخه ای از آن به ش ۴۳۸ در كتابخانه مسجد گوهرشاد موجود است).
 فهرست كتابخانه مرعشی، ۸/۱۳؛ فهرست كتابخانه گوهرشاد، ۴۰۱.

۱۱۸. معيار الاحكام في شرح شرايع الإسلام

سيد علي شاه بن سيد صفدر شاه رضوی قمی لکهنوی (۱۲۱۷-۱۲۶۹ق).
 اين كتاب به پايان نرسیده است.
 الذريعه، ۲۱/۲۷۷.

۱۱۹. معيار الفقاهة في شرح شرايع الإسلام

شيخ محمد تقی صديقين اصفهانی (معاصر).
 از اين كتاب شرح باب «صلاة» شرايع در پنج جلد برآمده و هر پنج مجلد آن در
 سالهای ۱۴۱۰ تا ۱۴۱۲ق، در قم به چاپ رسیده است.
 نيز دو جلد از شرح باب حجّ آن، به چاپ رسیده است.

۱۲۰. مفتاح الكلام في شرح شرايع الإسلام

سيد مير محمد هاشم مرقاتی بن مير عبدالله موسوی خویی (م ۱۳۵۸ق).
 از اين كتاب شرح ابواب: زکات، خمس و صوم به چاپ رسیده، و شرح
 کتابهای طهارت، صلات، و متاجر به چاپ نرسیده اند.
 الذريعه، ۲۱/۳۴۲.

۱۲۱. المناظر الناضرة في الاحكام العترة الطاهرة

سید محمدعلی علوی حسینی گرگانی (معاصر).
این کتاب شرح شرایع بوده و از آن کتاب‌های: طهارت (تا احکام جنابت) و صلاة (تا مکان مصلی) و زکاة برآمده است و شرح آن ادامه دارد.
جلد اول این کتاب در مبحث طهارت در ۴۲۴ صفحه، به شرح ۳۶ سطر شرایع چاپ رحلی پرداخته (که این خود نشانگر عمق و فراگیر بودن مباحث کتاب است) و در سال ۱۴۱۲ق، در قم به چاپ رسیده است.

۱۲۲. المنافع العامة (شرح باب «احیاء الموات» شرایع)

میرزاعلی مشکینی اردبیلی، قم، دفتر نشر الهدی، ۱۴۰۷ق، وزیری، ۲۰۲ص.
(از آقای حاج سیدمحسن خرّازی هم شرح «احیاء الموات» به چاپ رسیده است).

۱۲۳. مناهل الحیات في احكام الاموات

تقریرات درس: آیت‌الله حاج سید محمدرضا موسوی گلپایگانی (۱۳۱۶-۱۴۱۴ق).
نگارش: علی کریمی جهرمی.
(این کتاب شرح بخشی از باب طهارت است).

۱۲۴. مناهج الاحكام = مناهج الکلام = مناهج الکلام في شرح

شرایع الإسلام

شیخ عبدالعلی بن امیدعلی گیلانی رشتی - شاگرد سید بجرالعلوم (م ۱۲۱۲ق) -
این کتاب شرح استدلالی مفصّلی با نقل گفتار بسیاری از فقیهان و در چندین مجلد بوده است.
نسخه اصل کتاب طهارت آن - که در ۱۲۲۵ق پایان پذیرفته - به ش ۲۰۰۸ در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی موجود است.
الذریعة، ۳۴۱/۲۲ و ۱۷۳/۲۳-۱۷۴؛ فهرست کتابخانه مرعشی، ۱۱/۶.

۱۲۵. مناهج الهدایة في مباحث الاجارة

تقریر بحث آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری (۱۳۲۲-۱۴۰۶ق)
نوشته: ابوالفضل علمایی تبریزی، چاپ قم، دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۹۵ق، وزیری، ۲۲۸ص.

۱۲۶. منتهی مقاصد الانام فی نکت شرایع الإسلام

علامه حاج شیخ عبدالله بن علامه شیخ محمدحسن مامقانی (۱۲۹۰-۱۳۵۱ق). این کتاب به شرح شرایع از مکاسب تا دیات به گونه مرتب در چندین مجلد پرداخته، و شرح ابواب زکات، خمس، صوم، حج در یک مجلد بزرگ (حدود ۷۹۰۰۰ بیت) در ۱۳۴۸ق، و شرح کتاب‌های طهارت و صلاة در سال ۱۳۴۹ق به چاپ رسیده است.

(این کتاب بر روی هم، شصت و سه جزء می‌باشد).
الذریعة، ۱۳/۲۳.

۱۲۷. منهج الاجتهاد فی شرح الشرایع

شهید ثالث: حاج ملا محمدتقی برغانی (م ۱۲۶۳ق). پایان تألیف: قبل ۱۲۵۸ق.
این کتاب شرح شرایع از آغاز «طهارت» تا پایان «دیات»، در ۲۴ مجلد بوده و نگارش آن مدت ۲۹ سال (۱۲۲۶-۱۲۵۵ق) به درازا کشیده است.
قصص العلماء، ص ۳۰.

نسخه اصل کتاب دیات به ش ۲۳۳۲ در کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی موجود است.
فهرست کتابخانه مرعشی، ۳۱۱/۶ و ۸-۷/۷، ۴۲۶، ۲۸۵-۲۸۶.
چند نسخه دیگر آن عبارت‌اند از:
نسخه خطی ش ۱۸۲۹ و ۲۷۹۱ کتابخانه دانشگاه تهران (فهرست کتابخانه، ۴۲۶/۸ و ۱۶۴۲/۱۰).

نسخه خطی ش ۲۰۳ و ۲۰۷ کتابخانه آیت‌الله گلپایگانی (فهرست کتابخانه، ۱۸۱/۱، ۱۸۳).

نسخه خطی ش ۸۱ و ۸۳ و ۹۶ و ۱۰۲ کتابخانه فیضیه (فهرست کتابخانه، ۲۸۱/۱-۲۸۲).

نسخه خطی ش ۱۵۹۷، ۶۶۶۴، ۷۰۵۴ و ۷۲۵۲ کتابخانه آستان قدس رضوی (فهرست الفبایی کتابخانه، ۱۰۸۴).

نسخه خطی ش ۱۶۰۴ کتابخانه مسجد اعظم (فهرست کتابخانه، ص ۲۴۸).

۱۲۸. منهل الغمام في شرح شرایع الإسلام

شیخ عباس بن شیخ حسن بن شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۵۳-۱۳۲۳ق).
مجلدی بزرگ از آن در شرح باب متاجر و معاملات، در نجف موجود است.
الذریعة، ۲۰۱/۲۳؛ معجم رجال الفكر في النجف، ۱۰۴۳/۳.
(در کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۲۷۷، نام «سهل الغمام» ضبط شده که اشتباه است).

۱۲۹. موارد الانام في شرح شرایع الإسلام

شیخ عباس بن شیخ علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۴۲-۱۳۱۵ق).
از این کتاب، شرح ابواب: نکاح، غضب، لقطه، احیاء موات، ارث و بخشی از طهارت آمده و در نجف موجود است.
الذریعة، ۲۱۶/۲۳.

۱۳۰. مواهب الافهام في شرح شرایع الإسلام

آیت الله سید معزالدین مهدی قزوینی حلّی (م ۱۳۰۰ق).
این کتاب شرح باب طهارت در شش جلد و در نهایت گستردگی و دقت است.
الذریعة، ۲۳۸/۲۳.
یک نسخه خطی از آن به ش ۳۳ در کتابخانه آیت الله حکیم - نجف - موجود است.
درباره نسخه های خطی، ۴۳۳/۵.

۱۳۱. المواهب العقلية في شرح الاحكام النبوية

سید ابوطالب بن سید عبدالمطلب همدانی (م ۱۲۶۳ق).
شرح کتاب طهارت شرایع است.

۱۳۲. المواهب الغروية

عبدالباقی بن علی موسوی.
نسخه خطی آن به ش ۳۹۱ و ۳۹۲ در کتابخانه آیت الله گلپایگانی موجود است.
فهرست کتابخانه گلپایگانی، ۳۲۵/۱.

۱۳۳. موضح الکلام في شرح شرايع الاسلام

شيخ عبدالحسين بن نعمت طريحي نجفي (۱۲۳۳-۱۲۹۵ق).
الذريعة، ۲۶۸/۲۳.

۱۳۴. ميزان القضاء

سيد حسين موسوي تبريزي.
شرح كتاب قضاء و شهادات شرايع بوده و در قم به چاپ رسیده است.

۱۳۵. ناموس الاحكام في شرح شرايع الإسلام

علامه شيخ حسين بن محمد بزّي عاملي (م ۱۳۴۲ق).
اين كتاب شرح ابواب طهارت، صلاة، زكاة، خمس و صوم بوده و در ۱۳۱۵ق از
آن فراغت جسته است.
الذريعة، ۱۹/۲۴؛ معجم رجال الفكر في نجف، ۲۴۲/۱.

۱۳۶. نتايج الافكار في نجاسة الكفار

تقريرات درس: آيت الله سيد محمدرضا موسوي گلپايگانی (۱۳۱۶-۱۴۱۴ق).
نگارش: علي كريمي جهرمي، قم، دارالقرآن الكريم، ۱۴۱۳ق، وزيري، ۲۴۸ص.

۱۳۷. النتايج البدائع في شرح الشرايع

فقيه بزرگ شيخ محمدحسين بن علي طالقاني قزويني (م ۱۲۸۱ق) - از بزرگان
شاگردان صاحب جواهر-.
از اين كتاب بيشتري ابواب فقه برآمده، و مؤلف آن را به نام: النتيجة البدیعة في
فروع علم الشريعة تلخيص نموده است.
الذريعة، ۴۵-۴۶/۲۵.

۱۳۸. نظام الارث في الشريعة الاسلامية الغراء

تقريرات درس: حاج شيخ جعفر سبحاني.
نگارش: سيد محمدرضا پيغمبرپور كاشاني، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱۴۱۵ق،
وزيري، ۴۵۶ص.

۱۳۹. نظام الطلاق في الشريعة الإسلامية الغراء

تقریرات درس: حاج شیخ جعفر سبحانی.
نگارش: سیف‌الله یعقوبی اصفهانی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۴ق، وزیری،
۴۲۵ص.

۱۴۰. نظام القضاء و الشهادة في الشريعة الإسلامية الغراء

جعفر سبحانی، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۸ق، وزیری، ج: ۲،
۴۸۵+۵۶۵ص.

۱۴۱. نظام النكاح في الشريعة الإسلامية الغراء

جعفر سبحانی، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۱۶ و ۱۴۱۷ق، وزیری، ج: ۲،
۴۱۰+۵۰۰ص.

۱۴۲. نفحات الالهام في شرح شرایع الإسلام

شیخ عبدالحسین بن علی بن محمد برغانی قزوینی (م ۱۲۹۲ق)، داماد ملا صالح
برغانی. شرح مزجی استدلالی مختصری بوده است.
شرح کتاب حج آن به خط مؤلف در ۱۲۷۰ق، در کتابخانه آیت‌الله العظمی
مرعشی نجفی، به ش ۱۵۱۷ موجود است.
فهرست کتابخانه مرعشی، ۳۱۸/۴؛ الذریعة، ۲۴/۲۴۷.

۱۴۳. النور الساطع في شرح الشرایع

نام مؤلف شناخته نشده است.
جلد پنجم این کتاب، که در ۱۲۵۶ق نگاشته شده، از خُلع تا پایان کتاب نذر
بوده و در آخر چنین نوشته شده است: جلد ششم به شرح ابواب: صید و ذباحتها تا
انتهای دیات اختصاص دارد.
الذریعة، ج ۳۳۱/۱۳ و ۳۶۹/۲۴.

۱۴۴. نهج الاتام الى مدارك الاحكام في شرح شرایع الإسلام

علامه شیخ قاسم بن محمد بن احمد آل ابی‌جامع نجفی (م ۱۲۳۷ق).

این کتاب شرح ابواب طهارت و متاجر بوده است.
الذریعة، ۲۴/۴۱۰-۴۱۱.

۱۴۵. ودایع الاحکام فی شرح شرایع الاسلام

سید زین العابدین بن حسین طباطبایی.
نسخه خطی آن در کتابخانه دانشکده حقوق - تهران - به ش ۱۴۲ - ب موجود است.
فهرست کتابخانه، ص ۵۰۲.

۱۴۶. ودائع النبوة

آیت الله علامه شیخ هادی تهرانی (م ۱۳۲۲ق).

۱۴۷. وقایة الافهام فی شرح شرایع الإسلام

شیخ محمد بن مهدی حمیداوی عکام نجفی (م ۱۲۷۱ق).
بر آن تقریظ آیات عظام: شیخ حسن کاشف الغطاء و شیخ محسن خنفر دیده می شود.
الذریعة، ۲۵/۱۳۳.

۱۴۸. هدایة الابرار فی شرح شرایع الاسلام

سیدحسن حسینی کاشانی (م ۱۳۴۲ق).
تقیاء البشر، ۳۸۱/۱ و معجم رجال الفكر فی النجف، ۳/۱۰۳۰.

۱۴۹. هدایة الاعلام الی مدارک شرائع الاسلام

حاج سیدتقی طباطبائی قمی (متولد: ۱۳۴۱ق).
شرح باب قضاء و شهادات شرایع است.
قم، مکتبه محلاتی، ۱۴۲۵ق، وزیری، ۴۲۳ص.

۱۵۰. هدایة الاتام فی شرح شرایع الاسلام

شیخ محمدحسین کاظمی (م ۱۳۰۸ق)، از بزرگان شاگردان صاحب جواهر.
این شرح کتاب جامع و گسترده و فراگیر گفتار بزرگان بوده و از آغاز
«طهارت» تا پایان «قضا و شهادات» نگاشته شده و نسخه خطی دو جلد از آن، در
کتابخانه آستان قدس رضوی، به ش ۸۰۹۹ و ۸۱۰۱ موجود است.

الذریعة، ۱۷۳/۲۵-۱۷۴؛ فهرست الفبایی کتابخانه آستان قدس، ص ۱۰۷۴، ۱۰۷۶.
دو کتاب طهارت و صلاة آن در سال ۱۳۳۱ق، در نجف به چاپ رسیده است.
معجم المطبوعات النجفیه، ص ۳۸۵.

۱۵۱. ینابیع الاحکام فی شرح شرایع الإسلام

شیخ خلیل بن ابراهیم عاملی (۱۲۸۳-۱۳۴۰ق).
از آن شرح ابواب طهارت و نکاح در چهار جلد آمده است.
الذریعة، ۲۸۶/۲۵-۲۸۷.

بیان

برای استفاده هرچه بیشتر خوانندگان گرامی، به فهرستی از شروح چایی و موجود شرایع، به تفکیک کتاب‌های فقهی اشارتی می‌کنیم. امید است در آینده‌ای نه چندان دور، بقیه شروح از زوایای کتابخانه‌ها به در آمده و به چاپ رسند.

۱. کتاب طهارت: جواهر الکلام، حقائق الفقه، الدرّة الحائریة، ذرایع الاحلام، القول الجامع، مدارک، مسالک، مصباح الفقیه، مطالع الانوار، المناظر الناضرة، منتهی مقاصد الانام، نتایج الافکار، هداية الانام (۱۱ شرح).

۲. کتاب صلاة: جواهر، حقائق الفقه، ذرایع الاحلام، القول الجامع، مدارک، مسالک، مصباح الفقیه، مطالع الانوار، معیار الفقاهة، منتهی مقاصد الانام، هداية الانام (۱۱ شرح).

۳. کتاب زکاة: جواهر، حقائق الفقه، القول الجامع، محاضرات، مدارک، المرتقی الی الفقه الارقی، مصباح الفقیه، مفتاح الکلام، منتهی مقاصد الانام (۹ شرح).

۴. کتاب خمس: جواهر، حقائق الفقه، ذرایع الاحلام، القول الجامع، محاضرات، مدارک، مصباح الفقیه، مفتاح الکلام، منتهی مقاصد الانام (۹ شرح).

۵. کتاب صوم: جواهر، حقائق الفقه، ذرایع الاحلام، القول الجامع، مدارک، مصباح الفقیه، مفتاح الکلام، منتهی مقاصد الانام (۸ شرح).

۶. کتاب حج: جامع المدارک، جواهر، حقائق الفقه، کتاب الحج، القول الجامع، معیار الفقاهة، المرتقی الی الفقه الارقی، منتهی مقاصد الانام (۸ شرح).

۷. کتاب قضاء: اسس القضاء و الشهادة، الالتقاط فی الفقه، تحلیل الکلام، جواهر،

حقائق الفقہ، الفقہ، فقہ القضاء، قضاء الاحکام، القول الجامع، میزان القضاء، نظام القضاء و الشهادة، هداية الانام (۱۲ شرح).

۸. کتاب اجاره: الالتقاط في الفقه، جواهر، حقائق الفقہ، القول الجامع، مصباح الفقيه، مناهج الهداية (۶ شرح).

۹. احياء موات: جواهر، حقائق الفقہ، الفقہ، المنافع العامة (۴ شرح).

۱۰. شرکت: جواهر، الفقہ، فقہ الشركة، القول الجامع (۴ شرح).

۱۱. نکاح: جواهر، حقائق الفقہ، الدرّة الحائرية، نظام النکاح (۴ شرح).

۱۲. طلاق: جواهر، حقائق الفقہ، الدرّة الحائرية، فقہ، نظام الطلاق (۵ شرح).

۱۳. ارث: جواهر، تشريح الاحکام، فقہ، مسالك، نظام الارث (۵ شرح).

۱۴. حدود: اساس الحدود و التعزيرات، جواهر، الدرّ المنضود، فقہ الحدود و التعزيرات (۵ شرح).

۱۵. قصاص: جواهر الکلام، الفقہ، فقہ القصاص، القصاص في ضوء الكتاب و السنّة (۴ شرح).

۱۶. دييات: جواهر الکلام، الفقہ، فقہ الدييات (۳ شرح).

۱۷. بيع: جواهر، الدرّة الحائرية، الفقہ (۳ شرح).

۱۸. غصب: الالتقاط في الفقه، جواهر، الفقہ (۳ شرح).



دوره های فقہ:

۱. اساس الاحکام (صلاة، صوم، وقف، ضمان، نکاح، رضاع، قضاء و شهادات، غصب، اجاره، بيع و خيارات).

۲. الالتقاط في الفقه (طهارت، صلاة، زکات، خمس، صوم، حج، اجاره، قضا، غصب، رهن، وقف، احياء موات، صيد و ذباحت).

۳. انوار الفقاهة (صلاة، صوم، حج).

۴. بدایع الاحکام (طهارت، صلاة، زکات، خمس، صوم، متاجر، قضا، غصب، صيد و ذباحت).

۵. جامع الجوامع (طهارت، صلاة، زکات، خمس، صوم، حج).

۶. جواهر الکلام (دوره کامل).
۷. حقائق الفقه (دوره کامل).
۸. الدرّة الحائریة (طهارت، نکاح، طلاق، بیع).
۹. دلائل الاحکام (دوره کامل).
۱۰. ذرایع الاحکام (طهارت، صلاة، زکات، خمس، صوم، حج).
۱۱. زیة الاحکام (طهارت، صلاة، صوم، نکاح).
۱۲. سبیل السلام (طهارت، صلاة، مسافر، زکات، قضاء و شهادت، نکاح، طلاق).
۱۳. شوارع الاعلام (طهارت، صلاة، زکات، خمس، صوم، حج).
۱۴. شوارع الاعلام (طهارت، زکات، حج، مضاربه، وقف، صدقات).
۱۵. شوارع الاعلام (طهارت، صلاة، زکات، خمس، صلح، بیع، احياء موات، ارث، لقطه).
۱۶. الضیاء اللامع (طهارت، حج، صید و ذباحت).
۱۷. الفقه (دوره کامل).
۱۸. القول الجامع (دوره کامل).
۱۹. کشف الابهام (طهارت، صلاة، زکات، خمس، صوم، حج، قضاء، متاجر، الی نکاح).
۲۰. کشف الاسرار (طهارت، صلاة، زکات، خمس، صوم، حج، جهاد، متاجر، رهن، حجر، ضمان، صلح، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، ودیعه، اجاره، وکالت، وقف، سبق و رمایه، وصایا، نکاح، طلاق، ظهار و لعان، اقرار، ایمان، نذر، صید و ذبائح، اطعمه و اشربه، غصب، شفعه، احياء موات، لقطه، میراث).
۲۱. کشف الفقه (طهارت، صلاة، صوم، وقف، اجاره، خیارات، قضا).
۲۲. لوامع الاحکام (صلاة، زکات، خمس، صوم، رهن، اجاره، نکاح، ارث).
۲۳. مبانی الاحکام (دوره کامل).
۲۴. مجامع الاحکام (طهارت، صلاة، زکات، خمس، حج، جهاد، متاجر).
۲۵. مخازن الاحکام (طهارت، صلاة، بیع، نکاح، اجاره، وکالت، قضا).
۲۶. مدارک الاحکام (طهارت، صلاة، زکات، خمس، صوم، حج).

٢٧. المرتقى الى الفقه الارقى (زكات، خمس، صوم، حج).
٢٨. مسالك الافهام (دورة كامل).
٢٩. مصباح الفقيه (طهارت، صلاة، زكات، خمس، صوم، رهن، اجاره).
٣٠. معارج الاحكام (دورة كامل).
٣١. مفاتيح الكلام (طهارت، صلاة، زكات، خمس، صوم، متاجر).
٣٢. المناظر الناضرة (طهارت، صلاة، زكات).
٣٣. منتهى مقاصد الانام (دورة كامل).
٣٤. منهج الاجتهاد (دورة كامل).
٣٥. موارد الانام (طهارت، نكاح، غضب، لقطه، احياء موات، ارث).
٣٦. ناموس الاحكام (طهارت، صلاة، زكات، خمس، صوم).
٣٧. نتايج البدايع (بيشتر ابواب فقه).
٣٨. النور الساطع (دورة كامل).



تأثیر سعدی شیرازی بر ادبیات تعلیمی ترکیه

ابوالفضل مرادی^۱

قدریه یلماز^۲

چکیده:

بوستان و گلستان سعدی در قرن چهارده میلادی از منابع اصلی تأثیرگذار بر شعرا و نویسندگان زبان و ادبیات ترکی بوده است. این دو اثر به غیر از زیباشناسی در حوزه تعلیم و تربیت نیز از آثار سرآمد در آموزش فارسی در مدارس عثمانی بوده است. این مقاله اشاره‌ای گذرا به تأثیرگذاری ترجمه، شرح و فرهنگ‌نامه‌های بوستان و گلستان در پیشبرد ادبیات تعلیمی ترکی دارد.

کلمات کلیدی: سعدی - گلستان - بوستان - ترجمه - شرح - فرهنگ‌نامه (لغت)



مقدمه

شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی، مسندنشین مصطفی‌الدین و یگانه‌تاز میدان سخنوری در زبان فارسی با نیل به لقب افصح المتکلمین جایگاه بی بدیلی را در نظم و نثر فارسی به خود اختصاص داده است. بی‌شک در عرصه ادبیات تعلیمی

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان پردیس طالقانی قم.

۲. عضو هیئت علمی و دکترای زبان و ادبیات ترکی دانشگاه سلیمان دمیرل اسپارتا ترکیه.

ایران زمین، سعدی به آنچنان فرازی رسیده است که می‌توان گفت اول معلم در فرهنگ فارسی است. اگر در فرهنگ بشری معلم اول را ارسطو می‌دانیم و اگر در فرهنگ اسلامی معلم ثانی فارابی است، می‌توان گفت که سعدی به مقامی دست یافته است که هیچ یک از بزرگان ادب فارسی علی‌رغم هم‌اوردی در عرصه‌های گوناگون شعر عرفانی نتوانسته‌اند به مقام وی دست یابند.

شیخ اجل با بهره‌گیری از استعداد خدادادی و معارف ناب اسلامی آیات و اخبار به دست آمده از عالی‌ترین دانشگاه در جهان اسلام در آن روزگار یعنی نظامیه بغداد، آشنایی با مشرب تصوف و عرفان و هم‌نفسی با کاملان طریقت و همچنین سفرهای بسیار، گنجینه‌ای بی‌مانند از دانش و آگاهی همراه با بینش و مرام، اندوخته است و با جوهره درد، که همانا سوز و گداز جهل و نادانی و فقر فرهنگی بنی‌آدم است آمیخته و با هنر خدادادی خود زیباترین و مؤثرترین متاع پند و اندرز را برای هدایت بشر خلق نموده است.

گواه این مقام بلند سعدی، کاربرد گلستان و بوستان به عنوان کتاب درسی عموم جامعه ایرانی است، که سیاستگذاران فرهنگ برای امر خطیر و حساس پرورش کودکان این مرز و بوم برگزیده‌اند.

شاهد دیگر این مدعا مثل‌ها و سخنان حکیمانه و کلمات قصاری است که از سعدی در زبان مردم، جاری است تا همگان بتوانند از سرچشمه‌های زلال دانش و بینش سعدی بهره‌مند گردند.

با مطالعه‌ای هرچند کوتاه در دیگر فرهنگ‌های بشری نیز می‌توان حضور سعدی را از گذر تعاملات و تبادلات فرهنگی بین ملت‌ها مشاهده کرد. می‌توانیم بگوییم که شاخص‌های فرهنگی همچون سعدی و حافظ و مولانا و شکسپیر و دانته و گوته و غیره خود پل ارتباط فرهنگ‌ها هستند. یعنی بهانه‌ای می‌شوند برای این که ملت‌ها با یکدیگر آشنا شوند؛ در شاهراه‌های بزرگ تمدن همسایگان خویش قدم بگذارند و در سایه‌سار سبز و خرم معنویت و افکارشان لختی بیاسایند.

شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی از اختران درخشان ادب فارسی است که با درخشش خویش در زبان ترکی نیز تحسین همگان را برانگیخته است.

افزون بر مقام بلند سعدی، غنای ذاتی زبان فارسی و روش و اسلوب بیان و بدیع فارسی نیز مورد توجه بوده و موجب گشته تا آثار او در مدارس عثمانی جهت آموزش زبان فارسی به عنوان یک زبان خارجی از منابع و مآخذ اساسی، قلمداد گردد. سعدی بیش از ۲۰ عنوان تالیف دارد ولی از آثار سعدی بوستان و گلستان از اشتهار خاصی برخوردار است.

همزمان با تأثیرگذاری سعدی در سایه‌سار عطارافشان زبان فارسی در این پژوهش در صدد ترسیم تأثیر این نابغه تعلیم و تربیت در ادبیات تعلیمی ترکی هستیم و در این راستا هرآنچه که ترجمه‌ها و شروح و نظیره‌ها و فرهنگ‌نامه که با موضوع آثار سعدی در مکتوبات ترکی فراهم گردیده است موضوع این تحقیق بوده است. قبل از شروع بحث، گوشه‌چشمی به فرآیند ترجمه و چگونگی آشنایی نخبگان فرهنگی ترکیه با آثار سعدی را به اختصار بیان می‌کنیم.

واضح است که در دوران سلجوقیان آناتولی زبان ادبیات رسمی و متداول در حوزه‌های علمی و سیاسی، زبان فارسی بوده است. و علی‌رغم این مسئله در ایالت‌های گوناگون آناتولی، آثار ترکی نیز تالیف می‌شود و از طرفی دیگر آثار کلاسیک اسلامی در جاهایی مثل قونیه-کاستامونو، سینوپ، کرک شهر-بورسا و ایزنیک که دارای مراکز ترجمه بوده‌اند به زبان ترکی ترجمه شده و اندک‌اندک محتوای آثار فارسی به زبان مقصد (زبان ترکی) منتقل می‌شدند. در دوران آغازین نهضت ترجمه آثار فارسی به زبان ترکی، آثاری همچون *فلک‌نامه*، *گلشن راز* و *منطق‌الطیر* و *مرزبان‌نامه* مصطفی شیخ اوغلی و *اسرارنامه* احمدی، *گل خسرو* توتماچی، *مقتل حسین* مداح یوسف مشاهده می‌شود. در میان این آثار، گزیده‌ای از بوستان سعدی به نام *فرهنگ‌نامه سعدی* با ترجمه آخوند مسعود دیده می‌شود.

برای سرعت بخشیدن به فهم آثار به وجود آمده توسط تمدن اسلامی افزون بر ترجمه به شرح این آثار از سوی آشنایان به زبان مقصد نیز ضرورت دارد.

در زمان سلجوقیان، بزرگ‌ترین شارح بر آثار محی‌الدین ابن عربی، صدرالدین قونوی است. همچنین در قرن پانزدهم میلادی شروح نوشته شده بر آثار مولوی که شرح اسماعیل آنکارایی از جمله آن‌هاست، دیده می‌شود. قرن شانزدهم عصر شرح آثار ادبی فارسی می‌باشد.

در کنار تألیفات بزرگان ادب فارسی، همچون عطار، مولانا جلال الدین رومی، حافظ شیرازی، جامی، عرفی و صائب تبریزی، بوستان و گلستان سعدی شیرازی نیز از طرف شارحان ترک به دفعات شرح شده است.

این شروح با محوریت بر امثال بوستان و گلستان که دارای مفهومی عالی و کلاسیک می‌باشد، بسیار موردعلاقه و اشتیاق مخاطبان این آثار بوده است؛ زیرا موجب می‌شد که کسانی که دنبال یادگیری و آموزش شیوه و روش آن بوده‌اند، هیچگاه آن را فراموش ننمایند.

به عنوان مثال این شروح، در تعلیم زبان متون قابل شرح از حیث توضیحات فونوتیک و مشتقات، ایجاز، ترکیب و واژگان نقش اساسی بازی می‌کند. در کنار آن دستور زبان فارسی را نیز به صورت جزء و کاربردی آموزش می‌دهد.

و این متد و روش را سودی (بوسنوی) و لغامی (بورسوی) در پیش گرفته‌اند. بعد از بحث و بررسی در زمینه اهم فعالیت‌های ترجمه در جغرافیای آناتولی نوبت به بررسی ترجمه و شرح دو اثر بوستان و گلستان سعدی می‌رسد.



بوستان

سعدی بعد از ۳۵ سال مسافرت و بازگشت به زادگاهش شیراز در سال ۶۵۵ق در فواصل دو عید نوروز و اضحی کتاب بوستانش را به اتمام می‌رساند و این اثر ارزشمند را به یک حاکم ترک به نام ابوبکر بن سعد بن زنگی هدیه می‌کند. مواد و محتوا و منابع مقدماتی این اثر و زمینه‌های تالیف را در روم و یا شام که مدت مدیدی را در آن سرزمین‌ها به عنوان جهانگرد و یا خوشه چین علم و حقیقت سپری کرده، فراهم نموده است.

با وجود نامگذاری این کتاب به نام بوستان، هیچ کلمه‌ای در داخل کتاب با این نام وجود ندارد. حکمت ایل آیدین در ۶۰ نسخه این کتاب با اسم بوستان برخورد کرده و فقط در یک نسخه که به زبان فارسی بوده با جمله «ادب‌نامه سعدی تمام شد» مواجه می‌شود. و در برخی از نسخه‌ها واژه «سعدی‌نامه» را به عنوان اسم کتاب، مشاهده می‌کند.

عدنان قره اسمایل اوغلی در نسخه‌های اولیه بوستان استفاده از واژه سعدی‌نامه را به خاطر اهدا به سعد بن زنگی قلمداد می‌کند. ولی در زمان‌های بعد به خاطر تالیف گلستان سعدی و مشهور بودن آن و تناسب اسمی و لفظی داشتن و همچنین موزون بودن کلمه بوستان به معنای باغچه پر از گل‌های خوشبو و هم‌معنا بودن با گلستان احتمال استفاده از این اسم (بوستان) را داده است.

این اثر به فرم مثنوی نوشته شده است و حدود ۵۰۰۰ بیت می‌باشد و از حیث وزنی شبیه شاهنامه (فعولن فعولن فعولن فعول) بوده و از حیث اخلاقی به قابوسنامه شباهت دارد.

کتاب بوستان از جهت چینش یک مقدمه و ده باب دارد.

در مقدمه مناجات و مدح حضرت رسول می‌آید و به دنبال آن سبب تالیف کتاب خود را مسافرت به بسیاری از جاهای دنیا و دیدار با افراد متعدد و خوشه‌چینی از خرمن فرهنگ‌ها و دانش‌های گوناگون قلمداد کرده و خواسته است تا آموخته‌های خود را برای دوستانش بیاورد و در بازگشت به کشور که اکنون از آسوده گشته است و پلنگان خوی درندگی و سببیت را کنار گذاشته‌اند، دست خالی نباشد و کلمات قندی شیرین‌تر از قند به دوستان بلکه به تمامی نوع بشر هدیه کند.

پس از بیان علت تالیف، مدح حاکم ترک ابوبکر و فرزندش محمد، جای می‌گیرد و بعد از این دیباچه، متن اصلی کتاب آورده می‌شود.

باب‌های ده‌گانه تشکیل‌دهنده اساس کتاب را به ترتیب ذیل می‌آوریم:

باب اول: در عدل و تدبیر و رأی

باب دوم: در احسان

باب سوم: در عشق و مستی و شور

باب چهارم: در تواضع

باب پنجم: در رضا

باب ششم: در قناعت

باب هفتم: در عالم تربیت

باب هشتم: در شکر بر عافیت

باب نهم: در توبه و راه صواب

باب دهم: در مناجات و ختم کتاب

این ابواب ده‌گانه از اجزاء کوچک تشکیل می‌شود. این اجزاء از حکایات و گفتار کوتاه و بلند به وجود می‌آید. اکثر گفتار و سروده‌های سعدی در بوستان، نکات پندآموز و حتماً نتیجه اخلاقی خاصی را دنبال می‌کند و بعضی از اوقات از داخل یک حکایت، حکایت دیگر نقل می‌شود.

ممکن است نامگذاری حکایات و گفتارها بعد از سعدی صورت گرفته باشد.

عنوان‌های موجود در ابواب ده‌گانه نشان‌دهنده این است که سعدی در بوستان خود تصور یک مدینه فاضله با تمامی خلیقات انسانی، خوب بودن، عدالت، درستکاری و آگاهی و حقیقت‌جویی را ترسیم می‌کند.

سعدی با ذکر خاطرات و مشاهدات و شنیده‌هایی از سیاحت خود، غنای خاصی به دنیای خیالی و ایده‌آل خود بخشیده است.

به همین خاطر، این اثر در جهت تشکیل یک دنیای ایده‌آل و آرمانی می‌تواند کارگشا باشد. سادگی و بی‌پیرایه بودن این اثر و نامحسوس بودن فضای بلاغی و بدیعی و طبیعی بودن آرایه‌ها و غیر متلکف بودن صنایع بدیعی را در این سعدی بیش از آثار دیگر وی می‌توان مشاهده نمود.

از سوی دیگر سعدی با استفاده از روش مزاح و مطایبه و طنز در بیان بعضی از مطالب، خشک بودن نصیحت و پندار را از بین برده است.

با این نگرش و تأثیر از سوی عبدالرسول (۱۰۷۲)، عبدالواعظ هانوی، شیخ قادرعلی شروخی نوشته شده است.

همچنین در ترجمه ترکی بوستان نیز از ترجمه‌ای طرف مسعود بن احمد با نام فرهنگ‌نامه سعدی در سال ۱۳۵۴ میلادی و ۷۵۵هـ فراهم شده است. لازم به ذکر است این ترجمه از نظر زمانی کمتر از یک قرن با وفات سعدی فاصله دارد. و این نشان از تأثیر سعدی در فرهنگ ترکی و نیاز به ترجمه از سوی نخبگان فرهنگی است. بعد از این به ترتیب شروح شهری محمد چلبی، سروری، شمعی، سودی و هوایی بورسوی به چشم می‌خورد. و در میان این‌ها بیشترین شرحی که مورد توجه

قرار گرفته مربوط به سودی بوده است. غیر از دست‌نوشته‌های سودی در سال ۱۸۷۱ به صورت چاپ سنگی در استانبول و در سال ۱۹۸۴ به زبان فارسی در تبریز به چاپ رسیده است.

افزون بر این شروح ترجمه‌های رفات کیلیسلی و حکمت ایل آیدین نیز موجود می‌باشد. ایل آیدین در ترجمه خود متن فارسی سودی را مبنای کار خود قرار داده است. از طرف دیگر ترجمه مثنوی‌گونه با وزن هجای حاکی اُراغلی با ترجمه محتوایی به چشم می‌خورد. این اثر به زبان‌های دیگر از جمله آلمانی، (گراف ۱۸۵۸ وین) فرانسه (می‌نارد ۱۸۸۰ پاریس)، انگلیسی (کلارک ۱۸۷۹ لندن)، روسی (چای کین ۱۹۳۵ مسکو) ترجمه شده است.

در ذیل شروح و ترجمه‌هایی که بر بوستان سعدی شده است، به صورت جدول نمایش داده می‌شود.

۱. مسعود بن احمد فرهنگ‌نامه سعدی (۷۵۵هـ-۱۳۵۴م) ترجمه منظوم ویژگی‌ها: ۱۰۷۳ بیت / هم‌وزن بوستان / وابستگی به ابواب ده‌گانه سعدی نداشته و از ابواب آن‌هایی که پسندیده، انتخاب نموده است. در ترجمه مواردی که در بوستان موجود نبوده مترجم خودش عنوان‌های زیر را اضافه کرده است: ۱. سبب ترجمه ۲. ساختن، تعیین تاریخ و در نصیحت ملوک و سلاطین.

نسخه‌ها:

- کتابخانه ملت شماره ۳۰۰
- کپنهاک کتابخانه سلطانیه
- مانسیا کتابخانه مرادیه شماره ۱۸۵۶ صفحات ۱-۳۳
- کوپرولو، نسخه‌ای که در دست فرزند نصرالله افندی به نام رضا افندی بوده است.
- کوپرولو، وجود نسخه‌ای را در دست اسماعیل حکمت اُرتايلند شنیده است.
- این اثر از طرف ولد چلبی و معلم رفات کیلیسلی در استانبول در سال‌های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۰هـ انتشار می‌یابد.
- چلبی به خاطر شباهت اسمی مؤلف خواجه مسعود این اثر را به نام متکلم معروف مسعود ابن تفتازانی مطرح می‌کند و گفته‌ی ایشان را دیگران نیز به اشتباه تکرار کرده‌اند، مثل کیپ-استوری و سعید نفیسی.

۲. ضعیفی کارتوائی اسم کتاب باغ بهشت در سال ۹۵۶هـ - ۱۵۴۹م در ازبیک ترجمه منظوم
ویژگی‌ها: از جهت ساختار و چینش و وزن با بوستان تفاوتی ندارد. در هر باب ترتیبی که در بوستان رعایت شده، در این ترجمه به همان صورت آمده است؛ فقط بعضی عناوین و باب‌هایی که در بوستان نیست آورده شده است.
نسخه‌ها:

- کافی توپ قایی / روان کُشکی / شماره ۸۲۲

- بیبلیوتک

- Bibliotheque nithonale supplement T 572، شماره b2 ۵۶ برگ

- موزه خوشنویسی استانبول شماره ۸۴۰

- موزه فرشچیان

۳. رفات بیلق (حکیم) کیلیسلی بوستان ۱۹۴۲م، منثور- ترجمه آزاد.

از طرف مترجم بعضی مفاهیم و توضیحات اضافه شده است.

بوستان / رفات بیلق کیلیسلی در سال ۱۹۴۲ در استانبول به همت انتشارات احمد خالد در ۲۳۸ صفحه به چاپ رسیده است؛ البته این کتاب پنج نوبت تجدید چاپ شده است. پنجمین چاپ ۱۹۶۲م بوده است.

با همان مترجم در سال ۱۹۸۴م توسط انتشارات جان به همراه گلستان سعدی به نام شیخ سعدی شیرازی بوستان و گلستانی در استانبول به چاپ می‌رسد.

۴. حاگی ارأغلو به اسم چیچک باغچه‌سی ۱۹۴۴ ترجمه منظوم، به شکل مثنوی و در وزن هجا (۶+۵) ۴۱۳۸ بیت ترجمه آزاد است. در ابتدای اثر، مطالب کوتاهی در رابطه با زندگی‌نامه و شخصیت ادبی سعدی و روش ترجمه مطرح می‌شود. چیچک باغچه‌سی با ترجمه حاگی ارأغلو نیدلی، انتشارات نیده هالک اوی نیده ۳۶۹/۱۹۴۴ص.

۵. حکمت ایل آیدین بوستان ۱۹۶۷ ترجمه منثور.

در بین ترجمه‌های ترکی موجود مشهورترین اثر می‌باشد. در این ترجمه متن شرح سودی مورد توجه قرار گرفته است. در آخر کتاب، نکات و توضیحات اضافه شده است.

در آنکارا در سال ۱۹۴۷، در استانبول ۱۹۵۰، ۱۹۶۷، ۱۹۷۵، ۱۹۹۲ انتشار یافته است.

- بوستان مترجم حکمت ایل آیدین استانبول ۱۹۶۷، انتشارات آموزش و پرورش، مقدمه ۱۹ صفحه، متن ۴۸۶ صفحه.

۶. راهمی افندی ترجمه نثر بوستان

اثر به چاپ نرسیده فقط ابن الامین در رابطه با این اثر اطلاعاتی داده است.

۷. عزت محمد پاشا کایسری، غنچه بوستان ترجمه منظوم

به چاپ نرسیده و فقط ابن الامین و محمد طاهر بورسوی درباره کتاب بحث می کنند.

۸. ماهر (تنظیم نشده) ترجمه منظوم

این اثر نیز توسط ابن الامین معرفی شده است.

۹. سید زرگر میزان العدالة، ترجمه منظوم - آذری

یک چهارم بوستان و از حیث وزن با بوستان یکی است؛ اما ترجمه ضعیفی است.

۱۰. سیدزاده بوستان ترجمه سی / ترکی آذری / ترجمه منظوم مختصر، ترجمه

موفق / اولین بار در سال ۱۹۵۸ به چاپ رسید.

در چاپ اول بعضی از عنوان های موجود نوشته نشده بود ولی از چاپ دوم به

آن اضافه گردید.

۱۱. عباس بزرگ امین سعدی نین بوستانی ۱۳۷۱هـ / ترکی آذری - ترجمه

منظوم / مختصر.

از مقدمه کتاب فقط عنوان سبب تنظیم کتاب ترجمه شده و از ابواب ده گانه فقط

قسمت در مناجات ختم کتاب ترجمه نشده است. در آخر ترجمه بعضی از اشعار

سعدی مثل يك قصیده، ۳۵ رباعی، ۳۳ غزل، ۱۹ قطعه که موارد بالا را به صورت

ترجمه منظوم اضافه شده است و این ترجمه در تبریز به چاپ رسیده است.

سعدی نین بوستانی به زبان ترکی آذری توسط عباس بزرگ امین با مقدمه اکرم

جعفری در تبریز ۱۳۷۱ش به چاپ رسید.

۱۲. شیخ وصفی / حکمیات اسلامیة - ترجمه بخشی / نثر.
 حکمیات / اسلامیة قسمتی از ابیات حکیمانه گرفته شده از بوستان سعدی می‌باشد.
۱۳. محمد آکیف ارسوی، سعدی‌دان و حافظ‌دان بدایع‌العجم / ترجمه گزیده / منتشر
۱۴. هازم بوستان سعدی‌دان ترجمه منظوم روزنامه همییت شماره ۱، ۱۷ نisan ۱۳۰۲ هـ.
۱۵. رساله احیاء پاکوره.

شرح بوستان

۱. شعی سمع‌الله افندی وفات ۱۰۰۰هـ / ۱۵۹۱ یا ۱۵۹۲م / شرح بوستان / شرح منشور
 شعی علی‌رغم مقبول‌تر بودن از سروری شارح معاصر خود باز هم از انتقاد محفوظ‌نمانده است.
 نسخه‌ها:
 - کتابخانه نور عثمانیه شماره ۳۹۵۶
 - کتابخانه سلیمانی قسمت اسد افندی شماره ۲۷۷۱
۲. سروری وفات ۹۶۹هـ / ۱۵۶۱م / شرح منشور / قرن ۱۶
 بدون توضیح، کلمات را تحت لفظی ترجم کرده است.
 نسخه‌ها:
 - موزه کتابخانه مولوی شماره ۲۵۲۸
۳. سودی - شرح بوستان ۱۰۰۶هـ / ۱۵۹۷م / شرح منشور
 در میان شرح بوستان، مهم‌ترین و مشهورترین می‌باشد.
 این اثر به عنایت به یک بیت شعر که در آخر کتاب قرار گرفته در دوم شوال ۱۰۰۶هـ، مطابق با ماه می ۱۵۹۷م، در ایام عید فطر و در فصل بهار نوشته شده است.
 سودی مطالب مبهم و مشکل بوستان را از تاجران عجم و از اندیشمندان زمان خود پرسیده است. همزمان در کتاب خود به اختلاف نسخه‌ها هم اشاره‌ای کرده است. این شرح دارای نسخه‌های متعددی می‌باشد.

بعضی از نسخه‌ها:

- کتابخانه عمومی بایزید، شماره ۵۴۹۴ و ۵۷۹۳
 - کتابخانه سلیمانیه، قسمت آنتالیا تکلی اوغلو شماره ۶۸۹
 - کتابخانه نور عثمانیه، شماره ۳۵۹۷ و ۳۶۹۱
 - کتابخانه یوسف‌آغا در قونیه، شماره ۳۹۵۷
 - کتابخانه سلیمانیه، قسمت آیاصوفیا، شماره K4057
 - کتابخانه سلیمانیه، قسمت تورهان سلطان، شماره ۲۷۶
 - کتابخانه سلیمانیه، قسمت مهرشاه، شماره ۳۸۸
 - کتابخانه سلیمانیه، قسمت حسیب افندی، شماره ۳۳۲
- این شرح در تاریخ ۱۲۸۸هـ در استانبول و ۱۳۵۲هـ در تبریز به چاپ رسید.
۴. هوائی بوریوی وفات ۱۰۱۷هـ / از شرح هوائی با تحسین یاد می‌شود.



همچنین فرهنگ‌نامه‌هایی نیز برای بوستان، نوشته شده است:
لغت بوستان شیخ سعدی شیرازی (مؤلف معلوم نیست). احتمالاً قبل از ۱۵۴۹
نوشته شده است / متشکل از ۱۲۰۰ کلمه عربی و فارسی برگرفته از بوستان می‌باشد.
نسخه‌ها:

- دانشگاه آنکارا، کتابخانه دانشکده زبان، تاریخ و جغرافیا، شماره I.saib2/۱۴۳۸.
- کتابخانه دانشگاه قاهره، قسمت مخطوطات ترکی شمار ۲۷۴۸ / ۶۵ برگ به اسم لغت بوستان مضبوط است و مصحح آن محمد ابن عبدالله می‌باشد.



گلستان

کتاب گلستان به صورت مقامات نوشته شده است. مقامات به حکایات خیالی از سرگذشت یک قهرمان خیالی که توسط یک شخص حکایت‌کننده خیالی بیان می‌شود، گفته می‌شود. این کتاب از زبان شخص سعدی گویی دارویی تلخ است که با ظرافت و هنر او به صورت شهد غسل درآمده است. سعدی این اثر خود را یک سال بعد از بوستان یعنی در ۶۵۶هـ / ۱۲۵۸م به اتمام رسانده است و همچون

بوستان، گلستان را نیز به حاکم وقت ابوبکر بن سعد بن زنگی تقدیم می‌کند.
(یازنجی ۱۹۹۶: ص ۲۴۰)

گلستان از یک دیباچه و ۸ باب تشکیل شده است. دیباچه شامل مناجات‌نامه، نعت، سبب تالیف و مدحیه‌ای است که در آن، کتاب به حاکم وقت تقدیم شده است و باب‌های اصلی به صورت منثور نوشته شده است؛ فقط در داخل هر متن چند بیت منظوم هم دیده می‌شود. سعدی علت تالیف کتاب را منشأ گرفته از یک اتفاق و عزم سعدی برای سکوت و مراقبت و گفتگویی که با یکی از دوستانش در این زمینه پیش می‌آید، مطرح می‌کند.

بعد از مطالب فوق قسمت اصلی کتاب که ۸ باب است دارای موضوعات زیر می‌باشد. شماره صفحات و عناوین زیر برگرفته از کتاب گلستان سعدی تصحیح و شرح دکتر غلامحسین یوسفی می‌باشد.

باب اول: در سیرت پادشاهان صفحه ۵۸-۸۵

باب دوم: در اخلاق درویشان صفحه ۸۶-۱۰۸

باب سوم: در فضیلت قناعت صفحه ۱۰۹-۱۲۷

باب چهارم: در فوائد خاموشی صفحه ۱۲۸-۱۳۲

باب پنجم: در عشق و جوانی صفحه ۱۳۳-۱۴۸

باب ششم: در ضعف و پیری صفحه ۱۴۹-۱۵۳

باب هفتم: در تدبیر تربیت صفحه ۱۵۴-۱۶۸

باب هشتم: در آداب صحبت صفحه ۱۶۹-۱۹۰

وجه اشتراک این ۸ باب قصه‌های پندآموزی که به اشعار منظوم متناسب با حکایت آراسته شده است. تعداد حکایات ۱۸۲ مورد می‌باشد. قسمتی از این حکایات سرگذشت و تجربیات خود سعدی است و قسمتی دیگر حکایاتی است که سعدی در سفرهای خود دیده و یا شنیده است. (یازنجی ۱۹۹۳- صفحه ۳۸)

جای بسی شگفتی است که از استیلاء و تسلط مغول در جایی از گلستان سخن به میان نیامده است. در بوستان سعدی مطالب اخلاقی و اجتماعی و کشورداری مطرح می‌شود که با این مطالب دنیای ایده‌آل و مطلوب خود را بیان می‌کند.

وی در گلستان انسان و دنیا را با موانع و چالش‌های موجود تعریف می‌کند. همچنین دنیا را با واقعیات موجود از جمله خوبی در کنار بدی‌ها و قشنگی در کنار زشتی مطرح می‌نماید. (یوسفی ۲، ۱۳۸۷ ص ۳۰)

گلستان سعدی علی‌رغم گذشت هفتصد و پنجاه و پنج سال، به خاطر بیان کردن حقیقت انسانیت هنوز تازگی خود را حفظ کرده است.

ترجمه‌ها و شروح گلستان در ادبیات ترکی

به علت جایگاه رفیع گلستان، در کتابخانه‌های دنیا صدها اثر مخطوط، مرتبط با این کتاب ارزشمند دیده می‌شود. (یازیبی ۱۹۹۶، ص ۲۴۰)

از طرف دیگر کتاب گلستان به کرات و فراوان چاپ شده است و همچنین ترجمه‌های بسیار به زبان‌های مختلف از این اثر ارزشمند نیز موجود است.^۱

در ادبیات ترکی از قرن چهاردهم میلادی به بعد با ترجمه‌های زیاد از گلستان مواجه می‌شویم.

گلستان سعدی اولین بار در سال ۷۹۳هـ/۱۳۹۱م از طرف سیفی سرائی به زبان ترکی قبیجاقی ترجمه شد. (کارامانلی اوغلی ۱۶/۱۹۸۹)

همچنین از طرف سی بی جایی در سال ۸۰۰هـ/۱۳۹۷م به ترکی جغتایی ترجمه شد. (بربرجان ۲۰۱۱)

در آناتولی اولین ترجمه ترکی گلستان را گلشهری انجام داده است که شامل فقط ۲ حکایت از گلستان است. (یلماز ۲۰۰۸ ص ۲۵)

بعد از ترجمه‌های فوق به علت استقبال زیاد ترک‌ها این اثر ترجمه‌های زیادی به خود دیده است.

بعد از این ترجمه‌ها شرح‌های زیادی نیز بر گلستان سعدی نوشته شده است. در قرن ۱۶ میلادی با خیلی از شروح گلستان مواجه می‌شویم در میان این شروح، آثار سودی و شعی افندی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. کاتب چلبی از شارحین زیر نام می‌برد:

۱. مراجعه شود به یازیبی ۱۹۹۳ صفحه ۳۸ و ۳۹، ۱۹۹۶، ص ۲۴۰، ۲۴۱

یعقوب ابن سیدعلی، وفات ۹۳۱هـ / ۱۵۲۴م) سروری مصطفی ابن شعبان وفات ۹۶۹هـ قاضی محمود بن مانیاس وفات ۱۰۰۰ / سودی وفات ۱۰۰۰ / هوائی بورسوی وفات ۱۰۱۷ عیشی وفات ۱۰۱۶ ضعیفی / لامعی چلبی.

افزون بر این شارحینی یافت می‌شوند که فقط دیباچه را شرح کرده‌اند. و بعضی نیز تمام کتاب را مورد شرح قرار داده‌اند. و به این ترتیب، دسته‌بندی و تکفیک شارحین دیباچه و تمام کتاب نیز امکان‌پذیر است.

۱. شارحین کل کتاب: شاهی، هوائی بورسوی، شمعی، سودی، حسین کفوی، مولانا یعقوب ابن سیدعلی، سروری، عیشی.

۲. شارحین دیباچه گلستان: لامعی چلبی، رشدی، پیر حمدی کانی، صفوت، محمددین تلی.^۱

جهت درک کامل گلستان در کنار شروع فرهنگ‌نامه‌های مخصوص و نظیره‌هایی نیز تالیف می‌شد است. (نظیره - کتابی شبیه گلستان).^۲

تراجم و شروع و فرهنگ‌نامه‌های نوشته‌شده بر گلستان سعدی را از جدول زیر می‌آوریم.^۳

۱. سیفی سرائی / کتاب گلستان بالترکی / ۷۹۳ق / ۱۳۹۱م / ترجمه نشر و نظم ترکی قبیچاقی / این کتاب به وزیرالوزراء به نام سودونی تقدیم شده است. در این کتاب ترجمه منثور به صورت تحت لفظی ولی ترجمه نظم به صورت آزاد بوده است و بعضی از قسمت‌های گلستان را حذف نموده است و در بعضی از قسمت‌ها اشعار خود را اضافه نموده است. می‌توان گفت که این ترجمه، فصیح‌ترین ترجمه نشر زمان خود بوده است.

نسخه‌ها:

- نسخه دستنویس مولف / کتابخانه‌ی دانشکده لایدن شماره ۱۵۵۳

۱. مراجعه کنید از تاجتالی ۲۰۱۱ ص ۲۹۳-۳۰۲.

۲. مراجعه شود جان پولاد ۲۰۰۵ / ص ۱۱.

۳. جهت اطلاع بیشتر نگاه کنید: الگون ۱۹۷۸ ص ۱۱۷-۱۲۶ کارنال ۲۰۰۱ ص ۹۹-۱۲۴ جان پولاد ۲۰۰۵ ص ۱۲-۲۲.

این نسخه از طرف فریدون نافذ اوزلوک در تاریخ ۱۹۵۱م در انکار انتشار یافت، شخصی به نام عملی فهمی کارامانلی اوغلو در سال ۱۹۶۷م برای رساله دانشجویی خود متن فوق را نقد و پس از آن با فراهم کردن فهرست جهت چاپ نهایی آماده می‌کند و سپس این کتاب در سال ۱۹۷۸ به همراه عکس نسخه اولیه در آنکارا به چاپ می‌رسد. در سال ۱۹۶۹ ترک‌شناس مجاری، (بودروگ لی ق تی) در بوداپست مجارستان منتشر می‌کند.

همچنین پروفسور امیر نجیب در سال ۱۹۷۵ در آلمانی در دو جلد منتشر می‌کند.

۲. سی بی جا بی / ترجمه گلستان ۸۰۰ق / ۱۳۹۷م

ترجمه جغتایی ۱۴۰۳ میلادی توسط محمد فرزند میران شاه از فرزندان تیمور با کم و زیاد کردن و گاهی اوقات تصرف در متن، به گونه‌ای که بیشتر در قسمت‌های منظوم دست برده است.

تنها نسخه دستنویس در موزه انگلستان، بخش شرق‌شناسی / شماره ۱۱۶۸۵. در این نسخه تاریخ و کاتب نامعلوم است. از اوایل متن ۳ صفحه و از اواخر ۸ صفحه مفقود است. در حال حاضر ۱۱۰ برگ می‌باشد. (اجکمان ص ۱۷)

۳. محمود بن قاضی مانیاس / از علمای عهد مراد دوم از پادشاهان عثمانی می‌باشد. این ترجمه در سال ۱۴۳۰ میلادی نوشته شده است. اسم کتاب ترجمه گلستان - ترجمه منظوم و در آناتولی اولین ترجمه کامل گلستان به شمار می‌رود. دو نوع ترجمه به نام قاضی مانیاس دیده می‌شود. از این‌ها یکی فقط ۴ باب از گلستان و به صورت منظوم و با اضافات موجود است. دومی منتخب و مختصر به صورت نثر نوشته شده است که اثر دوم را به مراد دوم تقدیم نموده است.

در این اثر متفاوت با سعدی دیباچه با خطبه حمد و صلوات عربی نگاشته شده است و در قسمت مدحیه سعد بن زنگی را خارج و به جای آن به مراد دوم ۱۱ بیت اشعار مدح می‌نویسد.

نسخه‌ها:

رفات کلیسلی

- کتابخانه مخطوطات دانشگاه استانبول، شماره ۳۰۱۰

- کتابخانه استانبول، قسمت خانه کتاب، دانشکده زبان و ادبیات ترکی، شماره ۳۷۷۸
- کتابخانه ملی آنکارا، شماره ۶۱۰
- کتابخانه سلیمانیه، قسمت جارالله، شماره ۱۶۴۸
- این کتاب قاضی مانیاس از طرف مصطفی اوزکان منتشر شده است. (اوزکان ۱۹۹۳)
۴. ضعیفی کارتوائی / وفات ۹۶۰ق / ۱۵۵۲م / کتاب نگارستان و حدیقه سیزستان منظوم / ترجمه‌های آزاد
- به وزن مفاعیلن مفاعیلن فعولن نوشته شده است. غزل‌های موجود در گلستان به سبک اشعار مثنوی ترجمه شده است. جمعا ۴۰۷۰ بیت دارد و مشتمل بر ۱۸۵ حکایت، ۷۹ حکمت، ۳۳ پند، ۲ لطیفه می‌باشد.
- نسخه‌ها:
- موزه خوشنویسی، کتابخانه آزاد در فلیدرفیا، موزه انگلستان، لنینگراد، در کلیات ضعیفی جای گرفته است. در مورد اثر یک تز دکتر نوشته شده است. (بویوک کارچی یلماز ۲۰۰۱)
۵. محمد اسد وفات ۱۰۳۴ق / ۱۶۲۵م) نام اثر گل خندان / ترجمه منثور و منظوم برای احمد اول پادشاه عثمانی تقدیم شده است. با کتاب اصلی گلستان مقداری تفاوت دارد. مترجم با طولانی کردن کلام به متن اضافاتی داشته است. مطابق با گلستان سعدی عبارات منظوم را به صورت نظم و کلمات منثور را به صورت نثر ترجمه کرده است. این اثر با توجه به الگو قرار دادن یک نسخه ناقص از طرف شوکت بیگزاده صفوت در استانبول به سال ۱۲۹۲ق به همان شکل ناقص به چاپ رسید. دیباچه و قسمت اول این کتاب در سال ۱۹۳۲ به چاپ رسید. (چاوش اوغلی ۱۹۷۸ ص XI)
- نسخه‌ها:
- کتابخانه نور ثمانیه، شماره ۲۱۵، ۳۷۳۶، ۴۲۰۳، ۴۲۰۴
- موزه کتابخانه کاخ توپ قاپی، قسمت روان کُشکی شمار ۱۹۱۲
- کتابخانه سلیمانیه، قسمت ازمیر، شماره ۵۵۹
- کتابخانه ملی 06milys B162

– کتابخانه ملی 06milys A69

– کتابخانه ملی مصر دستنوشته‌های ترکی، Kula شماره ۵۸

– کتابخانه ملی مصر دستنوشته‌های ترکی، تصوف ترکی شماره ۲

– کتابخانه خدیو مصر، دستنوشته‌های ترکی، شماره ۵۵۶۶ (اوزدمیر ۲۱۱: ۷۱۸)

۶. محمد سامی، وفات ۱۱۴۶ق / ۱۷۳۳م، اسم اثر گل افشان / ترجمه منثور (یلماز ۲۰۰۸ صفحه ۲۶)

۷. بابا داغی ابراهیم افندی / ترجمه منثور (یلماز ۲۰۰۸، صفحه ۲۶)

۸. محمد سعید قیصری، وفات ۱۲۵۷ق / ۱۸۴۱م / نام اثر مُلستان / ترجمه منثور
اثر در دو ستون چیده شده است و یک طرف متن فارسی و در طرف دیگر
ترجمه ترکی قرار داده شده است. در ترجمه ساختار زبان ترکی رعایت نشده است.
(الگون ۱۹۷۸ / صفحه ۱۲۲)

۹. احمد صائب بیگ وفات ۱۹۱۸م / اسم کتاب ترجمه گلستان سعدی، ترجمه
ترکیبی از منظوم و منثور می‌باشد / هر کدام از ترجمه‌ها (نظم و نثر) متناسب با اصل
کتاب ترجمه شده‌اند.

این ترجمه از جهت تطبیق با کتاب خیلی ترجمه خوبی است. تحت عنوان ترجمه
گلستان سعدی در سال ۱۲۹۱هـ / ۱۸۴۷م به چاپ رسیده است.

۱۰. جعفر طیار بن احمد سالم / نام اثر زبده گلستان و رهبر گلستان در دو اسم
به چاپ رسیده، به صورت ترجمه و بخشی به صورت شرح می‌باشد و به دفعات
چاپ شده است. اولین آن‌ها به اسم زبده گلستان ۱۲۹۹هـ / انتشارات عثمانیه /
استانبول ۳۵۵ صفحه.

چاپ دیگر از زبده گلستان در سال ۱۳۰۲هـ / انتشارات عثمانیه / ۳۳۵ صفحه

زبده گلستان ۱۳۰۶هـ / انتشارات عامره / ۳۵۵ صفحه

رهبر گلستان ۱۳۰۸هـ / انتشارات عامره / ۴۵۹+۸ صفحه (الگون ۱۹۷۸ صفحه ۱۲۲)

۱۱. صافی افندی وفات ۱۹۰۱م / نام اثر ازهر گلستان

این اثر ترجمه بخشی از باب هفتم گلستان سعدی به صورت منظوم می‌باشد که

با عنوان جدال سعدی با مدعی که در سال ۱۳۰۳ هـ توسط انتشارات ابوضیاء به چاپ رسیده است. به این اثر کوتاه، نامیک کمال یک تقریض منظوم و معلم ناجی هم یک مقدمه افزوده است. (کارتال ۲۰۰۱ صفحه ۱۰۸)

۱۲. عثمان فائق / زبده گلستان در ۱۳۰۷ منتشر شده است تلفیقی از ترجمه و شرح برای یادگیری زبان فارسی دانش آموزان مورد توجه بوده است و ساختار ادبی موجود در گلستان را به صورت شرح در حاشیه آورده است. این ترجمه به صورت کلمه به کلمه یا تحت‌اللفظی می‌باشد. در سال ۱۳۰۷ هـ در انتشارات کاسپار در استانبول به چاپ رسیده است.

۱۳. پیرمحمد بن اورانوس بن نورالدین ضعیفی به اسم کتاب بوستان نصاب به ترجمه ناقص به صورت منظوم / ترجمه ابیات از باب هشتم گلستان می‌باشد.^۱

۱۴. ابراهیم کاتب نام اثر، فهرست گلستان شیخ سعدی قرن شانزدهم ابیات گلستان را به صورت منظوم ترجمه کرده است. فقط تمامی باب هشتم را به صورت نظم و نثر ترجمه کرده است.

تنها نسخه کتاب در دست حکمت ایل آیدین بوده است. به صورت ۸۳ برگ. (اولقون ۱۹۷۸ / صفحه ۱۲۱)

۱۵. مولف نامعلوم اسم اثر ابیات گلستان / مشتمل بر قطعات گلستان می‌باشد و در زیر قطعات ترجمه ترکی نوشته شده است.
نسخه‌ها:

– کتابخانه دانشگاه استانبول شماره PV124

۱۶. احسان نام اثر سوگی و گنجلیک ترجمه منظوم و منشور ابیات و نثر قسمت پنجم گلستان را به همان شکل نظم و نثر ترجمه کرده است. (کارتال ۲۰۰۱ صفحه ۱۰۸)

۱۷. حلمی بحرالکمال ۱۰۲۷ هـ / ۱۶۱۸ م

۱. جهت اطلاع بیشتر مراجعه شود به کارتال ۱۹۹۹

۴۴۱۵ بیت می‌باشد حکایت وزیر خوش‌قلب که در گلستان موجود است این حکایت را تحت عنوان سرگذشت وصف وزیر ترجمه کرده است. (اکویوجی ۱۹۹۵ صفحه ۱۶۰)

۱۸. رفات کلیبی / نام اثر بوستان و گلستان / ترجمه نثر چاپ‌های این اثر بدین شرح است.

- گلستان انتشارات احمد خالد استانبول ۹۹/۱۶۴۱ صفحه
- بوستان و گلستان انتشارات جان، استانبول، ۱۹۶۸ م / ۵۱۹ صفحه (کارتال ۲۰۰۱ م، صفحه ۱۰۹)

۱۹. حاگی آرأغلو نیده‌ای / نام اثر چیچک باغچه سی / ترجمه منظوم ۱۹۴۴ چاپ‌ها

- انتشارات خانه خلق - نیده ۱۹۴۴ م / ۳۶۹ صفحه

۲۰. حکمت ایل آیدین / نام اثر سعدی شیرازی گلستان ترجمه منثور ۱۹۴۶ م / با دقت بیشتر ترجمه شده است چاپ‌ها

چاپ اول انکارا ۱۹۴۶ - انتشارات وزارت آموزش و پرورش، xi+۴۸۹ صفحه
چاپ دوم استانبول ۱۹۶۳ - انتشارات وزارت آموزش و پرورش، xi+۴۰۰ صفحه
چاپ سوم استانبول ۱۹۶۶ - انتشارات وزارت آموزش و پرورش، xi+۴۰۰ صفحه
چاپ چهارم استانبول ۱۹۷۴ انتشارات حریت، xiv+۳۱۹ صفحه

۲۱. یعقوب کنعان نجف‌زاده، نام اثر شیرازی شیخ سعدی گلستان ۱۹۶۵ م / ترجمه منشور (ترجمه کامل و اصلی)

ناشر: مظلوم آق قویونلو - انتشارات اولکی / استانبول ۱۹۶۵ م / ۲۱۹ صفحه

شروح ترکی گلستان

در ادبیات کلاسیک ترکی شروح ارزشمندی نیز بر گلستان به چشم می‌خورد. مهمترین آن‌ها به شرح زیر است:

۱. لامعی چلیپی بوسوی / وفات ۹۲۸هـ / ۱۵۲۱ م اسم کتاب شرح دیباچه

گلستان / تاریخ تالیف ۹۱۰هـ / ۱۵۰۴ / شرح دیباچه به صورت منثور / ۷۸ برگ
 به سلطان بایزید دوم عثمانی تقدیم شده است / در شروع کتاب بعد از حمد و
 ثنای خداوند و رسولش، در مورد زبان و ادبیات فارسی و عربی مطالبی نوشته شده
 است. سپس به شرح دیباچه پرداخته است.
 در شرح این اثر توضیحات لغات و گرامر مربوطه جای گرفته است. از ابیات
 فارسی نیز جهت توضیحات مطالب کمک گرفته شده است.

نسخه‌ها:

- دانشکده زبان و تاریخ و جغرافیا دانشگاه آنکارا، قسمت m.ozok شماره ۳۹۲/۱
- کتابخانه موسسه زبان ترکی آنکارا، شماره ۸۲۴۶
- کتابخانه ایل حالک بورسا، قسمت عمومی، ۷۱۴، ۱۵۱۹
- کتابخانه ایل حالک بورسا، قسمت آرهان قاضی شماره ۱۶۱۸
- کتابخانه ایل حالک بورسا، قسمت هاراجچی اوغلی شماره ۹۹۰
- کتابخانه کاخ توپ قاپی، شماره ۱۸۸۴/۲۲۰۳
- کتابخانه دانشگاه استانبول شماره ۷۵۷۸، ۱۰۱۳، ۳۰۲۰، ۳۰۲۴، ۳۰۹۵، ۳۱۷۳
- کتابخانه سلیمانیه استانبول، قسمت لالی لی شماره ۱۸۱۷
- کتابخانه عاتف افندی استانبول، شماره ۲۱۵۲
- کتابخانه سلیمانیه استانبول، قسمت حاجی محمود شماره ۱۵۳۳
- کتابخانه عمومی بایزید استانبول، شماره ۵۵۶۴، ۵۵۶۶
- کتابخانه دولتی بایزید، قسمت ولی‌الدین، شماره ۲۶۸۳
- کتابخانه نور عثمانیه استانبول شماره ۴۰۴۹
- کتابخانه سلیمانیه استانبول قسمت عشیر افندی شماره ۱۱، ۴۱۷، ۴۳۵
- کتابخانه سلیمانیه استانبول، قسمت حالت افندی، شماره ۷۰۸
- کتابخانه جامع سلیم آقا استانبول، قسمت کمانکش، شماره ۴۷۶، ۴۷۷
- کتابخانه سلیمانیه استانبول، قسمت سرز، شماره ۳۹۵۶
- کتابخانه ملت استانبول قسمت علی امیر افندی شماره ۱۱۵، ۳۶۶، ۳۹۷
- کتابخانه سلیمیه ادیرنه شماره ۶۰۵

– کتابخانه عمومی کاستامونو شماره ۱۷۰، ۶۵۹، کتابخانه ایل حالک مانیا شماره

۷۵۵۱، ۸۸۸۶

– کتابخانه سلیمانیه استانبول، قسمت قاضی زاده محمد افندی، شماره ۴۱۰

– کتابخانه ملت استانبول، شماره ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹

– اوسکودار استانبول، کتابخانه حاج سلیم آقا، شماره ۹۵۶

– کتابخانه ملا مراد استانبول، شماره ۱۵۴۵

– کتابخانه زیتون اوغلی، کوتاهیه، شماره ۲۳۴۸/۱ (کارتال ۲۰۰۱ صفحه ۱۱۰)

۲. شاهی، گلستان شرحی / قرن ۱۶ / شرح منتور

هنوز دیده نشده است، عامر بن چلیبی وجود یک اثر به نام گلستان شرحی متعلق به شاهی ابراهیم دده که در کتابخانه سلیمانیه بخش حاج محمود افندی به شماره ۹۷۹، ۵۲۵۵ موجود است را بیان کرده است. در بررسی‌های به عمل آمده توسط محققین معلوم شد که اثر موجود در شماره ۵۲۵۵ شرح دیباچه گلستان است که متعلق به لامعی می‌باشد.

و همچنین اثر دیگر که در شماره ۹۷۹ به چشم می‌خورد تا به حال هیچ محتوایی از گلستان در داخل این تالیف دیده نشده است؛ بنابر این اثر شاهی در دسترس نمی‌باشد و مفقود است. (جان پولاد ۲۰۰۵ / صفحه ۱۵)

۳. شعی شمع‌الله پریزرنی وفات ۱۵۲۹م / نام اثر شرح گلستان / شرح منتور

این اثر را طبق خواسته شاگردش که از او فارسی یاد می‌گرفته، فی‌البداهه و بدون پیش‌نویس در مدت ۵ ماه به اتمام رسانده است. وی در این شرح از روش کلاسیک شرح متون استفاده نکرده و مطالب گرامری و توضیحات را به صورت مختصر آورده است. بیشتر اوقات مطالب را به شرح لامعی چلیبی که قبل از این اثر نوشته شده است ارجاع داده است. در حالی که شارحان بعدی بر کتاب چلیبی ردیه هم نوشته‌اند. (جان پولاد ۲۰۰۵ / صفحه ۱۵)

نسخه‌ها:

– کتابخانه نور عثمانیه، استانبول، شماره ۴۰۴۶، ۴۰۴۷، ۴۰۴۸

- کتابخانه سلیمانیه، استانبول، قسمت رئیس‌الکتاب مصطفی افندی شماره ۸۴۲ (کارتال ۲۰۰۱ / صفحه ۱۱۱)

۴. سودی / نام اثر رساله سودی / شرح منثور / این اثر شرح مبسوط تکبیت که در دیباچه گلستان به صورت زیر آورده شده است:

چو جنگ آوری با کسی بر ستیز که از وی گزیرت بود یا گریز
این رساله از طرف استاد نظیف حوجا منتشر شده است. (حوجا ۱۹۸۰)

۵. سودی / شرح گلستان تاریخ تالیف ۱۰۰۴ هـ / ۱۵۹۵ م / شرح منثور
این اثر بهترین شرح کلاسیک می‌باشد که با توضیحات مبسوط و پرداختن به اصول صرف و نحو به صورت گسترده نوشته شده است.

مؤلف آثار افرادی مثل لامعی چلیپی، شمعی، سروری، مولانا یعقوب سیدعلی و کانی را نقد کرده است. در میان نسخه‌های شروح گلستان بیشترین شمارگان نسخه را به خود اختصاص داده است. و این نشان‌دهنده مقبولیت شرح می‌باشد.
این اثر دارای ۶۲ نسخه می‌باشد که بعضی از نسخ به قرار زیر است:

- کتابخانه سلیمانیه، بخش عاتف افندی، شماره ۱۷۸۳، ۱۷۸۴
- کتابخانه سلیمانیه، بخش عبدالفی اقا، شماره ۲۰۵
- کتابخانه سلیمانیه، بخش پرتوپاشا، شماره ۴۳۰، ۴۳۱
- کتابخانه ایاصوفیا، شماره ۴۱۰۷
- کتابخانه سلیمانیه، بخش راشد افندی، شماره ۵۶۹، ۱۰۸۰، ۱۲۸۱
- کتابخانه سلیمانیه، بخش ازمیر، شماره ۷۸۱، ۷۸۲
- کتابخانه سلیمانیه، بخش حسیب افندی، شماره ۳۵۰
- کتابخانه سلیمانیه، بخش حمیدیه، شماره ۱۱۵۷، ۱۱۵۸
- کتابخانه سلیمانیه، بخش خالد افندی، شماره ۷۰۶
- کتابخانه سلیمانیه، بخش حاج محمود افندی، شماره ۵۰۳۸، ۵۱۳۵
- کتابخانه سلیمانیه، بخش ابراهیم افندی، شماره ۶۰۲، ۶۵۵
- کتابخانه سلیمانیه، شماره ۸۶۶
- کتابخانه سلیمانیه، بخش مخطوطات اهدایی، شماره ۱۹۳۷، ۳۸۵۸

- کتابخانه سلیمانیه، بخش ولی‌الدین افندی، ۲۶۹۲، ۲۶۹۳
- کتابخانه سلیمانیه، بخش لاله لی، شماره ۱۸۳۵، ۱۸۳۶
- کتابخانه سلیمانیه، بخش اسماعیل حاگی از میری، شماره ۳۱۶۵
- کتابخانه سلیمانیه، بخش فصیده جی زاد، شماره ۴۰۶
- کتابخانه سلیمانیه، بخش احسان مخفی، شماره ۱۵۰
- کتابخانه سلیمانیه، بخش مصطفی افندی، شماره ۷۳
- کتابخانه سلیمانیه، بخش فاتح، شماره ۳۹۸۶
- کتابخانه سلیمانیه، بخش اسد افندی، شماره ۲۷۹۶
- کتابخانه سلیمانیه، بخش داماد ابراهیم، شماره ۹۷۹
- کتابخانه سلیمانیه، بخش جارالله، شماره ۱۷۰۸
- کتابخانه سلیمانیه، بخش طاهر اقاتکیه، شماره ۴۳۷
- کتابخانه سلیمانیه، بخش ترنا والی، شماره ۱۴۹۷
- کتابخانه نور عثمانیه شماره ۴۰۴۲، ۴۰۴۵
- کتابخانه مرکزی استانبول، بخش ترکی شماره ۴۲۹، ۹۹۲۳
- دانشگاه استانبول، کتابخانه بخش مطالعات شرق‌شناسی، شماره ۵۰۴
- کتابخانه سازمان دیانت، شماره ۴۴۱/۵
- کتابخانه روزنامه ترجمان، شماره ۲۵۰
- کتابخانه ملت بخش علی امیری، قسمت ادبی، شماره ۳۵۳
- کتابخانه دانشکده الهیات، شماره ۲۰۰۷۱
- کتابخانه محمد لیب افندی، شماره ۶۰۴۹
- کتابخانه دولتی بایزید، قسمت بایزید، شماره ۵۷۸
- کتابخانه سازمان دیانت، شماره ۴۷۱۲، ۱۳۰۸۳
- کتابخانه ملی از میر، شماره ۱۱۲۹۵، ۱۸۵۰
- کتابخانه کانی توپ قاپی، بخش بغداد کُشکی، شماره ۸۵۵
- کتابخانه کانی توپ قاپی، بخش کوورشلار، شماره ۹۳۱
- کتابخانه سلیمیه ادیرنه، شماره ۱۴۰۲

- کتابخانه شهرداری استانبول، شماره ۴۵۱ (جان پولاد ۲۰۰۵ / صفحه ۱۶)
چاپ‌های گوناگون:

۱. سودی بوسنوی، گلستان شرحی، استانبول ۱۲۴۹ هـ
انتشارات آمره / ۵۱۳ صفحه

۲. سودی بوسنوی، گلستان شرحی، استانبول ۱۲۷۶ هـ
انتشارات آمره، ۵۱۳ صفحه

۳. سودی بوسنوی، گلستان شرحی، استانبول ۱۲۸۶ هـ
انتشارات آمره

۴. سودی بوسنوی، گلستان شرحی، استانبول ۱۲۹۱ هـ
انتشارات آمره، ۵۱۳ صفحه (اولگون ۱۹۷۸ صفحه ۱۲۰)

۶. هوایی بورسوی وفات ۱۰۱۷ هـ / ۱۶۰۸ م / نام اثر شرح گلستان، تاریخ تالیف
۹۹۰ هـ / ۱۵۸۲ م / شرح منثور / ۵۰ برگ

در منابع از شرح هوایی به عنوان شرحی خوب بر گلستان نام برده می‌شود. وی
در شرح خود شارح معاصرش شعی و سروری را به نقد می‌کشد. (کارتال ۲۰۰۱ /
صفحه ۱۱۱)

نسخه‌ها:

- کتابخانه ایل حالک آلماتی، آتانیایا، شماره ۵۰ این اثر به قونیه، بخش مخطوطات
منطقه‌ای منتقل و با شماره ۲۰ ثبت شده است. این نسخه ناقص و حاشیه‌ها تخریب و
ناخوانا می‌باشد. بعد از دیباچه شرح شروع می‌شود و شارح برای هر حکایت
گلستان، یک شماره اختصاص داده است و در آخر هیچ اسمی از مولف و مستنسخ و
تاریخ کتابت، ذکر نشده است. همچنین در انتهای اثر با یک دست خط دیگر عبارت
«یا گلشنی نایی و یا: گلشنی» مرتبط بودن اثر به شخص شاهدی را که منسوب به
طریقت گلشنیه است، محتمل می‌کند.

- از نسخه‌های دیگر منسوب به هوایی در کتابخانه ایل حالک مانسیا می‌باشد
که به شماره ۲۶۲۲ ثبت شده است. و آن شرح ترکی دیباچه گلستان می‌باشد. این
اثر در سال ۹۹۱ هـ / ۱۵۸۱ م به صورت خط تعلیق در ۵۷ برگ نوشته شده است.

اما در این نسخه، کلمه‌ای مرتبط با هوایی یافت نشده است. در بررسی تمامی اثر نسخه تصحیح شده است. (جان پولاد ۲۰۰۵ صفحه ۱۷)

۷. رشدی کارا حصارى / شرح دیباچه گلستان / ۹۹۳ هـ / ۱۵۸۵ م / شرح دیباچه منشور، در قسمت مقدمه شرح از شارحان لامعی، شمعى، ابن سیدعلی و سرورى بحث می‌شود و مورد تحسین قرار می‌گیرد.
نسخه‌ها:

- کتابخانه آثار خطی و چاپ سنگی بوسا، بخش ابرهان، شماره ۱۱۷۰ دارای ۸۶ برگ و در قسمت‌هایی از نسخه از لامعی بحث به میان آورده است.
- نسخه دیگر از کتابخانه آثار خطی و چاپ سنگی بوسا بخش حارابیچی اوغلی شماره ۹۹۰ دارای ۱۳۱ برگ است. (اوزتا هرالی ۲۰۱۱ صفحه ۲۹۶)
۸. عیسی محمد افندی تیره‌ای / نام اثر گلستان شرحی / وفات ۱۰۷۶ هـ - ۱۶۰۷ م (اولگون ۱۹۷۸ صفحه ۱۲۱) - نوع شرح منشور است.

۹. حسین الکفوی ملای مکه / وفات ۱۰۱۲ هـ / ۱۶۰۳ م / نام اثر بوستان افروز جنان شرح گلستان / شرح منشور
از شروحو است که در خارج از اناتولی نوشته شده است از این شرح، کاتب چلبی (کاتب چلبی بدون تاریخ ج دوم ۱۵۰۴) و نوعی زاده عطائی (عطائی ۱۹۸۹ ج ۲ صفحه ۴۵۵) خبر داده است. عطائی از انتقاد کفوی از سروری و شمعى در این شرح خبر می‌دهد. حسین کفوی در مقدمه این شرح از زندگی‌نامه خود و بعضی آثارش بحث می‌نماید. (کارتال ۲۰۰۱ / ۱۱۱)
از نظر تکنیک شرح اثر خوبی است. معانی لغات در کتاب آمده و خواننده لزوماً مطالب جدید یاد گرفته و به شروح دیگر نیز نقد وارد شده است.
نسخه‌ها:

- کتابخانه سلیمانیه، بخش حُسنی پاشا، شماره ۹۵۵
- کتابخانه سلیمانیه، بخش حاج محمود افندی، شماره ۴۴
- کتابخانه سلیمانیه، بخش حمیدیه، شماره ۱۱۵۹

- کتابخانه مرکزی دانشگاه استانبول، بخش مخطوطات ترکی، شماره ۳۲۴۳ به نام شرح گلستان ۹۶۵۰
- کتابخانه دولتی بایزید، بخش بایزید، شماره ۵۴۶۸ به نام شرح گلستان
- کتابخانه راشد افندی قیصری، شماره ۵۶۶ (جان پولاد ۲۰۰۵ / صفحه ۱۸)
۱۰. پیرحمدي وفات ۱۰۱۲هـ / ۱۶۰۳م / خطبه شرح دیباچه گلستان / شرح دیباچه تنها مورد توجه قرار گرفته است. اثر در کتابخانه مخطوطات و چاپ‌های سنگی بورسا موجود است. شماره ۱۹۷۰ / آخر این نسخه ناقص می‌باشد (جان پولاد ۲۰۰۵ صفحه ۱۸)
۱۱. حسن کافی بوسنیایی / وفات ۱۱۲۵هـ / ۱۶۱۶م / شرح گلستان کافی در شرح سودی عباراتی نظیر ردیه بر کافی به چشم می‌خورد که با توجه به آن عبارات وجود اثری به نام کافی بوسنیایی ثابت می‌گردد؛ لکن همچنین اثر وجود خارجی ندارد. نگارش این شرح در قرن ۱۶ میلادی و بوسنیایی بودن شارح، محتمل است.
۱۲. کافی / شرح دیباچه گلستان / نسخه کتابخانه مرکز مطالعات زبان ترکی شماره ۲۵۱ شرح دیباچه است.
۱۳. محمد بن ابراهیم تلی / شرح دیباچه گلستان / اطلاعاتی دقیقی در دست نیست؛ فقط در کتابخانه مرکزی دانشگاه استانبول قسمت ترکی به شماره ۱۲۴۵۰ به ثبت رسیده است. (آزتاهرالی ۲۰۱۱ صفحه ۲۹۷)
۱۴. حسین حسنی افندی فرزند اسماعیل چیزجی افندی از تجار طرابزن نام اثر باغبان / شرح دیباچه. در منابع از قصد و خواست حسین افندی برای نوشتن شرحی بر گلستان سخن به میان آمده است؛ اما گویا تنها توانسته شرح بر دیباچه را بنویسد. (کارتال ۲۰۰۱ صفحه ۱۱۱) اما تا به حال به نسخه‌های این اثر دسترسی پیدا نشده است.
۱۵. صفوت / وفات اوایل قرن هجدهم / نام اثر شرح جدید دیباچه گلستان صفوت / شرح دیباچه (جان پولاد ۲۰۰۵ / صفحه ۱۸)

تنها نسخه این اثر در کتابخانه سلیمانیه استانبول، بخش سرّو به شماره ۲۵۵۹ به تعداد ۹۸ برگ موجود است. در ده برگ اول این اثر دستور زبان فارسی آموزش داده شده سپس در مورد شارحین گلستان از جمله سیدی زاده، سروری، شمعی، کانی، سودی و لامعی بحث به میان آورده است. و شرح لامعی را نسبت به شروع دیگر برتری داده است. و از شرح سودی هم اقتباساتی داشته است. معانی کلمات، نقش و جایگاه آن‌ها در دستور زبان فارسی را با شواهدی از اشعار بیان می‌کند. (یلماز ۲۰۰۸ صفحه ۳۱)

بیمه

به غیر از موارد فوق‌الذکر، فرهنگ‌نامه‌هایی نیز بر گلستان نوشته شده است.

۱. مولف نامعلوم، کتاب لغات گلستان متعلق به قرن شانزده میلادی و قرن دهم هجری، لغات خارجی و عربی موجود در گلستان را به ترتیب حروف الفبا و معادل ترکی آن‌ها را می‌نویسد. نزدیک به سیصد و پنجاه لغت را توضیح می‌دهد. برای توضیح ریشه لغات از عنوان یا تیتیر خاصی استفاده نشده است. برای سهولت خواندن بعضی از لغات فارسی و عربی تلفظ آن‌ها به زبان ترکی نوشته شده است. در مورد کلمات جمع عربی، مفرد آن‌ها را ذکر کرده است. کلمات عربی را پس از نوشتن مترادف، توضیحات ترکی داده و سپس معادل آن را قید کرده است. در این توضیحات مختارالصحاح و بحرالغرائب به عنوان فرهنگ لغات کتاب به عنوان منبع، معرفی شده است. (کارتال ۲۰۰۱ صفحه ۱۱۷)

نسخه‌ها:

- کتابخانه موزه توپ قاپی، قسمت سلطان احمد سوم، به شماره ۲۷۵۴

۲. مولف نامعلوم/ نام اثر مشکلات گلستان/ تاریخ تالیف ۱۰۰۱هـ/ ۱۵۹۳م
کلمات مشکل فارسی و عربی به همان ترتیبی که در تورق گلستان به چشم خورده، نوشته شده است. و لغات را برای هر ۸ باب گلستان تنظیم کرده است. این لغات قریب به ۱۰۰۰ لغت را شامل می‌شود. کلمات منطبق با متن گلستان آورده شده است، به خصوص اعراب کلمات عربی گذاشته شده است. (کارتال ۲۰۰۱ صفحه ۱۱۸)

نسخه‌ها:

– کتابخانه دولتی بایزید استانبول قسمت بایزید شماره ۵۵۶۸
Wien.Kaiserlich-Koniglichen Hofbibliothek Tengnu86

۳. علی بن حاج عثمان / نام اثر مفتاح گلستان، احتمالاً مربوط قرن دوازدهم یا سیزدهم هجری. این فرهنگ لغت با یک مقدمه ترکی آغاز می‌شود و در این مقدمه دلیل تالیف را درخواست دوستانش مطرح می‌کند و اسلوب نوشتن کتاب را الگو گرفتن از کتاب صحاح عجمی بیان می‌کند. کتاب از پنج بخش تشکیل شده است: در قسمت اول آیات موجود در گلستان و یا آیات مورد اشاره جای گرفته. در قسمت دوم احادیث مطرح در گلستان و قسمت سوم سخنان بزرگان و در قسمت چهارم اشعار و ابیاتی که فهم آن‌ها مشکل است، جای گرفته و در قسمت پنجم لغات فارسی و عربی با توضیحات ترکی آورده شده است. لغات جای گرفته در این قسمت بیشتر ریشه عربی دارند و به همان شکلی که در گلستان آمده، نوشته شده‌اند. حدود ۱۸۰۰ لغت در این قسمت توضیح داده شده است. (از ۱۹۹۶ / صفحه ۳۶۷)

نسخه‌ها:

– کتابخانه مرکزی دانشگاه استانبول ت ۲۷۸۳

۴. مؤلف نامعلوم / لغت گلستان سعدی / قرن دوازدهم و سیزدهم
این کتاب علی‌رغم این که با عبارت هذا لغت گلستان سعدی شروع می‌شود؛ ولی به اشتباه علم جفر، منتسب به امام علی علیه السلام قلمداد شده است. این اثر از چهار باب تشکیل شده است: در باب اول لغات فارسی و عربی که حدود ۳۴۰ واژه می‌باشد، با توضیحات ترکی جای گرفته است. ماده لغات بر اساس ۲۷ حرف الفبای عربی به بیست و هفت فصل تقسیم شده است. توضیحات ترکی لغات در بین فواصل سطرها گنجانده شده است و کلمات به همان شکل و ترتیبی که در گلستان آمده چیده شده‌اند و در آخر باب اول آیات موجود یا مورد اشاره در گلستان آورده شده است. در باب دوم احادیث گلستان جای گرفته و در باب سوم کلمات و عبارات مختلف نوشته شده است. در باب چهارم نیز ابیات و اشعار فارسی و عربی با توضیحات ترکی گنجانده شده است. (از ۱۹۹۶ / صفحه ۳۶۸)

۵. احمد مظهر / نام کتاب گلستان و لغات گلدسته / احمد مظهر تمامی لغات موجود در گلستان را جمع آوری و توضیحاتی در باره آن‌ها داده است. (اولگون ۱۹۷۸ صفحه ۱۲۲)

این اثر در استانبول به چاپ رسیده است / احمد مظهر (بدون تاریخ) گلستان و لغات گلدسته انتشارات حریبه استانبول.



به غیر از ترجمه، شرح و لغت‌نامه و فرهنگ‌نامه‌ها، نظیره‌هایی نیز بر گلستان سعدی نوشته شده است. آثار معین‌الدین جوینی، نگارستان / جامی، بهارستان / مجد هافی، روضه خلد / کمال پاشا زاده، نگارستان / کانی، پیریشان / سائلی، روضه الاحباب / احمد شیرازی وقار، انجمن دانش / ملا ترزی، معدن الجواهر / منشی خارگوپال، سنبلستان / محمد فوزی افندی، بلبستان / از جمله این نظیره‌هاست.

علمای عثمانی در کنار شروح ترکی، شرح‌هایی به زبان فارسی و عربی نیز بر گلستان داشته‌اند. در این شروح به قصد تبیین و توضیح عبارات ثقیل فارسی و عربی برای فارسی‌زبانان و عرب‌زبانان اقدام جدی انجام شده است.

شروح و نظیره‌های فارسی و عربی

شروح و نظیره‌های فارسی و عربی توسط شارحان ترک‌تبار بر گلستان نوشته شده است:^۱

۱. مولا قاضی یعقوب بن سیدعلی وفات ۹۳۱هـ / ۱۵۲۵م / شرح گلستان به عربی کاتب چلبی منسوب بودن اثر فوق را به یعقوب بن سیدعلی تکذیب می‌کند و آن را به منیریه منتسب می‌داند. (کاتب چلبی / بدون تاریخ / ج ۲ صفحه ۱۵۰۴)

فردوسی ماناکستیری به این کتاب، سؤال و جواب نوشته است. این اثر دارای نسخه‌های فراوانی می‌باشد.

۲. مصطفی سروری گلی بلی / نام اثر شرح گلستان / تاریخ تالیف ۹۵۷هـ / ۱۵۵۰م

۱. جهت اطلاعات بیشتر مراجعه شود کارتال ۲۰۰۱ صفحه ۱۱۳ و ۱۱۷.

شرح عربی می باشد/ به شیخ زاده مصطفی فرزند سلطان سلیمان قانونی هدیه شده است. معانی لغات را آورده و اشاره‌ای هم به دستور زبان فارسی کرده است. (کارتال ۲۰۰۱ صفحه ۱۱۴)

نسخه‌ها:

– کتابخانه نورعثمانیه استانبول شماره ۴۰۴۴ و ۴۰۴۵

۳. مدرسی محمد عیسی افندی فرزند مصطفی افندی تروی / وفات استانبول ۱۰۱۶هـ / ۱۶۰۷م / نام اثر شرح گلستان / شرح فارسی / این کتاب را کاتب چلبی و آقائی نویزاده و محمد طاهری بورسوی در آثار خود ذکر می‌کنند. (کارتال ۲۰۰۱ / صفحه ۱۱۵)

نظیره‌ها

۱. کمال پاشازاده نگارستان / تاریخ ۹۳۹هـ / ۱۵۳۲م

نظیره فارسی به روش گلستان نوشته شده است. و همچون گلستان از یک مقدمه و ۸ باب تشکیل شده است. و در این کتاب با همان موضوع مطرح در گلستان مطالبی آورده است. وی این کتاب را به صدر اعظم، سلطان سلیمان قانونی به نام ابراهیم پاشا اهدا کرده است. این نظیره همچون گلستان به صورت نظم و نثر و همراه با پندآموزی نوشته شده است. (کارتال ۲۰۰۱ صفحه ۱۱۶)

متن، نقد شده نگارستان از طرف مصطفی چیچک لر به عنوان رساله دکترا آماده شده است. (چیچک لر ۱۹۹۴)

۲. محمد مفتی افندی ادیرنوی / نام اثر بلبلیستان / نظیره فارسی (۱۳۱۲هـ) به سلطان وقت عبدالحمید ثانی اهدا شده است.

محمد فوزی ، بلبلیستان انتشارات عامری استانبول از یک مقدمه و ۸ باب به نام نهال و یک تاریخ ختم کتاب تشکیل شده است. فقط در دو باب از جهت موضوعی با گلستان متفاوت است.

خاتمه:

دو اثر گرانقدر سعدی بوستان و گلستان با محتوای اخلاقی، و در حوزه ادبیات تعلیمی فارسی از دیرباز جایگاه نخست را داشته است. این پژوهش به سادگی

اثبات می‌کند که تمامی مدارس و حوزه‌های تعلیم و تربیت در ترکیه از قرن چهاردهم میلادی تا کنون رویکرد بسیار جدی هم به محتوا و مضامین موجود در این دو اثر و هم به ساختار آن داشته‌اند. علاوه بر آن گلستان و بوستان در دولت عثمانی از منابع مهم و تأثیرگذار برای آموزش زبان فارسی به ترکان به شمار می‌آیند. دلیل آشکار برای اثبات این ادعا، وجود این دو اثر سعدی در کتابخانه و همچنین نوشته شدن خیلی از شروح و ترجمه‌ها بر این دو نوع اثر می‌باشد

در این مقاله مطالبی درباره ۷ ترجمه کامل و ۴ ترجمه مختصر، ۴ شرح و یک فرهنگ لغت برای کتاب بوستان سعدی ایراد شده است که برگرفته از مقاله کامل احمد کارتال و از منابع دیگر جمع‌آوری شده است و برای گلستان هم ۲۱ ترجمه ۱۵ بار شرح که هفت مورد آن شرح دیباچه، و برای فهم بیشتر ۵ مورد فرهنگ لغت به چشم می‌خورد و از این‌ها سه مورد ترجمه منظوم و ۷ مورد ترجمه ترکیبی از نثر و نظم، و بقیه شروح منظوم و نثر می‌باشد. نهایتاً برای گلستان یک ترجمه منظوم فارسی، ۲ مورد ترجمه عربی، یک شرح فارسی و دو مورد نظیره‌هایی نیز نگاشته شده است. (کارتال ۲۰۰۱/ صفحه ۱۱۸) و این نشان‌دهنده این است که ترک‌ها از قرن چهاردهم میلادی به بعد علی‌الخصوص قرن شانزدهم و بعد از آن دو اثر ارزشمند سعدی را با عمق بیشتر بررسی و تحقیق کرده‌اند.



منابع و مأخذ

۱	سعدی، بوستان	سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، بوستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، خوارزمی تهران ۱۳۶۸، ۶۱۸ص.
۲	سعدی، گلستان	سعدی شیرازی، شیخ مصلح‌الدین، گلستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، خوارزمی تهران ۱۳۶۸، ۸۱۵.
۳	اجکمان جانوس ۱۹۶۹	ECKMANN, Janoš, "Sadî Gülistan'ının Bilinmeyen Çağatayca Bir Cevirisi", TDAY Belleten 1968 , Ankara 1969.
۴	اُز ۱۹۹۶	?Z, Yusuf. 1996. Tarih Boyunca Farsça-

Türkçe S?zlükler, Ankara Üniversitesi Basılmamış Doktora Tezi, Ankara.		
?ZTAHRALI, İmran. 2011. " Şerh Geleneği ve Lâmi'i'nin Şerh-i Dibace-i Gülistan'ı ", TUBAR-XXIX.	اُزتاھرالی ۲۰۱۱	۵
?ZDEMİR, Mehmet. 2011. "Mütercim ve Müellif Bir Şeyhülislam: Hocazade Es'ad Efendi ve Eserleri", Turkish Studies-International Periodical For The Languages, Literature and History of Turkish or Turkic , Volume 6/2 Spring.	اوزدمیر	6
?ZKAN, Mustafa. 1993. Mahmud Kâdî-i Manyâs, Gülistan Tercümesi (Giriş-İnceleme-Metin-S?zlük), Türk Dil Kurumu Yayınları, Ankara.	اوزکان ۱۹۹۳	7
OLGUN, İbrahim. 1978. "Türçe Sadi ve Hafız Cevirileri", Türk Dili Dergisi , Ceviri Sorunları ?zel Sayısı, Sayı 322, Ankara.	اولقون ۱۹۷۸	8
OLGUN, İbrahim. 1978. "Türçe Sadi ve Hafız Cevirileri", Türk Dili Dergisi , Ceviri Sorunları ?zel Sayısı, Sayı 322, Ankara.	اولگون ۱۹۷۸	9
BERBERCAN, Mehmet Turgut. 2011. Cağatayca Gülistan Tercümesi Gramer-Metin-Dizin , Doktora Tezi, Danışman: ?zcan Tabaklar, İstanbul Üniversitesi, İstanbul.	بربرجان ۲۰۱۱	10
BUYUKKARCI YILMAZ, Fatma. 2001. Za'îfi'nin Manzum Gülistân Cevirisi: Kitâb- / Nigârîstân- / Şehristân- / Drahtîstân- / Sebzîstân , Basılmamış Doktora Tezi, Marmara Üniversitesi, İstanbul.	بویوک کارجی یلماز ۲۰۰۱	11
CANPOLAT, Hülya. 2000. Lâmi'i Celebi'nin Şerh-i Dibâce-i Gülistan'ı , Basılmamış Yüksek Lisans Tezi, Ege Üniversitesi, İzmir 2000.	جان پولاد ۲۰۰۰	۱۲

CANPOLAT, Hülya. 2006. Sa'dî'nin Gülistân ? ns?züne Yapılan Şerhlerin Karşılaştırmalı İncelemesi , Basılmamış Doktora Tezi, Ege Üniversitesi İzmir.	جان پولاد ۲۰۰۶	13
CEYHAN, Adem. 2007. "Eğitim Bakımından Gülistan", Turkish Studies International Periodical For the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic, Volume 2/4 Fall, s. 228-247	جیحان آدم ۲۰۰۷	۱۴
CAVUŞOĞLU, Şerife (1978), Zaifi'nin Gülistân Tercümesi , Ankara Üniversitesi, Dil ve Tarih Coğrafya Fakültesi, Lisans Tezi, Ankara.	چاوش اوغلی ۱۹۷۸	15
CİCEKLER, Mustafa. 1994. Kemal Paşa-zâde ve Nigâristân'ı , İstanbul Üniversitesi, Basılmamış Doktora Tezi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, İstanbul.	چیچک لر ۱۹۹۴	16
HOCA, Nazif. 1980. Sûdî, Hayatı, Eserleri ve İki Risalesinin Metni , İstanbul Üniversitesi, Edebiyat Fakültesi Yayınları, İstanbul.	حوجا ۱۹۸۰	17
KATİB CELEBİ (trhs.), Min-Kitâbi Keşfi'z-zunûn 'An-Esâmî'l-Kütübi ve'l-Funûn , [Şerefettin Yaltkaya ve Kilisli Rifat Bilge tarafından hazırlanıp yayınlanan eserden ofset baskı].	کاتب چلبی	۱۸
KARAMANLIOĞLU, Ali Fehmi. 1989. Seyf-i Sarâyî, Gülistan Tercümesi , TDK Yayınları, Ankara.	کارامانلی اوغلی ۱۹۸۹	19
KARTAL, Ahmet. 1999. Osmanlı Medeniyetini Besleyen Kültür Merkezleri (XI. Asırdan XVI. Asrın Sonuna Kadar Türk Edebiyatı ve Fars Edebiyatının Münasebetleri), Basılmamış Doktora Tezi, Gazi Üniversitesi, Ankara.	کارتال ۱۹۹۹	20
2KARTAL, Ahmet. 2001. "Sa'dî-i Şîrâzî'nin Bostân İsimli Eserinin Türkçe Tercüme ve Şerhleri", Türk Kültürü İncelemeleri Dergisi , S.5, İstanbul s.99-120.	کارتال ۲۰۰۱	۲۱

YAZICI, Tahsin. 1996. "Gülistân", TDV İA , C. 14, İstanbul, s. 240-241.	يازيجي ۱۹۹۶	۲۲
YAZICI, Tahsin. Trhs. "Sadi", İslâm Ansiklopedisi , C. X, Milli Eğitim Basımevi, İstanbul,	يازيجي تحسين	23
YILMAZ, Ozan. 2008. 16. Yüzyıl Şarihlerinden Sûdî-i Bosnavî ve Şerh-i Gülistân ı , Basılmamış Doktora Tezi, Marmara Üniversitesi, İstanbul.	يلماز ۲۰۰۸	۲۴
KARAİSMAİLOĞLU, Adnan. 1992. "Bostân", TDV İA , C. 6, İstanbulç.	کارا اسماعيل اوغلو ۱۹۹۲	25
KARAMANLIOĞLU, Ali Fehmi. 1989. Seyf-i Sarâyî, Gülistan Tercümesi , TDK Yayınları, Ankara.	کارامانلی اوغلی ۱۹۸۹	26
İLAYDIN, Hikmet. 1989. Bostan , Milli Eğitim Basımevi, İstanbul.	حکمت آیدین ایل ۱۹۸۹	27
İLAYDIN, Hikmet. 1997. Gülistan , Milli Eğitim Basımevi, İstanbul.	حکمت آیدین ایل ۱۹۹۷	28
SUDI. 1352. Şerh-i Sûdî ber Bostân- / Sa'dî , (çev.: Ekber Behrûz), Tebriz. TOKATLI, Umit. 1996. Kitâb- / Bostân- / Nasâyih , Erciyes Üniversitesi Matbaası, Kayseri.	سودی ۱۹۹۶	29
SEYF-İ SERAYI. 1954. Gülistan Tercümesi , (?ns?z: Feridun Nafiz Uzluk), Ankara, Türk Tarih Kurumu Basımevi.	سیفی سرایی ۱۹۴۵	۳۰



مصریان پیشگام در حوزه زبان و ادب فارسی

سیدمصطفی مطبوعه‌چی اصفهانی

طرح ملی ترجمه که در سال ۱۹۹۶ میلادی اعلام گردید از جمله برنامه‌های فرهنگی در مصر است که به منظور آشنایی عرب‌زبانان با سایر فرهنگ‌ها و اندیشه‌ها ارائه شده و هدف اصلی آن عبارت است از ترجمه بهترین آثار در حوزه علوم انسانی به ویژه ادبیات و فرهنگ و تا کنون بالغ بر هزار عنوان از بهترین آثار خلق شده به زبان‌های مختلف، به عربی ترجمه و ضمن این مجموعه به چاپ رسیده است. نظر به اهتمام دیرین مصریان به زبان و ادب فارسی و کثرت اساتید، دانشجویان، مترجمین و علاقمندان به ایران و ادب فارسی، آثار ذیل تا کنون به عربی ترجمه و در این مجموعه منتشر شده است. این آثار به ترتیب انتشار عبارت‌اند از:

۱. *ثریا فی غیبیة از اسماعیل فصیح (ثریا در اغما)*

۲. *خوخته و ألف خوخته و قصص اُخری از صمد بهرنگی*

۳. *مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی به نثر در شش مجلد*

۴. *طول اللیل از جمال میرصادقی*

۵. *نون و القلم از جلال آل احمد (نون و قلم)*

۶. *الابتلاء بالتنعرب از جلال آل احمد (غرب‌زدگی)*

۷. خسرو و شیرین از نظامی گنجوی
۸. قصه جاوید از اسماعیل فصیح
۹. الارضة از بزرگ علوی
۱۰. سیاحت‌نامه اثر ابراهیم بیک
۱۱. شتاء ۱۴ اثر اسماعیل فصیح (زمستان ۸۴)
۱۲. مثنویات حکیم ثنایی اثر سنایی غزنوی
۱۳. قصص الأمير مرزبان علی لسان الحيوان اثر مرزبان بن رستم بن شروین (مرزبان‌نامه)
۱۴. دیوان شمس تبریزی اثر مولانا جلال‌الدین رومی
۱۵. مدیر‌المدرسه اثر جلال آل احمد (مدیر مدرسه)
۱۶. دیوان منوچهری الدامغانی اثر منوچهری دامغانی (دیوان منوچهری)
۱۷. لمعة السراج لحضرة التاج مؤلف مجهول (بختیارنامه)
۱۸. یوسف و زلیخا اثر نورالدین عبدالرحمن الجامی (یوسف و زلیخا)
۱۹. تاریخ الأدب فی ایران اثر ادوارد براون (تاریخ ادبیات ایران)
۲۰. سلامان و ابسال اثر نورالدین عبدالرحمن الجامی (سلامان و ابسال)
۲۱. التيارات السياسية فی ایران المعاصرة اثر حجت مرتجی (جریان‌های سیاسی در ایران معاصر)
۲۲. المسافر اثر محمد اقبال اللاهوری (مثنوی پس چه باید کرد ای اقوام شرق)
۲۳. تاریخ طبرستان اثر بهاء‌الدین محمد اسفندیار (تاریخ طبرستان)
۲۴. هدیه الحجاز اثر محمد اقبال اللاهوری (ارمغان حجاز)
۲۵. مواعظ سعدی الشیرازی اثر سعدی شیرازی (گزیده بوستان)
۲۶. آلام سیاوش اثر اسماعیل فصیح (درد سیاوش)
۲۸. السافک اثر تقی نجاری‌راد (ساواک)
۲۹. لوائح الحق ولوامع العشق اثر نور الدین عبدالرحمن جامی
۲۹. من طاووس الی فرح اثر محمود طلوعی (در کنار تخت طاووس؟)
۳۰. الخفافیش وقصص أخرى اثر نخبه من المؤلفین (داستان‌های امروز افغانستان)

۳۱. موت المرابی اثر صدرالدین عینی (مرگ سودخور)
۳۲. حول وزن الشعر اثر پرویز ناتل خانلری (پیرامون وزن شعر)
۳۳. لا تنسنى اثر مریم جعفری (فراموشم مکن)
۳۴. الحب الذی کان وقصائد أخرى اثر نخبه من المؤلفین (مجموعه گزیده اشعار شاعران معاصر ایران)
۳۵. سمار البیغاء اثر محمد قادری (طوطی نامه)
۳۶. مختارات من الشعر الفارسی الحدیث اثر مجموعه من الشعراء
۳۷. نقش علی الماء و قصص أخرى اثر مجموعه من المؤلفین
۳۸. مخزن الأسرار اثر نظامی گنجوی
۳۹. الحب والمحریة اثر نخبه من الشعراء (گزیده شعر فارسی)
۴۰. صلصلة الجرس اثر محمد اقبال اللاهوری (دیوان بانگ دار)
۴۱. جناح جبریل اثر محمد اقبال اللاهوری (بال جبریل)
۴۲. مصر القديمة فی عیون الایرانیین اثر حسن پیرنیا
۴۳. مرایا علی الذات اثر هوشنگ گلشیری (آینه های دردار)
۴۴. الجیران اثر احمد محمود (همسایه ها)
۴۵. سفر اثر محمود دولت آبادی
۴۶. الأمير الإحتجاب اثر هوشنگ گلشیری (شازده احتجاب)
۴۷. رسالة النفسیة اثر فضل الله بن حامد الحسینی
۴۸. نوادر جحا الایرانی اثر سعید قانعی (قصه ها و لطیفه های ملا نصرالدین)
۴۹. الحب و فنونه اثر نخبه من الشعراء (گزیده شعر نو فارسی)
۵۰. قصة الثورة الایرانیة اثر سپهر ذبیح (داستان انقلاب اسلامی)
۵۱. محبوبه اثر فتانه حاج سید جوادی (بامداد خمار)
۵۲. الأمثال الفارسیة اثر احمد وکیلان (ضرب المثل های فارسی)
۵۳. فیه ما فیه اثر مولانا جلال الدین رومی (فیه ما فیه)
۵۴. فضل الأنام من رسائل حجة الإسلام اثر الامام الغزالی (رسائل فارسی امام محمد غزالی)

۵۵. درة التاج اثر ميرزا محمدهادى رسوا
۵۶. الثورة الإسلامية في إيران اثر صادق زيباڪلام (انقلاب اسلامى ايران)
۵۷. ديوان الأسرار والرموز اثر محمد اقبال اللاهورى (اسرار خودى و رموز بيخودى)
۵۸. الإسراء والمعراج في تراث الشعر الفارسى اثر نخبه من الشعراء
۵۹. خيوط العنكبوت وقصص أخرى اثر نخبه من المؤلفين (گزیده داستان‌هاى فارسى)
۶۰. هفت پيكر اثر نورالدين عبدالرحمن الجامى
۶۱. في الرباعى اثر نخبه من الشعراء (گزیده رباعيات فارسى)
۶۲. رقى الشعر اثر حسن كريم پور (بازماندگان عشق)
۶۳. كنز الشعر اثر ذبيح الله صفا (گنج سخن)
۶۴. من روائع القصيد الفارسى اثر عبدالمحمد آيتى (شكوه قصيده)
۶۵. لقاء بالشعراء اثر على اكبر دلفى (ديدار با شاعران)
۶۶. رسائل خمس في الآفاق والأنفس اثر مجموعة من المؤلفين
۶۷. الشعراء الفارسى المعاصر اثر ساعد باقرى و محمدرضا محمدى
۶۸. التنويريون ودورهم في خدمة المجتمع اثر جلال آل احمد (در خدمت و خيانت روشنفكران)
۶۹. غنائى شيراز اثر خواجه حافظ شيرازى (ديوان حافظ)



شهادی از شکرستان هند (بخش دوم)

علی صدرايي خويي

www.sadrai.blogfa.com

مقدمه

در شماره ۶۵-۶۶ (پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۳۷-۱۷۲)، مجله وزین میراث شهاب، گزارش پنجاه نسخه از کتاب‌های چاپ سنگی فارسی و عربی موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی، تقدیم گردید. در ادامه در بخش دوم مقاله، مشخصات پنجاه نسخه دیگر به همان سبک، گزارش می‌گردد.

یکی از ویژگی‌های نسخه‌های سنگی و نفیس معرفی شده در این سلسله مقالات آن است که در عهد قاجاریه و دوره پهلوی، به دلایل مختلف سیاسی و اجتماعی، آثاری در ایران امکان چاپ و انتشار نداشته‌اند و به اصطلاح از کتب ممنوعه بشمار می‌رفتند. تعداد قابل توجهی از این آثار در شبه قاره خصوصاً هند، به چاپ رسیده که تعدادی از آنها در بین نسخه‌ها به چشم می‌خورد.

پنجاه نمونه دیگر از کتاب‌های چاپ سنگی و نفیس شبه قاره

۵۱. زیارت نامه امام موسی کاظم علیه السلام

موضوع: دعای شیعه، زیارت نامه؛ زبان: عربی
کتابشناسی: زیارت نامه امام موسی بن جعفر علیه السلام است که محمد علی نمازی سنگاپوری چاپ و وقف نموده و وقفنامه را در اول کتاب چاپ نموده، با این عبارت: «هو الله تعالی، وقف موبد فرموده اند جناب جلالت مآب اجل آقای میرزا محمد علی صاحب تاجر نمازی ساکن ساکن سنگاپور دامت اقباله این زیارت نامه را از برای تلاوت تمام شیعیان و زوار آن قبر مطهر جناب امام موسی کاظم بن جعفر و امام محمد تقی علیه السلام، شهر جمادی الاول سنه ۱۳۰۴».

آغاز: بسمله. به سند معتبر از حضرت علی التقی علیه السلام منقول است.

به ضمیمه آن، چند رساله دیگر چاپ شده، بدین ترتیب:

۱. زیارت نامه حضرت ابوالفضل، باز وقف همان واقف، ۱۶ ص؛
۲. ضرور المسلمین مع مفید الصلوة ۴۰ ص، در ادعیه و اذکار عربی با ترجمه زیر نویس اردو؛
۳. وفات نامه حالات رسول اکرم صلی الله علیه و آله، (بدون صفحه شمار، ۱۶ صفحه)، به اردو و منظوم.

نوع خط: نسخ؛ کاتب و تاریخ کتابت: ذکر نشده، توضیحات: واقف آقا میرزا محمد علی صاحب تاجر نمازی ساکن سیگاپور، به اهتمام: آقا عبدالله طهرانی، محل چاپ: هندوستان؛ بمبئی؛ مطبعه: مطبع نادریمالک آقا عبد الله طهرانی، تاریخ: جمادی الثانی ۱۳۴۰، تعداد صفحه ها: ۱۶ ص؛ اندازه: ۲۰×۱۴؛ تعداد سطور: ۱۲. (نسخه ش: ۶۸).

۵۲. مطلع سعیدین و مجمع بحرین

از: مولانا کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی

موضوع: تاریخ؛ زبان: فارسی.

کتابشناسی: تصحیحی است از کتاب مطلع السعدین به تصحیح محمد شفیع لاهوری، کہ از روی چند نسخہ تصحیح و نسخہ بدلہای آن را در زیر ہر صفحہ ذکر نمودہ است. در مقدمہ این جلد متذکر شدہ کہ ہزینہ این جزء را مجلس تحقیقات اسلامی بمبئی متقبل شدہ و آقای آصف ای-ای فیضی سکریتیر اعزازی مجلس نیز معونت و کومک بسیار کردہ اند. این جلد، جزء دوم و سوم از جلد دوم کتاب و شامل وقایع سال ۸۳۳ تا ۸۷۵ ق ہجری قمری می باشد. بعد از اتمام کتاب در ص ۱۴۴۲ چند ملحق آمدہ، بدین ترتیب:

۱. حواشی و زیادات جلد دوم، جزء اول و دوم و سوم، ص ۱۴۴۳-۱۵۲۷؛

۲. فرہنگ الفاظ ترکی و مغولی ص ۱۵۲۸-۱۵۵۰؛

۳. غلطنامہ ص ۱۵۵۱-۱۵۵۸.

آغاز: وقایع سنہ احدی و خمسین ذکر حوادثی کہ میرزا عبداللطیف را در راہ خراسان پیش آمد. در افتتاح این سال احوال اختلال دولت و اقبال حضرت. نوع خط: نستعلیق؛ کاتب: ذکر شدہ؛ تاریخ کتابت: ۱۳۶۵ق؛ بہ اہتمام و تصحیح: محمد شفیع ایم ای مفلّم عربی در کلیئہ پنجاب، محل چاپ: پاکستان، لاهور؛ مطبعہ: طبع دوم چاپخانہ گیلانی لاهور؛ تاریخ: ۱۳۶۸ مطابق با ۱۹۴۹ میلادی، تعداد صفحہ ہا: ۸۸۳-۱۵۵۸؛ اندازہ: ۱۶ × ۲۴؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخہ ش: ۶۹).

۵۳. فرازستان

از: میرزا اسمعیل خان بن حاجی محمد علی زند روشناس بہرزدیاریزدانی توسرکانی
موضوع: تاریخ و اعتقادات رزدشتی؛ زبان: فارسی.
کتابشناسی: در تاریخ و سرگذشت سلسلہہای قبل از اسلام در ایران (پیش دادیان، کیانیان، اشکانیان، ساسانیان)، در سہ دفتر. این سلسلہہا چون بہ مذهب رزدشتی بودہ اند لذا مؤلف در اثنای تاریخ آنہا بہ طور مستوفی بہ بیان عقائد و باورہای رزدشتی پرداختہ و این کتاب در حقیقت تاریخ مذهب رزدشت گردیدہ است.
آغاز: بنام ایزد نخبندہ مہربان. بایستہ بود ہمیشہ ہست بی تندیسہ دادار را در آغار ہر کار یاد کردن سزاست فرفرزانش اروند پاک گوہر است.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: هرمزدیار بن انوشه روان بهرام بهمن جمشید یزدی، تاریخ کتابت: ۱۸۹۴م برابر با شهریور ماه باستانی ۱۲۵۳ یزدگردی، توضیح: قبل از کتاب دو صفحه دیباچه آمده مصدر به نام سلطان مسعود میرزا ظل السلطان و سلطان کامران میرزا نایب السلطنه و میرزا علی اصغر خان صدر اعظم و حاجی میرزا حسینقلی خان صدر السلطنه و در آخر آن قطعه‌ای به نظم در مدح ناصرالدین شاه آمده است، گویا دیباچه از آغاز افتادگی دارد، غلط‌نامه در چهار صفحه بوده که از این نسخه دو صفحه افتاده است، در دفتر رجستری کورنمت سرکار هندوستان ثبت گردیده، محل چاپ: هند؛ بمبئی، مطبعه: چترپر بهادر دهبوکلی، تاریخ: ۱۳۱۱ق، تعداد صفحه‌ها: ۴۱۴؛ اندازه: ۱۷ × ۲۴؛ تعداد سطور: ۱۹. (نسخه ش: ۷۰).

۵۴. مجموعه

از: لطف‌الله متخلص به مهندس ابن استاد احمد لاهوریه تاریخ نهم ربیع الاول ۱۰۷۹ هجری

موضوع: اعتقادات و ادبیات عربی و فارسی؛ زبان: عربی-فارسی
کتابشناسی: مجموعه‌ای شامل چند متن مذهبی عربی که لطف‌الله لاهوری آن را تدوین و در لابه لای سطور، به فارسی ترجمه نموده، بدین ترتیب:

۱. دیباچه مترجم (۲-۳)

آغاز: بسمله اسناد قصیده برده، این کواکب دریه و مناقب شریف بریه است محمد مصطفی ﷺ تصنیف امام صالح.

۲. نود و نه نام خدای تعالی با ترجمه اردو (۴-۷)

آغاز: بسمله. هو الله الذی لاله الا هو.

۳. قصیده برده همراه با ترجمه منظوم فارسی (۷-۳۰)

آغاز: امن تذکر جیران بذی سلم مزجت دمعا جری من مقلته بدم

آغاز ترجمه: ای زیاد صحبت یاران اندر ذی سلم

اشک چشم آمیختی با خون روان گشته بهم

۴. قصیده بانث سعاد عربی همراه با ترجمه منظوم فارسی (۲۶-۴۲)

آغاز: بانث سعاد فقلبی الیوم مبتول متیم اثرها لم یقد مکبول

آغاز ترجمہ: شد جدا یار و دلم امروز بیمارست و زار

در پیش دل بستہ و زنجیر بست و بقرار

۵. دعای سریانی عربی (قصیدہ زبوریه) با ترجمہ منظوم فارسی (۴۲-۴۹)

آغاز: انا المطلوب فاطلبنی تجدنی فان تطلب سوائی لم تجدنی

ترجمہ: منم مطلوب ای طالب کجایی چرا در حضرت ما در نیایی

مرا هرگز نخواهی یافتن تو کنی با غیر کن گر آشنایی

۶. قصیدہ غوث الثقلین (غوثیہ) با ترجمہ ۴۹-۵۸

آغاز: سقانی الحب کاسات الوصال فقلت لخمرقی نحوی تعال

ترجمہ: عشق نوشانید ما را بر ملا کاس های می وصال دلریا

پس بگفتم مر شراب خویش را بی حجا پا نہ به سوی من بیا

۷. دعای مغنی (۵۸-۶۴) عربی، بدون ترجمہ

آغاز: بسملة. اللهم صل على محمد و على آل محمد و بارک و سلم و بک

استغیث.

نوع خط: نسخ و نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ۱۳۷۹ق، به اهتمام: لطف الله متخلص به مهندس بن استاد احمد لاهوری، محل چاپ: ہند؛ گانپور، مطبعہ: نول کشور، تاریخ: ۱۸۹۸ میلادی، تعداد صفحہ ہا: ۶۳؛ اندازہ: ۱۶ × ۲۵؛ تعداد سطور: ۱۰. (نسخہ ش: ۷۱).

۵۵. غایة الکلام فی بیان الحلال و الحرام

از: مولوی محمد عبدالحلیم لکھنوی

موضوع: فقہ؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: رسالہ کوتاہی است در بیان احکام حلال و حرام، کہ تالیف آن در اول ماہ محرم الحرام سال ۱۲۶۰ق بہ پایان رسیدہ است.

آغاز: بسملة. حمد نا محدود مر صمد معبودی راست کہ سائر عباد خود را باصطیا

و جانداران اجازت فرمودہ.

نوع خط: نستعلیق، تاریخ کتابت: ۱۲۶۳ق، بہ اهتمام: مولوی ولی محمد.

توضیح: به تصحیح مولوی محمد، در صفحه ۲۴، ۲۵، ۳۹-۴۱ و ۵۰ جدول‌هایی طراحی شده است که در آن‌ها اسامی جانوران به سه زبان هندی، فارسی و عربی ذکر و سپس حکم مأكول و غیر مأكول بودن آن‌ها بیان شده است، با حواشی با نشان «منه دام فیضه»، در صفحه آخر کتاب غلط‌نامه کتاب در یک صفحه درج شده است، صفحه سر لوح مرصع و داخل آن «بسمله»، محل چاپ: هندشهر: لکهنو، مطبعه: ذکر نشده، تاریخ: ماه ربیع الثانی ۱۲۶۳ ق. تعداد صفحات: ۶۴؛ اندازه: ۱۶×۲۴ تعداد سطور: ۱۹. (نسخه ش: ۷۳).

۵۶. منتخب تنقیح الاخبار

از: کندن لال

موضوع: تاریخ؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: این کتاب به اسامی و سرگذشت سلاطین ایران قبل از اسلام و خلفای عباسی و نیز، به جغرافیای ایران و آفریقا پرداخته است. آغاز: بسمله. سزاوار نیایش بی‌نام و نشانی که بهر نام خواندش روا پرستاری آن یگانه بی‌مانند.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: بدون نام کاتب؛ تاریخ کتابت: بدون تاریخ کتابت، به اهتمام: میرزا محمد مهدی علی خان بهادری، محل چاپ: هندشهر: ذکر نشده، مطبعه: حاجی ولی محمد، تاریخ: ذکر نشده، تعداد صفحات: ۱۵۴؛ اندازه: ۱۷×۲۶ تعداد سطور: ۱۶. (نسخه ش: ۷۴).

۵۷. رساله کاغذات کار روایی

موضوع: ادبیات فارسی، منشآت؛ زبان: فارسی

از: فیاض حسینی سلیمانی مالک مطبع سلیمانی شهر آگره

کتابشناسی: رساله ای است در آموزش «صدارات دیوانی و فوجداری مع خطوط» که برای آموزش نامه‌نگاری دیوانی و نوع رسم‌الخط آن‌ها تألیف شده است. آغاز: هزارهزار حمد و ثنای منشی بی‌بدیل که.

نوع خط: دیوانی که به سختی خوانده می‌شود، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ذکر نشده، به اهتمام: سید اعظم شاه صاحب، محل چاپ: هند، آگره، مطبعه: بالکشن میشن پریس، تاریخ: ذکر نشده، تعداد صفحه‌ها: ۱۲۶؛ اندازه: ۱۴ × ۲۵؛ تعداد سطور: ۱۱. (نسخه ش: ۷۵).

۵۸. کنوز الحقایق فی حدیث خیر الخلائق

از: محمد عبدالرؤف مناوی

موضوع: حدیث؛ زبان: عربی

کتابشناسی: در احادیث حضرت نبوی به ترتیب حروف تهجی با ذکر مصادر هر حدیث با قراردادن علائمی برای هر کتاب.

آغاز: بسمله. الحمد لله الذی اهل الحدیث رداء الشرف فی کل اقلیم و رفع شانهم و اعلی ذکرهم فی کل حدیث.

نوع خط: نسخ، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ذکر نشده؛ توضیح: مهر «ملک الکتاب آقا محمد علی شیرازی» در اول کتاب بعد از چاپ زده شده است؛ محل چاپ: ذکر نشده، مطبعه: ذکر نشده، تاریخ: ذکر نشده، تعداد صفحه‌ها: ۱۷۶؛ اندازه: ۱۶ × ۲۴؛ تعداد سطور: ۳۰. (نسخه ش: ۷۶).

۵۹. مجموعه مقالات یادنامه دینشاه ایرانی

از: گروه مؤلفین

موضوع: ادبیات فارسی و تاریخ؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: مجموعه مقالات به فارسی در یادنامه دینشاه ایران، این مجموعه شامل مقالات فارسی و انگلیسی است (۲۳۰ صفحه به فارسی و ۲۶۲ ص به انگلیسی و هر کدام صفحه‌شمار جداگانه دارند) فهرست مقالات فارسی چنین است:

۱. منشآت منتخب‌الدین بدیع اتابک جوینی دبیر سلطان سنجر موسوم بعنقه الکتبته، نگارش: محمد بن عبدالوهاب قزوینی (مشهور به علامه قزوینی)، (ص ۱-۱۷)؛
۲. بزرگ‌ترین بنیاد خیر در ایران، نگارش محمود عرفان (۱۸-۳۲)؛
۳. جنبش‌های ملی ایرانیان بر ضد تازیان، نگارش سعید نفیسی (۳۳-۵۲)؛

۴. چنچست، نگارش محمدعلی تربیت (۵۳-۶۴)؛
۵. اساس فلسفه اخلاقی دین زرتشت، نگارش ح ک ایرانشهر (۶۵-۶۹)؛
۶. آیین در ایران، نگارش یحیی دولت‌آبادی (۷۰-۸۴)؛
۷. منشأ نقش شیر و خورشید، نگارش مجتبی مینوی تهرانی (۸۵-۱۰۹)؛
۸. تعاون، نگارش دکتر ولی‌الله نصر (۱۱۰-۱۲۵)؛
۹. خطابه دبیر اعظم بهرامی در بارگاه لسان‌الغیب شمس‌الدین حافظ (۱۲۶-۱۳۶)؛
۱۰. شعر ایرانی قبل از اسلام، نگارش رحیم‌زاده صفوی (۱۳۷-۱۴۶)؛
۱۱. تمدن ایران قدیم، نگارش دکتر رضازاده شفق (۱۴۷-۱۶۹)؛
۱۲. بیرق‌های ایران در عهد صفوی، نگارش سید محمدعلی جمال‌زاده (۱۷۰-۱۷۲)؛
۱۳. حرکت جوهری، نگارش رشید یاسمی (۱۷۳-۲۰۰)؛
۱۴. قصیده در به یاد مرحوم دینشاه ایرانی از عبدالحسین سپنتا (۲۰۱-۲۱۲)؛
۱۵. بَعْ (لغتی از اوستا به معنی بهره و برخ و بخش و بخت آمد)، به قلم استاد پوردادود (۲۱۳-۲۳۰).
- آغاز: مجموعه منشآت منتجب‌الدین بدیع اتابک جوینی دبیر سلطان سنجر موسوم به عتبه الکتبه، نگارش: محمد بن عبدالوهاب قزوینی، در کتابخانه ملی مصر در تحت نمره خصوصی ۱۹ و نمره عمومی ۶۲۹۲ نسخه خطی به زبان فارسی.
- چاپ سربی، محل چاپ: هندوستان، بمبئی، مطبعه: فورت پرینتینگ پرس (انتشارات کمیته یادواره دینشاه ایرانی)، تاریخ: ۱۹۴۸ میلادی، تعداد صفحه‌ها: ۲۳۰ + ۲۶۱؛ اندازه: ۱۶ × ۲۴؛ تعداد سطور: فارسی. (نسخه ش: ۷۹).
۶۰. رساله محمدیه در رد مقاله یهودیه ملقب به نصر المومنین فی تفضیل الرسول امین مشهور به مقام محمود فی رد الیهود
- از: مفتی سید محمد عباس شوشتری
- موضوع: اعتقادات شیعه در رد یهود؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: رسالہ‌ای است در بیان اثبات نبوت پیامبر ﷺ و رد یہود کہ بہ نام امداد حسین خان بہادر ذوالفقار جنگ در رمضان ۱۲۶۵ ق نگاشته است. آغاز: بسملة الحمد لله الجليل الهادي الى سواء السبيل و الصلوة الصافية الحاكية عن ماء السلسبيل.

نوع خط: نسخ و نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ذکر نشده، بہ اہتمام: سید حسن مالک مطبع نور المطابع، توضیح: تمامی صفحات جدولدار. محل چاپ: ہند؛ ذکر نشده، مطبعہ: نور المطابع، تاریخ: ۱۳۳۶ ق، تعداد صفحہ‌ها: ۲۳۲؛ اندازہ: ۱۶ × ۲۵؛ تعداد سطور: ۲۲. (نسخہ ش: ۸۰).

۶۱. رسالہ ایساغوجی با ترجمہ فارسی

از: اثیر الدین ابہری

مترجم: مولانا حافظ محمد برکت اللہ صاحب رضا فرنگی محلی

موضوع: منطق؛ زبان: عربی

کتابشناسی: در این کتاب این رسالہ‌ها آمدہ است:

۱. کتاب ایساغوجی، اثیرالدین ابہری (در متن چاپ شدہ)؛
 ۲. ترجمہ فارسی ایساغوجی از مولانا حافظ محمد برکت اللہ صاحب رضا فرنگی محلی لکھنوی، در لابلائی سطور؛
 ۳. شرح یک روزی، از مسعود بن عمر المعروف بہ سعد الدین تفتازانی، در زیر متن، آغاز: بسملة حمد لك اللهم على ما لخصت لي من منح عوارف الافاضل؛
 ۴. حاشیة التحقیق المنطقی، از همان مولف رسالہ دوم، در زیر شرح یک روزی در سه ستون و چلیبایی؛
- آغاز: بسملة. سبحان الذی اصطفی نبیہ محمد المجتبی و اعطی لآلہ المراتب العلیا.
۵. اشرح الشرح قل احمد، در حاشیة بیرونی.
- آغاز: بسملة. نحمد الله على توفيقه و نسأله هداية طريقه و الهام الحق بتحقيقه.
- نوع خط: نسخ نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، بہ اہتمام: محمد قمرالدین حسب الفرمایش حاجی محمد عبدالقیوم صاحب تاجر کلکتہ، محل چاپ: ہندوستان؛ کانپور، مطبعہ: مطبع قیومی، تاریخ: ۱۳۳۳ ہجری قمری، تعداد صفحہ‌ها: ۴۸؛ اندازہ: ۱۶ × ۲۵؛ تعداد سطور: ۱۰. (نسخہ ش: ۸۱).

۶۲. اختناق ایران

از: مستر مورگان شوستر آمریکایی (خزانه‌دار سابق دولت علیّه ایران)

مترجم: ابوالحسن موسوی شوشتری جزائری

موضوع: تاریخ ایران، تاریخ مشروطیت؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: کتابی است مستر مورگان شوستر آمریکایی (خزانه‌دار سابق دولت علیّه ایران) درباره ایران نوشته است در تقریظی که مؤید الاسلام جلال‌الدین حسینی مدیر روزنامه حبل‌المتین به فارسی بر آن نوشته (ص ۱-۳) بر آن نوشته، کتاب را این گونه معرفی نموده است:

اختناق ایران، را به چهار حصه می‌توان تقسیم نمود دو حصه آن در مظالم ننگین روس و انگلیس و حصه سومش در مظلومیت ایرانیان و ثبوت قابلیت و لیاقت آنان برای آزادی مطلقه و حکمرانی در وطن آبایی خویش است فقط یک حصه آن هجو ملیح بزرگان ایران و برخی عادات ناپسندیده و اخلاق ناستوده گروهی از ایرانیان است.

آغاز: بسمله. پس از ستایش پروردگار بی‌همتا و درود نامحدود بر خاتم انبیا به

پیشروی این داستان.

چاپ: سری، توضیحات: در صفحه عنوان مهری ضرب شده با این نقش: «هر نسخه که امضای دستی مترجم را نداشته باشد قلب و قابل ضبط است» و در زیر آن دستخط مترجم که بعد از چاپ نوشته و مهر امضا: «هر نسخه که دارای مهر و امضای مترجم نباشد مسروقه و قابل ضبط است» با امضای مولف و مهر بیضوی وی با سجع «ابوالحسن موسوی»، تقریظ و دیباچه‌ای از مؤید الاسلام جلال‌الدین حسینی مدیر روزنامه حبل‌المتین، ۱۰ صفحه غلط‌نامه در آخر دارد با صفحه‌شمار جدا؛ تصاویر متعددی از شاهان و سیاستمداران ایران دارد تا ص ۴۸۰ بعد از هر هشت صفحه یک تصویر سیاه و سفید، با کاغذ گلاسه دارد، محل چاپ: هندوستان؛ کلکته، مطبعه: حبل‌المتین، تاریخ: ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳ مطابق با ۱۳ مارچ ۱۹۱۵ میلادی، تعداد صفحه‌ها: ۵۰۰ + ۱۲؛ اندازه: ۲۴×۱۸؛ تعداد سطور: ۲۳. (نسخه ش: ۸۷).

۶۳. منتخب اللغات شاهجهانی

از: مولانا عبدالرشید تنوی حسینی مدنی

موضوع: فرهنگ عربی به فارسی

آغاز: بسمله. ستایش و سپاس مالک الملکی که تذکار آلاهی بی احصا و نعمای بی منتهایش و تعداد سوایق فیض و لواحق عطایش در دائره حصر ننگند.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: حکمت یار خان بن حافظ احمد یار خان.

توضیحات: به تصحیح و تنقیح جناب مولوی حافظ عبدالعزیز صاحب و جناب مولوی سید محمد بشیر حسن صاحب بن سید حاج احمد حسن، خاتمه الطبع دارد در ص ۶۲۳، تمامی صفحات جدول دو ستونی.

به اهتمام: قاضی عبدالکریم و جناب قاضی رحمة الله بن قاضی فتح محمد، محل چاپ: هند، بمبئی، مطبعه: فتح الکریم، تاریخ: ذکر نشده، تعداد صفحه‌ها: ۶۲۳؛ اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۲۵. (نسخه ش: ۸۸).

۶۴. اعجاز البیان فی تفسیر امّ القرآن (تأویل السّورة المبارکة الفاتحه)

از: صدرالدین محمد بن اسحاق قونوی رومی

موضوع: تفسیر قرآن، تفسیر عرفانی؛ زبان: عربی

کتابشناسی: تفسیر عرفانی معروفی است بر سوره فاتحه.

آغاز: بسمله. و صلی الله علی المصطفین من عباده خصوصاً سدا محمد و آله یا رب انعمت فتمم.

نوع چاپ: سری، توضیحات: با دیباچه‌ای از عبدالله احمد الحسنی الحسینی الجلیلی در ۷ ص در زندگی نامه قونوی به عربی، در صفحه عنوان تیراژ کتاب ۱۰۰۰ نسخه درج شده است، به اهتمام: عیسی خان القریش الهاشمی البغدادی مدیر المطبع، محل چاپ: هندوستان؛ حیدرآباد، مطبعه: دائره المعارف النظامیه لحضرت الوالی قاعده مملکه دکن، تاریخ: ذکر نشده، تعداد صفحه‌ها: ۷ + ۳۵۸؛ اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۲۰. (نسخه ش: ۹۰).

۶۵. حدیقه العالم (مقاله اول)

از: میر ابوالقاسم بن رضی الدین موسوی معروف به میر «عالم»
موضوع: تاریخ؛ زبان: فارسی.

کتابشناسی: کتاب مفصلی است در تاریخ حیدرآباد دکن که مؤلف آن را در زمان حکمرانی میر محبوب علی خان بهادر فتح جنگ تألیف نموده است. او کتابش را در دو مقاله و هر مقاله در چند باب تنظیم نموده و در متن کتاب اشعاری در منقبت حضرات ائمه معصومین علیهم السلام یاد کرده است. عنوان مقالات و باب‌های کتاب چنین است:

مقاله اول: در بیان احوال عظمت اشتمال سلاطین قطب شاهیه، شامل یک مقدمه و هفت باب، مقدمه در بیان نسب سلطان قلی قطب شاه؛
باب اول: در بیان احوال سلطان قلی قطب شاه؛
باب دوم: در احوال قطب شاه و شاهزاده سبحان قلی؛
باب سوم: در بیان احوال ابراهیم قطب شاه؛
باب چهارم: در بیان احوال سلطان محمد قطب شاه؛
باب پنجم: در بیان احوال سلطان محمد قطب شاه؛
باب ششم: در بیان احوال سلطان عبد الله قطب شاه؛
باب هفتم: در بیان احوال ابوالحسن قطب شاه؛
مقاله دوم: در ذکر سلسله آصفیه، مشتمل بر یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه؛
مقدمه: در بیان احوال امرای تیموریه که در دکن حاکمیت داشته اند؛
باب اول: در ذکر احوال نظام‌الملک آصف‌جاه؛
باب دوم: در ذکر احوال نظام‌الدوله ناصر جنگ؛
باب سوم: در بیان امیرالممالک آصف‌الدوله صلابت جنگ؛
باب چهارم: در بیان احوال نظام‌الملک آصف‌جاه ثانی؛
باب پنجم: در ذکر احوال نظام ملک جهان.
مؤلف بعد از تألیف مقاله دوم (تا وقایع سال ۱۲۱۴ق)، دار فانی را وداع گفته، چنانچه در آخر مقاله دوم (ص ۴۱۵) در این مورد آمده است:

بر شایقان تواریخ و اخبار مخفی و محتجب نماید کہ چون در مقالہ ثانی تا سنہ ۱۲۱۴ ہجری بہ سلک تحریر مؤلف مغفور مبرور در آمدہ است و اگر امرا و اعزّہ از احوالات و معلومات خود در خصوص فراہم آوردن حالاتی کہ بعد از آن تا ہذہ الغایت سمت وقوع یافتہ مدد نمایند، انشاء اللہ تعالی عنقریب در جلد ثالث جلوہ انطباع و ارتسام خواهد پذیرفت.

نسخہ حاضر مقالہ اول کتاب را شامل است.

آغاز: بسملہ. نظام ملک سخنوری و انتظام قلم و معنی گستری وقف سالار حمد شاہنشاهی کہ دبیر حکمت کاملہ اش منشور نظم جہان.

نوع خط: نستعلیق، کاتب و تاریخ کتابت: ذکر نشدہ، توضیحات: صفحہ اول صدر بہ نام نواب آصف جہا مظفر الممالک نظام الملک نظام الدولہ میر محبوب علی خان بہادر فتح جنگ، از ص ۴۸۰ بہ بعد افتادگی دارد، محل چاپ: ہندشہر: حیدرآباد دکن، مطبعہ: سیدی، تاریخ: ۱۳۰۹ق، تعداد صفحہ ہا: ۴۸۰ (از ص ۴۸۰ بہ بعد افتادگی دارد)؛ اندازہ: ۲۴×۱۶ تعداد سطور: ۲۱. (نسخہ ش: ۹۲).

۶۶. خلع امان اللہ خان از حاکمیت افغانستان در سال ۱۳۰۹ق

از: ناشناختہ

موضوع: تاریخ، تاریخ افغانستان؛ زبان: فارسی و اردو

کتابشناسی: در این رسالہ اتهامات امان اللہ حاکم افغانستان ابتدا بہ فارسی ذکر شدہ و بہ اردو ترجمہ گردیدہ، پس از تصاویری از لوی جرگہ کہ برای خلع وی تشکیل شدہ آمدہ و بعد از آن تصویر مصوبہ لویی جرگہ آمدہ و سپس اسامی کسانی کہ آن را امضاء نمودہ اند (۲۷۴ نفر) در جداولی ذکر شدہ و در آخر انتخاب نادرشاہ افغان بہ جای وی توسط لویی جرگہ اعلام شدہ است.

آغاز: بسملہ. (تردید شایعات باطلہ) امان اللہ خان، امان اللہ خان در روزہا اعلانی شایع کردہ و بعض اعتراضاتی را کہ ہنوز از مطبوعات وطن خارج نشدہ و سہو و خطای نظریات و عملیات خودش نامیدہ می شود.

نوع خط: نستعلیق، کاتب و تاریخ کتابت: ذکر نشدہ، توضیحات: از ص ۴۸ تا ۵۹ تصاویر لویی جرگہ و از ص ۶۰-۷۳ تصویر صورت جلسہ لویی جرگہ

و امضاهایی که در آن شده است، محل چاپ: افغانستان؛ کابل، مطبعه: ذکر نشده، تاریخ: ۱۳۰۹ق، تعداد صفحه‌ها: ۱۲۰؛ اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۱۷. (نسخه ش: ۹۴).

۶۷. شرح دیوان حافظ

از: سید محمد صادق علی صاحب رضوی لکهنویی (قرن ۱۴ق)

موضوع: ادبیات فارسی، شرح اشعار؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: شرح نسبتاً مفصلی است بر اشعار خواجه حافظ شیرازی به همان ترتیب دیوان. او از هر غزل بیتی یا ابیاتی را ذکر و شرح نموده و از شرح تمامی ابیات غزل خودداری نموده است. این شرح عرفانی است و مولف آن را به درخواست منشی نول کشور نوشته و در مقدمه کوتاهی که بر شرحش نوشته از وی یاد کرده است.

آغاز: بسمله. دیباچه شرح دیوان حافظ شیراز:

ای به نام تو ابتدای سخن اولین و صفت انتهای سخن

... حمد بی حد ثنای بی عد مر احدی را سزاست که دیده دوستان را به نور هدایت

خویش بینای حقائق اشیا گردانیده.

بسمله. آغاز شرح دیوان خواجه حافظ: قوله:

الا یا ایها الساقی ادر کأساً و ناولها که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلها

دانا و آگاه باش ای رعنا که الا حرف تنبیه است و یا حرف ندا ایها کلمه ایست

که مرف بلام را به واسطه آن کلمه ندا کنند و اقبالش به سوی خود طالبند.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، توضیحات: در پایان کتاب خاتمة الطبع از

کارپردازان طبع در نصف صفحه آمده است و در آن عنوان شده که این چاپ طبع

سوم است، تمامی صفحات جدول دار، به اهتمام: منشی پراگ مرائن صاحب مالک

مطبعه، محل چاپ: هندوستان؛ لکهنو، مطبعه: نول کشور، تاریخ: محرم ۱۳۱۴ مطابق

با جولای ۱۸۹۶م، تعداد صفحه‌ها: ۳۴۸؛ اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۲۳. (نسخه ش: ۹۵).

۶۸. مجموعه

شامل چند رساله، با این مشخصات:

۱. السیف الماسح

از: سید محمد ابن دلدار علی نقوی لکھنوی

موضوع: فقہ؛ زبان: عربی

کتابشناسی: ردی است بر کتاب فتح العزیز عبدالعزیز متخلص به عزت به عنوان حاشیہ بر الہدایۃ الحنفیۃ نوشتہ و در آن بر شیعیان خردہ گرفت است.

آغاز: بسملہ. الحمد للہ الذی شرفنا بہ مسح ایدی الافحام علی وجوہ المردۃ اللیام.

۲. جامع المفردات (۱-۱۴۵)

از: حکیم بندہ حسن

موضوع: طب، زبان: فارسی.

آغاز: بسملہ. الحمد للہ الذی خلق الانسان و علمہ علوم الادیان و الابدان.

۳. تحقیقات انسانی (۹۵ ص)

در خواص گیاهان دارویی به زبان اردو.

نوع خط: نسخ، کاتب: ذکر نشده، توضیحات: تمامی صفحات جدولدار، محل

چاپ: ہند؛ لکھنو، مطبعہ: بستان مرتضوی، تاریخ: ۱۳۰۸ق، تعداد صفحہ ہا: ۱۶۰؛

اندازہ: ۱۶×۲۴؛ تعداد سطور: ۱۹ (نسخہ ش: ۹۵).

۶۹. تربیت زنبور عسل

موضوع: زنبورداری؛ زبان: فارسی

از: مترجم: سید رضا علی زادہ

کتابشناسی: اصل کتاب تربیت زنبور عسل بہ زبان روسی کہ بہ وسیلہ دو محقق

روسی «آ.آ.برژہ زیتکی» و «آ.ت.میرو شینچنکو» زنبوردار مشہور سمرقند تالیف

شدہ بود.

آغاز: مقدمہ. در سال ۱۹۲۰ تقریباً ہمہ (خلیہ)ہای محال سمرقند و دیزخ را

ملاحظہ نمودہ برایمان یقین حاصل گردید.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر شدہ، توضیحات: در روی جلد آمدہ: «نشریات

سید محمد پسر محمد گل خان افغان (قوم خروقی ساکن قرہ باغ غزنین) در عہد

سلطنت اعلیٰ حضرت امیر امان اللہ خان غازی (خلد اللہ ملکہ و سلطنتہ)»، تعداد

یک هزار جلد، رجستری شده است، فهرست مطالب کتاب در ص ۳۱۱-۳۱۴، بعد از آن نقاشی‌های از زنبورها و کندوی زنبور ص ۳۱۵-۳۳۴، در پشت جلد در آخر فهرست کتب نشریات شیر محمد افغان آمده است، به اهتمام: شیر محمد پسر محمد گل خان افغان (قوم خروقی ساکن قره باغ غزنین)، محل چاپ: پاکستان؛ لاهور، مطبعه: مطبع مفید عام، تاریخ: ۱۳۴۵ هجری قمری ۱۳۰۵ خورشیدی ۱۹۲۷ میلادی، تعداد صفحه‌ها: ۳۳۴؛ اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۱۷. (نسخه ش: ۹۸).

۷۰. بغية الطالبين

موضوع: علوم حدیث، اجازات؛ زبان: عربی
از: شیخ احمد نخلی مکی (زنده به سال ۱۱۱۴ق)
رساله مفصلی که مولف در آن مشایخ حدیثی خود را ذکر نموده است.
آغاز: بسملة. الحمد لله الذي عز جلاله فلا تدرکه الافهام.
نوع چاپ: سربی، توضیحات: تمامی صفحات جدول دار، صفحات زوج با رکابه، محل چاپ: هندوستان؛ حیدرآباد دکن، مطبعه: مجلس دائرة المعارف النظامیه، تاریخ: ۱۳۲۸ق، تعداد صفحه‌ها: ۸۵ صفحه؛ اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۱۹. (نسخه ش: ۱۰۰).

۷۱. منهاج السلامة لاهل الكرامة

از: سید علی بن ابو القاسم حائری لاهوری رضوی
موضوع: اعتقادات شیعه؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: کتاب مفصلی است «در علم کلام از توحید تا آخر معاد به عبارات شایسته و تحقیقات بایسته مع اجوبة اعتراضات جمیع ملل مختلفه و حل اشکالات سائر مذاهب مخترعه». مولف کتابش را به یک مقدمه و پنج کتاب و یک خاتمه تنظیم نموده و در روز چهارشنبه ۱۵ ذیحجه ۱۳۱۶ق در لاهور به پایان رسانده است.
آغاز: بسملة. الحمد لله المفضل المنعم الذي تحيرت في معرفة ذاته عقول الانام.
نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ذکر نشده، به اهتمام: مولوی کرم بخش و به فرمان میر عبدالحسین فرزند شهزاده میر عباس علیخان، توضیح: پشت صفحه عنوان اعلان چاپ کتاب به انشای سید ابوالفضل رضوی لاهوری

برادر مولف و در آن آمده که کتاب به فرمان شهزاده میر عبدالحسین خان مجسريت شهر حیدرآبادی خلف میر عباس علیخان مطبوع گردیده است، فهرست آثار دیگر مولف در آخر کتاب در ص ۲۸۵ آمده و بعد از آن در صفحه ۲۸۶ اعلان چاپ و فروش دو جلد از کتاب غایت القصوی در حالات امام زمان (ع) اثر همین مولف چاپ شده است این اعلان به انشای سید ابوالفضل برادر مولف می باشد، محل چاپ: پاکستان؛ لاهور، مطبعه: اسلامیه پرس، تاریخ: ذی الحجة الحرام ۱۳۱۶ هجری قمری (در زمان حیات مولف)، تعداد صفحه ها: ۲۸۶؛ اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۲۳. (نسخه ش: ۱۰۱).

۷۲. کتاب الاعتبار فی بیان الناسخ و المنسوخ من الاخبار

از: ابوبکر محمد بن موسی همدانی معروف به حازمی (متوفی ۵۸۴)

موضوع: علوم حدیث؛ زبان: عربی

کتابشناسی: رساله مهمی است در ناسخ و منسوخ احادیث حضرت رسول ﷺ. آغاز: بسم الله الحمد لله الکبیر المتعال الکثیر النوال المنعم المفاضل الموصوف بالقدرة و الکمال.

نوع چاپ: سری، توضیح: در ص ۲۴۸ خاتمة الطبع آمده و در آن نوشته شده که این چاپ از روی نسخه متعلق به مولوی ابومحمد زین العابدین بن الشیخ الحاج المرحوم ابی القاسم ذکی الدین الآروی الشاه آبادی البهاری و آن نسخه از نسخه شیخ حاج عبدالحی لکهنوی نوشته شده بود و مرحوم عبدالحی نسخه خود را مقابله و تصحیح نموده و لکن مواردی اشکال باقی مانده بود که توسط مولوی زین العابدین از روی نسخه موجود در گنجینه کتب مولوی خدابخش خان مقابله و تصحیح گردید. پس از آن توسط محمصان مطبعه با نسخه کهنی که به مولوی حلاج محمد عبدالرحمن مدرسی تعلق داشت مقابله گردید. و در هنگام طبع نیز مولوی ابومحمد زین العابدین یادشده برای دومین بار آن را ملاحظه و تصحیح نمود و همچنین سید ابوبکر بن عبدالرحمن بن شهاب الدین علوی حسینی نیز آن را ملاحظه و تصحیح نموده است، فهرست مطالب کتاب در آخر آن در هفت صفحه آمده، محل چاپ: هندوستان؛ حیدرآباد دکن، مطبعه: مجلس دائرة المعارف النظامیه، تاریخ: ۱۳۱۹ق، تعداد صفحه ها: ۲۵۶؛ اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۰۲).

۷۳. شرح اوراد فتحیه

از: ملا محمد جعفر صاحب جعفری

موضوع: عرفان و دعا؛ زبان: فارسی.

کتابشناسی: شرح اوراد فتحیه منسوب به امیر سیدعلی همدانی است. در پایان این شرح تحت عنوان فائده آمده که:

فائده بر ضمیر مهر تنویر طالبان راه خدا و واقف اسرار اله اخفا مباد که کتاب لاجواب سراسر انتخاب المسمی به خلاصه الاوراد که از تصنیف حضرت مولانا حاجی شاه وجیه الله رحمه الله علیه است الحق کتابیست برای روای حاجات مومنین قوه و برای مسلمین سرمایه فتوت، لهذا این حقیر چون فوائد عجیبه و غریبه او را دیده مناسب دانست که برای رفاه مؤمنین آن را نیز در شرح خود درج نماید فقط.

معلوم نیست عبارت یاد شده از شارح است یا از ناشر کتاب، در هر حال در این نسخه بعد از عبارت ذکر شده، مطلبی ذکر نشده است.

آغاز: بسم الله الحمد لله الذی فتح علی المستفتحین ابواب الفتوح و جعل الاوراد الفتحیه اورادا للتراکيب علی النفس المجموع.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: ناشناخته، تاریخ کتابت: ذکر نشده، محل چاپ: هند؛ لکهنو، مطبعه: نول کشور، تاریخ: بدون تاریخ، تعداد صفحه‌ها: ۱۱۲؛ اندازه: ۱۵×۲۳؛ تعداد سطور: ۲۳. (نسخه ش: ۱۰۳).

۷۴. مجموعه

مجموعه‌ای که در آن سه رساله در فقه شیعه با هم چاپ شده است. اولی مناسک حج شیخ انصاری با حواشی میرزای شیرازی، دومی مناسک حج شیخ زین العابدین مازندرانی، هر دو رساله مذکور را شیخ محمد حسین مازندرانی فرزند شیخ زین العابدین تحشیه و نظراتش را در حاشیه مرقوم نموده‌اند. رساله سوم اعمال مستحبیه مکّه و دعای عرف امام حسین علیه السلام و امام سجاد علیه السلام. تفصیل آن‌ها بدین شرح می‌باشد:

۱. مناسک حج (ص ۱-۷۷)؛

از: شیخ مرتضی انصاری

موضوع: فقه شیعه؛ زبان: فارسی.

کتابشناسی: رساله مختصری است در احکام حج عمره و تمتع، که در این چاپ حواشی میرزای شیرازی و ملا محمد حسین مازندرانی در هامش آن چاپ شده و تقریظ آن‌ها در صحت عمل به رساله در اول آن آمده است.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمد.

۲. مناسک حج (ص ۸۰-۱۰۸)؛

از: شیخ زین العابدین مازندرانی

موضوع: فقه شیعه؛ زبان: فارسی.

کتابشناسی: رساله کوتاهی است در احکام حج عمره و تمتع. در این چاپ ملا محمد حسین مازندرانی (فرزند مولف) در هامش آن چاپ شده و تقریظ مولف و فرزندش در صحت عمل به رساله، در اول آن آمده است.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام... و بعد این چند کلمه بر

سبیل اختصار در مسائل حج و عمره.

۳. الاعمال المستحبه للاماکن المتبرکة (ص ۱-۶۰)؛

از: ناشناخته

موضوع: دعای شیعه؛ زبان: فارسی.

کتابشناسی: عنوان رساله در صفحه عنوان چنین است:

الاعمال المستحبه للاماکن المتبرکة فی مکة و المدينة مع دعاء الصحیفة لیوم

العرفة و دعاء آخر لیوم العرفة من سید الشهداء و الاعمال و الزیاران

للمدينة و ما یتعلق بها.

آغاز: بسمله. اعمال اماکن مکة، من جملتها دعاء الصحیفة لیوم العرفة فی عرفات

حال و قوفک مع الخشوع و الخضوع و هو هذا دعاء الصحیفة لیوم العرفة.

نوع خط مجموعه: نسخ، کاتب مجموعه: محمد علی لاری الشهیر به نخبه الکتاب بن

آقا محمد کاظم لاری، تاریخ کتابت: ذی قعدة ۱۳۱۴ق، به اهتمام: محمد یوسف علی

خان، حسب فرمایش مولوی سید علی تقی صاحب قبله، توضیح: تمامی صفحات

جدول دار، صفحات زوج رکابه دار، محل چاپ: هندوستان؛ حیدرآباد دکن، مطبعه:

عزیز دکن، تاریخ: ۱۳۱۴ق، تعداد صفحه‌ها: ۱۰۸+۶۰؛ اندازه: ۲۴×۱۵؛ تعداد سطور: ۱۷. (نسخه ش: ۱۰۴).

۷۵. صدقه جاریه شرح فارسی مختصر قدوری

از: عبدالله جامی بن مولوی حاجی نور محمد بن محمد لعل دین بن محمدیوسف
موضوع: فقه حنفی؛ زبان: فارسی.

کتابشناسی: شرح فارسی مختصر قدوری تألیف ابوالحسن ابن احمد بن محمد بن جعفر بغدادی معروف به قدوری است. این شرح در روز جمعه دهم جمادی الثانی ۱۳۲۲ق پایان یافته است.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین و العاقبة للمتقین و الصلوة و السلام علی سیدنا و مولینا و حبیبنا و شفیعنا محمد.

نوع خط: نسخ، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: جمعه ۱۰ جمادی الاخر ۱۳۲۳، به اهتمام: حسب فرمایش انجمن نعمانیه لاهور، توضیح: تمامی صفحات جدول دار، صفحه اول دارای کتیبه، محل چاپ: پاکستان؛ لاهور، مطبعه: فیض عام، تاریخ: ۱۳۲۰ق، تعداد صفحه‌ها: ۱۰۳۶؛ اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۰۵).

۷۶. الدرّ الاصفی و الزبرجد المصفی فی مدح سیدنا محمد

المصطفی ﷺ

از: ابوالعباس سیدی احمد البهلول

موضوع: ادبیات عرب، مدایح، مدح پیامبر ﷺ؛ زبان: عربی منظوم.

کتابشناسی: محمساتی است که شاعر در مدح حضرت پیامبر ﷺ سروده و به ترتیب حروف تهجی (با لحاظ حرف اول بیت آغاز هر تخمیس) مرتب نموده است. در هر حرفی یک مخمس آمده و هر مخمس دارای بیست بند، و در کل کتاب دارای ۱۴۰۰ بیت می‌باشد.

آغاز: بسمله. حمدالمن سقی اهل محبته من حیاض تفضلاته عسلا مصفی و صاغ لهم عقود آداب.

نوع چاپ: سری، به اهتمام: علی ذمه رشید ابن مرحوم السید الداود السعدی مالک مطبعه، توضیح: تمامی صفحات جدول دار، صفحات زوج رکابه دار، در شروع هر قطعه در حاشیه آن بیتی در صلوات بر نبی ﷺ چاپ شده است، محل چاپ: هندوستان؛ بمبئی، مطبعه: مطبعة البیان واقع در خیابان هندی بازار بمبئی، مالک مطبعه رشید بن سید داوود سعدی، تاریخ: ۱۳۱۳ق، تعداد صفحه‌ها: ۸۸؛ اندازه: ۲۴×۱۷؛ تعداد سطور: ۱۹. (نسخه ش: ۱۰۶).

۷۷. [روزنامه فارسی هندوستان]

موضوع: تاریخ سیاسی؛ زبان: فارسی.

کتابشناسی: شماره‌ای از روزنامه سیاسی است که به فارسی در هندوستان منتشر می‌شده و منعکس کننده سیاست خارجه انگلیس در آسیا بوده است. این شماره در سال ۱۳۲۰ش در هنگامی که جنگ جهانی دوم در جریان بود منتشر گردیده است. متاسفانه صاحب امتیاز این روزنامه معلوم نگردید. به احتمال زیاد نسخه‌ای از روزنامه «اوده اخبار» که توسط منشی نول کشور باشد که در لکهنو منتشر می‌گردید. در اول آن نوشته شده:

اتحاد ملل خاور میانه و نزدیک موجب بقای صلح و آسایش در جنوب باختری آسیا و کمک به این اصل مرام ما است. مقالاتی که با رعایت کامل بی طرفی و عدم مداخله در طرز حکومت‌های خاورمیانه و نزدیک تهیه شده باشد پذیرفته می‌شود. بهای اشتراک در هندوستان، سالانه ۳ روپیه، تک شماره ۴ آنه، برای کشورهای بیگانه باضافه اجرت پست.

عنوان مطالب این شماره عبارت است از:

۱. جهان آزاد: استعفای شاه یا سطری از تاریخ، مقاله‌ای از نویسنده‌ای که نامش ذکر نشده و در آن استعفای رضا خان در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ش ذکر و از سیاست‌های وی انتقاد شده است و در اثنای این مقاله تصویر دورنمایی از شهر زیبای کابل چاپ شده است، ص ۱-۷؛

۲. حوادث سیاسی که در آن حمله آلمان به روسیه در جنگ جهانی دوم ذکر و تحلیلی از اوضاع دو طرف جنگ عرضه شده است، ص ۷-۸؛

۳. اخبار روزهای گذشته، شامل عزیمت شاه از ایرن، جنگ در روسیه، فشار آلمان به ترکیه و بلغارستان برای کمک به آلمان در جنگ، اخبار جنگ در مدیترانه، ص ۹-۱۱؛
۴. دموکراسی سخنوری از دهلی، چهارشنبه ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۱م، ساعت ده شب دهلی، سخنرانی کوتاهی است درباره دموکراسی و حکومت، ص ۱۲-۱۵؛
۵. ایران و هندوستان، بخش سوم، در این بخش نمایی از اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی هند ذکر گردیده و ادامه آن به شماره بعدی موکول شده است، ص ۱۶-۲۱؛
۶. کابل، نوشته کوتاهی است درباره جغرافیای طبیعی شهر کابل، ص ۲۱-۲۲؛
۷. اشک عاشق، بخش چهارم، مقاله ادبی سیاسی در باره جنگ جهانی دوم است، که بخشی از آن در این شماره چاپ شده است، ص ۲۳-۲۴.
- آغاز: جهان آزاد، استعفای شاه یا سطری از تاریخ، روز ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ موقعی که روزنامه‌ها زیر چاپ و در شرف انتشار بود، خبر استعفای پهلوی از مقام سلطنت رسید و همان خبر بدون اظهار نظر در شماره قبل مورخ همان روز درج گردید اینکه که پرده بالاتر رفته و خواهی نخواهی صحنه شرر بار حکومت شانزده ساله با تمام مختصات و سرائرش نمایان و در برابر دیده عالمیان قرار می‌گیرد.
- نوع چاپ: سری، محل چاپ: هندوستان؛ ذکر نشده، مطبعه: ذکر نشده، تاریخ: ۱۳۲۰ خورشیدی. تعداد صفحه‌ها: ۲۴؛ اندازه: ۱۸×۲۴؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۰۷).

۷۸. دستور العلماء [جامع العلوم الملقب بدستور العلماء]

از: عبدالنبي بن عبدالرسول العثماني الاحمد نگری

موضوع: فرهنگ اصطلاحات علوم؛ زبان: فارسی.

کتابشناسی: فرهنگ اصطلاحات و واژه‌های متداول در علوم است، که به ترتیب حروف تهجی و به صورت علمی تعریف و توضیح داده شده است. مولف تالیف این کتاب را در روز جمعه ۱۴ محرم ۱۳۳۷ق به پایان رسانده است.

در صفحه عنوان این نسخه نوشته شده: «الفن الثانی من کتاب جامع العلوم الملقب بدستور العلماء» و در بالای صفحه عنوانها نوشته شده «ضمیمه دستور العلماء». این نسخه از حرف الف تا یاء را شامل و ضمیمه‌ای است که مولف خود بر کتابش نوشته است.

آغاز: بسمله. باب الالف مع الالف، الاحمد، و فی حدیقة الحقیقة للحکیم السنائی رحمة الله علیه:

گفت احمد از صراط مستقیم نام من احمد ولی خالی ز میم نوع چاپ: سری، به اهتمام: به امر السید ابو الفرح یوسف الحسینی الحیدرآبادی، توضیح: بعد از اتمام کتاب دو قصیده فارسی در وصف کتاب در ص ۲۱۷-۲۲۰، در ص ۲۲۱-۲۲۳ تقویمی با ذکر نام ماه‌های شمسی آمده است، محل چاپ: هندوستان؛ حیدرآباد دکن، مطبعه: دائرة المعارف النظامیه تحت اداره امیر الحسن النعمانی مدیر المطبعه، تاریخ: ۱۳۳۱ق، تعداد صفحه‌ها: ۲۲۳؛ اندازه: ۱۶×۲۴؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۰۸).

۷۹. رسایل تسعه رفیع الدین دهلوی

از: محمد رفیع الدین فرزند حضرت شاه ولی الله صاحب محدث دهلوی

موضوع: عرفان؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: نه رساله کوتاه از مولف است در عرفان و اخلاق و آداب، با این عنوانها: ۱. حل معما ۲. شرح چهل کاف ۳. جوابات سؤالات اثناعشره ۴. مکتوب بجواب شاه غلام علی صاحب ۵. ندور بزرگان ۶. رساله بیعت ۷. حمله العرش در پایان این رساله شرحی برچند رباعی عرفانی آورده است ۸. اذان نماز ۹. فوائد نماز. آغاز: بسمله. بعد از حمد حضرت اله و درود بر پیغامبر والاجاه و بر آل و اصحاب دین پناه بنده مسکین.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ذکر نشده، توضیح: به تصحیح تمام از سید ظهیرالدین عرف سیداحمد بن مولانا سید معزالدین بن مولوی سید ناصرالدین دهلوی نقشبندی، در ص ۲ و ۴۱ و ۴۲ فهرست کتب مطبوعه فارسی و اردوی مطبعه احمدی ذکر شده است، محل چاپ: هندوستان؛ دهلی، مطبعه:

احمدی، تاریخ: ۱۳۱۴ق، تعداد صفحه‌ها: ۴۲؛ اندازه: ۲۳×۱۵؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۰۹).

۸۰. ورثه الانبیاء (زندگی‌نامه دلداری علی نقوی) (ج ۱)

از: علامه آیت‌الله سیداحمد بن محمدابراهیم علامه هندی
موضوع: تاریخ، زندگی‌نامه؛ زبان: فارسی و عربی
کتابشناسی: زندگی‌نامه علامه سید دلداری علی نقوی نصیرآبادی لکهنوی است، که فقط جلد اول آن تالیف شده است.

آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا محمد و آله
اجمعین اما بعد در این ایام فرحت فرجام.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: سید شمشیر حیدر، تاریخ کتابت: ۱۳۳۶ق، به اهتمام:
سیدجلیل داروغه سید محمد صاحب، توضیح: در صفحه عنوان آمده که «به یادگار
حجة الاسلام و المسلمین مجدد دین ختم‌المسئین حضرت غفران‌مآب نور ضریح از
دار التبلیغ لکهنو شایع شد»، غلط‌نامه کتاب در ص ۲ و ص ۳ و ۴ آمده است، محل
چاپ: هند؛ لکهنو، مطبعه: چاپخانه تصویر عالم، تاریخ: ۱۳۳۶ق، تعداد صفحه‌ها:
۱۶۲+۴؛ اندازه: ۲۱×۱۳؛ تعداد سطور: ۲۳. (نسخه ش: ۱۱۰).

۸۱. مظهر العجم در سوانح عمری حاجی بابا اصفهانی

از: مترجم آقای میرزا اسدالله خان شوکت‌الوزرا
موضوع: سفرنامه؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: ترجمه سفرنامه حاجی بابا اصفهانی تالیف جیمز موریه است. در اول
این کتاب محمدحسن نجفی طی یادداشتی مرقوم نموده‌اند که در صفحه ۱۹ ایران
باستان شماره ۲۶ و ۲۷ می‌گوید که شیخ احمد روحی که در سال ۱۳۱۲ق در تبریز
گشته شد مترجم کتاب حاجی بابای است که از انکلیسی به فارسی ترجمه نمود.
آغاز: بسمله. حمد نامحدود حق معبود و دودی است که ذاتش بسیط و قدرتش
محیط علمش ازلی و حیاتش لم یزلی و لایزال است.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: میرزاعلی ابن حاجی نصرالله شیرازی، تاریخ کتابت: چهارشنبه بیستم جمادی الاول ۱۳۲۳ق، به اهتمام: میرزا محمد ملک‌الکتاب شیرازی المخاطب بخان صاحب، توضیح: تمامی صفحات جدول محرر، صفحات زوج رکابه‌دار، چند حاشیه کوتاه از محمدحسن نجفی که بعد از چاپ نوشته در هامش نسخه دیده می‌شود، در صفحه آخر آمده که به موجب قانون ۲۵ سنه ۱۸۶۷ عیسوی در دفتر رجستر کورنمنت بمبئی ثبت گردید، محل چاپ: هندوستان؛ بمبئی، مطبعه: مطبع فیض‌رسان، تاریخ: ۱۸۶۷ میلادی، تعداد صفحه‌ها: ۳۴۶؛ اندازه: ۲۶×۱۸؛ تعداد سطور: ۲۵. (نسخه ش: ۱۱۱).

۸۲. مؤید الفضلا (جلد اول از کتاب الف تا کتاب الضاد)

موضوع: فرهنگ فارسی به فارسی؛ زبان: فارسی

از: محمد لاد

کتابشناسی: فرهنگ معروفی است در لغات و کنایات و اصطلاحات مورد استفاده شاعران در عربی و فارسی به ترتیب حروف تهجی.

آغاز: بسمله. محامد متوافر و مدائح متکاتر مر دادار دانا و قادر توانا را که.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ۱۸۹۹م، به اهتمام: منشی پراگ نراین صاحب، توضیح: در صفحه آخر نسخه آمده است: «به تصحیح تمام و تنقیح مالا کلام به مقابله چهار نسخه قلمیه علی‌الخصوص از نسخه‌ای که خاص مسوده مصنف مغفور بود... بار دوم به طبع در آمد»، خاتمه الطبع از جانب کاپردازان مطبع ثر ص ۵۶۶ و فهرست فرهنگ‌های عربی و فارسی و کتب طبی فارسی و عربی در ص ۵۶۷ و ۵۶۸، تمامی صفحات جدول دو ستونی، محل چاپ: هندوستان؛ کانپور، مطبعه: منشی نول کشور، تاریخ: ۱۸۹۹ میلادی، تعداد صفحه‌ها: ۵۶۸؛ اندازه: ۲۶×۱۷؛ تعداد سطور: ۲۵. (نسخه ش: ۱۱۲).

۸۳. مجموعه

مجموعه دو کتاب در صرف و نحو که در شبه قاره کتاب درسی حوزه‌های علمیه بوده، و هر کدام چاپ جداگانه دارند. با این مشخصات:

۱. تشریح الحروف

موضوع: ادبیات فارسی؛ زبان: فارسی منظوم

از: ناشناخته

کتابشناسی: منظومه ایست کوتاه در ادبیات فارسی که در حواشی شواهدی از شاعران فارسی نیز بیان شده است.

آغاز: بسمله.

گوییم توحید خدا من بعد نعت مصطفی پس بهر نفع طالبان مقصود را سازم ادا
فاعل تکلم اتصال اشباع قسم مصدر دعا مفعول زائد حسن بس نسبت لقب ندبه ندا
نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ۱۲۵۹ق، به اهتمام: به
دستیاری کارگزاران مطبع مصطفایی محمد مصطفی خان ولد محمد روشن خان،
توضیح: در این چاپ منظومه به صورت پنج سطر در هر صفحه تحریر شده و در
لابلای سطور و در حواشی با شماره‌های شاخص به فارسی شرح شده است، محل
چاپ: هند؛ ذکر نشده، مطبعه: مصطفایی محمد خان مصطفی، تاریخ: ۱۲۶۲ق، تعداد
صفحه‌ها: ۱۶؛ اندازه: ۱۷×۲۷؛ تعداد سطور: ۵.

۲. مصباح فی النحو

از: ابو المکارم مطرزی

موضوع: ادبیات عربی، نحو؛ زبان: عربی

کتابشناسی: رساله معروفی است در نحو عربی.

آغاز: بسمله. اما بعد حمد الله ذی الانعام جاعل النحو فی الکلام کاملح فی الطعام.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ذکر نشده، توضیح: در
حواشی و لابلای سطور با شماره‌های شاخص شرح شده است، در آخر قطعه‌ای در
سه بیت به فارسی در تاریخ طبع کتاب، به تصحیح و تحشی مولوی محمد صالح
مطابق با نسخه صحیح مولوی عبدالقدوس صاحب، به اهتمام: سید محمد الزمان
صفوی به فرمایش رمضان علی خان صاحب فرزند قنبر علی خان داروغه، محل چاپ:
هند؛ نام شهر ذکر نشده، مطبعه: مطبع حیدری سید محمد الزمان صفوی، تاریخ:
۱۲۶۱ق، تعداد صفحه‌ها: ۷۲؛ اندازه: ۱۷×۲۷؛ تعداد سطور: ۹. (نسخه ش: ۱۱۳).

۸۴. عدة الاصول (ج ۱ و ۲)

از: شیخ طوسی ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۲ق)

موضوع: اصول فقه؛ زبان: عربی

کتابشناسی: کتاب معروفی است در اصول فقه شیعه.

آغاز جلد اول: بسملة. الحمد لله وحده و الصلوة على خير خلقه محمد و آله الطيبين. نوع خط: نسخ، کاتب: محمد اردکانی، تاریخ کتابت: دوشنبه ۲ ربیع الثانی ۱۳۱۸ هجری قمری، به اهتمام: میرزا محمد شیرازی مشهور به ملک‌الکتاب، توضیح: در صفحه عنوان و آخر کتاب آمده که: ادیب اریب شیخ علی خراسانی حایری معروف به شیخ رئیس امر به تصحیح و طبع این کتاب نموده و میرزا محمد شیرازی مشهور به ملک‌الکتاب در امتثال امر وی اقدام به تصحیح و نظر آن نموده است، در صفحه اول تملک محمد حسن نجفی کاشانی در روز جمعه ۱۹ محرم ۱۳۲۲ق، در صفحه آخر اعلان فروش کتاب‌های عربی و فارسی از سوی کتابفروشی حاج شیخ علی محلاتی در بمبئی که ۲۴ کتاب شیعی را معرفی نموده است، محل چاپ: هندوستان؛ بمبئی، مطبعه: دت پرساد، تاریخ: ۱۳۱۲ق. تعداد صفحه‌ها: ۱۶۲+۱۲۸؛ اندازه: ۲۷×۱۸؛ تعداد سطور: ۲۷. (نسخه ش: ۱۱۶).

۸۵. اخلاق جلالی (لوامع الاشراف)

از: ملا جلال‌الدین دوانی (م ۹۰۸ق)

موضوع: اخلاق؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: کتاب معروفی است در اخلاق شامل یک مقدمه و سه لامع و هر لامع در چند لمعه، با این عنوان‌ها:
لامع اول: در تهذیب اخلاق، شامل ده لمعه؛
لامع دوم: در تدبیر منزل، شامل شش لمعه؛
لامع سوم: در تدبیر مدن و رسوم پادشاهی، شامل هفت لمعه؛
مغرب در بعضی لواحق: شامل وصایای افلاطون و وصایای ارسطاطالیس.
آغاز: بسملة. افتتاح کلام به نام واجب الاعتصام سلطانی سزد که به امر نافذ ازلی جنود مجنده اعیان ممکنات را از سرحد عدم به دارالملک وجود متوجه ساخت.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ذکر نشده، به اهتمام: منشی پراگ نراین صاحب مالک مطبعه نول کشور، توضیح: شرح و توضیح مطالب کتاب در هامش نسخه با نشان‌های «مولانا هادی‌علی، مولوی محمد عبدالغفور، مولوی محمد عبدالله، اخلاق محسنی و غیره» با شماره‌های شاخص و به فارسی آمده است، صفحه اول کتبیبه و داخل آن بسمله، تمامی صفحات جدول‌دار، در آخر نسخه ص ۳۳۸-۳۴۸ چند خاتمه‌الطبع آمده بدین ترتیب:

خاتمه‌الطبع چاپ سابق که به قلم مولوی محمد عبد الغفور بوده، به نثر و در آخر دو بیت به فارسی در تاریخ تصحیح آن سال ۱۲۸۳ق؛

دو بیت به فارسی از منشی فداعلی متخلص به عیش؛

خاتمه‌الطبع چاپ سابق به قلم منشی کالکا پرشاد موجد، به نثر و پس از آن دو قطعه از وی به فارسی هر کدام در ۱۳ بیت در تاریخ طبع در سال ۱۸۸۳م؛ در آخر نسخه ص ۳۴۹-۳۵۰ فهرست مطالب کتاب آمده و در دو صفحه آخر نسخه نیز فهرست کتاب‌های فارسی و اردو موجود در کتابفروشی برای فروش با ذکر قیمت هرکدام درج شده است.

محل چاپ: هندوستان؛ لکهنو، مطبعه: منش نول کشور، تاریخ: ربیع الاول ۱۳۱۸ برابر با جولای ۱۹۰۰ میلادی، تعداد صفحه‌ها: ۳۵۲؛ اندازه: ۱۷×۲۶؛ تعداد سطور: ۱۲. (نسخه ش: ۱۱۷).

۸۶. مجموعه چهار منشآت

۱. انشای عجیب

از: محمدجعفر بن محمدفاضل قادری

موضوع: ادبیات-منشآت؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: کتاب آموزش نگامه‌نگاری است که در سه نوع (مکاتبات، مراسلات، رقعات) تنظیم گردیده است. مولف آن را برای تعلیم محمد نواز که در منزل پیر محمد ولد شیخ محمدیوسف ساکن بوده نگاشته و در آن از منشآت را که خود «در سالف ایام از طرف خود و بعضی دولتمردان و برادران ستوده فرجام» نگاشته بود درج نموده است.

آغاز: بسمله. منتهای بی‌منتها و ستایش‌های لانتها مر خالق را رواست.. نوع اول در مکاتبات مکاتبه اول به خدمت ارشاد مآب قدوة السالکین... شیخ محمد خرم، حواشی: توضیح متن تمامی رساله‌ها با شماره‌های شاخص در حاشیه ۲. انشای خلیفه (ص ۱-۵۴)

از: خلیفه شاه محمد قنوجی زنده در ۱۰۸۵ ق
موضوع: ادبیات فارسی، منشآت؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: مولف در این رساله منشآت خود را در چهار فصل (مکتوبات، رقعات، مراسلات تهنیت‌آمیز و مکاتبات تعزیت‌انگیز، آداب و القاب) و یک خاتمه تنظیم نموده، و تالیف آن را در سال ۱۰۸۵ ق در شهر قنوج به پایان رسانده است.
آغاز: بسمله. ستایش و نیایش مر احدی را که کاتب فصاحت بیان خرد.
منتخب اشعار یا ملحقات انشای خلیفه (ص ۵۵-۶۶)

از: ناشناخته
موضوع: ادبیات فارسی، منشآت؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: مولف در این رساله ابیاتی از شاعران پارسی را در چند بخش و هر بخش با عنوان خاصی، نمونه‌ای از عنوان‌های آن عبارت‌اند از: اشعار نامه پیغام، اشعار در بیان شوق و تمنا، اشعار ذکر وداع، اشعار از مسافر به مقیم، اشعار مقیم به مسافر، اشعار مناسب بزرگان که کوچکان و متوسلان نویسند، اشعاری که بزرگان و عمدگان به فرزندان و نوکران نویسند، اشعار در بیان نصایح و تاسف و غیرت، اشعار وعده و عهد و پیمان....
آغاز: بسمله. انتخاب اشعار مکتوبی از شعرای متقدمین منشیان را ضروریست از گلزار ایران نموده شد، اشعار نامه پیغام:

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی
به صد دفتر نشاید گفت حسب الحال مشتاقی

۳. انشای دلگشا

از: سید نثارعلی بخاری بریلوی
موضوع: ادبیات فارسی، منشآت؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: منشآت مولف است که در چهار قسم (طبقه اعلی، طبقه اوسط، طبقه ادنی، تمسکات شرعی و صورت حال و...) تنظیم نموده است.

آغاز: بسمله. بعد از حمد و ثنای حق سبحانه تعالی و مورد بر پیغمبر محمد مصطفی و آل و اصحابه شانهم اعلی بر ارباب کیاست و ذکا پوشیده و مخفی نماند.

۴. دستور الانشاء معروف به انشای فائق.

از: محمد فائق

موضوع: ادبیات فارسی، منشآت؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: منشآت است که مولف به قصد آموزش از مکاتبات خود در پنج فصل (در تحریر القاب و آداب که خردان به بزرگان می نویسند، در تسطیر القاب و آداب که همسران به همسران می نگارند، در تسوید القاب و آداب که بزرگان به خردان رقم می سازند، در ترقیم پروانه و شقه و فارغطی و غیره، در نوشتن بعضی خطوط ضروری و کاغذ شرعی) تنظیم نموده است.

آغاز: بسمله. سپس بی قیاس قدیمی را که قلم قدرت او رقوم هستی. نوع خط مجموعه: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ذکر نشده، توضیح: در حواشی برخی توضیحات و اضافات با شماره شاخص آمده است، رساله پنجم گویا از آخر بعد از ص ۲۸ اوراقی افتادگی دارد، محل چاپ: هندوستان؛ کانپور، مطبعه: نول کشور، تاریخ: جولای ۱۸۸۵م، تعداد صفحه‌ها: ۲۸+۶۶+۶۶+۳۲؛ اندازه: ۲۶×۱۸؛ تعداد سطور: ۱۹. (نسخه ش: ۱۱۸).

۸۷. مجموعه‌ای شامل پنج رساله در منشآت فارسی

بدین ترتیب:

۱. بهار عجم (۲۴ص)

از: سید امانت‌علی بن سید عبادالله

موضوع: ادبیات فارسی، منشآت؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: ۱۲۱ رقعہ از منشآت مولف است که وی برای یادگیری جمع‌آوری نموده است.

آغاز: بسمله. بعد از حمد خدا و نعت سیدالانبیا صلی الله علیه و آلہ و اصحابه اجمعین چنین می گوید سید امانت‌علی بن سید عبادالله.

۲. انشای خلیفه (ص ۵۶)

از: خلیفه شاه محمد قنوجی زنده در ۱۰۸۵ ق
موضوع: ادبیات فارسی، منشآت؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: در مجموعه ش ۱۱۹ رساله اول معرفی گردید ولی این نسخه چاپ دیگری است. این چاپ به اهتمام محمد عبدالرحمن بن حاجی محمد روشن خان خنفی صورت گرفته و در آخر آن مهر مربعی وی چاپ شده است.

۳. رقعات عالمگیری (ص ۴۸)

از: عالمگیر شاه
موضوع: ادبیات فارسی، منشآت؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: ۱۲۹ رقعۀ کوتاه که از منشآت عالمگیر شاه انتخاب و در این رساله نقل شده است.

آغاز: بسمله: بعد انشای ثنای پادشاهی که سلطنتش مصون از زوال.

۴. انشای منیر (ص ۴۰)

از: منیر لاهوری
موضوع: ادبیات فارسی، منشآت؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: در این رساله منیر لاهوری ۵۷ مکاتبه از «مکاتبی را که از زبان خدیو پاک روان سیف خان به بعضی خوانین ستوده آیین» نوشته بود جمع آوری نموده است.

آغاز: بسمله. بعد از حمد ایزد جلّ و علا و پس از درود سید المرسلین

۵. رقعات امان الله حسینی (ص ۳۰)

از: امان الله حسینی (م ۱۰۴۷ ق)
موضوع: ادبیات فارسی، منشآت؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: رقعاتی که مولف از منشآت خود برای آموزش نحوه نامه نگاری جمع آوری نموده است.
آغاز: حمد وافر خدایی را که یاقوت قوت ناطقه بی بها در عقد انشای کبریای او بی بهاست.

نوع خط مجموعه: نستعلیق، کاتب: خواجه محمدحسین، تاریخ کتابت: رساله اول و دوم ۱۲۷۶، رساله سوم ۱۳۱۷، رساله چهارم ۱۲۸۶، رساله پنجم ۱۲۷۹ق، به اهتمام: محمد عبدالواحد ولد محمد مصطفی خان فرزند حاجی محمدروشن خان و فرزندش محمد عبدالواحد، توضیح: تمامی صفحات جدول دار، در حاشیه هر پنج رساله توضیحاتی با شماره شاخص تحریر شده است، محل چاپ: هندوستان؛ کانپور، مطبعه: مصطفایی محمد مصطفی خان، تاریخ: ۱۲۷۶ق، تعداد صفحه‌ها: ۲۴+۵۶+۴۸+۴۰+۳۰؛ اندازه: ۱۷×۲۷؛ تعداد سطور: ۲۳. (نسخه ش: ۱۲۰).

۸۸. زبده الاصول

از: بهاء‌الدین محمد بن حسین عاملی، شیخ بهایی (۱۰۳۰ق)

موضوع: اصول فقه؛ زبان: عربی

کتابشناسی: کتاب معروفی است در اصول فقه، این کتاب قبلاً کتاب درسی اصول فقه در حوزه‌های عملیه شیعه در ایران بوده و شروح متعددی بر آن نوشته شده است. آغاز: بسمله. ابی اصل بمبئی علیه الخطاب و اولی قول فضل ینتمی الیه اولو الالباب حمد من تنزه عن وصمة التحدید.

نوع خط: نسخ و نستعلیق، کاتب: میرزا محمد علی مالک مطبع جعفری، تاریخ کتابت: ۱۳۰۷ق، به اهتمام: مولوی میرزا محمد علی مالک مطبع جعفری، توضیح: در هامش نسخه حاشیه‌هایی دارد با شماره‌های شاخص و با نشان‌های «منه ره، ملا صالح، و غیره» این حاشیه‌ها را سید محمدحسین صاحب بن ملک العلماء جناب بنده حسین صاحب، محل چاپ: هندوستان؛ لکهنو، مطبعه: جعفری، تاریخ: ۱۵ ذیحجه ۱۳۰۷، تعداد صفحه‌ها: ۵۶؛ اندازه: ۱۷×۲۷؛ تعداد سطور: ۱۵. (نسخه ش: ۱۲۱).

۸۹. مینابازار (زنانه‌بازار)

از: ارادت خان واضح (۱۱۲۸ق)

موضوع: ادبیات؛ زبان: فارسی مسجع

کتابشناسی: نثر ادبی پارسی که نظیر مقامات حریری به صورت مسجع انشاء شده ولی بخش‌های آن کوتاه است. در این رساله مولف با توصیفی ادبی و نثر

متکلفانه بازار زنان را وصف نموده و دکان‌ها و اجناسی در آن‌ها را که مورد توجه و نظر زنان است به صورت ادبی وصف نموده است. به همین دلیل این رساله به زنانه‌بازار نیز شهرت دارد. عنوان بخش‌های آن عبارت‌اند از:

وصف دکان جوهری، وصف دکان بزاز، وصف دکان گلفروش، وصف دکان حلوائی، وصف دکان عطار، وصف دکان میوه‌فروش، وصف دکان تتباکوفروش، وصف دکان تنبولی، وصف دکان سبزی‌فروش، خاتمه.

در فهرست کتاب‌های چاپ سنگی، نوشاهی، ج ۱، ص ۵۰۳، عنوان شده که این رساله به ظهوری نیز نسبت داده شده است.

آغاز: بسمله. عصمتیان روپوش حیاپرور و خلوتیان عفت‌کوش پاک‌نظر را مژده باد. نوع خط: نستعلیق، کاتب: ناشناخته، تاریخ کتابت: ۱۲۶۵ق، توضیح: در آخر نسخه تاریخ طبع کتاب در دو بیت فارسی از شاعری با تخلص موجد، شرح لغات و اصطلاحات با شماره شاخص در حاشیه تمام صفحات، محل چاپ: هندوستان؛ لکهنو، مطبعه: منشی نول کشور، تاریخ: ۱۲۸۴ق، تعداد صفحه‌ها: ۴۴؛ اندازه: ۲۷×۱۷؛ تعداد سطور: ۱۴. (نسخه ش: ۱۲۲).

۹۰. مجموعه

در این مجموعه چند کتاب صرف و نحو عربی — که در مدارس علمیه دینی تدریس می‌شده — به چاپ رسیده شده است. شایان ذکر است که همه این کتاب‌ها یک ناشر و مطبعه ندارند بلکه مطبعه و تاریخ نشر آن‌ها مختلف بوده و در این چاپ به صورت افست در کنار هم منتشر شده‌اند. مشخصات این رساله‌ها چنین است:

۱. تصریف العزری

از: عزالدین زنجانی

موضوع: ادبیات عرب — صرف و نحو؛ زبان: عربی

کتابشناسی: نسخه حاضر از آغاز دو صفحه افتادگی دارد.

آغاز: افتادگی از آغاز شروع صفحه ۳: «علی فعل مفتوح العین فمضارعه یفعل بضمّ العین».

انجام: و الفعلة بالكسر للنوع من الفعل تقول هو حسن الطعمة و الجلسة. تمت

نوع خط: نسخ و نستعلیق، کاتب: محمدحسین، تاریخ کتابت: ۱۳۱۱ق، توضیح:

در آخرین صفحه نسخه، نشانی کتابفروشی در لاهور بازار کشمیری دکان حافظ دین محمد صاحب تاجر کتب درج شده است، محل چاپ: ذکر نشده، مطبعه: ذکر نشده، تاریخ: ۱۳۱۱ق، تعداد صفحه‌ها: ۳۲؛ اندازه: ۱۷×۲۶ تعداد سطور: ۱۱.

۲. شرح مائه عامل للجرجانی

از: شارحی ناشناخته

موضوع: ادبیات عرب، صرف و نحو؛ زبان: عربی

کتابشناسی: شرح معروفی است که بر عوامل عبدالقاهر جرجانی که مدت‌ها کتاب درسی در نحو عربی بوده است.

آغاز: بسملة. الحمد لله على نعمائه الشاملة و آلائه الكامله و الصلوة على سيد الانبياء محمد المصطفى و على آله المجتبي اعلم ان العوامل فى النحو على ما الفه الشيخ الامام.

نوع خط: نسخ و نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، توضیحات: مطالب در هامش نسخه با شماره‌های شاخص و به نقل شروح متعدد این کتاب شرح شده است، بعد از اتمام شرح رساله‌ای با عنوان «ترکیب اصل جمله» به اردو در ص ۶۵-۸۰ آمده است، به اهتمام: محمد عبدالعلی مدراسی، محل چاپ: هندوستان؛ لکهنو، مطبعه: اصح المطابع، تاریخ: ذکر نشده، تعداد صفحه‌ها: ۶۴؛ اندازه: ۱۷×۲۶؛ تعداد سطور: ۹.

۳. مراح الارواح

از: احمد بن علی بن مسعود

موضوع: ادبیات عرب، صرف و نحو؛ زبان: عربی

کتابشناسی: رساله معروفی است در نحو عربی.

آغاز: بسملة. قال المفتقر الى الله الودود احمد بن علی بن مسعود... اعلم لن علم الصرف ام العلوم و النحو ابوها.

نوع خط: نسخ و نستعلیق، کاتب: غلام حیدر لکهنوی، توضیحات: این نسخه چاپ پنجم از این کتاب است، محل چاپ: هندوستان؛ لکهنو، مطبعه: نول کشور، تاریخ: ۱۹۰۱ میلادی، تعداد صفحه‌ها: ۷۰؛ اندازه: ۱۷×۲۶؛ تعداد سطور: ۹.

۴. رساله لامیه

از: مولوی سعد الله

موضوع: ادبیات عرب، صرف و نحو؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: رساله کوتاهی در اقسام الف و لام در نحو و معانی و دلالت‌های آن
با ذکر شواهدی به نظم و نثر برای هر کدام، مولف در آخر آن تفصیل مباحث را به
رساله دیگر خود با عنوان *اللامیه فی اللسان العربیه* حواله داده است.
آغاز: بسمله. الف لام سه قسم است اسمی به معنی الذی و فروع آن.
نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، توضیحات: حواشی دارد با شماره شاخص،
محل چاپ: هندوستان؛ لکهنو، مطبعه: نول کشور، تاریخ: ذکر نشده، تعداد صفحه‌ها:
۷؛ اندازه: ۲۶×۱۷؛ تعداد سطور: ۱۷.

۵. فصول اکبری

از: علی اکبر اله آبادی (م ۱۰۹۱ق)

موضوع: ادبیات عرب، صرف و نحو؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: رساله‌ای در صرف افعال عربی، نظیر کتاب صرف میر سید شریف
جرجانی و گویا تحریری از آن است.
آغاز: بسمله. الحمد لله رب العالمین و العالمین و الصلوة علی رسوله محمد و آله
احمیین بدان علمک الله تعالی که کلمات عرب سه قسمست فعل و اسم و حرف.
نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، توضیحات: حواشی دارد با شماره شاخص
به فارسی، محل چاپ: هندوستان؛ لکهنو، مطبعه: نول کشور، تاریخ: ذکر نشده، تعداد
صفحه‌ها: ۹۳؛ اندازه: ۲۶×۱۷؛ تعداد سطور: ۸.

۶. گهر منظوم

از: هادی علی در ۱۲۶۱ق

موضوع: ادبیات عرب، صرف و نحو؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: منظومه کوتاهی است در صرف. از آخر نسخه حاضر برگ‌هایی
افتاده است.
آغاز: بسمله.

هزار حمد خداوندگار کن فیکون که داده است به اشیا خواص گوناگون
نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، توضیحات: حواشی دارد با شماره شاخص،
محل چاپ: هندوستان؛ لکهنو، مطبعه: نول کشور، تاریخ: ذکر نشده، تعداد صفحه‌ها:
۶؛ اندازه: ۲۶×۱۷؛ تعداد سطور: ۱۷ دو ستونی.

۷. ارشاد الموارث در ارث به اردو (۶۴ص)

۸. هدایة النحو

از: ناشناخته

موضوع: ادبیات عرب، نحو؛ زبان: عربی و فارسی
کتابشناسی: رساله معروفی است در نحو که مولف آن را به ترتیب کافیۀ
ابن حاجب نگاشته است.

آغاز: بسملة. الحمد لله رب العالمين و العاقبة للمتقين و الصلوة على رسوله محمد و
آله و اصحابه اجمعين اما بعد فهذا مختصر مضبوط في النحو جمعه فيه مهمات النحو.
نوع خط: نسخ و نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، توضیحات: در حاشیه توضیحاتی از
کتاب درایه شرح هدایة النحو به عربی درج شده است، به تصحیح و تنقیح محمد
عبدالاحد، این نسخه چاپ چهارم کتاب است، به اهتمام: محمد عبدالاحد، محل
چاپ: هندوستان؛ دهلی، مطبعه: مجتبیایی، تاریخ: ۱۳۱۹ق، تعداد صفحه‌ها: ۹۰؛
اندازه: ۲۶×۱۷؛ تعداد سطور: ۱۵. (نسخه ش: ۱۲۴).

۹۱. ارژنگ چین

از: ناشناخته

موضوع: ادبیات فارسی، خوشنویسی؛ زبان: اردو
کتابشناسی: رساله‌ای در آموزش خوشنویسی خط فارسی و عربی در هفت فصل
است. متن رساله به اردو است ولی نمونه‌هایی که برای یادگیری در آن به صورت
مربع نوشته است به فارسی و عربی است.
آغاز: بسملة. بعد حمد خالق ارض و سمايه خاک پا احقر العباد دبی پرشاد بدایو
فی خدمت ین خوشنویسان عصر کی.

نوع خط: نسخ و نستعلیق، کاتب: اشرف علی، تاریخ کتابت: ذکر نشده، توضیح:
در آخر نسخه سی مربع در خوشنویسی به فارسی و عربی آمده است، محل چاپ:
دهلی؛ بمبئی، مطبعه: نول کشور، تاریخ: ذکر نشده، تعداد صفحه‌ها: ۷۶؛ اندازه:
۲۶×۱۷؛ تعداد سطور: ۲۳. (نسخه ش: ۱۲۵).

۹۲. رقعات عالمگیری

از: عالمگیر پادشاه (م ۱۱۱۸ق)

موضوع: ادبیات فارسی، منشآت؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: صد و هشتاد و یک نامه (رقعه) کوتاه است که عالمگیر شاه به فرزندان و برادران خود نگاشته، در این رساله برای آموزش نامه‌نویسی به اصناف مختلف مقامات، جمع‌آوری شده است. کسانی که عالمگیر شاه این نامه را خطاب به آن‌ها نوشته، و برای هر کدام القابی اختصاص داده، در مقدمه رساله چنین معرفی شده‌اند:

«پور خلافت و فرزند سعادت توام» کنایه از پادشاه زاده کلان سلطان محمد معظم المخاطب به شاه عالم بهادرست، و در بعض جا سلطان محمد اعظم شاه بهادر پادشاهزاده دیگر نیز به «فرزند سعادت توام» ملقب شده و «فرزند عالیجاه» خاصه القاب سلطان محمد اعظم شاه بهادر است. «برادر نامهربان» عبارتست از داراشکوه برادر کلان آنحضرت؛ و «فرزند زاده عزیز و فرزند زاده بهادر» اراده است از محمد معزالدین بهادر پسر کلان شاه عالم بهادر؛ «محمد بیدار بخت بهادر مهین پور سلطان محمد اعظم شاه بهادر و فرزند زاده عظیم القدر»: مراد از محمد عظیم الدین بهادر پسر دوم شاه عالم بهادر؛ «عمدة الملک مدار المهام»: و آن فدوی اشاره است از اسدخان که بعد فوت شایسته خان به خطاب امیر الامرا سرافراز یافته؛ و «خان فیروز جنگ» انتخاب است از خطاب غازی‌الدین خان بهادر، «فیروز جنگ و نصرت جنگ» اختصار القاب ذوالفقار خان بهادر، «نصرت جنگ و میرزا بخشی» ایماست از میرزا صدرالدین محمد خان صفوی، و «میر آتش از تربیت خال» و «حمید» فقط اختصار اسم حمید الدین خان بهادر.

آغاز: بسمله. بعد انشای ثنای پادشاهی که سلطنتش مصون از زوال و انتقال است و پس از املاى ستایش جهان نیاهی که حلقه بندگیس سرتاسر سلاطین عالمگیر اورنگ زیب همایون فال.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ذکر نشده، به اهتمام: شیخ گلزار محمد پرتتر چهپا، به فرمایش شیخ مبارک علیب تاجر کتب، توضیح:

به تصحیح جناب مستر محمد الدین صاحب ایم ای، شرح لغات و اصطلاحات متن در تمامی صفحات، محل چاپ: پاکستان؛ لاهور، مطبعه: گلزار، تاریخ: ۱۹۲۴ میلادی، تعداد صفحه‌ها: ۶۴؛ اندازه: ۲۵×۱۶؛ تعداد سطور: ۱۷. (نسخه ش: ۱۲۷).

۹۳. ضیاء القلوب [کلیات امدادیه]

از: حاجی امدادالله مهاجر فاروقی چشتی تھانوی (م ۱۳۱۷ق)

موضوع: ادبیات فارسی، عرفان؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: رساله متوسطی است در اذکار و اعمال متفرقه صبح و شام و ذکر سلاسل مشایخ طریقت. این رساله در ضمن کلیات امدادیه - که شامل آثار و رسائل نظم نثر مولف است - چاپ گردیده و همه آن به جز این رساله به زبان اردوست. فهرست رسائل کلیات امدادیه بدین قرار است:

۱. ضیاء القلوب (همین رسالهء مورد بحث)، ۶۴ص.

۲. فیصله هفت مسئله، اردو؛

۳. ارشاد مرشد، اردو؛

۴. مثنوی تحفة العشاق، اردو؛

۵. رساله در بیان وحدة الوجود، اردو؛

۶. غذای روح، اردو؛

۷. گلزار معرفت، به نظم و اردو؛

۸. رساله دردنامه غمناگ، به نظم و اردو

۹. جهاد اکبر، اردو؛

۱۰. ناله امداد و غریب (اردو).

آغاز ضیاء القلوب: بسمله. تمامی مراتب حمد مر ذات واحد را که اوست معبود کل و موجود مطلق تعالی شانه.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ذکر نشده، به اهتمام: محمد شمس الدین فرزند شیخ منشی محمد فخر الدین صاحب حسب فرمایش پدرش (شیخ منشی محمد فخر الدین صاحب) وعمویش (منشی محمد بشیر صاحب) که هر دو تاجران کتب بودند، محل چاپ: هندوستان؛ لکهنو، مطبعه: فخر المطابع، تاریخ:

۱۳۲۴ق، تعداد صفحہ‌ها: کلیات امدادیہ ۲۸۲ص، ضیاء القلوب ۶۴ص؛ اندازہ: ۲۵×۱۶؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخہ ش: ۱۲۸).

۹۴. نامہ خسروان

از: جلال الدین میرزا فرزند فتحعلی شاہ قاجار
موضوع: ادبیات فارسی، تاریخ (کتاب درسی)؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: تاریخ پادشاہان ایران است از آغاز آبادیان تا انجام ساسانیان کہ
برای تدریس در مدارس نوشتہ شدہ است.
آغاز: دیباچہ نامہ بنام خداوند بخشنده مہربان، چنین گوید کمترین جلال پور
فتحعلی شاہ قاجار چون از آغاز شہریاری گیتی پناہ ناصر الدین شاہ قاجار.
نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر شدہ، تاریخ کتابت: ۲۹ صفر ۱۳۳۲ق، بہ اہتمام:
سید عبد الرزاق تاجر کتب چار مینار حیدرآباد دکن حسب فرمایش سررشتہ
تعلیمات سرکار نظام، توضیح: در ص ۵۸ برنامہ درسی شش گروہ بہ نام‌های
(جماعت چہارم، جماعت پنجم، جماعت ششم، جماعت ہفتم رشدیہ، منشی اول) و
تعداد واحدهای درسی ہرکدام و نام کتاب ہر واحد بہ اردو ذکر شدہ است، محل
چاپ: ہند؛ حیدرآباد، مطبعہ: ذکر شدہ، تاریخ: یکم اسفندار سنہ ۱۳۲۳ق، تعداد
صفحہ‌ها: ۵۸؛ اندازہ: ۲۴×۱۷؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخہ ش: ۱۳۰).

۹۵. صبح صادق

موضوع: ادبیات ؛ زبان: فارسی نثر آمیختہ بہ نظم
از: محمد صادق اختر
آغاز: بسملہ. شکر و سپاسی کہ حضرت آفریدگار دانای نہان و آشکار را سزد.
نوع خط: نستعلیق، کاتب: وزیر علی، تاریخ کتابت: ذکر شدہ، بہ اہتمام: شیخ
رحیم بخش، توضیح: در صفحہ آخر در مطبع نور محمد صاحب طبع شدہ وجود
دارد، محل چاپ: میرتہ محلہ بیدوارہ، مطبعہ: چشمہ فیض، تاریخ: ۱۲۹۲ ہجری
قمری ۱۸۷۵ میلادی، تعداد صفحہ‌ها: ۲۶؛ اندازہ: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۲۳.
(نسخہ ش: ۱۳۱).

۹۶. مجموعه

در این مجموعه کتاب مناظر اقلیدس تحریر و در پی نوشت آن کتاب نور المناظر از احمد علی جریاگوشی چاپ شده است. مشخصات تفصیلی این کتاب چنین است:

۱. کتاب المناظر

از: حکیم اقلیدس

موضوع: طبیعیات؛ زبان: عربی

کتابشناسی: رساله کوتاه و معروفی است در بیان علمی نحوه دیدن اشیاء توسط چشم و بیان آینه‌ها و حکم هر کدام.

آغاز: بسمله. صدر کتاب العین تحدث باستمداد من الاجرام النيره في الجسم الشفاف المتوسط بينها وبين المبقره.

۲. کتاب نور المناظر

از: احمد علی جریاگوشی

موضوع: طبیعیات؛ زبان: عربی

کتابشناسی: رساله دیگری در علم مناظر و مرایا می‌باشد.

آغاز: لا اله الا الله له الحمد و الکبرياء و الصلوة علی رسوله خاتم الانبياء و آله و اصحابه العظماء يقول احمد علی الجریاگوشی هذا خلاصة علم المناظره و هو علم يعرف به احوال المبصرات و تحقیق کیفیتها.

نوع خط: نستعلیق، کاتب: ناشناخته، تاریخ کتابت: ذکر نشده، به اهتمام: مولوی عبدالحکیم رشید طلعت، توضیح: گویا برگ‌هایی از آخر کتاب افتاده است، محل چاپ: هند؛ ذکر نشده، مطبعه: آرمی پریس، تاریخ: ذکر نشده، تعداد صفحه‌ها: ۹۶؛ اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۳۲).

۹۷. دیوان ستاک

از: آقا میرزا محمد خان طلعت یزدی نائینی (پیرنیا)

موضوع: ادبیات فارسی، دیوان‌ها؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: کلیات اشعار پیرنیاست شامل غزلیات به ترتیب حروف تهجی، قصائد و قطعات و رباعیات و سوانح عمری وی. شاعر در اشعارش «طلعت» تخلص می‌کند و نام کامل او چنین است:

«محمد بن محمد حسین بن محمد علی بن سلیمان بن صادق خان یزدی پنجمین نژاد از احفاد تقیخان حکمران یزد و کرمان متخلص به طلعت و مشهور به پیرنیا». تفصیل مندرجات این کتاب چنین است:

۱. تصویر شاعر که قبل از عنوان کتاب چاپ شده، و در زیر آن دستخط طلعت که بیق از خودش را که در زیر تصویرش چاپ شده پس از چاپ اصلاح نموده است و در بالای آن دستخط مرحوم محمد حسن کاشانی نجفی که این نسخه را طلعت به کتابخانه وی در بمبئی در اواسط سال ۱۳۴۷ ق هدیّه نموده است.

۲. دیباچه دیوان، از شاعر، ص ۲ و ۳؛

۳. غزلیات از الف تا یاء، که با دیباچه با عنوان دیوان ستاک به چاپ رسیده است (ص ۴-۱۷۶)؛

۴. تقریظ دیوان طلعت از آقا شیخ عبد الرضا شیخ العراقین نجل آیت الله شیخ جعفر کاشف الغطاء، به فارسی و به نظم و نثر (ص ۱۷۵-۱۷۶)؛

۵. قصائد و قطعات و رباعیات با عنوان «تتمیر ستاک» و با صفحه شمار جدید (ص ۱-۴۵)؛

۶. مختصری از سوانح عمری طلعت، از بانی طبع کتاب (ص ۴۶-۴۹)؛

۷. چند غزل دیگر از طلعت و مطالبی به نظم و نثر در عشق و قال و خواب (ص ۵۰-۵۸)؛

۸. بقیه غزلیات (ص ۵۹-۶۴)؛

۹. فهرست اسامی کسانی که بانی چاپ این کتاب شده و قبل از طبع آن خریده‌اند در (ص ۱ و ۲) و پس از آن عده‌ای از زردشتیان که قبل از چاپ کتاب را پیش خرید نموده‌اند. (ص ۱-۵).

۱۰. اصلاحیه‌ای با عنوان «ابتدای ملحقات» (ص ۶).

آغاز: بسمله.

حمد و ثنای معدد مرکردگاری را کو آفرید از صنع خود ما لا یرا و ما یرا
نوع خط: نستعلیق، کاتب: محمدعلی طباطبایی نائینی (صفی‌نیا)، تاریخ کتابت:
شوال ۱۳۴۶ ق مصادف با فروردین ۱۳۵۷ ش و اپریل ۱۹۲۸ م، به اهتمام:

به مباشرت آقا میرزا کریم شیرازی، محل چاپ: هندوستان؛ بمبئی، مطبعه: مظفری، تاریخ: شوال ۱۳۴۶ قمری مطابق فروردین ۱۳۰۷ خورشیدی اپریل ۱۹۲۸ میلادی، تعداد صفحه‌ها: ۱۷۵+۶۴+۶؛ اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۲۱. (نسخه ش: ۱۳۳).

۹۸. باغچه عیش انشایی

از: مولوی عبد الله متخلص به عیش
موضوع: ادبیات فارسی، منشآت، کتاب درسی؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: رساله‌ای که مولف آن را برای یادگیری نونهالان دبستان دانش‌آموزی از منشآت خود به نظم و نثر فراهم آورده است.
آغاز: خدایا خداوندا به واحدانیت و یکتایی ذات تقدیس مآب بی‌عدیم.
نوع خط: شکسته نستعلیق، کاتب: منشی محمد شریف خوشنویس بهرامی ایاز
رقم، تاریخ کتابت: ذکر نشده، توضیح: بفرمایش حاجی عبدالاحد و حاجی ملا
حامد تاجران کتب مالک کتابخانه احدی در کابل، چاپ سوم، محل چاپ: پاکستان؛
وزیرآباد، مطبعه: ذکر نشده، تاریخ: ۱۳۷۸ ق ۱۹۵۹ م، تعداد صفحه‌ها: ۲۸+۸۰؛
اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۲۷. (نسخه ش: ۱۳۴).

۹۹. دیوان نعمت خان عالی

از: دانشمند خان نعمت خان عالی شیرازی
موضوع: ادبیات فارسی، دیوان‌ها؛ زبان: فارسی
کتابشناسی: کلیات اشعار شاعر است با تخلص «عالی» شامل غزلیات به ترتیب
حروف تهجی و رباعیات و قصائد و قطعات.
آغاز: بسمله. تمامی یابد از مصراع بسم الله دیوان‌ها
بین کز مدّ این ابروست زیب روی عنوان‌ها
نوع خط: نستعلیق، کاتب: ذکر نشده، تاریخ کتابت: ذکر نشده، توضیح: از انجام
نسخه حاضر گویا برگ‌هایی افتاده است، محل چاپ: هندوستان؛ لکهنو، مطبعه: نول
کشور، تاریخ: ذکر نشده، تعداد صفحه‌ها: ۲۴۶؛ اندازه: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۱۹.
(نسخه ش: ۱۳۵).

۱۰۰. حقائق المعارف

از: شیخ سعد الدین احمد انصاری معروف بہ شیخ قدوس منوری

موضوع: عرفان و اخلاق؛ زبان: فارسی

کتابشناسی: کتاب مفصلی بہ نظم در بیان مقارح و حقائق توحیدی و مواعظ، مولف در آن اغلب کلمات حضرت پیامبر ﷺ و آیات قرآنی را ذکر و با اشعاری بہ شرح و توضیح آن پرداختہ است. این کتاب بدون فصل بندی و باب بندی است و در عنوان ہر قطعہ شعر، آیہ یا حدیثی را ذکر نمودہ و بعد بہ نظم بہ ترجمہ و شرح آن پرداختہ است.

آغاز: بسملہ. نزل کلامہ بعبدہ بل ہو قرآن مجید فی لوح محفوظ سبحان اللہ العظیم. نور اللہ کلام العاشقین بنور جمالہ و عزز اللہ کلام العارفين بغزت وصالہ. نوع خط: نستعلیق، کاتب: غلام صدیق ولد حاجی سلطان محمد قوم تاجک در ۷۱ سالگی، تاریخ کتابت: ۱۵ رمضان ۱۳۹۰ق، توضیح: کتاب صفحہ عنوان ندارد و گویا داشته و از نسخہ حاضر افتادہ است، محل چاپ: افغانستان؛ غزنہ، مطبعہ: ذکر نشدہ، تاریخ: ۱۳۹۰ق، تعداد صفحہ ہا: ۳۶۲؛ اندازہ: ۲۴×۱۶؛ تعداد سطور: ۱۷. (نسخہ ش: ۱۳۶).



کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله منتشر کرده است:



گزارش سفر به مسکو و سنت پترزبورگ

حسین متقی

مقدمه

به حول و قوه الهی ۱۹ تیر تا ۴ مرداد ۱۳۹۱ برابر با ۸ تا ۲۵ زولای ۲۰۱۲ با دعوت رسمی رایزن فرهنگی ایران در روسیه، جناب آقای دکتر ابوذر ابراهیمی ترکمان به همراه رئیس بنیاد بین‌المللی ایران‌شناسی، جناب آقای دکتر محسن حیدرنیا به نمایندگی از طرف کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله، توفیقی نصیب صاحب قلم گردید تا در معیت استاد صدرایی خوئی، برای بررسی برخی نسخه‌های خطی اسلامی، به خصوص دستنویس‌های فارسی موجود در کتابخانه‌ها و مراکز علمی آن کشور، سفری را به دو شهر فدرالی مسکو و سنت پترزبورگ در فدراسیون روسیه داشته باشیم و با برخی کارهای صورت گرفته، ظرفیت‌های علمی و منابع پژوهشی این کشور، از نزدیک، آشنا شویم. بر این پایه ساعت ۳ و ۵۵ دقیقه بامداد یکشنبه ۱۹ تیر ۱۳۹۱ با هواپیمایی خطوط هوایی روسیه (ایرفلوت) فرودگاه امام خمینی (ره) را به مقصد روسیه ترک می‌کنیم و پس از طی ساعاتی پرواز در جهت شمال و شمال غرب، در ساعت ۷ و ۲۰ دقیقه صبح، پس از عبور از فراز جنگل‌های سرسبز و متراکم اطراف مسکو، در فرودگاه شرمیتیوای شهر مسکو، هواپیما به سلامتی به زمین می‌نشیند. پس از طی تشریفات فرودگاهی، در بخش خروجی، استاد دکتر محسن حیدرنیا، رئیس بنیاد بین‌المللی ایران‌شناسی به همراه یکی از کارکنان رایزنی (آقای لایق اهل تاجیکستان) با وسیله نقلیه "ون" رایزنی به استقبال ما آمده بودند.



نگاهی اجمالی به تاریخ روسیه

باید دانست تاریخ روسیه به قرن چهاردهم میلادی باز می‌گردد که قلمرو پادشاهی تجاری مسکو به عنوان بازیگر اصلی در بین چندین منطقه کوچکتر مشابه مطرح شد. ایوان چهارم، معروف به «ایوان مخوف» نخستین حاکم مسکو بود که خود را تزار نامید. در سده هفدهم خاندان رومانف به حکومت روسیه دست یافتند و تا سیصد سال بعد بر این کشور حکومت کردند. پتر کبیر و کاترین کبیر از معروف‌ترین پادشاهان این سلسله بودند که اصلاحات زیادی را در جهت مدرنیزاسیون این کشور به انجام رساندند. در اوایل قرن بیستم، نارضایتی‌های عمیق در میان بخش‌های مختلف جامعه روسیه به اعتراضات گسترده‌ای در این کشور انجامید. در شرایطی که حاکمان کشور نسبت به درد و رنج توده‌های مردم بی‌تفاوت به نظر می‌رسیدند، جریان‌های سیاسی رادیکال در کشور قوت گرفتند. واقعه معروف به دوشنبه خونین در سال ۱۹۰۵م، شکست روسیه از ژاپن در جنگ سال ۱۹۰۵م و شکست‌های این کشور در جنگ جهانی اول به این نارضایتی‌ها دامن زد. در سال ۱۹۱۷م انقلابی به رهبری حزب بلشویک، که در سال ۱۹۰۳م به رهبری لنین و تحت تأثیر آموزه‌های کارل مارکس تشکیل شده بود، به حکومت تزارها در این کشور پایان بخشید. با وقوع انقلاب کمونیستی نام کشور روسیه به اتحاد جماهیر شوروی، تغییر یافت. روسیه، با عنوان جمهوری فدراتیو روسیه شوروی، مهمترین و بزرگ‌ترین جمهوری در اتحاد جماهیر شوروی بود. اوایل حکومت لنین با جنگ داخلی همراه بود و پس از مدتی رقابت برای جانشینی لنین شدت گرفت. وی در سال ۱۹۲۴م درگذشت و ژوزف استالین در سال ۱۹۲۹م به رهبری بلامنازع حزب کمونیست دست یافت. سیاست‌های استالین به صنعتی‌سازی سریع کشور انجامید، اما حکومت او با حجم غیرمنتظره‌ای از پاکسازی‌های سیاسی، تبعیدهای دسته‌جمعی و حبس و زندان همراه بود. در ژوئن ۱۹۴۱م آلمان به شوروی یورش برد و جنگی چهارساله درگرفت که ۲۷ میلیون شهروند شوروی در طی آن جان باختند. شوروی در این جنگ پیروز شد و کنترل سیاسی بیشتر قلمرو اروپای شرقی و مرکزی را برای خود تضمین کرد. استالین تا زمان مرگش در سال ۱۹۵۳م در قدرت باقی ماند. در این دوران

حزب کمونیست با استفاده از دستگاه امنیتی عظیم خود بر تمام جنبه‌های زندگی حیات اجتماعی جامعه تسلط یافت و شوروی با پراخت بهایی گزاف از حیات انسان‌ها به یک ابرقدرت صنعتی و نظامی تبدیل شد. خروشچف جانشین استالین تلاش کرد تا جنبه‌های بی‌رحمانه حکومت استالین را افشا کرده و در عین حال بخش‌های کلید حکومت کمونیستی را حفظ کند. وی سانسور را در جامعه کاهش داده و سیاست خارجی همزیستی مسالمت‌آمیز با غرب را در پیش گرفت اما با سرکوب قیام سال ۱۹۵۶م مجارستان به سلطه این کشور بر دولت‌های دست‌نشانده شوروی ادامه داد. با این حال دستگاه حزبی اعتماد خود را به وی از دست داده و اعتبار خروشچف در پی نحوه مواجهه او با بحران موشکی ۱۹۶۲م کوبا کاهش یافت. وی در سال ۱۹۶۴م در یک کودتای حزبی ساقط شد. در دوران برژنف (جانشین خروشچف)، شرایط زندگی برای توده‌های مردم قابل پیش‌بینی‌تر و مناسب‌تر شد اما سرکوب سیاسی ادامه یافت. با این حال با توجه به کاهش رشد اقتصادی و سربرآوردن مشکلات اجتماعی دوران برژنف به عصر رکود معروف شد. از سال ۱۹۷۹م شوروی در جنگی طولانی و خونبار در افغانستان درگیر شد که یک نسل کامل قربانی آن شدند. در سال ۱۳۷۰ش/۱۹۹۱م شوروی پس از جنگ سرد طولانی با غرب، در زمان حکومت میخائیل گورباچف، از هم فروپاشید و فدراسیون روسیه به جای آن نشست.

فدراسیون روسیه در یک نگاه

روسیه با نام رسمی فدراسیون روسیه پهناورترین کشور جهان است که در شمال اوراسیا قرار دارد. این کشور در آسیای شمالی و اروپای خاوری واقع است و با اقیانوس آرام شمالی و اقیانوس منجمد شمالی و نیز دریای خزر، دریای سیاه و دریای بالتیک مرز آبی دارد. روسیه با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی مرز زمینی دارد و با کشورهای پیرامون دریای برینگ، دریای ژاپن، دریای خزر، دریای سیاه و دریای بالتیک ارتباط دریایی دارد. روسیه با ۱۷،۰۷۵،۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت، پهناورترین کشور جهان است. پهناوری روسیه دو برابر مساحت کانادا یا چین یا

ایالات متحده آمریکا است. پایتخت روسیه شهر مسکو است که در باختر و بخش اروپایی کشور است و بزرگترین شهر اروپایی است. روسیه حدود ۱۴۲ میلیون نفر (برآورد سال ۱۳۸۷) جمعیت دارد، که از این دید در جهان دارای جایگاه نهم است. تراکم جمعیت روسیه ۳/۸ نفر در هر کیلومتر مربع است که از پایین ترین نرخهای تراکم جمعیت در جهان است. نرخ رشد جمعیت در این کشور منفی است. بیشتر جمعیت روسیه در غرب این کشور (بخش اروپایی) زندگی می‌کنند. حدود ۸۰ درصد (۱۱۵ میلیون نفر) از مردم روسیه از نژاد روسی هستند و سایر نژادهای این کشور عبارتند از: تاتار، اوکراینی، چوواش، چچنی، ارمنی، داغستانی، مغول، آواری، اینگوش، چرکس، بالکار، اوستیایی، آذری، گرجی و... زبان رسمی روسیه، زبان روسی است، ولی حدود ۳۰ زبان دیگر نیز در جمهوری‌ها و مناطق خودمختار این کشور وجود دارد. زبان روسی از زبان‌های زنده جهان است و بعد از زبان اسپانیولی و لاتین رتبه پنجم را دارد. روسیه ۲۱ جمهوری خودگردان دارد که بیشتر در جنوب باختر کشور (قفقاز شمالی) قرار دارند. روسیه فرهنگ پربراری دارد و نویسندگان معروفی مانند تولستوی و داستایوفسکی روسی بوده‌اند. روسیه تا پیش از قرن هجدهم یک حکومت نه چندان نیرومند در خاور اروپا بود و وسعت آن چندان زیاد نبود. تا اینکه در آغاز قرن ۱۸ میلادی و با اصلاحاتی که تزار پترکبیر انجام داد، این کشور به یک امپراتوری پهناور و نیرومند تبدیل شد. در سال ۱۹۱۷ انقلاب کمونیستی در این کشور به وقوع پیوست و نام کشور به اتحاد جماهیر شوروی تغییر یافت. روسیه، با عنوان جمهوری فدراتیو روسیه شوروی، مهمترین و بزرگ‌ترین جمهوری در اتحاد جماهیر شوروی بود. در سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۱) شوروی پس از جنگ سرد طولانی با غرب از هم فروپاشید و فدراسیون روسیه به جای آن نشست. واحد پول روسیه روبل (= این روزها هر روبل ۶۰ تومان) و یک روبل نیز ۱۰۰ کوپک است. اقتصاد روسیه صنعتی و نیز وابسته به منابع بزرگ انرژی این کشور به ویژه گاز است. و راههای ترابری این کشور نیز بسیار مهم هستند. روسیه با تولید ناخالص داخلی ۱۲۸۹ تریلیون دلار در سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷م) هفتمین اقتصاد بزرگ جهان و سرانه ۱۲۰۹۶ دلار پنجاه و نهمین کشور جهان بوده است. اقتصاد این کشور

بر پایه سرمایه داری و خصوصی سازی است، که این موضوع پس از فروپاشی شوروی و رهایی از اقتصاد دولتی و سوسیالیستی انجام شد. روسیه از اعضای گروه هشت و از کشورهای صنعتی به حساب می آید. نوع حکومت هم در روسیه به صورت چند حزبی فدرال بوده و اکنون (۲۰۱۲) ولادیمیر پوتین، رییس جمهور و دمیتری مدودف، نخست وزیر روسیه است. سیاست کنونی روسیه، همکاری و عدم تنش با غرب و تلاش برای اتحاد کشور است. ولی به خاطر گسترش ناتو به شرق و پس از درگیری روسیه با گرجستان بر سر اوستیای جنوبی، روابط روسیه و غرب تا حدودی به تیرگی گراییده است. روسیه در جامعه بین المللی از جمله کشورهای به حساب می آید که از فرهنگ و هنر دفاع می کنند و مردم این کشور هم، عمدتاً از مردمانی با فرهنگ به حساب می آیند.

ادیان و مذاهب در فدراسیون روسیه

اکثریت مردم فدراسیون روسیه مسیحی و پیرو ارتدوکس هستند؛ اما ادیان دیگر شامل اسلام، یهودی و بودایی نیز دارای طرفداران زیادی هستند؛ با این حال اسلام، پس از مسیحیت ارتدوکس، دومین دین شناخته شده در روسیه است. کلیسای ارتدوکس روسیه، سازمان مذهبی اصلی در روسیه است که در مناطق مختلف روسیه و در جامعه مشترک المنافع کشورهای خارجی ۱۲۳ حوزه سقفی دارد و بیش از ۱۹۰۰۰ جمعیت کلیسایی و بنای کلیسایی، حدود ۴۸۰ دیر و صومعه، بیش از ۱۵۰ نفر اسقف ارشد، ۱۷۵۰۰ نفر کشیش و ۲۳۰۰ نفر از درجات پایین تر کلیسایی و همچنین از سال ۱۹۹۰م الکسی دوم، پانزدهمین اسقف اعظم (پاتریک) و تاریخ کلیسا همراه با ینود مقدس (هیأت رئیسه اسقف ها) امور کلیسایی را اداره می کند. باید افزود که علاوه بر کلیساهای ارتدوکس در روسیه، فرق دیگر مسیحیت، از جمله کاتولیک ها، پروتستان ها و ارمنی ها نیز، برای خود کلیساهایی دارند.

اسلام در حال حاضر در بخش عظیمی از روسیه گسترش یافته است. طبق اطلاعات اکثر رهبران مسلمانان، تعداد مسلمانان در روسیه بالغ بر ۲۰ میلیون نفر است. بعضی مفتی ها و اسلام شناسان حتی ارقام ۲۵، ۳۵ و حتی ۴۵ میلیون را عنوان می کنند.

در این زمینه، رایزن فرهنگی ایران در مسکو، دکتر ابراهیمی ترکمان، معتقد است: «وقتی در سال ۱۹۹۱م فروپاشی رخ داد فدراسیون روسیه ۱۵۴ میلیون نفر جمعیت داشت و ۸ میلیون هم مهاجر به آنها افزوده شد، در آن زمان از جمعیت کل آن سرزمین، تنها ۱۳ میلیون نفر مسلمان بودند؛ اما امروزه با اینکه، به جهت رشد منفی، جمعیت کل روسیه به حدود ۱۴۰ میلیون نفر رسیده، جمعیت مسلمان این کشور به ۳۰ میلیون نفر رسیده است که این نشان از اقبال مردم به اسلام دارد». طبق آمارهای نیمه رسمی بین ۱۲ تا ۲۰ میلیون از جمعیت فدراسیون روسیه مسلمان هستند؛ لیکن آمارهای غیر رسمی منتسب به محافل اسلامی، به جهت روند رو به رشد اسلام در روسیه، رقم ۳۰ میلیونی مسلمان را در روسیه تأیید می‌کنند، که از تعداد، ۱۱ میلیون نفر تنها در شهر مسکو زندگی می‌کنند. این گروه بیشتر در قفقاز شمالی، تاتارستان، باشقیرستان، اودموریتا، چواشیا، جمهوری ماری، سیبری، استان های اومیانوف، پنزا، سامارا، ساراتوف، آستاراخان، پرم، چلیا بینسک، نیژنی نوگورد، و شهرهای مسکو، سن پترزبورگ و قاسموف ساکن هستند. مسلمانان این مناطق پیرو دو مذهب شناخته شده تسنن و تشیع می‌باشند؛ اما تعداد سنی‌ها بیشتر است و پیروان مذهب تسنن از نظر مکاتب فقهی، به دو مکتب حنفی و شافعی تعلق دارند و گروه شیعیان را نیز عموماً آذربایجانی‌ها و تالش‌ها تشکیل می‌دهند. همچنین بر پایه آمارهای سال ۱۹۹۶م، در روسیه، تعداد ۴۳ اداره دینی مسلمان و ۲۳۴۹ مسجد وجود داشته است. از جمله مساجدی که می‌توان در مسکو نام برد، مسجد جامع مسکو، مسجد تاریخی، مسجد یادبود روی کوه پالکونی، مسجد آترادناپا و مسجد نواتروف می‌باشد و مسجد تاتارها نیز از مساجد نسبتاً قدیمی شهر سنت پترزبورگ محسوب می‌گردد. در مسجد سنت پترزبورگ نیز شیعیان حضور دارند؛ در برخی مصادر^۱ از مسجد سن پترزبورگ به عنوان زیباترین مسجد شهر یاد شده که درست در وسط شهر قرار دارد؛ به نظر می‌رسد همین مسجد تاتارها باشد که قدمتی ۱۵۰ ساله دارد. بنا بر آمارهای غیر رسمی، تعداد شیعیان روسیه به دو میلیون نفر می‌رسد، از این تعداد حدود سیصد هزار نفر در مسکو زندگی می‌کنند که قبلاً سازماندهی درستی نداشتند.

۱. کتاب ماه دین، ش ۶۳-۶۴، دی و بهمن ۱۳۸۱، ص ۹۳.

اما از چند سال قبل، برخی نهادهای خودجوش بومی و نیز از سوی جمهوری اسلامی ایران تلاش وسیعی در هدایت و روشنفکری شیعیان آغاز شده که اعزام گروه‌های متعدد داوطلب و علاقمند به تحصیل علوم دینی، به جامعه المصطفی العالمیه واقع در قم، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و افتتاح کلاس‌های درس قرآن و معارف اسلامی در مسجد شهدای مسکو که پس از کالج عالی مسکو دومین محل آموزش درس‌های اسلامی در آن شهر است، از جمله این فعالیت به شمار می‌رود. بیش از ۲۰ قوم بومی مسلمان در روسیه زندگی می‌کنند. بسیاری از مردم مسلمان کشورهای تازه استقلال یافته (آبخازی‌ها، آذربایجانی‌ها، قزاق‌ها، قرقیزها، ازبک‌ها، تاجیک‌ها، ترکمن‌ها و ...) بیش از ۱۰۰ سال است که در محدوده روسیه کنونی زندگی می‌کنند؛ اما این مردم سرزمین نژادی خود را آن‌سوی مرزهای روسیه می‌دانند؛ اغلب اقوام مسلمان روسیه، برای خود حکومتی به صورت جمهوری ملی در ترکیب فدراسیون روسیه دارند. طبق برآوردهای مختلف انجام شده، جمعیت کنونی مسلمانان بومی در این کشور بیش از ۱۹ میلیون نفر است. اکثریت مسلمانان سنی مذهب هستند. مسلمانان شیعه به طور عمده در مناطق مرزی قفقاز شمالی زندگی می‌کنند. هر یک از این ملل بیش از هزار سال تاریخ دارد. اغلب پیروان دین اسلام در کرانه رود ولگا، نزدیک به اورال و همچنین قفقاز شمالی زندگی می‌کنند.

در آغاز قرن بیستم میلادی تقریباً نیمی از یهودیان جهان در روسیه زندگی می‌کردند. با توجه به اینکه در سال‌های ۱۹۷۰ الی ۱۹۸۰م تعداد زیادی از یهودیان از شوروی به فلسطین اشغالی مهاجرت کردند، اما بر اساس آمارها، تعداد قابل توجهی از آنها در سال ۱۹۹۷م در فدراسیون روسیه، به ویژه در شهرهای بزرگ زندگی می‌کردند. عده نسبتاً کمی از آنها در منطقه خود مختار ابلاست در شرقی‌ترین نقطه روسیه ساکن هستند. تبلیغ در آیین یهود موضوعیت ندارد «آنان خود را نژاد برتر می‌دانند و همواره به دنبال افزایش نفوذ و سلطه اقتصادی و سیاسی بر جهان هستند». مذهب بودائی نیز، از سال ۱۹۴۱م به عنوان یکی از مذاهب روسیه به رسمیت شناخته شد. طرفداران این آیین در جمهوری‌های کالمیکیا و تیوا و بعضی از نواحی ایرکوتسک و چیتا و اخیراً تعدادی نیز در مسکو و سن پترزبورگ ساکن شده‌اند. تعداد بودائیان روسیه طبق آمار ۱۹۹۷م حدود یک میلیون نفر بودند.

مؤسسات ایران‌شناسی در فدراسیون روسیه

۱. مؤسسات ایران‌شناسی در سن پترزبورگ:

- الف) کرسی زبان شناسی و ادبیات ایران دانشکده خاورشناسی دانشگاه سن پترزبورگ
- ب) انستیتوی خاورشناسی (= نسخ خطی) آکادمی علوم روسیه شعبه سن پترزبورگ
- ج) شعبه انستیتوی زبان شناسی در شهر سن پترزبورگ وابسته به آکادمی علوم روسیه
- د) موزه ارمیتاژ

۲. مؤسسات ایران‌شناسی در مسکو

- الف) انستیتوی کشورهای آسیا و آفریقا
- ب) دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه
- ج) آکادمی دیپلماتیک وابسته به وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه
- د) انستیتوی دولتی روابط بین‌المللی مسکو
- ه) انستیتو (دانشگاه) نظامی زبان‌های خارجی
- و) آکادمی سازمان فدرال ضدجاسوسی
- ز) دفتر ایران‌شناسی شعبه خاورمیانه و نزدیک
- ح) شعبه ادبیات ملل آسیا
- ط) شعبه ایران‌شناسی انستیتوی زبان شناسی آکادمی علوم فدراسیون روسیه
- ی) انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم فدراسیون روسیه

۳. مؤسسات ایران‌شناسی در جمهوری‌های خود مختار:

- الف) جمهوری خود مختار داغستان
- ب) جمهوری خود مختار باشقیرستان
- ج) جمهوری خود مختار آستیا شمالی
- د) انستیتوی دولتی علوم انسانی تاتارستان.

نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه

بر اساس گزارشی که زنده یاد اولگ آکیموشکین از نسخه‌های خطی اسلامی موجود در کتابخانه‌های روسیه به صورت رسمی در سال ۱۹۹۲م منتشر نموده است (لندن، مؤسسه الفرقان، ۱۹۹۲م)، در کتابخانه‌های روسیه بجز نسخه‌های خطی روسی و زبان‌های دیگر، در حدود ۶۰۰۰۰ نسخه خطی اسلامی وجود دارد که از این تعداد ۱۸۷۳۳ نسخه خطی عربی، ۱۲۶۱۲ نسخه فارسی و تاجیکی، ۹۵۴۰ نسخه ترکی (با همه لهجه‌ها)، ۱۴۸ نسخه کردی، ۲۸ نسخه پشتو، ۱۴ نسخه مالیزی و ۳ نسخه اردو و ۷۰۵۷ نسخه نیز با عنوان نسخ خطی اسلامی (بدون تمایز زبانی) می‌باشد؛ اما به استناد شواهد و گزارش‌های پراکنده از وجود دستنویس‌های فراوان در جمهوری‌های خودمختار تاتارستان، داغستان، آوستیای شمالی، چچنستان و جز اینها، به نظر می‌رسد که در کتابخانه‌های فدراسیون روسیه، دست کم، یکصد هزار نسخه خطی اسلامی وجود داشته باشد که بسیاری هنوز شناسایی نشده‌اند. باید دانست که بر اساس گزارش‌های رسمی، عمده تمرکز نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه به لحاظ کیفی، به ترتیب در شهرهای سنت پترزبورگ، مسکو، تاتارستان (قازان)، داغستان (مخاج قلعه)، باشقیرستان (اوفا) و چچنستان (گروزنی) می‌باشد که در معرفی آن موارد، تاکنون بیش از یکصد جلد فهرست در قالب کتاب، مقاله یا پایان‌نامه، به زبان‌های روسی، آلمانی، فرانسوی، ترکی، فارسی، عربی و دیگر زبان‌ها چاپ و منتشر شده است؛ لیکن به لحاظ کمی به نظر می‌رسد جمهوری‌های داغستان و تاتارستان، مقام نخست را در تعداد نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه، دارا باشند ولی از آنجا که این نسخ هنوز فهرست نشده‌اند و آمارهای دقیقی نیز در دست نیست، فعلاً سنت پترزبورگ به لحاظ آمار منتشر شده، جلودار است.

الف) سنت پترزبورگ: بر پایه آمارهای رسمی در این شهر، دست کم، ۱۴۱۴۹ نسخه خطی اسلامی (۶۸۴۸ عربی، ۴۹۴۰ فارسی و ۲۱۲۲ ترکی) وجود دارد. کتابخانه دانشگاه سنت پترزبورگ: ۱۴۷۰ نسخه اسلامی (۹۰۰ فارسی، ۳۰۰ عربی و ۲۷۰ ترکی).

موزه ارمیتاژ: ۸۶ نسخه اسلامی (۵۲ عربی، ۳۲ فارسی و ۲ ترکی).

انستیتو دستنویس‌های شرقی: ۹۸۷۴ نسخه اسلامی (۵۱۸۴ عربی، ۳۰۵۸ فارسی، ۱۵۰۰ ترکی، ۲۸ پشتو، ۱۴ مالیزی، ۱۴ کردی و ۳ اردو).
 کتابخانه دولتی [= ملی] روسیه (به نام سالتیکف شدرین): ۲۷۱۹ نسخه اسلامی (۱۳۱۲ عربی، ۹۵۰ فارسی، ۳۵۰ ترکی، ۵۰ کردی و ۱ مالیزی).
 ب) مسکو: بر پایه آمارهای رسمی در موسکو، دست کم، ۳۰۰۰ نسخه خطی اسلامی وجود دارد.

موزه تاریخی دولتی: ۲۰۰۰ نسخه اسلامی (بیشتر عربی و ترکی).
 موزه هنرهای مردمی - شرقی: ۶۴ نسخه اسلامی (۳۳ فارسی، ۳۰ عربی و ۱ ترکی).
 انستیتو روابط دولتی مسکو: ۷۰ نسخه اسلامی (۴۴ فارسی، ۱۴ عربی و ۱۲ ترکی).
 کتابخانه دانشگاه مسکو: ۲۴ نسخه اسلامی (۱۰ فارسی، ۸ ترکی، ۶ عربی).
 کتابخانه دولتی [= ملی] روسیه (به نام لنین سابق): ۴۵۶ نسخه اسلامی (۲۴۰ عربی، ۱۱۶ فارسی، ۱۰۰ ترکی). همچنین این کتابخانه دارای ۶۰۰۰۰ نسخه خطی روسی و ۴۵۰ هزار سند به زبانهای مختلف است که از این تعداد تنها ۲۰۰۰ سند به زبان فارسی می‌باشد و بیشتر متعلق به دوره‌های صفویه و قاجار است.
 کتابخانه باستانی (تاریخی): ۳۰ نسخه اسلامی (۶ فارسی و ...).

ج) تاتارستان: بر پایه آمارهای رسمی تنها در شهر قازان، دست کم، ۲۰۰۰۰ نسخه خطی اسلامی (۶۰۰۰ عربی، ۵۵۰۰ فارسی و ۶۰۰۰ ترکی و ...) وجود دارد که بیشتر آن نسخه‌ها هنوز فهرست نشده است.
 آرشیو دولتی مرکزی جمهوری تاتارستان: ۲۳ نسخه اسلامی (۶ عربی، ۵ فارسی، ۱ ترکی).

کتابخانه دانشگاه قازان: ۶۹۸۵ نسخه اسلامی (۴۰۰۶ عربی، ۲۳۷۹ ترکی و ۶۰۰ فارسی).

موزه هنرهای جمهوری تاتارستان: شامل مجموعه‌ای از دستنویس‌های اسلامی.
 موزه ایالات متحد جمهوری تاتارستان: ۱۰۲ نسخه اسلامی (۴۴ ترکی، ۴۲ عربی، ۸ فارسی).

کتابخانه مسجد قازان: ۱۵۶ نسخه عربی.

انستیتو زبان، ادبیات و تاریخ: ۴۱۰۰ نسخه اسلامی (بیشتر به زبان تاتاری).
د) داغستان: بر پایه آمارهای رسمی تنها در شهر مخاچ قلعه، دست کم، ۵۰۰۰ نسخه خطی اسلامی وجود دارد.
کتابخانه دانشگاه داغستان: ۱۵۰۰ نسخه اسلامی.
موزه تاریخ و معماری جمهوری داغستان: ۱۴۰ نسخه اسلامی.
انستیتو تاریخ، زبان و ادبیات: ۲۶۷۸ نسخه (۲۶۳۷ عربی، ۱۶ ترکی، ۳ فارسی و...).
کتابخانه نورماگومیدوف: ۵۰۰ نسخه اسلامی.
ه) باشقیرستان: بر پایه آمارهای رسمی تنها در شهر اوف، ۳۰۰۰ نسخه خطی اسلامی وجود دارد.
کتابخانه اداره دینی مسلمانان روسیه: دارای تعداد قابل توجهی نسخه خطی اسلامی.
موزه دولتی باشقیرستان: دارای تعداد قابل توجهی نسخه خطی اسلامی.
انستیتو تاریخ، زبان و ادبیات: دارای حدود ۲۵۰۰ نسخه اسلامی (عربی، فارسی، ترکی، تاتاری، باشقیری و...).
کتابخانه مرکزی جمهوری باشقیرستان: دارای تعداد قابل توجهی نسخه خطی اسلامی.

مسکو، پایتخت فدراسیون روسیه

مسکو پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر روسیه است. این ابر شهر از مهمترین مراکز سیاسی، اقتصادی، مذهبی و تاریخی فدراسیون روسیه و اروپا محسوب می‌شود و با ۱۱ میلیون و ۵۰۳ هزار نفر جمعیت در سرشماری سال ۲۰۱۰م پرجمعیت‌ترین شهر قاره اروپا و ششمین شهر پرجمعیت دنیاست. مسکو در سال ۱۸۴۰ میلادی ۳۵۰ هزار نفر جمعیت داشت که در سال ۱۹۱۴ به ۱/۴ میلیون نفر افزایش یافت. این شهر نسبتاً هموار و مجتمع‌های ساختمانی آن بیشتر به قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی برمی‌گردد که محل زندگی اشراف بود و پس از انقلاب بلشویکی صادره و به خدمات دولتی اختصاص یافت. از شاهکارهای معماری در مسکو مجموعه بناهای هفت‌گانه، "هفت خواهران" است که اسرای آلمانی هم در ساخت آن سهیم بوده‌اند و هم‌اکنون این ساختمان‌ها به عنوان دانشگاه مسکو، هتل اوکراین، هتل لنینگراد، وزارت امور خارجه،

ساختمان دانشمندان و منازل افراد مشهور به کار می‌روند. کاخ‌های قرن ۱۹ میلادی و مجتمع‌های مسکونی و گنبد‌های رنگی کلیساهای کوچک متعلق به سال‌های ۱۹۳۰م و خانه‌های کبریتی از سال‌های ۱۹۵۰م در طبقات ۸ و ۹ طبقه زمان خروشیچف ساخته شده است.

گفتنی است این شهر در کنار رودخانه مسکو و در ناحیه مرکزی فدرالی در روسیه اروپایی واقع شده است. کاخ کرملین، قلعه‌ای باستانی در این شهر است که همواره محل زندگی رئیس‌جمهور روسیه و استقرار قوه مجریه این کشور است. این شهر در دوران اتحاد جماهیر شوروی نیز پایتخت آن کشور بوده است. ۴ فرودگاه بین‌المللی، ۹ ایستگاه راه‌آهن و مترو مسکو، که یکی از عمیق‌ترین تونل‌های دنیاست، در این شهر قرار دارد. تاریخ ساخت مترو در مسکو به سال ۱۹۳۷م برمی‌گردد. متروی مسکو با ۱۸۵ ایستگاه، پس از مترو توکیو بیشترین مسافران را در بین سیستم‌های مترو دنیا دارد. کلان‌شهر مسکو از نظر دارا بودن مؤسسات علمی، ورزشی و آموزشی از رتبه خوبی در سطح جهان برخوردار است، به طوری که بیش‌ترین امکانات ورزشی را در کل جهان به خود اختصاص داده است. این شهر دارای یک مجتمع حمل و نقل بین‌المللی به نام متروی مسکو است که بزرگ‌ترین شرکت تولید واگن‌های مترو در جهان است. باید دانست که در روسیه هفده اثر فرهنگی و تاریخی این کشور در لیست یونسکو به عنوان میراث فرهنگی مشترک جهانیان ثبت شده است که میدان سرخ و کاخ کرملین از جمله آنهاست، با این حال پس از جاذبه‌های طبیعی و شهری سنت پترزبورگ، متروی مسکو، ساختمان‌های هفت خواهر، مجسمه مایاکوفسکی، مجسمه‌های لنین، باغ الکساندر، پارک پیروزی، بام مسکو یا تپه گنجشک، نمای دانشگاه دولتی مسکو، میدان سرخ، مقبره ولادیمیر لنین، مجموعه کرملین و مناظر دیدنی مسکو با نورپردازی شب از دیگر جاذبه‌های شهر مسکو می‌باشد. برخی از موزه‌های مسکو نیز عبارتند از: موزه هنرهای شرق، موزه پوشکین، موزه هنرهای زیبای پوشکین (گالری جدید)، نگارخانه تریتیاکوف، موزه جنگ، موزه تاریخ، موزه پلی‌تکنیک، موزه دیرین‌شناسی (اسکلت دایناسورها)، مرکز ستاره‌شناسی، موزه معماری، موزه نیروهای مسلح، موزه تاریخ،

موزه و گورستان صومعه نوودویچی، موزه هنرهای مردمی و دکوراسیون روسیه، موزه داروین، موزه هنرهای مردمی، موزه و منزل گورکی، موزه لنین، موزه متروی مسکو، موزه کلیسای جامع پوکروفسکی، موزه پلی تکنیک و موزه تولستوی.

بر پایه توصیه برخی وبسایت‌های فعال در صنعت توریسم، بهترین زمان برای سفر به مسکو ماه‌های خرداد، تیر و مرداد است. شهریور ماه معمولاً هوا سرد می‌شود و احتمال بارندگی زیاد است. اگر می‌خواهید به قصد گردشگری به مسکو بروید، تعطیلات نوروز را انتخاب نکنید! بر خلاف سنت پترزبورگ، تقریباً در مسکو همه تابلوها و علائم به روسی نوشته شده است و به ندرت می‌توانید تابلویی را پیدا کنید که بر روی آن زبان انگلیسی نوشته شده باشد. بهتر است قبل از سفر به روسیه با الفبای این خط آشنا شوید. اگر این کار را بکنید بسیاری از تابلوها را به راحتی می‌توانید بخوانید. مسکو شهر گرانی است. فروشگاه‌ها معمولاً تخفیف نمی‌دهند. اگر پولتان از پارو بالا نمی‌رود، خیلی روی خرید در مسکو حساب نکنید. سعی کنید پول خود را در هتل تعویض کنید، حتی اگر کمی گرانتر باشد؛ یکی از سوغاتی‌ها و یادگارهای خوبی که می‌توانید از روسیه تهیه کنید، مجسمه‌های چوبی تو در تو به نام ماترویشکا است که قیمت آنها معمولاً گران نیست؛ یکی از جاهایی که می‌توانید سوغاتی‌های ارزان و با قیمت‌هایی بسیار ارزان‌تر از مراکز توریستی پیدا کنید، بازارچه اسماعیل اوفسکی است؛ این بازارچه را بیشتر تاتارها، مسلمانان چچن یا پیرزن و پیرمردهایی که از فروپاشی ناراضی هستند، می‌چرخانند. هرچند انواع بسیار گران قیمت آن نیز وجود دارد. کلاه، شال گردن و لباس‌های پوست خز و سمور به وفور و با قیمت‌های بسیار گران وجود دارند، اما اگر آنها را نپوشید مطمئناً به جایی بر نمی‌خورد. اگر کسی پوست شما را تنش بکند خوشتان می‌آید؟ پس به حیات وحش احترام بگذارید! بدانید! بعد از فروپاشی شوروی تا دلتان بخواهد کلاه بردار و دزد و کیف قاپ در مسکو وجود دارد. بسیار مواظب دارایی‌هایتان و بخصوص پاسپورتتان باشید. حتماً فراموش نکنید که مثل خیلی جاهای دیگر دنیا، در مسکو آب لوله کشی آشامیدنی نیست، مگر اینکه جوشانده شود و در ضمن سرویس‌های بهداشتی هم پولی است!

گفتنی است در روسیه انواع آب و هوا به استثنای آب و هوای مناطق استوایی را می‌توان مشاهده نمود. به علت تنوع آب و هوا، گردش‌گرانی که قصد سفر به این کشور را دارند باید قبل از سفر اطلاعات لازم در مورد وضعیت جوی را مطالعه نمایند. وضعیت هوای مسکو و سنت پترزبورگ نیز متغیر می‌باشد. هوای این دو شهر در فصل زمستان بسیار سرد و گاه تا ۲۵- تا ۳۰- درجه زیر صفر می‌رسد. فصل تابستان هم مانند هوای بهاری، لحظه‌ای آفتابی و گرم است و لحظه‌ای بارانی و خنک؛ لذا بهتر است در هنگام سفر، حتماً چند لباس گرم نیز به وسایل سفر خود اضافه نمایید و توصیه می‌شود که هرگز چتر را از خود دور نکنید!

میدان سرخ مسکو

میدان سرخ معروف ترین مکانی است که جهانیان از اتحاد جماهیر شوروی سابق و کشور روسیه فعلی بخاطر دارند. سرخ در فرهنگ کهن مردم روسیه به معنی زیبا بوده است. این میدان در مجاورت کاخ کرملین و کلیسای جامع سنت باسیل قرار دارند و بسیاری از خیابان‌های اصلی مسکو نیز به این میدان منتهی می‌شوند و این امر به گونه‌ای است که میدان سرخ میدان مرکزی مسکو و گاهی مرکز کل روسیه شمرده می‌شود. میدان سرخ درست در مجاورت رودخانه مسکو قرار دارد و اینکه کاخ کرملین را در کنار رودخانه بسازند، هم از نظر رفت و آمد آبی، هم از نظر استفاده مستقیم از آب رودخانه و هم از نظر دفاعی و نظامی امری طبیعی بوده است. این میدان با ۶۹۵ متر طول، ۱۳۰ متر عرض و مساحت تقریبی ۹۰ هزار متر مربع، پس از میدان تیان آن من در پکن، به عنوان دومین میدان بزرگ جهان شناخته می‌شود. در مجاورت میدان سرخ علاوه بر کاخ کرملین، بناها و اماکن دیگری هم وجود دارند که از آن جمله کلیسای سنت بازیل است که به دستور ایوان چهارم (مخوف) در سال ۱۵۵۰م ساخته شده است. این کلیسا پس از پیروزی و غلبه بر تاتارها، لهستانی‌ها و سوئدی‌ها و یکپارچگی روسیه ساخته شد. مجسمه دیمیتری پوژارسکی و کوزما مینین، دو مجسمه برنزی است که در سال ۱۸۱۸م توسط ایوان مارتوس ساخته و در میدان نصب گردیده است. مقبره ولادیمیر ایلیچ لنین از دیگر بناهای

مجاور میدان سرخ است. باید دانست پس از آنکه لنین در سال ۱۹۲۴م به علت بیماری درگذشت، به مانند مسیحیان ارتودوکس، او را دفن نکردند بلکه جسد او را به صورت مومیایی شده و به صورت منجمد نگهداری نمودند. بازدید از جسد منجمد لنین، چه در گذشته و چه امروز مقررات خاصی دارد. تمام وسایل اضافی، کیف، دوربین، چتر یا هرچیز دیگر را باید تحویل داد. نگهبانان متعدد در طول مسیر ایستاده و شما را هدایت می کنند. بازدید کننده از یک در وارد می شود، دور جسد می چرخد و از در دیگر خارج می شود. هیچ کس حق بلند صحبت کردن را ندارد! محوطه داخلی کاملاً تاریک است و تنها نوری بر روی صورت لنین که به صورت طاقباز باکت و شلوار و کراوات آرمیده است، می تابد. در سال ۱۹۹۱م، همزمان با اغتشاشات و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یک نفر روس منتقد، بر روی صورت لنین اسید پاشید، به طوری که نزدیک به دو سال ترمیم مجدد صورت وی طول کشید. از آن پس جسد با یک حفاظ شیشه‌ای از بازدیدکنندگان جدا شده است. سال‌های پس از فروپاشی شوروی، به اصرار کلیسای ارتودوکس، صحبت‌های زیادی درگرفته است تا جسد لنین از این حالت خارج شده و به مانند مسیحیان، دفن گردد که البته این منازعات و گفتگوها، به جایی نرسیده است!

باید دانست که کرملین یک قصر نیست، بلکه تقریباً شهری است با قریب ۲۸ هکتار وسعت، که در آن چندین قصر بزرگ و کلیسای مجلل و بیست برج به ارتفاعات مختلف ساخته شده و دیواری به قطر بین ۳/۵ و ۶/۵ متر، ارتفاع از ۱۰ تا ۲۱ و طول ۲۳۵ متر را در بر می گیرد و دارای ۷۰۰ اتاق از جمله آپارتمان‌های مسکونی خانواده شخص اول کشور بود. در سال ۱۹۶۱م عمارت جدید به نام کاخ کنگره‌ها برای اهداف نمایش تئاتر و جشن‌های عمومی به کرملین اضافه شد که سالن بزرگ آن با ظرفیت ۶ هزار نفر و وسایل صوتی برای ترجمه بیش از ۲۹ زبان در این کاخ نصب شد. این کاخ ۸۰۰ اتاق جداگانه از جمله سالن‌ها، رخت‌کن، راهرو، اتاق‌های اختصاصی برای کارمندان شخص اول کشور، اتاق مطبوعات و اتاق‌هایی برای خدمه فنی دارد. برای ساخت این کاخ فقط ۱۶ ماه وقت صرف شد و جایزه لنین به طراحان و معماران آن تعلق گرفت. در داخل کرملین کلیساهای معروفی قرار دارد.

از دیگر بناهای مجاور میدان سرخ، موزه تاریخ روسیه است. این ساختمان در سال ۱۸۷۴م ساخته شده و از سال ۱۸۹۰م به عنوان شورای شهر مورد استفاده قرار گرفته و سپس به موزه تاریخ تبدیل شده است. در پشت این ساختمان و در مقابل میدان مائز، مجسمه مارشال گئورگی کنستانتینویچ ژوکوف بر روی اسب قرار دارد. این مارشال در زمان جنگ دوم جهانی، فرمانده نظامی شهیر ارتش شوروی بود که برلین را به سال ۱۹۴۵م فتح کرد. کلیسای کوچک قازان در گوشه میدان سرخ نیز، کلیسایی بود که به دستور استالین تخریب گردید تا حرکت سربازان در هنگام رژه بهتر صورت پذیرد؛ اما بعد از فروپاشی، کلیسا به شکل اولیه مجدداً ساخته شد. مرکز تجاری گوم در کنار میدان، قدمت زیادی دارد. پس از بازپس‌گیری مسکو از سپاه ناپلئون، روس‌ها تصمیم گرفتند خرابی‌های ناشی از جنگ را ترمیم یا دوباره بازسازی کنند. به همین دلیل مرکز تجاری بزرگ مسکو به نام کیتای گورود را دوباره بازسازی کردند. میدان سرخ محل رژه و اجرای مراسم رسمی دولت روسیه و اتحاد جماهیر شوروی بوده است. مهمترین رژه‌های تاریخی که در این میدان انجام شده یکی به سال ۱۹۴۱م و دیگری به جشن پیروزی در سال ۱۹۴۵م برمی‌گردد.

بنیاد بین المللی ایران‌شناسی در مسکو

بنیاد ایران‌شناسی در مسکو یک نهاد غیر تجاری روسی-ایرانی است که در ۱۸ ژانویه سال ۲۰۰۸ به ثبت وزارت دادگستری فدراسیون روسیه رسیده است. بنیانگذاران این تشکیلات عبارتند از استادان یزوف، روبینچیک، واسکانیان، پریگارینا، کامنسکی و مهدی ایمانی پور. هدف اصلی تاسیس بنیاد ایران‌شناسی بررسی و حمایت از جریان ایران‌شناسی روسیه، ایجاد ارتباط علمی بین دانشگاه‌ها و مراکز علمی دو کشور روسیه و ایران حول تحقیقات ایران‌شناسی و ارائه شناخت درست از فرهنگ و تمدن غنی ایران می‌باشد که در نهایت به ارتقاء روابط دوستانه دو کشور و دو ملت نیز کمک می‌نماید. از سال ۲۰۱۱م فعالیت‌های علمی و فرهنگی بنیاد به صورت جدی آغاز گردیده است. در این سال دکتر محسن حیدرنیا

و دکتر ابوذرا ابراهیمی نیز به اعضای اصلی بنیاد اضافه شدند تا ترکیب ایرانی این نهاد پررنگ‌تر گردد. دکتر حیدرنیا دارای دکترای فرهنگ و تمدن ایران و اسلام، با موافقت رسمی اعضا به ریاست این بنیاد برگزیده شده است.

محورهای اصلی فعالیت‌های بنیاد بین‌المللی ایران‌شناسی مسکو:

الف) شناسایی و تحقیق و ترجمه و معرفی نسخ خطی فارسی و آرشیه‌های اسناد فارسی به جامعه علمی روسیه.

ب) شناسایی و تحقیق و ترجمه و معرفی آثار ایران‌شناسان روسیه از آغاز تا کنون به جامعه علمی ایران؛

ج) شناسایی و تعامل نظام‌مند و تعاطی علمی و حمایت از ایران‌شناسان و کمک به پرورش نسل جدید ایران‌شناسان.

ایرانیستیکا مجله علمی بنیاد است که به انعکاس تحقیقات دانشمندان روسیه و ایران در ۱۰ موضوع فوق‌می‌پردازد و هر ساله دو بار روسی و فارسی همراه با خلاصه انگلیسی مقالات منتشر می‌گردد. بسیاری از دانشمندان شناخته شده دو کشور روسیه و ایران از اعضای هیأت مشاوره و تحریریه این مجله می‌باشند.

باید افزود که بنیاد بین‌المللی ایران‌شناسی در مسکو وابسته به رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روسیه، در راستای اهداف خطیر خود، از مدتها پیش، در نظر داشت برای بهره‌مندی بیش‌تر پژوهشگران ایرانی، فهرست‌های نسخ خطی فارسی و تاجیکی را به زبان فارسی برگرداند و با همکاری کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله در شهر قم چاپ و منتشر سازد. پیرو آن، در طی یک مدّت زمان بندی شده، زیر نظر استاد دکتر حیدرنیا، رئیس بنیاد ایران‌شناسی و به اهتمام جمعی از دانشجویان فعال ایرانی مقیم روسیه همچون خانم‌ها اسماعیلی و دهقان و همچنین آقای نصیری، این ۹ جلد فهرست، با اندکی تلخیص، به فارسی ترجمه گردید. بر پایه مذاکراتی که پیش‌تر با جناب دکتر ابراهیمی ترکمان، رایزن فرهنگی صورت گرفته بود، قرار بر این شد، استاد صدرایی و اینجانب، ترجمه فارسی این فهرست‌ها را، بر اساس استانداردهای فهرست‌نگاری، مورد بازبینی مجدد قرار دهیم و تا آنجایی که شرایط و فرصت حضور ما در روسیه، اجازه دهد، داده‌های این فهرست‌ها را با اصل نسخه‌های خطی فارسی موجود در انستیتو دستنویس‌های شرقی آکادمی علوم روسیه

تطبیق داده و اشکالات را به حداقل برسانیم. و در حقیقت، این سفر، برای بررسی این نسخ، صورت گرفت و در کنار آن وظیفه، توفیق حاصل گردید با برخی پژوهش‌های روس‌ها، ظرفیت‌های علمی و منابع پژوهشی این کشور پهناور، از نزدیک آشنا شویم.

بنیاد مطالعات اسلامی در روسیه

بنیاد مطالعات اسلامی در سال ۲۰۰۷م با همکاری جمعی از فرهیختگان جامعه علمی و متخصصان فرهنگ اسلامی، علم و فلسفه، در سال ۲۰۰۷م در روسیه رسماً تأسیس یافته است. بنیانگذاران این نهاد عبارتند از: استاد برجسته زبان و ادبیات عرب و معاونت علمی انستیتو نسخ خطی شرقی آکادمی علوم روسیه، شعبه سنت پترزبورگ، آقای دکتر استانیسلاو ام. پروزروف، آقای دکتر حمید هادوی مقدم، مدرس پیشین دانشگاه تهران و آقای مهدی ایمانپور، رایزن پیشن جمهوری اسلامی ایران در روسیه می‌باشند که با همکاری مراکز تحقیقاتی داخلی و خارجی در مسکو فعالیت دارند. رسالت اصلی بنیاد پژوهش و مطالعه در فرهنگ و اندیشه اسلامی است؛ باید توجه داشت که فرهنگ اسلامی، به عنوان بخشی مهم از فرهنگ جهانی، نیز جزئی از تمدن روسیه نیز می‌باشد. این بنیاد، بر آن است که با مطالعه بی‌طرفانه فرهنگ اسلامی، نقشی مهم در عرصه علمی، سیاسی و استراتژیک و نیز حفظ تعادل بین گرایش‌های مذهبی و تمدنی و ایجاد درک متقابل میان مردم، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها ایفا نماید. ریاست این بنیاد بر عهده دکتر حمید هادوی می‌باشد.

این بنیاد در راستای اهداف خویش، تاکنون ده‌ها جلد کتاب، سالنامه و نشریه به زبان روسی منتشر نموده است که نشریات *اشراق* و *مسلمانانکا* نمونه‌هایی از این نوع فعالیت‌ها می‌باشد. نشریه *اشراق* عنوان سالنامه‌ای است که با هدف معرفی و توسعه پژوهش‌های آکادمیک فلسفه و عرفان اسلامی به ویژه در روسیه، از سوی بنیاد مطالعات اسلامی و با همکاری انستیتوی فلسفه آکادمی علوم روسیه و مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، به زبان‌های روسی، انگلیسی و فرانسوی، در مسکو منتشر می‌شود و تاکنون (۲۰۱۲) سه شماره از آن به چاپ رسیده است که سه شماره نخست آن، عمدتاً با محوریت ابن عربی و شیخ اشراق بوده و بنا به گفته استاد پروزروف، شماره چهارم این نشریه نیز اختصاص به مباحث اسماعیلیه خواهد داشت.

مجله مسلمانکا (زن مسلمان) نیز عنوان نشریه زنان مسلمان روسیه است که به صورت فصلنامه از سوی بنیاد مطالعات اسلامی با همکاری شورای مفتیان روسیه منتشر و به جامعه زنان مسلمان روسیه برای مخاطبان روس به صورت تمام رنگی عرضه می‌شود. این نشریه به تبیین فرهنگ اسلامی در رابطه با زنان و جایگاه آنان در جامعه و بررسی مباحث مربوط به زنان، خانواده، تربیت فرزندان، اخلاق و معنویت و هویت زن مسلمان و مسائل معاصر آنان می‌پردازد. از این نشریه تاکنون (اوت ۲۰۱۲) چهارده شماره در مسکو منتشر و توزیع شده است.

رایزنی فرهنگی ایران در روسیه

امروز (دوشنبه ۱۹ تیر) در روز نخست ورودمان به روسیه، پس از استراحت، همراه استاد صدرایی، دیداری صمیمانه با رایزن محترم فرهنگی ایران داشتیم. در این دیدار، این کمینه، چند جلد کتاب از آثار خود، شامل دو جلد فهرست کتب چاپ سنگی کتابخانه مرحوم محدث ارموی در قم که با همکاری آقای ذوقی نگاشته‌ایم، دیگری فهرست نامه ایران که کتابشناسی فهارس نسخ خطی کتابخانه ایران است به همراه نسخه‌ای از کتاب تازه انتشار خود با عنوان جستاری درباره اسلام و تشیع در اروپا (با تأکید بر تشیع در آلمان) به انضمام سوغاتی از قم را تقدیم داشتیم، که متقابلاً تشکر نمودند. در ادامه، گفتگوهایی پراکنده ولی ارزشمند درباره ایران و روسیه صورت گرفت که شخصاً بسیار استفاده کردم و انصافاً رایزن کشورمان را بسیار دانشمند، فرهیخته، پر اطلاع و پر مطالعه یافتم، دیدگاه‌های بسیار جالبی، نسبت به روسیه داشت که شایسته توجه است، مثل این مورد که شالوده و خمیرمایه نگاه‌ها و تحلیل‌های امروز جامعه ایران نسبت به روسیه از جنس همان نگاه دیروز به شوروی است، با اینکه حقیقتاً روسیه، دیگر شوروی نیست! در این هنگام که فرزند آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی (رئیس دانشگاه شیخ مفید در قم) و آقای فاضل میبدی که عصر عازم ایران بودند، نیز به جمع ما پیوسته بودند، ایشان از خاطرات عبدالحسین مسعود انصاری سخنانی گفتند و توصیه داشتند که مطالعه این اثر (زندگانی من) برای همه افراد، بخصوص آنهایی که در با روسیه در ارتباطند، یک ضرورت است.

ایشان در ادامه همچنین از وجود ده‌ها هزار سند مربوط به تاریخ ایران معاصر، مانند اسناد مربوط به نهضت جنگل، جریان پیشه‌وری و حزب توده ایران در مراکز آرشیوی روسیه صحبت کردند که بایستی با فرایندی، این منابع ارزنده، در چرخه پژوهشی ایرانیان قرار بگیرد. وی در ادامه همچنین از ابوالقاسم لاهوتی، شاعر کمونیست ایرانی مقیم مسکو، سخن گفتند و اینکه فرزندش چگونه تا مقام وزارت فرهنگ روسیه رسید. ایشان همچنین درباره گزارش لاهوتی از نسخ خطی فارسی تاجیکستان و روسیه، که جایی ارائه شده است، مطالبی ارزنده بیان داشتند. ایشان همچنین در بخشی، از اینکه راقم، فردی ساکت و کم صحبت هستم، تعجب کرده و گفتند مشهور است که تا مرد سخن نگفته باشد/ عیب و هنرش نهفته باشد! عرض کردم: «چنین نیست بنده حقیقتاً از مطالب شما استفاده می‌کنم، اما شما کی اجازه سخن به بنده دادید؟!»

خوشبختانه، دکتر ابراهیمی، مطالعات زیاد و متنوعی در موضوعات ادبی، سیاسی و تاریخی داشته و دارند و هم اینکه حقیقتاً حافظه قوی و ذوق خاصی در نوع بیان مطالب دارند و حتی گاهی برای جا انداختن مطالب از عین عبارات به زبان ترکی ملیح خود بهره می‌گرفتند که شنونده، حقیقتاً لذت می‌برد، یا به گونه‌ای خاص در میانه سخن خود، به جا، از ابیات نغزی بهره می‌جستند که حاکی از مطالعات گسترده ایشان در موضوعات متنوع ادبی بوده است، از جمله ابیاتی که بیان نمودند، این بیت زیبا بود که تاکنون نشنیده بودم و سخت به دلم نشست!

آسمان رشک برد بهر زمینی که در او / دو نفر، یک دو نفس بهر خدا بنشینند.
از دکتر ابراهیمی ترکمان، تاکنون، چندین کتاب از جمله: لطیفه‌های قرآنی ناشر (تهران ۱۳۸۳)، حکایت ۳ شهر در خصوص شهرها و مشاهیر اسلامی خراسان بزرگ (ترکمنستان)، داستان دانشوران، به زبان روسی (تهران ۲۰۰۳)، حکیمان شرق، به زبان روسی (داغستان ۲۰۰۹)، ایران، اسلام روسیه، زمان درک یکدیگر، به زبان روسی (مسکو ۲۰۰۹)، اسرار ایران باستان، به زبان روسی (مسکو ۲۰۱۰) و ... و همچنین بیش از یکصد مقاله به زبان‌های فارسی، انگلیسی، روسی، ترکمنی و ترکی استانبولی در موضوعات سیاسی، دینی، تاریخی و ادبی با عناوینی همچون:

"شهر اورگنج، آثار تاریخی و مشاهیر آن" (رک. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۱، پاییز ۱۳۷۹، صص ۱۱۳-۱۲۶ و نسیم بخارا، ش ۴، تابستان ۱۳۸۶، صص ۲۵-۳۲)، "مسجد گوک تپه، ترکمنستان"، "فرهنگ کتابخوانی در میان روس‌ها" (رک. اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی، ش ۸، خرداد ۱۳۸۷، صص ۸-۹)، "چرایی و چگونگی تعاملات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با روسیه"، "نقش فرهنگ در روابط ایران و آسیای مرکزی"، "وهابیت در روسیه"، "سیاست‌های جدید فرهنگی روسیه"، "کلیسای ارتدوکس روسیه؛ ساختار و فعالیت‌های آن"، "فعالیت‌های فرهنگی امریکا در ترکمنستان"، "بلعیده شدن آسیای میانه و غفلت ما"، "رقابت‌های فرهنگی در آسیای مرکزی و قفقاز"، "آسیای مرکزی، بهشت فرهنگسازی ایران"، "نقش فرهنگ در توسعه روابط ایران با کشورهای آسیای مرکزی"، "ایران و ترکمنستان بعد از نیازاف"، "ضرورت تحکیم روابط سیاسی و فرهنگی ج.ا.ایران با ترکمنستان"، "تروریسم در اسناد بین‌المللی (نگاهی به راه‌های پیشگیری از وقوع آن)"، "روسیه، شوروی نیست!"، "ایورد سهره یا سهر" (رک. مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۳۸، تابستان ۱۳۸۱، صص ۱۵۵-۱۶۴)، "مقیم رتبه دیدار" (رک. کیهان فرهنگی، ش ۱۸۳، دی ۱۳۸۰) و آثار در حال نگارش، همچون: اسلام، مسلمانان و تشیع در روسیه، بخشی از کارنامه علمی این رایزن فرهیخته کشورمان در روسیه می‌باشد. گفتنی است محل اسکان ما طبقه فوقانی ساختمان رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو نزدیک خیابان اصلی پروسپکت میرا می‌باشد که اتاق‌های آن طبقه جملگی به اهتمام این رایزن تیزبین و پرکار، ساخته شده است، چیزی که عموماً در مأموریت‌های رایزن‌ها، کمتر مشاهده شده است!

باید افزود که رایزن‌کاردان و لایق ایران، مدتی پیش در خصوص مسائل مختلف فرهنگی، از جمله برنامه‌های انجام گرفته از سوی رایزنی در حوزه نشر آثار اسلامی و ادبی، با خبرگزاری مهر مصاحبه‌ای جالب انجام داده بودند که نقل بخش‌هایی از آن، در این نوشتار، خالی از لطف نخواهد بود، ایشان می‌گویند: «وقتی در سال ۱۹۹۱م فروپاشی رخ داد، فدراسیون روسیه ۱۵۴ میلیون نفر جمعیت داشت و ۸ میلیون هم مهاجر به آنها افزوده شد؛ از جمعیت کل آن سرزمین در آن زمان

۱۳ میلیون نفر مسلمان بودند. امروز جمعیت کل به ۱۴۰ میلیون نفر رسیده، که ۳۰ میلیون آنها مسلمان هستند که این نشان از اقبال مردم به اسلام دارد». وی با اشاره به اینکه در روسیه همزیستی مسالمت‌آمیزی بین مسلمانان و مسیحیان و همچنین پیروان مذاهب اسلامی وجود دارد، بیان کرد: «مسلمانان و ارتودوکس‌ها به یک درک متقابل از هم رسیده‌اند و اختلافی بین آنها و همچنین پیروان مذاهب مختلف اسلامی هم وجود ندارد. مردم روسیه شیعیان را افرادی خردگرا می‌دانند که در هیچ ناآرامی هم دست نداشته‌اند».

رایزن فرهنگی ایران در روسیه، در بخش دیگری، به فعالیت‌های ادبی رایزنی در روسیه نیز پرداخته، می‌افزاید: «از سال ۱۸۰۵م که نخستین اثر فارسی به روسی ترجمه شده، ۱۰۰ سال گذشت، تا اینکه نخستین اثر روسی به فارسی ترجمه شد. پیش از انقلاب اسلامی، اتحاد جماهیر شوروی، در ایران رایزنی داشت، ولی ما نداشتیم ولی پس از انقلاب ایران، این اتفاق برعکس شد و البته این روزها تدارکات آغاز به کار رایزنی روسیه در ایران چیده شده است. از زمانی که ما در روسیه رایزنی داشته‌ایم، تاکنون ۱۶۰ عنوان اثر را به روسی ترجمه و در آن کشور منتشر کرده‌ایم که ترجمه دفاتر شش‌گانه مثنوی معنوی، یکی از شاخص‌ترین آنهاست که پیش‌تر هم در فدراسیون روسیه، به عنوان کتاب سال انتخاب شد؛ همچنین این کتاب در سال ۱۳۸۷ جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی را به عنوان بهترین ترجمه، به خود اختصاص داد؛ این اثر از جمله آثاری بود که در روسیه مورد اقبال قرار گرفته است. توافقاتی با انتشارات سمت انجام شده و کتاب‌های زیادی را ترجمه کرده یا در دست ترجمه داریم. همچنین کتاب‌هایی از انتشارات امیرکبیر، از جمله مجموعه قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، اثر زنده‌یاد مهدی آذریزدی را نیز در دست آماده‌سازی داریم که این مجموعه به صورت کتاب صوتی هم منتشر می‌شود». به گفته وی کتاب‌های شهید مطهری از دیگر عنوان‌هایی است که به زبان روسی ترجمه و در آن کشور منتشر شده است.

رایزن فرهنگی ایران در روسیه دیگر تلاش انجام شده برای معرفی آثار ادبی ایرانی به مردم روسیه را ایجاد بانک اطلاعات و کتابخانه دیجیتال عنوان نمود و گفت:

«ما سعی کردیم کتاب‌های ایرانی که از سال ۱۸۰۵م به روسی ترجمه شده را گردآوری کرده و با دیجیتال‌سازی آنان، قصد داریم با همکاری مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی کتابخانه دیجیتال از آثار ایرانی ترجمه شده به روسی را برای استفاده مردم روسیه معرفی کنیم. اکنون هر ماه به عنوان کتاب‌های این کتابخانه دیجیتال اضافه می‌شود و از آنجا که مردم روسیه از کتابخوان‌ترین‌ها هستند در کنار توجه به کتاب در معنای سنتی آن، اقبال خوبی به این کتابخانه دیجیتال و آثارش هم دارند».

وی ترجمه و انتشار کتاب زندگی و آثار خیام به قلم علی ولایتی را از دیگر برنامه‌های در دست اجرای رایزنی فرهنگی دانسته و تبیین کرد: «ترجمه این کتاب به پایان رسیده و مراحل فنی چاپ در دست انجام است. در ضمن یکی از کتاب‌های انتشارات سمت در ۵ جلد، به عنوان منبع دانشجویان روس فارسی‌آموز در حال چاپ است که جلد نخست آن به زودی منتشر می‌شود. باید بیفزایم که همه این کتاب‌ها با سرمایه و هزینه ناشران روسی منتشر می‌شود و ما تنها تعدادی از این نسخه‌ها را می‌خریم و در مراکز علمی و کتابخانه‌ای و یا مراسم‌های ویژه توزیع می‌کنیم».

ابراهیمی چگونگی انتخاب کتاب‌ها را متناسب با نیاز مخاطبان روسی دانسته و گفت: «وقتی یک ناشر احساس کند کتابی مخاطب دارد روی آن سرمایه‌گذاری می‌کند و آنها احساس کرده‌اند کتاب‌هایی که نیاز ۳۰ میلیون مسلمان کشورشان را فراهم کند در ادبیات ایران موجود است. همچنین به ادبیات کلاسیک ما هم علاقمند هستند و اذعان دارند که در بین کشورهای منطقه ادبیات ایران دارای مزیت است. واقعیت این است که ۷۰ سال روس‌ها در ایران فعالیت فرهنگی داشتند که در آن بازده زمانی، ما در کشور روسیه حضور فرهنگی نداشتیم و حال ما هر فعالیتی داشته باشیم، باید به اندازه‌ای باشد که آن ۷۰ سال را هم پوشش دهد و جبران کند. ما باید نقاط قوت خود را بشناسیم و بدانیم چه مزیت‌هایی از ما برای روس‌ها مهم‌تر است و روی آنها بیشتر سرمایه‌گذاری کنیم؛ البته الحمدلله با تفاهم نامه‌های امضا شده مسئولان عالی‌رتبه دو کشور راه برای رسیده به این هدف هموارتر شده است»^۱.

باید بیفزاییم که در هفته نخست اقامت بنده و استاد صدرایی در ساختمان راینزی فرهنگی ایران، افزون بر توفیق مصاحبت با دانشمند معزز دکتر ابراهیمی ترکمان، با جنابان دکتر اردبیلی، رئیس دانشگاه مفید قم و دکتر فاضل میبیدی از اساتید دانشگاه، که تازه از سفر سنت پترزبورگ به مسکو برگشته بودند و شب عازم ایران بودند، دقایقی پیرامون مسائل مختلف روز ایران و روسیه تبادل نظرهایی کردیم که برای بنده بسیار مفید و ارزنده بود. همچنین در میانه هفته، دوستان عزیز از ایران تشریف آوردند که مصاحبت با آنها به شب‌های نقره‌ای مسکو، حال و هوای خاصی بخشید؛ آقایان نوراللهی به همراه فرزندش آقا مصطفی و آقای قبادلو به همراه فرزندشان آقا مرتضی برای یک سفر تفریحی به روسیه آمده بودند که البته به جهت محدودیت زمانی و اشتغال قهری ما در موضوع نسخ خطی فارسی در بنیاد ایران‌شناسی، توفیق مصاحبت با دوستان اندک بود؛ البته این کمترین و استاد صدرایی، تمایل داشتیم، به جهت اشتغال جناب قبادلو در مرکز بین‌المللی مخطوطات اسلامی و همگرایی با برنامه ما، بیش‌تر در خدمت ایشان باشیم و اگر بشود در دیدارها از اماکن فرهنگی و مراکز علمی در مسکو و سنت پترزبورگ، در زمینه اشتراک گذاری آگاهی‌ها، بخصوص در حوزه نسخ خطی، بیش‌تر بهره ببریم؛ ولی شوربختانه بجز موارد نادر که در معیت جناب ذوقی، کنار هم قرار داشتیم، عملاً محدودیت‌ها مانع از تحقق این امر گردید، به هر تقدیر به همین اندک مصاحبت با این عزیزان نیز، شخصاً بهره‌ها بردم.

مرکز ادبیات شرق کتابخانه دولتی روسیه

امروز روز سه‌شنبه بیستم تیرماه، به اتفاق آقایان صدرایی و لایق، با مترو به بنیاد رفتیم و الحمدلله به عین لطف استاد، جناب آقای سید محمد اصفیایی، که آشنائی مختصرم با الفبای روسی مدیون اوست، توانستم با هجی آدرس‌ها به روسی، مسیر رفت و برگشتمان به ساختمان راینزی را فرا گیرم. دفتر بنیاد ایران‌شناسی مسکو در خیابان نیکولایامسکایا (شماره ۱، طبقه چهارم) در دویست متری ایستگاه متروی تاگانسکایا (خط متروی قهوه‌ای حلقوی) کنار یکی از ساختمانهای مشهور به هفت خواهران، ضمن مجموعه‌ای فرهنگی متعلق به ژاپن، انگلستان و فرانسه

و برخی کشورهای دیگر و نیز کتابخانه ادبیات خارجی قرار دارد. ورودی بنیاد ایران شناسی، بدون اشاره به میراث و تمدن کهن اسلامی و شیعی ایران، تنها به تابلوها و عکس‌هایی از دوره هخامنشی زینت یافته است. کتابخانه بنیاد، حاوی بیش از ده هزار جلد کتاب به زبان‌های فارسی، روسی، عربی و غیره مربوط به فرهنگ ایران زمین است که در حال تکامل است. دو دانشجوی ایرانی، آقای شهبازی که در رشته نفت و گاز اشتغال به تحصیل دارد و سید حسین موسویان که دانشجوی ادبیات زبان‌های باستانی ایران، با این بنیاد همکاری می‌کنند که دانشجوی اخیر پیش‌تر عضو تیم ملی تکواندو در ایران و از چهره‌های مطرح ورزش کشور در سطح بین‌المللی نیز بوده است. استاد دکتر حیدر نیا، با خوشرویی تام، به گرمی از ما استقبال می‌نماید و ضمن خوش‌آمدگویی و پذیرایی، گزارشی از روند تشکیل و فعالیت‌های بنیاد ایران‌شناسی ارائه می‌دهند که عمدتاً فوقاً اشاره گردید. در ادامه این کمترین نیز تعدادی از تألیفات ناچیز خود را، جهت استفاده محققان روسی و ایرانی مقیم روسیه، به کتابخانه عامره بنیاد ایران‌شناسی، تقدیم می‌نمایم؛ این آثار عبارت بودند از: معجم الآثار المخطوطة حول أمير المؤمنين علی بن أبي طالب عليه السلام في مکتبات العالم، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس (جلد ۱/۴۰)، فهرست نسخه‌های خطی ترکی کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، کتاب‌شناسی فهرس دستنویس‌های اسلامی کتابخانه‌های جهان، فهرست‌نامه ایران، گلگشت و کتاب تازه انتشار جستاری درباره اسلام و تشیع در اروپا، با تأکید بر تشیع در آلمان و البته استاد صدرایی نیز چند جلد از آثار تألیفی خود را به کتابخانه بنیاد، اهدا نمودند. در ادامه با حضور دکتر حیدر نیا، استاد صدرایی و راقم سطور، جلسه‌ای با خانم اسماعیلی (مترجم جلد چهارم فهرست نسخ خطی فارسی)، برگزار گردید و به فراخور زمان، بخش‌هایی از متن ترجمه فارسی با متن روسی فهرست، تطبیق و مورد بررسی قرار گرفت و رهنمودهای لازم برای تکمیل کار، به ایشان، ارائه گردید. از آنجا که طبق هماهنگی قبلی، امروز می‌بایست از چند مرکز فرهنگی در مسکو دیداری داشته باشیم، ادامه بررسی فهرست‌های ترجمه شده، به جلسه بعدی موکول گردید.

ساعت یازده صبح برای بازدید از مرکز ادبیات شرق کتابخانه دولتی روسیه (لنین سابق)، به همراه استاد صدرایی، دکتر محسن حیدرنیا، آقای فتح الله ذوقی، آقای سید حسین موسویان، خانم آیدا سوبولوا و راقم، پس از طی مسافتی با مترو، ابتدا از ایستگاه لنین وارد میدان بزرگی شدیم که مجسمه فتودور داستایوفسکی در آن قرار داشت و طبق معمول کبوتری بر سر وی نشسته بود! سپس از گوشه‌ای، وارد این مجموعه ارزشمند شدیم و با استقبال گرم کارمندان علمی این بخش، بخصوص خانم ماریا و خانم دکتر گولتکین شامیلی، از محققان به نام این مرکز، روبه‌رو شدیم. خانم شامیلی ضمن خوش آمدگویی و ابراز خرسندی از حضور ما در این مرکز، آخرین تحقیقات علمی شخصی خود را در مورد موسیقی سنتی ایران ارائه دادند. تز دکتری ایشان یک رساله موسیقی به فارسی با مؤلفی ناشناخته بوده است که در باکو به شماره M-251 نگهداری می‌گردد. خانم شامیلی اصالتاً اهل آذربایجان و شهر باکو است و هر از گاهی با وی به ترکی هم صحبت می‌کردیم. ایشان در ادامه بازدید، تصویری از نسخه خطی فارسی رساله در علم موسیقی را که خودشان بخش‌هایی از آن را تصحیح کرده‌اند، به آقای دکتر حیدرنیا تقدیم نمودند. او همچنین از ما درخواست نمودند تا در صورت امکان، تصویر نسخه کاملی از این نسخه خطی که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی است، نگهداری می‌شود برایش ارسال کنند و بنده هم قول دادم که آن را یافته و برای ایشان بفرستم؛ خوشبختانه دوست دانشمندم آقای ذوقی، که در بنیاد مطالعات اسلامی مسکو فعالیت دارد و همراه ما در این دیدار حضور داشتند، قبول زحمت نموده تا یکی دو روز آینده از طریق سایت کتابخانه مجلس مشخصات نسخه را جستجو نموده، اخذ و به ایشان تحویل بدهند.

مرکز ادبیات شرق، بخشی از کتابخانه دولتی لنین، در حدود هشتصد هزار کتاب دارد که از این تعداد، حدود بیست و دو هزار مجلد آن به فارسی است که از این تعداد حدود ده هزار عنوان کتاب و یازده هزار عنوان نیز نشریه به زبان فارسی است. در این مرکز، از ۲۲۰ زبان آسیایی و آفریقایی کتاب وجود دارد که در نوع خود کم‌نظیر است. این مرکز دارای بخش تخصصی ایران، شبه قاره، آفریقا، آسیای مرکزی و بخش آسیایی است. این مرکز دارای ۲۵ نفر کارمند است که متوسط سطح تحصیلات آنان بین دیپلم تا فوق لیسانس است و تنها فرد دارای مدرک دکتری که با این مرکز همکاری دارد، خانم دکتر شامیلی است.

سپس همگی با راهنمایی خانم شامیلی به سمت اتاق نسخه‌های چاپ سنگی و چوبی رفتیم. در این اتاق آثار نفیس و ارزشمندی از ادبیات و متون علمی ایران به چشم می‌خورد، از جمله مثنوی معنوی مولوی چاپ سنگی به سال ۱۸۵۲م در لندن؛ از نکات جالب توجه این اثر دو زبانه بودن آن بود؛ در ستون سمت راست ابیات فارسی و در ستون سمت چپ نیز ابیات ترکی از سلیمان افندی آمده است. یکی دیگر از آثار چاپ سنگی، زیچ‌الغ بیک بن شاهرخ بن تیمور بود که در سال ۱۶۶۵م در آکسفورد به چاپ رسیده بود. فرهنگ چهار زبانه فارسی، فرانسه باستان (گلی)، لاتینی و ایتالیایی از آثار برجسته این مجموعه بود. این کتاب توسط کشیش کرمیلت آنجلو ژوزف (سفیر اسپانیا در اصفهان)، هنگامی که در زمان سلطنت شاه سلطان حسین صفوی، مقیم اصفهان بوده، تألیف گردیده و در سال ۱۶۸۴م در آمستردام هلند به چاپ رسیده است. در این اتاق همچنین، شاهنامه‌ای از محمد بن محمد اشرفی، سفیر وقت ایران در روسیه تزاری به چشم می‌خورد به نام شاهنامه همایونی و در زمان کاترین دوم و در مدح او سروده شده است. در این کتاب که در سال ۱۷۹۳م به چاپ رسیده است، از یهودیان کریمه و گروه قرائم سخن رفته است. دیوان حافظ شیرازی چاپ سال ۱۷۹۱ کلکته؛ گلستان سعدی چاپ سال ۱۸۰۹ لندن؛ کتاب مارک آورلی آنتونین امپراطور روم به فارسی، چاپ سال ۱۸۳۱م روسیه و ترجمه فارسی تحریر اقلیدس خواجه نصیرالدین طوسی که در سال ۱۸۲۴م در کلکته به چاپ رسیده، از دیگر کتب چاپ سنگی به نمایش گذاشته در این بخش بوده است.

در قفسه‌های کتب این بخش، کتاب‌های ارزشمندی وجود داشت که برخی تاکنون به نظر نرسیده بود. گفتمنی است در بنیاد ایران شناسی مسکو کتابی با عنوان کتاب‌شناسی و مقاله‌شناسی تحقیقات ایرانی در روسیه مربوط به سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۶۷م دیده بودم که در آن عناوین حدود ده هزار مقاله و کتاب گزارش شده بود، اینجا هم در مرکز ادبیات شرق، گفتند بخش بعدی این پژوهش سترگ، مشتمل بر مقالات و کتب منتشر شده درباره تحقیقات ایرانی در روسیه بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۱م وجود دارد، که به این ترتیب تمامی عناوین و مشخصات مقالات و کتب منتشر شده در دوره اتحاد جماهیر شوروی را پوشش خواهد داد. خوشبختانه

در سفر سنت پترزبورگ هم متوجه شدیم، در چند سال اخیر کتابی در همین زمینه منتشر شده و در آن عناوین مقالات و تحقیقات ایران شناسان روسی از آغازین سال‌های خاورشناسی در روسیه تا سال ۱۹۰۵م گزارش شده است و البته الحمدلله نسخه‌ای از آن توسط یکی از ایران شناسان شاغل در انستیتو نسخ خطی شرقی آکادمی علوم، به استاد صدرایی نیا اهدا گردید. به این ترتیب این سه جلد کتابشناسی و مقاله‌شناسی آینه‌ای جامع از پژوهش‌های ایرانی منتشر شده در روسیه خواهد بود که به نظر می‌رسد در مجموع آن سه جلد، عناوین بیش از ۲۵۰۰۰ مقاله و کتاب گزارش شده باشد.

باید افزود بعد از بازدید از بخش نسخه‌های چاپ سنگی و چوبی، به سمت مخزن کتاب و نشریات فارسی رفتیم. در این بخش ابتدا بازدید کوتاهی از برگه‌دان‌های کتابخانه صورت گرفت؛ کتوهای آبی رنگ فهرست موضوعی کتاب‌ها و کتوهای سفید رنگ نیز بر اساس مؤلف و عنوان کتاب تنظیم شده بودند؛ متأسفانه به دلیل کمبود اعتبارات مالی، این فیش‌کارت‌ها، هنوز رایانه‌ای نشده‌اند. عدد هفده در این گنجینه، اختصاص به آثار فارسی دارد. گفتنی است مرکز ادبیات شرق کتابخانه دولتی روسیه، به طور متوسط روزانه پذیرای ۱۰-۱۵ پژوهشگر مطالعات ایران‌شناسی و شرق‌شناسی است و این بخش به جز یکشنبه‌ها، همه روزه، از ساعت ۱۰ صبح تا ۶ عصر بر روی پژوهشگران باز است. به جهت نفاست آثار، کتب این بخش فقط برای مطالعه در این بخش است و امکان امانت دهی نیست.

کتابخانه دولتی روسیه (ننین سابق)

روز چهارشنبه بیست و یکم تیرماه، همراه همان دوستان دیروز، طبق هماهنگی قبلی، وارد کتابخانه‌ی دولتی روسیه شدیم؛ کتابخانه‌ای که چند روز پیش از سفر، یعنی یکم ژولای سال ۲۰۱۲، یادمان یکصد و پنجاهمین سالروز تأسیس کتابخانه دولتی روسیه برگزار شده بود. در برخی منابع روی خطی^۱، گاهی از این کتابخانه، تعبیر به

«کتابخانه ملی روسیه» شده که اگر اطلاقی حقیقی باشد، طبعاً «کتابخانه ملی روسیه» در سنت پترزبورگ» به عنوان دومین کتابخانه ملی روسیه خواهد بود؛ بر این پایه، فدراسیون روسیه تنها کشوری در جهان خواهد بود که دارای دو کتابخانه ملی می‌باشد! بنیاد کتابخانه دولتی به سال ۱۸۲۸م و مجموعه کتاب‌های گراف^۱ نیکلایا پتروویچ روماننسنف (۱۷۵۴-۱۸۲۶م)، کنسول روسیه و فرزند فرمانده ناوگان روسیه، سرچشمه می‌گیرد که شامل بیش از ۲۸ هزار کتاب، ۷۱۰ نسخه خطی و ۱۰۰۰ نقشه در موضوع تاریخ روسیه می‌گردید و آنها در سنت پترزبورگ در موزه‌ای به نام وی جمع آوری شده بود. از آنجا که در آن مقطع تاریخی، مسکو فاقد کتابخانه‌ای خوب بود، در سال ۱۸۶۱م با ابتکار مردم روسیه، موزه روماننسنف و مجموعه کتاب‌های آن به خانه پاشکوف در مسکو منتقل گردید و یک سال بعد هم در یکم ژولای سال ۱۸۶۲م همراه جشن باشکوهی، با نام موزه عمومی مسکو، رسماً افتتاح گردید. چند سال بعد خانواده امپراتور از تأسیس این موزه جانبداری کرده و خواهان تکمیل آن مجموعه شدند؛ بر این پایه کتابخانه شخصی خود را به آن موزه پیشکش نمودند. در آن زمان با حکم امپراتور الکساندر دوم ترکیب کارمندان و بودجه کتابخانه تأیید و حق کتابخانه بر دریافت یک نسخه الزامی از هر نشریه چاپی منتشره در روسیه قانونی شد. علاوه بر وروده‌های مداوم، صندوق کتابخانه توسط اعانات تکمیل می‌شد. مثلاً مجموعه کتاب‌های اهدا شده به کتابخانه توسط آبراهام نوروف، وزیر آموزش و پرورش ملی شامل ۱۶ هزار کتاب بود. آثار نویسندگان یونانی و رومی، آثار ماکیاولی، تنها مجموعه آثار نوشته شده توسط جوردانو برونو با دستخطی بر روی یکی از کتابها، مونوگرافی‌های دانشمندان روس در نیمه اول قرن نوزدهم - این مجموعه تا بحال یکی از با ارزش‌ترین کلکسیون در صندوق کتابخانه موجود است - این مجموعه را تشکیل دادند. صدها مجموعه، کتاب‌های خاص و نسخ خطی از طریق اهدا کنندگان به کتابخانه تحویل شدند از جمله این افراد کوزما سلداتینکوف، تاجر و ناشر، دانشمند فیودور چیژیکوف، ولادیمیر اودوئیفسکی،

۱. «گراف» عنوان در روسیه بوده است که به سربازان دلیر و اشراف زادگان داده می‌شده است.

کتاب دوست و و موسیقی شناس، پسر الکساندر پوشکین، سوفیا، دختر تولستوی و بسیار افراد دیگر در میان این اهدا کنندگان بودند. در این ایام نام این مجموعه به موزه روماننسف و امپراطوری مسکو تغییر یافته بود؛ رسم هدیه ادامه یافت و به تدریج شخصیت‌های ادبی و علمی روسیه نیز همچون لئو تالستوی، فئودور داستایوفسکی، آنتوان چخوف، ولادیمیر کارلونکو، مندلیوف، تیمیریازوف، تسولکافسکی، ورسایوف، کلچفسکی و دیگران نیز در سال‌های بعد با اهدای برخی آثار، از یاری دهندگان، مراجعه کنندگان و مطالعه کنندگان آثار این کتابخانه در قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی بودند. در سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۱۵ مخزن کتب جدید با ۵۰۰ هزار جلد و یک اتاق مطالعه برای ۳۰۰ خواننده افتتاح شد. مرحله جدید تغییرات اساسی در زندگی کتابخانه به دوره اتحاد جماهیر شوروی مربوط می‌شود. این موزه، همزمان با آغاز تغییرات سیاسی-اجتماعی در روسیه، در سال ۱۹۱۷م به موزه دولتی روماننسف تغییر نام یافت؛ پس از انقلاب ۱۹۱۷م کتابخانه در مدت کوتاه بخشی از موزه روماننسف بود که البته بعدها مستقل شد. در سال ۱۹۲۴ این کتابخانه، نام کتابخانه عمومی روسیه، به نام ولادیمیر ایلیچ اولیانوف (لنین) نام گرفت، اما از سال ۱۹۲۵ به کتابخانه عمومی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به نام لنین تغییر نام یافت و این نام تا ۲۹ ژانویه سال ۱۹۹۲ که با صدور فرمان رئیس جمهور روسیه (یلتسین) نام کتابخانه، به کتابخانه دولتی روسیه تبدیل شد، پابرجا بود.

در کتابخانه دولتی روسیه مجموعه منحصر به فرد از اسناد داخلی و خارجی به ۳۶۷ زبان وجود دارد. حجم مخزن بیش از ۴۳۰۰۰۰۰۰ کتاب، نشریات ادواری ۴۵۰۰۰۰، تعداد پایان نامه‌ها ۷۱۳۸۰۰، تعداد میکروفیلم‌ها ۳۶۰۰۰۰۰ و تعداد نقشه‌ها نیز ۱۴۷۸۰۰ عدد می‌باشد. در اینجا مجموعه‌هایی تخصصی از منابع غیرکتبی، همچون لوح‌های فشرده، نوت‌های موسیقی، نوارها و فایل‌های صوتی، و جز آنها وجود دارد. کتابخانه دولتی روسیه بعد از کتابخانه کنگره ایالات متحده آمریکا، بزرگترین کتابخانه‌ی جهان محسوب می‌شود؛ اما مسؤولان این کتابخانه بر این باورند که این کتابخانه مقام نخست را در جهان دارد، چرا که در کتابخانه کنگره آمریکا، تعداد نشریات و مجلدات اثر نیز محاسبه شده است و این در حالی است که در این کتابخانه

هر عنوانی یک اثر تلقی شده است، برای مثال اگر یک عنوان نشریه‌ای ۲۰۰ شماره دارد، بر خلاف کتابخانه کنکره امریکا، تنها یک عنوان محاسبه شده است! در ضمن در این کتابخانه حدود ۲۱۵ نسخه خطی عربی، ۲۰۰ نسخه ترکی و ۱۱۶ نسخه خطی فارسی نگهداری می‌شود که دو جلد فهرست به زبان روسی نیز برای این آثار فارسی نوشته شده است و ترجمه فارسی یکی از این فهرست‌ها که در معرفی شصت نسخه خطی اسلامی است، به اهتمام علی بهرامیان در سال ۱۳۷۹ش از سوی کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در قم منتشر شده است. باید افزود که این کتابخانه که روزانه پذیرای ۲۰۰۰ پژوهشگر است، به جز یک‌شنبه‌ها، همه روزه، از ساعت ده صبح تا شش عصر پاسخ‌گوی نیازهای مراجعه‌کنندگان و پژوهشگران است. ما پس از ورود به کتابخانه دولتی روسیه، ابتدا در دفتر رئیس افتخاری کتابخانه، جناب آقای فتودروف ویکتور واسیلیوچ حضور یافتیم و در اتاق بسیار گرم خود، با استقبال گرم ایشان و همراهانشان همچون خانم ناتالیا چرنیکوا، روبه‌رو شدیم. اتاق رئیس، همه چیز بسیار ساده تنظیم شده بود و رئیس کتابخانه، ضمن خوش‌آمدگویی اظهار داشت که: «بسیار خوشحالم که امروز این امکان میسر شد تا با شما عزیزان ملاقات کنم. روابط فرهنگی میان دو کشور بزرگ ایران و روسیه بسیار خوب و عمیق است. من دو سال قبل میهمان کتابخانه ملی ایران در تهران بودم و از این مسافرت خیلی لذت بردم. بنده حدود دوازده سال است که ریاست افتخاری این کتابخانه را بر عهده دارم».

ایشان در تبیین تاریخچه مختصر کتابخانه افزودند: «بنیاد کتابخانه دولتی روسیه در سال ۱۸۲۷م، یعنی در زمان حیات الکساندر پوشکین (شاعر شهیر روسیه با تبار حبشی)، تأسیس شد. در آن زمان پایتخت روسیه سن پترزبورگ بود و کتابخانه اصلی روسیه نیز در آن شهر قرار داشت. وزیر اعظم روسیه در آن وقت، گراف رومانسوف، بود. او میل و عشق فراوانی به جمع‌آوری کتاب داشت. وی در کتابخانه شخصی‌اش نسخ خطی فراوانی را از زبان‌های فارسی و عربی و ترکی و عبری و... نگهداری می‌کرد. رومانسوف پیش از مرگش در سال ۱۸۲۸م وصیت کرد که تمام کتاب‌هایش به دولت روسیه برسد. به همین جهت در سال ۱۸۶۱م کتابخانه او از

سن پترزبورگ به مسکو منتقل شد. وقتی در سال ۱۹۱۸م پایتخت شوروی از سن پترزبورگ به مسکو انتقال پیدا کرد، لنین فرمان داد که کتابخانه روماتسفس، کتابخانه ملی شوروی شود. کتابخانه دولتی روسیه، بالغ بر چهل و سه میلیون کتاب و چند هزار نسخه خطی و نشریه دارد. در این مرکز بزرگ، دو هزار کارمند مشغول به کار هستند و به طور میانگین در هر هفته چهار هزار نفر به آنجا مراجعه می‌کنند. در مجموع دو هزار صندلی برای مطالعه در سالن‌های این کتابخانه وجود دارد. در بزرگترین تالار مطالعه، چهارصد و شصت و پنج صندلی قرار دارد. در این کتابخانه تالارهای ویژه‌ای نیز برای اجرای کنسرت‌های موسیقی، برگزاری مسابقات شطرنج و مراسم‌های خاص وجود دارد. علاوه بر این تالارها، مراکز مطالعات جغرافیایی، نسخ خطی، ادبیات شرقی و... در این مجموعه به چشم می‌خورد. در کل این کتابخانه بیش از صد تالار و مرکز علمی دارد. مساحت کلی کتابخانه دولتی روسیه تقریباً صد و چهل هزار متر مربع در ۱۹ طبقه است. در ضمن ساختمان دیگری به مساحت نود هزار متر مربع نیز قرار است به این مجموعه اضافه شود».

آقای فئودروف، که در سال‌های حاکمیت کمونیست‌ها، از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست بوده و تحصیلاتش و مطالعاتش در زمینه اقتصاد است، در ادامه، از سیستم خاص کتابداری کتابخانه در زمان شوروی دفاع کرده و می‌گوید: «ما همان تکنیک و سیستم کتابداری خود را تاکنون ادامه می‌دهیم، هرچند که ما با فن‌آوری‌های جدید نیز بیگانه نیستیم. در اینجا هر عضوی از کتابخانه، حتی اگر در دورترین نقاط این کشور بوده باشد، می‌تواند کتاب مورد نظرش را سفارش دهد و در مدت کوتاهی آن را، در قالب سیستم امانتی، تحویل بگیرد. این کتابخانه کار آموزش کارمندان و دانشجویان کتابداری را نیز بر عهده دارد. همه ساله از کشورهای دیگر برای دوره‌های دانش‌افزایی به آنجا مراجعه می‌کنند، تا با آخرین دستاوردهای کتابداری و حفظ کتاب و نسخ خطی آشنا شوند. همه ساله نزدیک به یکصد و ده هزار کتاب به چاپ می‌رسد که این کتابخانه چند نسخه از هر کتاب را تهیه می‌کند. در کتابخانه دولتی روسیه، یکصد و پنجاه کارمند دارای مدرک دکتری و مابقی فوق لیسانس هستند».

رئیس کتابخانه در پایان سخنانش اظهار داشت که: «من می‌توانم بگویم که ایران با فرهنگ کهنش برای مردم روسیه مانند گوهر است، گوهر شرق؛ تصور می‌کنم روس‌ها ایران دوست هستند و بسیاری از شعرای ایران را می‌شناسند. یکی از دوستانم، که در انتشارات کار می‌کند، می‌گوید: «تنها کتابی که خیلی خوب به فروش می‌رود رباعیات عمر خیام است با اینکه قیمت آن چیزی در حدود صد دلار می‌باشد!»

بعد از صحبت ایشان، آقای دکتر حیدرنیا، رئیس بنیاد ایران‌شناسی، از ریاست کتابخانه سپاسگزاری کرده و گفتند: «ما بسیار خوشحالیم که به ایران سفر کرده و از نزدیک با کتابخانه‌های ما نیز آشنا شده‌اید».

وی افزود: «این دو استاد عزیزی که میهمان ما در بنیاد بین‌المللی ایران‌شناسی و ریزنی فرهنگی ایران هستند، نمایندگان کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله در قم می‌باشند که بزرگترین مرکز نسخ خطی در ایران است و این عزیزان به دعوت ما، برای همکاری در پروژه مربوط به نسخ خطی فارسی به روسیه، آمده‌اند. ما در تلاشیم تا نسخه‌های خطی فارسی در روسیه را به ایرانیان پژوهشگر و نسخه‌های خطی ایران را به دانشمندان روس معرفی کنیم. چنان‌که از سال گذشته تاکنون مشغول ترجمه فهرست نه جلدی مشتمل بر هزار نسخه خطی فارسی موجود در انستیتوی نسخ خطی شرقی آکادمی علوم روسیه در سن پترزبورگ هستیم و البته این کار، با همکاری خانم دکتر ایرنا پاپوا، رئیس انستیتو و کارشناسان نسخه‌های خطی که اکنون در حضور شما هستند، انجام می‌گیرد».

بعد از دیدار با ریاست کتابخانه و اهدای یک جلد فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (جلد ۱/۴۰) تألیف خود، به ایشان و اخذ چند تصویر دسته جمعی، از ایشان خداحافظی نموده و با راهنمایی خانم ناتالیا و دیگران از بخش نسخه‌های خطی این کتابخانه نیز دیدن کردیم؛ بر سر در محزن، نوشته‌هایی به رنگ طلایی از دوره رومان‌تسلف مشاهده می‌شد. همانگونه که اشاره گردید، بنیاد این بخش در زمان حیات رومان‌تسلف به وجود آمده بود؛ در آن زمان تنها چهار نسخه خطی فارسی وجود داشت، اما بعد از آن به تپیه و جمع‌آوری نسخ خطی فارسی دیگری نیز اقدام گردید، چنانکه اکنون ۱۱۶ عنوان نسخه خطی فارسی

و تاجیکی در این بخش موجود هست. در این مرکز شصت هزار نسخه خطی به چهل زبان کهن و جدید نگهداری می‌شود که عمده آنها به زبان روسی نگارش یافته‌اند و همگی فهرست شده‌اند. علاوه بر این نسخه‌ها، دستنویس‌هایی از آثار نویسندگان بزرگ روس مثل آنتوان چخوف و فئودور داستایفسکی و والنتین راسپوتین و دیگران، به خط خودشان در این مکان، حفظ می‌شود. باید افزود که خمسه نظامی گنجوی با کتابت ۸۸۱ هـ، مرکز/دوار فیضی دکنی با کتابت ۹۵۹ هـ، *نزهة القلوب* مستوفی با کتابت ۸۶۹ هـ بخط محمد بن علی سلطانیوی (اهل سلطانیه)، *تذکره الشعراء* دولت‌شاه سمرقندی از سده ۱۱ هـ و نیز *عالم آرای* اسکندی منشی از قرن ۱۱ هـ از جمله نسخه‌های خطی فارسی این دومین کتابخانه بزرگ جهان است که در این بخش به نمایش گذاشته‌اند. ناگفته نماند، همانگونه که خانم مسؤل بخش توضیح دادند مشخصات کامل‌تر این نسخ به انضمام نسخ خطی فارسی دیگر با کد (185-□) که به ایران مربوط می‌شود، از طریق وبسایت کتابخانه،^۱ قابل مطالعه و بررسی است. همچنانکه پیش‌تر نیز در این نوشتار اشاره گردید، این کتابخانه، حاوی ۲۱۴ نسخه خطی عربی فهرست نشده و همچنین دارای ۱۰۰ نسخه خطی ترکی است که البته از سوی الینا لیزی سینا فهرست شده است. در این بازدید همچنین عنوان شد که فردی به نام بردیف، فهرستی جامع برای قرآن‌های خطی موجود در این کتابخانه و سایر کتابخانه‌های روسیه در ۵۶۰ص تهیه نموده است، ولی این فهرستگان، هنوز منتشر نشده است. کتابخانه دولتی روسیه همچنین دارای ۴۵۰ هزار سند تاریخی و سیاسی به زبانهای مختلف است که از این تعداد تنها ۲۰۰۰ سند، به زبان فارسی می‌باشد و بیشتر آنها متعلق به دوره‌های صفویه و قاجار است.

پس از رؤیت این نسخه‌ها، از مخزن نسخ خطی کتابخانه دیداری داشتیم. درجه هوای این بخش در دمای مخصوصی نگه داشته می‌شود. سیستم امنیتی و اطفای حریق بسیار پیشرفته در این تالار جلب توجه می‌کرد. در این اثنا مقرر شد که از طریق بنیاد ایران‌شناسی تصویری از فهرست موجود نسخ خطی ۱۱۶ عنوانی که در

ذیل مجموعه ایران به شماره ۱۸۵ نگهدای می‌شود، تهیه و به کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله در قم ارسال شود. البته باید یادآور شوم که این فهرستواره بایستی همان فهرستی باشد که ترجمه‌ای از آن به فارسی به اهتمام علی بهرامیان در سال ۱۳۷۹ توسط کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی رحمته الله در قم منتشر شده است، اما در آن تنها، گزارشی مختصر از ۶۰ نسخه خطی اسلامی موجود در این کتابخانه، ارائه گردیده است، همچنانکه در همین فهرستواره روسی نیز دقیقاً ۶۰ نسخه خطی اسلامی گزارش گردیده است!

مرکز بایگانی اسناد کهن روسیه

پس از دیدار از کتابخانه دولتی روسیه، طبق هماهنگی قبلی از مرکز بایگانی اسناد کهن روسیه، دیدار نمودیم و پس از کنترل وارد چند محوطه باز شدیم، نقشی شبیه ستاره داوود عَلَيْهِ السَّلَام منقش به دو مثلث به رنگ‌های قرمز و آبی، روی پله‌های ساختمان این سازمان، می‌توانست در بدو پیام روشنی در اداره این نهاد تاریخی به ما بدهد. وارد اتاقی بزرگ می‌شویم، که قفسه‌های پلمپ شده کتابهای چاپ کهن، تا سقف اتاق را اشغال کرده است. اتاق رئیس بسیار گرم است، این کمینه از شدت گرمی هوای تیرماه مسکو، ناگزیر هنگام ورود، عرق ریزان، کت خود را درمی‌آورم. آقای میخائیل ریژینکف رافائیلویچ، که فردی بسیار باهوش و جدی به نظر می‌رسید، به گرمی از ما استقبال می‌نماید. وی مدت یازده سال است که مدیریت این مرکز را عهده‌دار است و دارای دکترای تاریخ شرق، می‌باشد. طبق گفته وی، ساختمان مرکز بایگانی اسناد کهن روسیه در سال ۱۸۸۶م، در دوره‌ای که پایتخت روسیه، سن پترزبورگ بود، ساخته شده است. در ساختمان‌های این مرکز فقط اسناد تاریخی روسیه نگهداری می‌شود و اسناد معاصر در سن پترزبورگ بایگانی شده است. بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م آرشیو اسناد وزارت خارجه روسیه نیز به این مجموعه اضافه شد. البته بایگانی اسناد وزارت خارجه روسیه تنها تا سال ۱۹۴۶م در اینجا حفظ می‌شود. باید دانست که تا زمان پتر کبیر در دربار روسیه بخش خارجی امپراتوری، به نوعی نقش وزارت خارجه را بازی می‌کرد؛ تا این‌که پتر کبیر با الگو برداری از کشورهای اروپایی، وزارت خارجه را در سال ۱۷۲۰م

تأسیس نمود. تمامی اسناد مربوط به روابط ایران و روسیه تا قرن هجدهم میلادی شامل قراردادها، اسناد سفارت‌خانه‌های روسیه در ایران و سفارت‌خانه‌های ایران در روسیه در این مرکز نگهداری می‌گردد که از این حیث برای مطالعه روابط خارجی ایران و روسیه در دوران صفویه و زندیه، حائز اهمیت است.

آقای ریژینکف، در مدت ملاقات و صحبت خود، سه سند تاریخی بسیار بزرگ و مهم، به ما نشان می‌دهد، یکی به زبان فارسی و دو مورد هم به زبان ترکی که با لهجه چغتایی - لهجه معیار برای کتابت متون ترکی از قرن نهم هجری تا دوره قاجار - نگارش یافته بود؛ یکی از آن اسناد، مربوط به عصر شاه عباس اول و درباره گرجستان بوده است، دیگری کتابت شده در سال ۱۰۷۵ هـ در دارالسلطنه اصفهان متعلق به اواخر سلطنت شاه عباس ثانی یا اوایل سلطنت شاه سلیمان صفوی و اخیری هم گویا مربوط به دوره قاجار بود که اسامی مذهبی همچون نام «خدا»، «عیسی» و «المسیحیه» به صورت مذهب نگارش یافته بودند. این اسناد بزرگ تاریخی که ابعاد برخی از آنها به ۵۰×۱۲۰ سانتیمتر می‌رسید بدون اینکه تا شود، به همان صورت در همان قطع خود در قاب‌های مخصوص نگهداری می‌شود و جالب توجه است که حتی کیسه‌ای که این اسناد درون آنها بوده است نیز در آرشیو این مرکز نگهداری می‌شود. در وبسایت رسمی این مرکز اطلاعات بیش‌تری ارائه گردیده است.^۱

در این مرکز علاوه بر میلیون‌ها سند تاریخی به زبان‌های شرقی فارسی و ترکی (بیشتر با لهجه چغتایی)، نسخه‌های خطی متعددی نیز به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی و جز آن‌ها نگهداری می‌شود. گفتنی است از سوی دیمیتری موروزوف، در سال ۱۹۹۶م، کاتالوگی برای نسخ خطی عربی این مرکز تنظیم گردیده است و آقای ریژینکف، نسخه‌ای از فهرست مذکور را به این کمینه تقدیم داشتند. باید افزود که برای نسخه‌های خطی فارسی موجود در این مرکز، هنوز فهرستی تهیه نشده است.



نمونه‌ای از اسناد تاریخی ایران در آرشیو دولتی روسیه



نمونه‌ای از اسناد تاریخی ایران در آرشیو دولتی روسیه

باید افزود که در این مرکز مجموعاً سه میلیون و دویست هزار پرونده سند و ۵۵۴ نسخه خطی که عمدتاً به زبان‌های شرقی همچون عربی، ترکی و فارسی است، وجود دارد. قدیمی‌ترین سند در این مرکز متعلق به سال ۱۲۶۴م و قدیمی‌ترین نسخه خطی نیز کتاب کشیش ساوا است که به قرن ۱۱ میلادی تعلق دارد. این کتاب روی پوست گوسفند و به دو زبان بلغاری و روسی قدیم نوشته شده است. باید افزود که قدیمی‌ترین نسخه خطی موجود در روسیه، انجیل «اُسترمیرُوا» (شهردار ثوی گُراد) است، که در سن پترزبورگ نگهداری می‌شود و به قرن ۱۱ میلادی (۱۰۵۵م) تعلق دارد. این اثر به زبان روسی باستان نوشته شده است.

کتابخانه دولتی-تاریخی روسیه

عصر روز پنج‌شنبه بیست و دوم تیرماه ۱۳۹۱، ما در سومین روز سفرمان به کشور روسیه، به اتفاق خانم آیدا سوبولوا، خبرنگار بخش روسی صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران در روسیه که در حوزه ترجمه، با رایزنی و بنیاد نیز همکاری دارد و آقای سید حسین موسویان، از همکاران بنیاد ایران شناسی، بنا بود از کتابخانه تاریخی روسیه، نزدیک بنیاد ایران شناسی، بازدید داشته باشیم. پس از نیم ساعت پیاده روی و عبور از خیابان‌ها و کوچه‌های مسکو به کتابخانه نزدیک می‌شویم. رئیس این کتابخانه، آقای میخائیل آفاناسیف دیمتریویچ، در کمال تواضع و احترام حدود صد متر بیرون از کتابخانه و در خیابان مجاور به استقبال ما آمده است و پس از ذکر سلام و خیر مقدم، ما را به کتابخانه و دفتر خود راهنمایی نمودند.

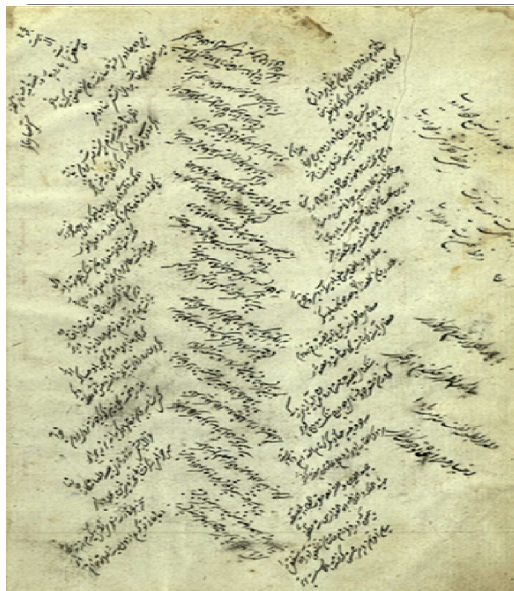
باید دانست که این کتابخانه از دو ساختمان تشکیل شده که با راهرویی در طبقه چهارم به هم متصل می‌شوند. یکی از ساختمان‌ها بسیار قدیمی و یکی مدرن است. در ساختمان جدید چند سالن مطالعه و دفتر اداری و اتاق ریاست و در ساختمان کهنه، مرکز نسخ خطی و اتاق کارشناسان قرار دارد.

دکتر میخائیل آفاناسیف، که فردی بسیار متین، خوشرو و متواضع به نظر می‌رسد، پس از خوش آمدگویی، گفت که: «سال آینده (۲۰۱۳م) کتابخانه ما وارد یکصد و پنجاهمین سال تولد خود خواهد شد. یکصد و پنجاه سال پیش الکساندر چرتکف، که ریاست انجمن تاریخ مسکو را بر عهده داشت، این مجموعه را تأسیس کرد.

چرتکف با تلاش فراوان و خستگی ناپذیر بیشتر کشورها را گشته بود و تا جایی که توانست کتاب‌هایی را که مربوط به تاریخ روسیه و بخصوص تاریخ مسکو بود، جمع‌آوری کرد. از آنجا که او جزو طبقه اشراف مسکو به شمار می‌رفت، از نظر مالی نگرانی نداشت. زمانی که وی این کتابخانه را تأسیس کرد، نام خود را بر روی آن گذاشت. در واقع او کتابخانه شخصی‌اش را به مردم مسکو و روسیه تقدیم نمود. پس از آن که در سال ۱۸۸۰م موزه تاریخی مسکو افتتاح شد، این کتابخانه زیر نظر این موزه درآمد و این جریان تا سال ۱۹۳۸م ادامه داشت و پس از آن دولت تصمیم گرفت تا این کتابخانه از موزه مذکور، به صورت مستقل اداره شود. آن وقت بود که این ساختمان قدیمی، که خودش به نوعی جزو تاریخ مسکو است، خریداری گردید. در زمان استقلال کتابخانه و نقل مکان به ساختمان قدیم، چیزی در حدود یک و نیم میلیون جلد کتاب در فهرست کتابخانه ثبت شده بود، اما در حال حاضر دو میلیون جلد کتاب و یک و نیم میلیون جلد نیز مجله و ژورنال، موجودی کتابخانه تاریخی مسکو است. گفتنی است در این مجموعه، بیش از پنجاه زبان، کتاب و نشریه وجود دارد».

دکتر آفاناسیف در ادامه سخنانش اظهار داشت که: «کتابخانه ادبیات خارجی مسکو، تنها یک میلیون کتاب را در خود جای داده است و این در حالی است که ما بیش از سه و نیم میلیون کتاب و نشریه در این زمینه داریم. بخش ادبیات شرقی در این کتابخانه بسیار جدید است، چون تا قبل از استقلال، موزه تاریخی مسکو علاقه چندانی به موضوعات شرقی نداشت. اما از سال ۱۹۳۸م به بعد تصمیم گرفته شد تا به شرق و غرب به یک اندازه اهمیت داده شود. بر این پایه در سال ۱۹۴۰م پروفیسور کراچکوفسکی، رئیس وقت کتابخانه، خاورشناس شهیر و مترجم برجسته قرآن کریم، از آکادمی علوم شوروی خواست تا در این کتابخانه بخش دپارتمان شرق‌شناسی تشکیل شود و پس از موافقت دولت، بخش مطالعات شرقی در این مجموعه تأسیس شد و از آن به بعد به جمع‌آوری نسخه‌های خطی شرقی نیز پرداختند. در این کتابخانه کتاب‌های مربوط به ایران از زبان‌های مختلف جمع‌آوری شده است، اما بیشتر آنها به زبان‌های آلمانی و انگلیسی است».

پس از اخذ چند عکس دسته جمعی یادگاری در دفتر رئیس، با راهنمایی آقای آفاناسیف و همکارانشان، پس از عبور از چند بنا و سالن، ابتدا از بخش نسخ خطی دیدن کردیم. در بخش نسخ خطی کتابخانه پنج نسخه خطی فارسی: کیمیای سعادت امام محمد غزالی، کتابت به سال ۱۱۰۰هـ، دوره دو جلدی نگارستان قاضی احمد غفاری، مفتاح الجنان از محمد مجیر، کتابت به سال ۱۰۸۲هـ، منشآت میرزا مهدی استرآبادی (شامل پنجاه و دو نامه)، کتابت به سال ۱۲۳۸هـ، نسخه‌ای نفیس مشتمل بر جنگ ادبی که اشعار بسیاری از شعرای نامی ایران را در خود جای داده است. در این کتابخانه همچنین تعدادی نسخه خطی به زبان‌های عربی همچون صحیفه سجّادیه با سرلوح مذهب با تاریخ کتابت ۱۰۶۷هـ، سفینه الفتاوی در فقه حنفی، جامع الرموز در شرح مختصر الوقایه اثر شمس‌الدین محمد کوهستانی خراسانی و نیز چند نسخه خطی ترکی از جمله تواریخ آل عثمان وجود دارد.



نمونه‌ای از نسخ خطی فارسی در کتابخانه تاریخی مسکو



نمونه‌ای از نسخ خطی فارسی در کتابخانه تاریخی مسکو

بنا به گفته آقای آفاناسیف، بعد از کراچکوفسکی، ریاست این کتابخانه، برعهده یکی دیگر از اشراف روسیه، فردی به نام خمیثروف بوده است. یکی از کارهای بزرگ وی جمع‌آوری بریده روزنامه‌هایی بود که اخبار شرق را پوشش می‌داده است. این مجموعه اکنون در شش جلد در کتابخانه نگهداری می‌شود که سه جلد آن مربوط به ترکیه (عثمانی) است و اخیراً از روسی ترجمه و به اهتمام دانشمندان تُرک در ترکیه به چاپ رسیده است و سه جلد دیگر، اختصاص به اخبار ایران در قرون ۱۸، ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی دارد. قدیمی‌ترین بریده روزنامه در این مجموعه، مربوط به سال ۱۷۹۰م می‌باشد.

در ادامه برنامه بازدید از کتابخانه، آقای آفاناسیف ضمن ابراز خشنودی از این حضور و ملاقات، خواستند تا با کمک هم مسیر ارتباطات فرهنگی بین ایران و روسیه را در زمینه‌های آشنایی، حفظ و فهرست‌برداری از نسخ خطی هموار نماییم تا دانشمندان و پژوهشگران دو کشور، متقابلاً بهتر از گذشته، امکان استفاده از این گنجینه‌ها را بیابند. با ایشان خداحافظی کرده و با راهنمایی همکار ایشان، ما وارد مخزن نسخ خطی و آثار کهن این کتابخانه شدیم و از روزنامه‌های قدیمی و کتب خطی به زبان روسی قدیم دیدن کردیم. یکی از نکات جالب توجه قطع کوچک صفحات برخی روزنامه‌های کهن روسیه بود که در آرشیو این کتابخانه نگهداری می‌گردد. علت کوچکی قطع نشریات آن دوره، اختصاص آنها به طبقه اشراف در راحتی حمل و نقل در جیب لباس آنان عنوان گردیده است! قدیمی‌ترین کتاب چاپی در این بخش، مربوط به سال ۱۵۲۴م بود که به دوره ایوان مخوف، نخستین فرمانروای مسکو، اختصاص داشت.

باید افزود پیرو این دیدار، نسبت به ترجمه یا چاپ متن روسی سه جلد بریده جراید مربوط به ایران، پس از بازگشت به رایزنی، با آقای دکتر ابراهیمی ترکمان، مذاکراتی صورت گرفت. چندی بعد از طریق وبسایت مؤسسه مطالعات ایران اوراسیا (ایراس) در روسیه مطلع شدم، خوشبختانه در روز پنجشنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۱ ایشان جداگانه دیداری از این کتابخانه داشته‌اند.

در بخشی از یادداشت رایزن کاردان کشورمان در مسکو آمده بود: «روز پنجشنبه ۲۹ تیر ۱۳۹۱ با قرار قبلی و به دنبال نظر دوستانم آقایان صدرایی نیا، متقی و دکتر حیدرنیا که پیش‌تر، از این کتابخانه بازدید کرده بودند و درباره مجموعه سه جلدی بریده روزنامه‌های روسی مربوط به ایران (موجود در این کتابخانه) توضیحاتی داده بودند، به دیدن رییس کتابخانه دولتی تاریخی روسیه رفتیم. این کتابخانه از کتابخانه‌های قدیمی روسیه به شمار می‌آید که در سال ۱۸۶۳م تأسیس شده است. رییس این کتابخانه پروفیسور میخائیل آفاناسیف، مردی خوش رو و متبسم و علاقه‌مند به امر کتاب، کتابداری و کتابخوانی است و در تدوین قوانین مربوط به کتاب و کتابداری در روسیه نقش فعالی داشته است. وی متولد سال ۱۹۴۷م است و دانش آموخته رشته علوم تربیتی و کتابداری است و به دلیل تلاش‌هایش در زمینه کتابداری، از اعضای اصلی آکادمی بین‌المللی اطلاع‌رسانی و نیز عضو کمیته توسعه کتابخانه‌های روسیه و معاون انجمن کتابداران فدراسیون روسیه است. از همان بدو ورود می‌توان علاقه‌مندی و عشق او را به کتاب دریافت. ایشان از ما به گرمی استقبال نمود و ما به گفتگو نشستیم.

ایشان افزودند: «در شهر مسکو ۴۳۴ کتابخانه عمومی وجود دارد و مجموع کتاب‌های کتابخانه‌های مسکو ۲۶،۶۶۶،۵۰۰ نسخه کتاب است که سه میلیون و هشتصد هزار کتاب از این تعداد در کتابخانه دولتی تاریخی نگهداری می‌شود. کتابخانه دولتی تاریخی ۲۵۰ نفر کارمند دارد که اغلب یا کتابدار هستند و یا تحصیل کرده رشته تاریخ می‌باشند. بیش از ۴۰،۰۰۰ نفر عضو این کتابخانه هستند». به گفته رییس بخش کتابهای شرقی بیش از ۱۵۰۰ عنوان کتاب در باره ایران وجود دارد. بعد از کمی گفتگو، به دعوت رییس کتابخانه، از بخش‌های فارسی و کتب مربوط به ایران و همچنین نسخه‌های خطی فارسی بازدید کردیم. یکی از رؤسای پیشین کتابخانه، آقای خیمیروف (متوفای ۱۸۷۲م) به جمع‌آوری بریده روزنامه‌ها و مقالات منتشره در باره موضوعات مختلف بسیار علاقه‌مند بود. او مجموعه ۶ جلدی از بریده روزنامه‌ها را گردآوری کرده که سه جلد آن مربوط به ایران است. سه جلد مذکور متضمن بریده‌های جراید درباره ایران به نام مجموعه خیمیروف به قطع وزیری در این

کتابخانه نگهداری می‌شود. در این مجموعه سه جلدی ارزنده، آقای خیمیرف مقالات مربوط به ایران را که در روزنامه‌ها و مجلات عصر وی به زبان روسی منتشر گردیده، اصل مقاله را از روزنامه یا مجله بریده و با درج مشخصات آن در مجموعه ملحق نموده است. او مقالات را به ترتیب موضوعی چیده و برای هر مقاله یک شماره اختصاص داده است. در کل تعداد مقالات مجموعه در این سه جلد ۵۳ مقاله بوده و مقالات به زبان‌های روسی، انگلیسی و فرانسوی است. شاید به این دلیل که ما در ایران، در آن زمان دارای روزنامه نبودیم، اطلاعات این مجموعه به مورخین ایرانی کمک زیادی در آگاهی از وقایع آن دوره‌های تاریخی بنماید. بنده با رییس کتابخانه در باره این مجموعه گفتگو کردم و از آمادگی رایزنی فرهنگی برای ترجمه این مجموعه و انتشار آن سخن به میان آوردم که البته این موضوع مورد موافقت قرار گرفت و مقرر شد تا در روزهای آینده، همکاری‌های فیما بین را در قالب امضای تفاهم نامه همکاری پیگیری بنماییم».

سنت پترزبورگ، پایتخت فرهنگی روسیه

طبق هماهنگی‌های قبلی، برای بررسی دستنویس‌های فارسی موجود در انستیتو نسخ خطی شرقی آکادمی علوم روسیه، از روز شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۱، برابر با چهاردهم ژولای ۲۰۱۲، این کمپنه، به همراه استاد صدرایی، به مدت یک هفته، بایستی سفری به شهر سنت پترزبورگ داشته باشیم. البته از آنجا که آقای ذوقی هم خود شخصاً تمایل داشتند به آن شهر زیبا سفری داشته باشد و هم اینکه به جهت آشنایی با نسخ خطی و نیز زبان روسی، می‌توانستند مددکار ما باشند، با موافقت رایزن محترم، جناب آقای دکتر ابراهیمی، ایشان اینک همسفر ما بودند، لیکن چون در وقت اضافه، بلیت تهیه نموده بودند، طبیعتاً کوپه ایشان دورتر از کوپه ما است، به هر تقدیر فرقی نداشت، همین قدر که در یک قطار و با هم هستیم، خوشحالیم. بر این پایه، رأس ساعت ۱۱ شب، با قطار سریع السیر، مسکو را به مقصد سنت پترزبورگ ترک می‌کنیم، قطار نسبتاً مدرن، خوب و راحتی است که در جهت شمال و شمال غرب، ان شاء الله حدود ۸۰۰ کیلومتر طی مسیر خواهد نمود. تنها همسفر ما در کوپه چهار نفری، آقای جوانی است، بسیار خوش برخورد و متین از اهالی

سنت پترزبورگ و البته یکی دیگر از مسافران نیز نیامده است. بر خلاف اکثر مردم روسیه، خوشبختانه وی اندکی زبان انگلیسی می‌داند، با وی جملاتی چند صحبت می‌نمایم، از کارکنان شرکت گازپروم شعبه سنت پترزبورگ است؛ ایران را تا حدودی می‌شناسد و به قول خودش نامش را شنیده است و میداند که در جنوب روسیه قرار دارد! او هم به مانند میلیون‌ها جوان روسی است که در دنیای ذهنیات خود غرقند و تنها به دلمشغولی‌های خود می‌اندیشند، لذا از مذهب، تاریخ، سیاست و دنیای پیرامون خود آگاهی چندانی ندارد؛ از آنجا که خسته به نظر می‌رسد، دیگر مزاحم اوقاتش نمی‌شوم و وی را با دنیای خود تنها می‌گذارم تا زود هنگام استراحت نماید؛ او هم بلافاصله به طبقه فوقانی رفته و لحافش را بر سر کشیده و به زودی غرق در خواب شیرین می‌شود. زمان اذان مغرب دیر هنگامی است گذشته است؛ با قطب‌نمای دقیق نظامی که با خود آورده‌ام، تعیین قبله کرده، همنوا با صدای دلتواز قطار، در میانه جنگل‌های اطراف مسکو به طرف شهر پتر مقدس، به نازِ نیاز، نمازی می‌خوانیم و دل تفتیده و افسرده از بار گناه را صفا و جلایی تازه می‌دهیم. در این هنگام، خانمی کاغذ به دست که متصدی واگن است، در کوپه را گشوده و از صبحانه و نوشیدنی مورد علاقه‌مان در شب، به روسی استفسار می‌نماید: «کنیاک می‌خواهید یا وُتکا؟! که به انگلیسی جواب می‌دهم هیچکدام! با ناباوری و تعجب، در کوپه را بسته و می‌رود. اینک وقت استراحت است، ما هم به سختی خسته‌ایم، اما از آنجا که اذان صبح در مسکو و پیرامون آن، ساعت حدود ۲ بامداد است، برای اینکه از باقیمانده وضوی نمازمان استفاده بهینه نمایم، با جناب صدراپی، به آهستگی که جوانک بیدار نشود، از هر دری سخنی گفته و اختلاط می‌کنیم، تا زمان نیاز نماز دیگر فرا رسد. عقربه ساعت ۶ و ۳۹ دقیقه صبحگاهان را نشان می‌دهد، اینجا شهر زیبای سنت پترزبورگ، از شمالی‌ترین شهرهای روسیه است. قطار به آرامی پیش می‌رود تا در ایستگاه مرکزی شهر، توقف نماید. آقای سرگئی که مدتی در ایران نیز حضور داشته و فارسی را به خوبی می‌داند، به همراه دوستش، برای انتقال ما به محل اسکان به ایستگاه آمده‌اند، پس از احوال‌پرسی و تشکر به همراهشان عازم محل منزل استیجاری در خیابان پان فیلوا می‌شویم که پیش‌تر برای اسکان ما در نظر

گرفته شده است. میزان اجاره بهای یک واحد مسکونی در قالب سوئیت یا پانسیون با لوازم معمولی آن در سنت پترزبورگ یا مسکو، برای هر روز بین ۲۵۰۰ تا ۳۵۰۰ روبل (حدود ۱۰۰ دلار) است. همچنین طبق قانون روسیه اتباع خارجی هم می‌توانند به صورت محدود و با شرایطی، اقدام به خرید واحد مسکونی یا تجاری در روسیه نمایند؛ میانگین قیمت هر متر واحد مسکونی در شهرهای مسکو و سنت پترزبورگ حدود پنج هزار دلار می‌باشد.

شهر سنت پترزبورگ دومین شهر بزرگ روسیه، پس از مسکو می‌باشد که در منتهی‌الیه شمال غربی این کشور پهناور روسیه قرار دارد و شکل آن شبیه یک نعل اسب است! این شهر یکی از زیباترین شهرهای دنیا است که از گنجینه‌های تمدن بشری محسوب می‌شود. شهر در مدار طولی ۵۹/۵۷ درجه شمالی و در مدار عرضی ۳۰/۱۹ درجه شرقی واقع شده و مساحت آن ۱۴۰۰ کیلومتر مربع است و در کناره‌های رود نیوا، در شرق خلیج فنلاند در دریای بالتیک واقع شده است. رودخانه نیوا که عرض آن به اندازه اروند رود دیده می‌شود، ۷۴ کیلومتر طول دارد و در نهایت به خلیج فنلاند سرازیر می‌شود و خلیج فنلاند نیز به نوبه خود به دریای بالتیک منتهی می‌گردد؛ ۳۲ کیلومتر از طول این رودخانه از داخل شهر سنت پترزبورگ عبور می‌کند و همین آبراه است که این شهر را به آب‌های آزاد اروپا متصل می‌نماید. در این شهر بیش از ۴۰ رودخانه و قریب ۲۰ کانال جریان دارد که مجموع طول آنها به بیش از ۱۶۰ کیلومتر می‌رسد. باید افزود که این شهر تاریخی بر روی ۴۴ جزیره کوچک و بزرگ بنا شده است و به همین دلیل به شهر جزیره‌ها معروف است. البته باید توجه داشت که شهر ابتدا مجموعاً بیش از ۱۰۰ جزیره داشت که با کارهای مهندسی تعداد آنها به ۴۲ یا ۴۴ جزیره کاهش یافت و اینک حدود ۵۶۰ پل، ارتباط بین این جزیره‌ها را برقرار می‌سازد. ۲۰ پل از آنها متحرکند و ۷ پل از این تعداد بر روی رود نیوا قرار دارند. طول کلی پل‌ها ۳۲ کیلومتر است. هر پل اسم خاص خود را دارد که به مناسبتی انتخاب شده مثلاً پل بوسه که در کنار آن سربازان اعزامی به جنگ را بدرقه می‌کردند و یا پل شکلات که اولین کارخانه شکلات‌سازی شهر در کنار قرار داشت. جمعیت شهر در سال ۱۷۵۰م به ۹۵ هزار نفر و در سال ۱۸۰۰ به ۲۲۰ هزار نفر رسید. جمعیت فعلی این شهر بیش از ۴ میلیون نفر است.

شهر تاریخی سنت پترزبورگ یکی از شهرهای مهم و از مراکز صنعتی و علمی و فرهنگی شوروی (سابق) و روسیه کنونی محسوب می‌شود. این شهر مرکز تقاطع راه‌های زمینی و بندری و از بندرگاه‌های مهم این جمهوری است. پترکبیر علاقمند بود روسیه هرچه بیشتر به اروپا نزدیک شود به همین دلیل بسیاری از رسوم اروپایی را در روسیه معمول کرد و چون می‌خواست پایتخت روسیه، پنجره‌ای به اروپا باشد دستور ساخت پایتخت جدیدی را صادر کرد که امروزه پترزبورگ نامیده می‌شود. بنای شهر سنت پترزبورگ با همکاری معماران روسی، ایتالیایی و فرانسوی بر روی جزیره زایاچی در دلتای رود نوا در سال ۱۷۰۳م آغاز و به سرعت گسترش یافت. پتر در راه ساخت این پایتخت نوین و اروپایی تلاش فراوان کرد. از جمله راه‌هایی که برای توسعه ساخت پایتخت جدید بکار رفت مالیاتی بود که بر مسافران بسته شد. هر مسافر باید برای ورود به شهر یک تکه سنگ با خود می‌آورد، اگر با اسب بود یک قطعه برای اسب نیز باید جداگانه می‌داد و چنانچه بار داشت یک قطعه دیگر! اولین بنا، قلعه‌ای با ۶ دژ بود که تا به امروز نیز حفظ شده و پتروپاولوفسک نام گرفت؛ گرچه پتر کبیر بنیانگذار این شهر بود، اما به خلاف تصور نام شهر نه از اسم او بلکه به احترام پترس مقدس، از حواریون عیسی مسیح عَلَيْهِ السَّلَام انتخاب شده است. پتروگراد (شهر پتر) نامی بود که نیکلای دوم واپسین تزار روسیه در هنگامه جنگ جهانی یکم که در برابر آلمان می‌جنگید بر این شهر گذارده بود تا با داشتن پسوند بورگ، همانند نام‌های آلمانی نباشد؛ بر این پایه این نام بین سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۴م در السنه رایج بود؛ اما از آن سال (۱۹۲۴م) تا هنگام فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱م، به مدت ۶۷ سال، تغییر نام داده و به لنینگراد (شهر لنین) خوانده می‌شد ولی همزمان با فروپاشی، به نام پیشین خود، یعنی سنت پترزبورگ بازخوانده شد. گفتنی است گراد در زبان روسی کهن برابر گوراد در زبان روسی کنونی می‌باشد و همانطور که گفته شد به معنی شهر است. گفتنی است در زبان فارسی در زمان قاجار بطور عامیانه سن پترزبورگ را پتِل پورت می‌نامیدند و آن را در مثل به عنوان دورترین نقاط بکار می‌بردند در اصطلاحاتی مانند "از اینجا تا پتل پورت!"

گفتنی است که این شهر به مدت تقریبی دویست سال تا ۱۹۱۸م پایتخت روسیه تزاری بوده است؛ لیکن پس از پیروزی انقلاب بلشویکی روسیه در سال ۱۹۱۷م، رهبران انقلاب به دلیل نزدیکی این شهر به اروپا و احتمال خطر حمله مهاجمین اروپایی، مسکو را به پایتختی روسیه کمونیستی، سپس اتحاد جماهیر شوروی انتخاب نمودند که البته پس از فروپاشی نیز مسکو همچنان پایتخت روسیه باقی ماند. این شهر مرکز حرکت‌های انقلابی مهم روسیه از جنبش دکابریست‌ها در سال ۱۸۲۵م تا شورش ۱۹۰۵م و سپس انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م بود. باید دانست که این شهر در جنگ دوم جهانی پایگاه دفاع سرسختانه در برابر آلمان نازی بود و از این حیث دارای جایگاهی مهم و نقشی حیاتی در تاریخ روس‌ها است. در این جنگ خانمان سوز، این شهر ۹۰۰ شبانه روز در محاصره ارتش آلمان قرار داشت و اوضاع آن چنان وخیم شد که جیره غذایی هر نفر تنها ۱۱۵ گرم نان جو در روز می‌رسید، با این حال لنین‌گرا در تسلیم نشد و پس از شکست محاصره، مردم به این شهر لقب قهرمان دادند. در این محاصره ۴۷۰۰۰۰ نفر جان باختند و گورستان بیسکارفسکویه، که محل مدافعان شهر در طی این محاصره است، امروزه، یادمان جان فشانی‌ها و مقاومت مردم لنین‌گرا است. این شهر نه تنها پایتخت تاریخی روسیه محسوب می‌شود، بلکه مرکز فرهنگی و علمی روسیه نیز هست؛ چرا که نخستین دانشگاه روسیه، نخستین موزه هنری و نخستین آکادمی علوم در این شهر قرار دارد. شاعران و نویسندگان بزرگ روسی مثل پوشکین، داستایفسکی، چخوف و دانشمندانی چون مندلیف و لامانوسوف در این شهر زیستند و فعالیت نموده اند.

در شهر سنت پترزبورگ بیش از ۲۰۰ موزه وجود دارد. موزه هرمتاژ، کاخ زمستانی، هرمتاژ کوچک، هرمتاژ جدید و قدیم، کلیسای سنت پیتر، کلیسای سنت یل، میدان اسحاق، نمای کلیسای اسحاق، مجسمه پترکیبر، خیابان نوسکی، میدان کاخ، نمای کلیسای خون ریخته، شهر بیلاقی پترهوف (پیترگوف)، پارک سلطنتی، باغ فواره‌ها، کاخ تابستانی پترکیبر و ساحل خلیج فنلاند، کلیسای جامع سنت ایزاک، مجسمه سوار بر اسب پترکیبر، ستون یادبود آلكساندر، صومعه آلكساندر نفسکی، کلیسای جامع تصویر باکره مقدس قازان، کلیسای رستاخیز مسیح، گورستان یادبود

پیسکارفسکویه، موزه خانه پتر (خانه‌ای چوبی و ساده در کنار رود نوا که در طی بنای شهر سنت پترزبورگ، پتر کبیر در آن اقامت داشت)، موزه نژادشناسی پتر کبیر وابسته به آکادمی علوم، موزه هنرهای تئاتر و موسیقی، موزه پوشکین، خانه پوشکین، انجمن فیلامونیک شوستاکویچ، تئاتر عروسکی بالشوی و نیز کشتی آوروورا که اکنون به موزه تبدیل شده است و مورد توجه توریست‌ها است، از جمله جاذبه‌های فرهنگی تفریحی و توریستی شهر سنت پترزبورگ می‌باشد. به علت قرار گرفتن سنت پترزبورگ در ساحل خلیج فنلاند و نزدیکی به دریای بالتیک آب و هوای این شهر در تابستان‌ها معتدل و در زمستان سرد است. آفتاب بخاطر تراکم ابرها اصلاً نمی‌تابد. مقدار باران به طور نسبی کم و بالغ بر ۶۰۰-۵۵۰ میلیمتر است. آب‌های داخلی ۱۰ درصد مساحت شهر را دربر گرفته است. در این شهر چشمه‌های آب معدنی زیادی وجود دارند. در حال حاضر از عمق ۴۰ متری بوسیله دو تلمبه بسیار قوی آب معدنی به سطح زمین رسانده می‌شود که دست کمی از آب معدنی استراحت‌گاه‌های قفقاز ندارد. یکی از عادی‌ترین پدیده‌ها برای شهر سنت پترزبورگ طغیان رود نوا است. در تمام طول تاریخ موجودیت این شهر یعنی از سال ۱۷۰۵م تا به اکنون رود نوا ۲۸۸ بار طغیان کرده است؛ حداکثر ارتفاع بالا آمدن آب به ۲/۴-۴ متر در روز ۷ نوامبر ۱۸۲۴ رسید. در آن زمان بیش از نیمی از اراضی شهر زیر آب رفت. ۲۳ سپتامبر سال ۱۹۲۴ نیز دومین طغیان آب که از نظر شدت قوی بود، آب را تا ۲۵۰ سانتیمتر روی شهر بلند کرد. علت طغیان رود نوا رگبادهای آتلانتیکی و باد شدید است که باعث می‌شود تا آب با شدت تمام وارد خلیج فنلاند شود.

گفتنی است فضای سبز این شهر حدود ۳۸ هزار هکتار است که از این مقدار ۱۳ هزار هکتار برای استفاده عموم در نظر گرفته شده است، ۷۳ پارک و نزدیک به ۱۰۰۰ باغ و ۹۰۰ خیابان سبز. سهم فضای سبز هر یک از ساکنان شهر ۵۶ متر مربع است. دنیای حیوانات در محدوده شهر و پارک‌های طبیعی غنی است و بنا به آمار جانورشناسان دارای ۵۰ نوع مختلف حیوانات است. با توجه به اینکه این شهر در عرض جغرافیایی ۶۰ درجه قرار دارد، لذا این موقعیت مکانی، باعث ایجاد پدیده شب‌های سفید است. شب‌های ۲۶-۲۵ ماه مه برابر با ۶-۵ خرداد هر سال، زمانی است که خورشید کمتر از ۹ دقیقه غروب می‌کند و تاریک و روشن عصر با

تاریک و روشن سحر درهم می‌آمیزد. ۲۲-۲۱ ژوئن برابر با ۲-۱ تیرماه نیز بلندترین روزهای سال هستند (۱۸ ساعت و ۵۳ دقیقه). شب‌های سفید که از آنها شب‌های نقره‌ای نیز گفته می‌شود، روزهای ۱۷-۱۶ ژوئیه برابر با ۲۷-۲۶ تیر ماه به پایان می‌رسند. در دی ماه عکس این مسأله صادق است و در تمامی روز، به جهت تاریکی شهر، چراغ خیابان‌ها روشن است! مجموعه پل‌های بی‌شماری که بر فراز رودخانه و نهرها و کانال‌های این شهر توسط معماران و مهندسان ساخته شده‌اند بر زیبایی شهر می‌افزایند. در سال‌های دهه هشتاد سده ۱۷ بر روی رودخانه فانتانکا هفت پل آجری و سنگی ساخته شده بود که در حال حاضر فقط دو پل از آنها باقی مانده است. این شهر دارای طاق‌ناها و طاق‌نصرت‌های بسیار زیادی است که یکی از آنها دروازه طاقی به نام مسکو است. این شهر دارای پارک‌ها و خیابان‌های عریض و زیبای زیادی است که معروفترین آنها خیابان نفسکی است. بناها و ساختمان‌های زیادی از قرون هجدهم و نوزدهم میلادی با سبک معماری باروک و کلاسیک باقی مانده که قدیمی‌ترین آنها قلعه پطر و پاول است. این قلعه در دوره تزاری از زندان‌های سیاسی مخوف روسیه به شمار می‌آمد، ولی اکنون به موزه تبدیل شده است. قصر با عظمت و بسیار زیبای زمستانی که دارای ۱۰۵۷ اتاق و ۱۱۷ راه پله است، بخشی از موزه ارمیتاژ را تشکیل می‌دهد. در حال حاضر شهر دارای ۱۰۶ سالن تئاتر بوده و هم اکنون بیش از ۲۰ تئاتر و یکی از قدیمی‌ترین سیرک‌های کشور که تأسیس آن به سال ۱۸۷۷ م مربوط می‌شود، فعال هستند. هم‌چنین ۶۵ سینما، ۵۲ کاخ فرهنگ و خانه فرهنگی، ۴۱۷ سازمان فرهنگی از جمله مراکز فعال در سنت پترزبورگ هستند. گفتنی است که فاصله دو شهر مسکو و سنت پترزبورگ ۶۵۰ کیلومتر می‌باشد که این فاصله با هواپیما در مدت یک ساعت و ده دقیقه و با قطارهای سریع‌السیر در مدت ۸ ساعت طی می‌گردد. این شهر نخستین مقصد گردشگران بین‌المللی به روسیه است. وسایل نقلیه سنت پترزبورگ مرکز عمده حمل و نقل روسیه است و دارای ساختار گوناگونی است. از جمله می‌توان از حمل و نقل آبی (دریایی و رودخانه‌ای)، باربری با اتومبیل، راه‌آهن، هوایی و مسافربری (تاکسی، وسایل نقلیه عمومی همچون مترو، اتوبوس، تریلی‌بوس و تراموا، نام برد که هزینه بلیت آنها در این ایام، به طور متوسط بین ۲۳ تا ۲۸ روبل است، اما کرایه تاکسی‌ها، بسته به مسافت یا مسافر آن، بین ۱۰۰ تا ۳۰۰۰ روبل (۱۰۰ دلار) در نوسان است!

سنت پترزبورگ ارتباط مستقیم هوایی با ۲۷ کشور اروپایی و آسیایی دارد. در شهر ۱۰ شرکت هوایی فعالیت می‌کنند. تعداد اتوبوس‌ها در شهر در سال ۱۹۹۷م، ۲۴۲۴ اتوبوس شهری و اکسپرس ۲۸۵ و مینی‌بوس ۳۵۰ و تاکسی ۱۲۵۱ و حجم حمل و نقل (میلیون مسافر) ۶،۱۶۳۳ می‌باشد. بندر دریایی سنت پترزبورگ بزرگترین بندر در شمال-غرب روسیه است. این بندر بوسیله کانال دریایی بطول ۲۷ میل به دریا متصل می‌شود. مساحت بندر ۲۷۰ هکتار است. این بندر دارای ۵۳ اسکله برای تعمیر کشتی‌ها بطول کلی ۴/۸ کیلومتر است. حداکثر درازای کشتی‌هایی که می‌توانند در اسکله‌های این بندر پهلو بگیرند ۲۶۰ متر و عرض آن ۴۰ متر است. قابلیت کار این بندر ۱۶ میلیون تن در سال است. متروی سنت پترزبورگ نیز از عمیق‌ترین متروهای جهان است که تاریخ ساخت آن به سال ۱۹۵۵م برمی‌گردد. عمق متوسط متروی سنت پترزبورگ ۶۰ متر است و تعدادی از ایستگاه‌ها در زیر رودخانه کشیده شده‌اند. متروی سنت پترزبورگ رقیبی از لحاظ شدت استفاده ندارد. از طریق خطوطی بطول ۱۰۲ کیلومتر و ۵۸ ایستگاه بیش از ۴ میلیون نفر را در طی شبانه‌روز حمل و نقل می‌کند. در متروی سنت پترزبورگ بلافاصله چند ایستگاه پله‌برقی‌هایی به طول ۱۵۰ متر دارند که امروزه بلندترین پله‌برقی‌ها در جهان محسوب می‌شوند. البته نباید از نظر دور داشت که طول کل پله‌برقی‌های مسکو ۲/۵۵ کیلومتر است، ولی در مسکو به علت ناهمگون بودن عمق ایستگاه‌ها، محاسبه عمق متوسط مترو امکان‌پذیر نیست. بد نیست در زمینه متروی این شهر چند آمار را مرور کنیم: طول خط ۱۰۳ کیلومتر، تعداد ایستگاه‌ها ۵۸ توقف‌گاه، تعداد واگن‌ها ۱۵۰۰، عمیقترین مترو ۱۱۰ متر، حداکثر سرعت ۹۰ کیلومتر در ساعت، حداقل فاصله زمانی بین حرکت قطارها ۶۰ ثانیه، حد متوسط حمل و نقل مسافر در شبانه روز ۴۱۵۰ هزار نفر، تعداد مسافران در شلوغ‌ترین ساعات ۴۷ هزار نفر در ساعت، حداکثر قطارهای در حال حرکت ۴۲ جفت قطار در هر ساعت.^۱

سنت پترزبورگ، شهر علم و دانایی

شهر سنت پترزبورگ یکی از بزرگ‌ترین مراکز علوم شوروی (سابق) و روسیه کنونی است. با بنیانگذاری شهر چندین مدرسه و آموزشگاه عالی برای تربیت متخصصان موردنیاز تأسیس گردید. اولین چاپخانه در سال ۱۷۱۱م در این شهر به کار افتاد و اولین روزنامه روسیه به نام *ودوموستی* در این چاپخانه به چاپ رسید. تا سال ۱۸۳۸م، حدود ۸۸ چاپخانه در سنت پترزبورگ فعالیت می‌کردند و کتابفروشی‌های بی‌شمار منبع زندگی و شریان فرهنگی پایتخت بودند. آکادمی علوم دریایی در سال ۱۷۱۵م، مدرسه عالی مهندسی در سال ۱۷۱۹م مدرسه عالی توپخانه در سال ۱۷۲۱م و فرهنگستان علوم این شهر در سال ۱۷۲۵م تأسیس شد. دانشمندان برجسته‌ای چون لامانوسف و دیگران در این فرهنگستان فعالیت داشته‌اند. در سال ۱۸۲۸م انستیتو تکنولوژی برای تربیت کادرهای ماهر در رشته مهندسی به وجود آمد. مندلییف (۱۸۳۴-۱۹۰۷م) دانشمند مشهور روس و مبتکر جدول عناصر شیمیایی در دانشگاه سنت پترزبورگ تدریس می‌کرد. نام نویسندگان بزرگ روسیه؛ تولستوی، داستایوفسکی، گانچاروف، تورگنیف، نکراسف و بسیاری از شخصیت‌های مشهور علمی و فرهنگی با این شهر در ارتباط است. هم‌اکنون تعداد مراکز علمی در این شهر به صدها واحد می‌رسد.

دانشگاه سنت پترزبورگ یکی از دانشگاه‌های بزرگ روسیه که در سال ۱۷۱۰م ساخته شد و در سال ۱۷۲۴م رسماً توسط پترکبیر افتتاح گردیده و دانشمندانی و اساتیدی از آلمان و فرانسه برای تدریس دعوت گردید. این دانشگاه دارای ۱۷ دانشکده در تمامی موضوعات و زمینه‌های علمی و فرهنگی است: دانشکده‌های پزشکی، بیولوژی، زمین‌شناسی، شیمی، فیزیک و شرق‌شناسی از جمله این دانشکده‌هاست، گروه ایران‌شناسی و گروه زبان‌های ایرانی بخشی از این دانشکده است که ایران‌شناسان و شرق‌شناسان برجسته‌ای همچون دورن، روزن، ژوکوفسکی و دیگران در آنجا فعالیت داشته‌اند. باید دانست که تدریس زبان فارسی در دانشکده خاورشناسی از سال ۱۸۱۸م آغاز گردید و از آن زمان تاکنون پیوسته ادامه دارد. از سال ۱۸۶۳م تدریس زبان اوستایی و زبان فارسی کهن (خط میخی هخامنشی)

و زبان پهلوی در این دانشکده آغاز شد و در حال حاضر نه تنها به آموزش زبان و ادبیات کهن ایرانی بلکه به آثار و تاریخ ایران معاصر نیز می‌پردازند. دانشمندان و شخصیت‌های برجسته جهانی همچون: الکساندر آلتین، لئونارد اویلر، الکساندر بوتلروف، لوون ترپتروسیان، برنهارد دورن، آین رند، آناتولی ایوانوویچ روسانوف، الکساندر سرافیموویچ، نیکولای سیمینوف، لولاندائو، دمیتری مندلیف، میخائیل روستوفتسف، ولادیمیر لنین، ایوان پاولوف، گریگوری پرلمان، الکساندر میخایلوویچ پروخورف، آناتولی کاریف، ویکتور کورچنوی، جرج گاموف، جورج گوروویچ، لف گومیلیف، نیکلای گوگول و جز اینها، جملگی از اساتید برجسته این دانشگاه بوده‌اند. همانگونه که اشاره گردید، کتابخانه دانشگاه سنت پترزبورگ دارای ۱۴۷۰ نسخه اسلامی شامل ۹۰۰ نسخه فارسی، ۳۰۰ نسخه عربی و ۲۷۰ نسخه ترکی است که کسانی، همچون خاورشناس شهیر روسیه، ویکتور رومانوویچ روزن، در سال‌های ۱۸۷۷ و ۱۸۸۶م فهرستی برای نسخ خطی فارسی و عربی آن تهیه کرده‌اند:

V. R. Rosen: **Les manuscrits arabes de l'Institut des Langues Orientales**

(St. Petersburg: Imprimerie de l'Académie Impériale des Sciences), 1877, 268p.

V. R. Rosen: **Les manuscrits persans de l'Institut des Langues Orientales**

(St. Petersburg: Imprimerie de l'Académie Impériale des Sciences), 1886, 369p.

ناگفته نماند برای نسخ خطی کتابخانه دانشگاه سنت پترزبورگ، فهرس متعددی نگارش یافته است که گزارشی از آنها، در پژوهش زنده یاد اولگ آکیموشکین در سال ۱۹۹۲م منتشر گردیده است.^۱



در روز شنبه، ۳۱ تیرماه، توفیقی نصیب شد تا با هماهنگی آقای الکساندر - که خود دانشجوی دانشکده شرق‌شناسی این دانشگاه عامره است - دیداری از این دانشگاه داشته باشیم، البته به جهت ایام تعطیلات دانشگاه، تنها دیدار از بعضی بخش‌های دانشگاه، میسر گردید. دانشگاه کهن سنت پترزبورگ، دارای سالنی

۱. المخطوطات الإسلامية في العالم (لندن ۲۰۰۰م): ج ۲، صص ۵۴۸-۵۵۲.

بزرگ است که برای آشنایی دانشجویان و نیز به جهت قدرشناسی، در آن سالن، مجسمه‌های شخصیت‌ها و اساتید برجسته و تاریخی این دانشگاه، همراه تابلویی کوچک مشتمل بر شرح احوال آنان نهاده شده بود؛ چیزی که در دانشگاه‌های ما و نیز سایر نهادهای آموزشی کشورمان، کمتر مشاهده شده است! نکته بسیار جالب توجه در این سالن ۵۰۰ متری، قفسه‌های بلند و طولانی آرشیو دوره‌های کامل نشریات حوزه شرق شناسی بود که در سال‌های قرون ۱۷-۱۹ میلادی در اروپا و روسیه، بخصوص سنت پترزبورگ، منتشر شده است.

کتابخانه‌ها در زندگی فرهنگی و ادبی سنت پترزبورگ سهم بسیار شایانی ادا کرده‌اند. اولین کتابخانه کشور در اوایل قرن ۱۸ میلادی در سنت پترزبورگ بنیان نهاده شد. کتابخانه آکادمی علوم یکی از قدیمی‌ترین کتابخانه‌هاست که به ابتکار پتر کبیر در سال ۱۷۱۴م ایجاد شد. در این کتابخانه ۱۶ میلیون جلد کتاب نگهداری می‌شود که یک سوم آنها به زبان‌های خارجی است. باید دانست که در حال حاضر ۱۲۷۰ کتابخانه در شهر سنت پترزبورگ فعالیت می‌کنند که شامل کتابخانه‌های دولتی، عمومی، دانشگاهی، حرفه‌ای و آموزشگاهی می‌شوند. در کتابخانه‌های قدیمی این شهر و به خصوص در کتابخانه دانشکده خاورشناسی و بخش ایران‌شناسی، آثار و نسخه‌های خطی فارسی متعددی نگهداری می‌شوند. در حال حاضر کلکسیون‌های کتب خطی فارسی که در این شهر حفظ می‌شود، شامل هفت هزار جلد کتاب قدیمی است. بزرگ‌ترین کلکسیون‌های کتب خطی این شهر متعلق به انستیتو نسخ خطی شرقی (ملل آسیایی سابق) وابسته به فرهنگستان علوم است که در سال ۱۸۱۳م تأسیس شده است؛ دومین مجموعه مربوط به آثار نقاشی و خطاطی کتابخانه عمومی سالیتمکوف شدرین است. گفتنی است که در ادامه همین نوشتار، گزارشی مستقل از این دو مجموعه دستنویس مهم، ارائه خواهیم داد. کلکسیون سوم نیز به کتابخانه دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه سنت پترزبورگ تعلق دارد؛ این کتابخانه در سال ۱۸۱۹ تأسیس گردیده است و در حال حاضر، افزون بر هزاران کتاب چاپی، همچنین دارای ۹۴۰ جلد نسخه خطی فارسی است که پیش‌تر، گزارشی مختصر از وضعیت آنها، ارائه گردید.

موزه ارمیتاژ

یکی از روزهای اقامت در سنت پترزبورگ، توفیقی دست داد تا با دوستان دیداری از بخش‌های مختلف موزه ارمیتاژ یا آرمیتاژ یا دقیق‌تر هر میتاژ، داشته باشیم. این دیدار تقریباً شش ساعت طول کشید، ولی به جهت گستردگی و تنوع بخش‌های موزه، شاید در این مدت تنها یک سوم آن مورد بازدید ما قرار گرفت. موزه ارمیتاژ دارای ۳ میلیون اثر و قطعه هنری است. باید دانست که این قطعات هنری به طور همزمان نمایش داده نمی‌شوند. این موزه که برای نگهداری مجموعه هنری خانواده سلطنتی تزارها ساخته شده است، یکی از بزرگ‌ترین موزه‌های جهان و از قدیمی‌ترین گالری‌های هنری و موزه‌های تاریخ و فرهنگ بشری در جهان به شمار می‌رود و پس از موزه بریتانیا در انگلستان و موزه لوور در فرانسه، مقام سوم موزه‌های بزرگ جهان را داراست. این موزه در حال حاضر، مجموعه بزرگی از آثار هنری اروپای غربی، روسیه و خاور میانه را در خود جای داده است.

گفتنی است که مجموعه عظیم آرمیتاژ در شش بنا به نمایش گذاشته شده است؛ بنای اصلی، کاخ زمستانی نام دارد و در گذشته محل سکونت رسمی تزارهای روسیه بوده است. این موزه شعبه‌هایی بین‌المللی در آمستردام، لندن و لاس‌وگاس نیز دارد. از جمله هنرمندانی که آثارشان نقاط قوت مجموعه هنر غرب در موزه ارمیتاژ هستند، می‌توان به میکل آنژ، لئوناردو داوینچی، روبنس، ون دایک، رامبراند، رودن، مونه، سزان، ون گوگ، گوگن و پیکاسو اشاره کرد. البته این موزه مجموعه آثار متعددی دارد که از جمله آنها می‌توان به نشان‌ها، لباس‌ها و جواهرات سلطنتی، مجموعه متنوعی از جواهرات ساخته فابریه و بزرگترین کلکسیون موجود در جهان از طلای باستانی متعلق به اروپای شرقی و آسیای غربی اشاره کرد. در سال ۱۷۶۴م، کاترین کبیر با خرید بیش از دویست نقاشی در اروپا، جمع‌آوری این مجموعه مشهور را آغاز کرد. سفرای روس در پایتخت‌های بیگانه مأمور یافتن بهترین مجموعه‌های هنری ارابه شده برای فروش مانند مجموعه‌های برول سیاست‌مدار ایالت زاکسن آلمان، کروزا، کلکسیونر فرانسوی و نگارخانه والپول در انگلستان، بودند. کاترین کبیر، نگارخانه خود را هر میتاژ یا خلوتگاه خود می‌نامید، زیرا تنها افرادی انگشت‌شمار اجازه ورود و تماشای آثار موجود در آن را به دست می‌آوردند. او در

یکی از نامه‌های خود با تأسف چنین گفته است: «تنها موش‌ها و من می‌توانیم تمام این زیبایی‌ها را تحسین کنیم. کاترین تتاتر خصوصی خود را که در نزدیکی گالری و در طی سالهای ۱۷۸۳ و ۱۷۸۷م ساخته شده بود نیز، آرمیتاژ می‌نامید. به تدریج، کلکسیون‌های سلطنتی با آثار باستانی و فرهنگی یونان و سیت که در طی حفاری‌های انجام شده در پرشچپینا، پازیریک و دیگر مقابر باستانی که در جنوب روسیه یافته شده بود، غنی‌تر شد. به این ترتیب ایجاد یکی از غنی‌ترین مجموعه‌های طلای باستانی آغاز شد. این مجموعه اکنون شامل بخش قابل توجهی از گنج‌های تروا است که توسط هاینریش اشلاین کشف و از زیر خاک خارج شد. تزار نیکولاس اول برای جای دادن مجموعه در حال توسعه عتیقه‌جات یونان، روم و مصر از معمار سبک نئوکلاسیک آلمانی به نام لیو فون کلنز خواست تا بنای موزه عمومی را طراحی کند. این بنا که در سال ۱۸۵۲م برای بازدید عموم گشوده شد، به احتمال بسیار اولین گالری در اروپای شرقی است که از ابتدا به همین قصد طراحی و ساخته شده است. همچنان که تزارهای روس به توسعه مجموعه هنری خود مشغول بودند، آثار متعددی از داوینچی، یان ون‌ایک و رافائل در ایتالیا خریداری شده و به آرمیتاژ انتقال پیدا کردند؛ به گونه‌ای که اکنون بزرگترین مجموعه آثار رامبراند در جهان نیز متعلق به آرمیتاژ است.

در طی انقلاب کمونیستی روسیه در سال ۱۹۱۷م، اموال موزه سلطنتی آرمیتاژ ملی اعلام شد و پس از ملی شدن مجموعه‌های هنری عمومی، دامنه آثار موجود در موزه وسعت بیشتری یافت. به خصوص ورود هنر مدرن از کلکسیون‌هایی چون مجموعه هنری سرگئی شکوکین و ایوان موروزوف بسیار جالب توجه بود. از جمله آثار اضافه شده به موزه می‌توان از اکثر آثار سال‌های اخیر گوگن، ۴۰ اثر سبک کوبیسم پیکاسو و آثاری مشهور از بزرگان هنر مدرن مانند تابلو "رقص" اثر ماتیس و "کافه شبانه" اثر ون گوگ اشاره کرد.

حاکمان وقت اتحاد جماهیر شوروی، توجه چندانی به نگهداری از "هنر منحنط" طبقه بورژوا" نداشتند و بر این پایه به دستور استالین تعدادی از با ارزش‌ترین آثار موجود موزه آرمیتاژ در خارج از کشور به فروش رفت! از جمله این آثار می‌توان

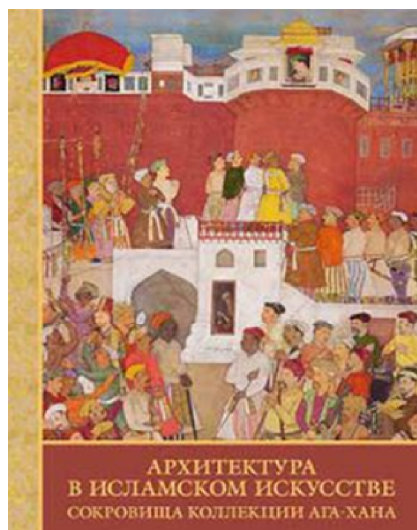
شاهکارهای بی‌رقیبی چون "آلبا مدونا" اثر رافائل، "ونوس در مقابل آینه" اثر تیشین و "بشارت" اثر ون ایک را نام برد. بسیاری از این آثار که توسط اندرو ملون تهیه شده بود، اکنون هسته مرکزی گالری هنر ملی در واشنگتن را تشکیل داده‌اند. از دیگر موارد از دست رفته موزه که البته موارد مشابه آنها یافت می‌شود، می‌توان به هزاران اثر هنری که از موزه ارمیتاژ خارج شده و به موزه پوشکین در مسکو و موزه‌های دیگری در سراسر اتحاد شوروی فرستاده شد، اشاره کرد. تعدادی از کلکسیون‌های موزه نیز در طی محاصره لنینگراد در جنگ جهانی دوم، هنگامی که ساختمان موزه به عنوان پناهگاه در مقابل حمله هوایی استفاده شد، قربانی بمباران هوایی آلمان‌ها شد. اما این دوره غم‌انگیز در تاریخ موزه ارمیتاژ در سال ۱۹۴۵م به پایان رسید. در این زمان دولت کوشش می‌کرد با انتقال دادن تعدادی از آثار هنری به موزه که در طی جنگ جهانی دوم توسط ارتش سرخ از آلمان تصرف شده بود، خسارات وارده را جبران کند. به تبع آن اشیای متعلق به موزه برلین - آلمان در سال ۱۹۴۵م توسط ارتش سرخ ضبط گردیده و به ارمیتاژ انتقال یافت. گرانقیمت‌ترین بخش این غنیمت جنگی نقاشی‌های هنرمندان امپرسیونیست بود که از مجموعه‌های خصوصی طبقه ممتاز آلمان به دست آمده بود. این نقاشی‌ها تا سال ۱۹۹۵م که موزه آنها را در معرض دید عموم قرار داد، همواره گمشده یا نابوده شده تلقی می‌شدند! به گفته دولت روسیه این آثار تنها می‌توانند بخش کوچکی از خسارات جبران‌ناپذیری که تهاجم آلمان به میراث فرهنگی روسیه وارد کرده‌اند، از جمله تخریب کامل کاخ‌ها و باغ‌های پترهوف و تزارسکو سلورا جبران کند. از طرفی دولت روسیه قانونی را در مجلس به تصویب رساند که به موجب آن بازگرداندن هر نوع آثار به صاحبان قبلی آن، ممنوع اعلام شده است زیرا این افراد به خاطر تأمین هزینه رژیم نازی گناهکار شناخته شده‌اند. در سال‌های اخیر، موزه ارمیتاژ بیش از پیش توسعه یافته و عمارت ستاد فرماندهی را نیز در بر گرفته است و به انجام پروژه‌های بزرگی در خارج از کشور نیز پرداخته است که موزه ارمیتاژ گوگنهایم در لاس وگاس، اتاق‌های ارمیتاژ در عمارت سامرست در لندن و ارمیتاژ آمستردام در هلند، از آن جمله‌اند. باید افزود که مقامات موزه در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۶ اعلام کردند که ۲۲۱ فقره آثار

کوچک مانند جواهرات، شمایل‌های ارتودوکس، ظروف نقره و اشیایی با میناکاری فراوان از موزه به سرقت رفته است. ارزش این اشیاء که تاکنون یافت نشده‌اند، ۵۴۳ هزار دلار برآورد شده است.

موزه ارمیتاژ دارای ۸۶ نسخه خطی اسلامی بسیار نفیس شامل ۵۲ نسخه عربی، ۳۲ نسخه فارسی و نیز ۲ نسخه ترکی است که در مجموع دارای ۴۷۱ مینیاتور می‌باشند. در معرفی برخی نسخه‌های خطی عربی و فارسی این موزه عامره، دو فهرست ارزشمند به تازگی منتشر شده که مشخصات آن دو چنین است:

Адамова, А.Т.: *Персидские рукописи, живопись и рисунок XV – начала XX века: каталог коллекции.* Санкт-Петербург, Издательство Государственного Эрмитажа, 2010, 512 p.

Архитектура в исламском искусстве. Сокровища коллекции Ага-хана, Санкт-Петербург, Издательство Государственного Эрмитажа, 2011, 248 p.



فهرست‌های نسخ خطی اسلامی موزه ارمیتاژ

کتابخانه ملی روسیه (سالتیکف-شدرین سابق)

روز پنجشنبه (۲۹ تیر) طبق قرار قبلی، همراه دوستان، دیداری از کتابخانه ملی روسیه، که پیش از فروپاشی، با نام کتابخانه سالتیکف - شدرین نامیده می‌شد، داشتیم. پس از کنترل پاسپورت‌ها و صدور مجوز ورود، شوربختانه، رئیس کتابخانه ملی روسیه، آقای آنتون لیخومانوف، حضور نداشتند. اما با این حال خانم جوانی، ما را به بخش نسخ خطی کتابخانه راهنمایی نمودند. پس از طی مسافتی نسبتاً طولانی و گذر از دالان‌های محتوی صدها قفسه فیش کارت، به بخش نسخ خطی کتابخانه رسیدیم؛ دور تا دور سالن را صندلی‌های مخصوص، کمد‌ها و قفسه‌هایی مجلل احاطه نموده که پس از استفسار معلوم شد، صندلی‌ها از مجلس روسیه و کمد‌ها نیز از موزه ارمیٹاژ به این مکان منتقل شده‌اند. در این بخش، با خانم اولگا و. واسیلیوا، رئیس بخش نسخ خطی کتابخانه ملی روسیه، دیدار داشتیم، خانمی میان سال و تیزبین که به گفته خود، ۳۶ سال است در این کتابخانه و این بخش فعالیت دارد.

این کتابخانه با نیت تبدیل دولت روسیه به نمادی علمی در اروپا و نیز نشانه‌ای از شخصیت خلاق و وفادار ملکه به آرمان‌های عصر روشنگری، به عنوان یکی از بهترین کتابخانه‌های عمومی اروپا، سنگ بنای آن به دستور و نظارت کاترین دوم، در سال ۱۷۹۵م، با طراحی معمار یوگور سوکولوف نهاده شد. پس از مرگ کاترین دوم در سال ۱۷۹۶م، تحقق ایده تأسیس کتابخانه عمومی-سلطنتی کاترین، توسط پسرش پل اول و همچنین پس از قتل وی، توسط پسرش الکساندر اول، با جدیت دنبال و ادامه یافت. به منظور تکمیل و تسریع در ساخت کتابخانه، در سال ۱۸۰۰م، استروگانف، به عنوان مدیر کتابخانه سلطنتی منصوب گردید و در دوره مدیریت وی، مجموعه‌های ارزنده‌ای از نسخ خطی شرقی، کتب چاپی و نشریات به زبان‌های شرقی، اروپایی و روسی متعلق به کسانی همچون اراسموس، لاینیتس، دیدرو، روسو، ولتر و دیگران از فرانسه خریداری گردیده و به گنجینه کتابخانه در شرف تأسیس در سنت پترزبورگ، سپرده شد؛ از جمله آثار دستنویس نفیس این دوره، می‌توان به یادگار بدون قیمت فرهنگ روسی اسلاوی، یعنی انجیل اوسترومیر گوسپیل با کتابت سال ۱۰۵۶-۱۰۵۷م اشاره نمود که پس از مرگ کاترین دوم،

از کمد لباس وی بدست آمده است. با اهدای کتب خطی و چاپی از سوی شخصیت‌ها، دانشگاهیان و دانشمندانی همچون: یاکوف، زاخاروف، کوپفر، دورن، کپن، کروسنسترن، رانگل، گلزونوفز، شامیلوف، لپتو، پیروگف، استروف، استروگراسکی، دال، کستومارف، ماکلای مخزن کتابخانه، به تدریج غنی‌تر شد. با انتخاب مورخ و نقاش شهیر، آلکسی اولنن در سال ۱۸۰۸م به عنوان دستیار استروگانف، توسعه و تکمیل کتابخانه وارد مرحله جدیدی گردید. در این ایام، شخصیت‌های متعددی در روند تکمیل این کتابخانه، به اشکال مختلف، به نقش آفرینی نمودند، که از جمله آنان می‌توان به ایوان کریلوف، افسانه پرداز مشهور روس؛ کنستانتین باتیوشکف و آنتون دلویگ، از شاعران برجسته روسیه؛ نیکلای گندیچ، شاعر و مترجم؛ واسیلی سوپیکوف، پدر کتابشناسی روسیه؛ واسیلی سوبولشیکف، متخصص علوم کتابداری و معماری؛ ولادیمیر اودویفسکی، نویسنده و موسیقی‌شناس؛ نیکلای درژاوین، متخصص زبان و فرهنگ اسلاوی، ولادیمیر استاسوف، منتقد معروف هنر و موسیقی؛ آفاناسی و ایوان بیشکف، از مورخان و باستان‌شناسان شهیر روسیه و نیکلای مار، زبان‌شناس و دیگر شخصیت‌های ادبی و هنری روسیه، اشاره نمود. در سال ۱۸۱۰م، امپراتور الکساندر یکم، بودجه‌ای مخصوص از خزانه دولت را برای تأمین هزینه‌های جاری کتابخانه، اختصاص داد. در این تاریخ، بر اساس قانون واسپاری، هر یک از ناشران بایستی دو نسخه از کتب چاپ شده خود را بایستی به صورت رایگان، به این کتابخانه ارسال نمایند؛ قانونی که اطمینان لازم را برای خوانندگان به وجود می‌آورد تا به طور منظم از کتب و نشریات تازه انتشار آگاهی یابند.

تکمیل ساختمان این کتابخانه، پس از سال‌ها انتظار، در سال ۱۸۱۴م به پایان رسید و رسماً در دوم ژانویه همان سال در مراسمی با حضور شخصیت‌های برجسته همچون نیکلای درژاوین، ولادیمیر استاسوف، گاوریلا، کیرنسکی، ووستوکف و دیگران، درهای کتابخانه، با عنوان کتابخانه عمومی-سطنتی روسیه، به روی خوانندگان گشوده شد. ساختمان کتابخانه یکی از شاهکارهای معماری است و نمای آن نماینده بلوک‌هایی است که به طور موزون توسط ایگور سوخولوف، لویچی روسکا،

آندری ورونیخین، کارلو روسی، آپولون شدرین و ویوگراف وروتیلف طراحی شده است. هنگام افتتاح رسمی کتابخانه، اولنن، در چگونگی و تسهیل استفاده پژوهشگران از منابع کتابخانه، قانونی تعریف نمود: «استفاده از مخزن کتابخانه، هدف اصلی ماست؛ مهم نیست خواننده چه کسی است، هر کسی برای استفاده از منابع کتابخانه، قادر خواهد بود هر نوع کتاب خطی و چاپی را بدون پرداخت هزینه‌ای، درخواست بدهد؛ تنها محدودیت این است که کتاب‌ها بایستی در همین کتابخانه مورد مطالعه قرار گیرد».

اولنن که پس از استروگانف، به مدیریت "کتابخانه عمومی-سلطنتی" رسیده بود، برای کارمندان کتابخانه احترام زیادی قائل بود، در دوره مدیریت وی، کتابخانه رشد وصف ناپذیری یافت. پس از مرگ وی در سال ۱۸۴۳م، دیمیتری بوتورلین به عنوان مدیر جدید انتخاب و مشغول به کار شد. وی پیش‌تر یک نظامی در ارتش روسیه و دانش آموخته تاریخ نظامی به شمار می‌رفت و در جنگ‌های زیادی شرکت کرده بود، در دوره مدیریت وی نظم و انضباط خاصی بر کتابخانه داده شد؛ اما کتابخانه، دیگر فاقد فضای دوستی و صمیمیت دوره اولنن گردید و این فضای سرد و خشک مدیریتی تا سال ۱۸۴۹م که بوتورلین درگذشت بر روح کتابخانه، حاکم بود! پس از وی، کورف، در اکتبر همان سال، سگان مدیریتی کتابخانه را عهده دار شد؛ وی کار خود را در کتابخانه با تأکید بر دو شعار: "کتابخانه، منبع حیات در آموزش عمومی" و "کتابخانه، شکوه تاریخی یک ملت" آغاز کرد و دوره وی مشحون از تغییرات اساسی بود. برای نمونه، در دوره مدیریت وی، بر خلاف معمول کتابخانه‌های اروپایی، ساعات کار سالن مطالعه کتابخانه از ۱۰ صبح تا ۹ شب افزایش یافت؛ پس از گذشت چهار سال از تأسیس، کتابخانه با نور الکتریکی، روشن گردید؛ تعداد خوانندگان به ۷ برابر و تعداد بازدیدکنندگان از کتابخانه به ۹ برابر افزایش یافت؛ در این راستا، این روند رشد تساعدی استقبال از کتابخانه، به حدی بود که به ترتیب در سال ۱۸۶۰م، ۳۰۰۰ کارت، سال ۱۸۹۹م، ۱۶۵۰۰ کارت، در سال ۱۹۱۳م، ۲۷۵۰۰ کارت عضویت، صادر گردید و تعداد بازدیدکنندگان از کتابخانه نیز از ۱۸۵۰۰ نفر در سال ۱۸۶۰م به ۱۹۴۰۰۰ نفر در سال ۱۹۱۳م افزایش داشته است.

باید افزود که این کتابخانه عمومی، از همان روزهای نخست احداث، در توسعه علوم ملی و فرهنگی و توسعه روشنگری و آموزشی نقش مهمی را ایفا نمود. شواهد و مدارک تاریخی فراوانی از تاریخ روسیه و سنت پترزبورگ را در ابعاد مختلف آن، در این کتابخانه می‌توان یافت. شخصیت‌های ادبی، تاریخی، سیاسی متعددی از این کتابخانه عامره بهره‌جسته‌اند که از آن جمله‌اند: نیکلای کارامزین، الکساندر پوشکین، نیکلای نکراسف، لئو تولستوی، ولادیمیر کورولنکو، ماکسیم گورکی، مودست مسورگسکی، ایلیا ریپین، نیکلای پیروگف، دیمیتری مندلییف، ایوان پاولف، کلیمنتی تیمیریازف، ولادیمیر ورنادسکی، ویلهلم کوشلبکر، الکساندر تورگنیف، نیکلای چرتیشوسکی، نیکلای دوبرولیووف، دیمیتری پزارف، پیوتر لاوروف، هرمان لوباتین، الکساندر اولیانف و گئورکی. این کتابخانه غالباً مرکز فعالیت‌های انقلابی نیز بوده است؛ برای نمونه در طول سال‌های ۱۸۹۳-۱۸۹۵م، ولادیمیر لنین، در یکی از سالن‌های این کتابخانه مطالعه می‌نمود و به‌طور محرمانه با اعضای گروه‌های انقلابی اتحادیه مبارزه سن پترزبورگ ملاقات می‌نمود. ماکسیم گورکی در ژانویه ۱۹۰۵ در همین کتابخانه، خطابه‌ای انقلابی ایراد کرد و مردم را به مبارزه علیه دولت تزاری روسیه فراخواند. در ژوئن ۱۹۱۷ روزنامه‌ها، عکس‌هایی از تیراندازی به یک تظاهرات آرام را که در نزدیکی این کتابخانه برگزار شده بود، منتشر ساختند. در نوامبر همان سال در مجبوحه رنج و قحطی ناشی از جنگ دوم جهانی و جمهوری نوپای در شرف تأسیس، لنین یادداشت‌هایی با عنوان وظایف کتابخانه عمومی در پتروگراد نوشت و در آن تأکید نمود تا همه موجودی کتابخانه بایستی در اختیار کارگران قرار گیرد.^۱ با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م، بلافاصله کلمه "سلطنتی" از نام کتابخانه، حذف گردید. با روی کار آمدن نظام کمونیستی، از سال ۱۹۱۷م به تدریج با بنای سوسیالیستی، ساختار مجدد و بنیادی کتابخانه حاصل گردید؛ پیشرفت‌های بیش‌تری در زمینه فهرست‌ها، خدمات مربوط به امانت دادن کتاب، تبادل کتاب‌های بین‌المللی و پژوهش‌های روش‌شناسی انجام گرفت. پس از مرگ ولادیمیر لنین

۱. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۴، ش ۱۴، بهار ۱۳۸۲، صص ۲۰۳-۲۲۰.

در سال ۱۹۲۴م، ژوزف استالین، رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی، نام کتابخانه را به سالتیکف شدرین، نویسنده محبوب خود، تغییر داد. بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰م کتابخانه دستخوش تغییرات ساختاری متعددی گردید؛ با توجه به سرکوب ایدئولوژیک در کشور، مطالعه بسیاری از آثار، ممنوع گردید؛ تبادل کتب، بین دول، بخصوص دولت‌های همگرا، گسترش می‌یابد. این کتابخانه در ۱۴ ژانویه ۱۹۳۹، همزمان با جشن یکصد و بیستمین سالگرد بازگشایی کتابخانه، به عنوان اولین مرکز فرهنگی شوروی، نشان سرخ کارگر را دریافت نمود. در طول جنگ جهانی دوم، کتابخانه، با جان و دل، در غم و اندوه لنینگراد سهیم بود؛ به طوری که تنها ۵۰ نفر از کارمندان خدوم و وطن پرست این کتابخانه در این ایام، برای وطن خویش، جان خود را نثار کرده و ۱۳۸ نفر نیز در زمستان وحشتناک ۱۹۴۱-۱۹۴۲م. در اولین هفته‌های جنگ بخشی از موجودی کتاب‌ها به زیرزمین و کتاب‌های نفیس و دستنویس به بخش‌های داخل کشور انتقال یافتند؛ اما با این حال کتابخانه یک روز هم فعالیت خود را تعطیل نکرد. در طول ۹۰۰ روز محاصره لنینگراد در سال ۱۹۴۱م، دیوارهای کتابخانه در اثر اصابت گلوله آسیب دید و چند بمب آتشین نیز روزی سقف کتابخانه افتاد، ولی از خودگذشتگی مردانی بزرگ، کتابخانه را از آسیب جدی محفوظ داشت. پس از جنگ خانمان سوز، کتابخانه مجموعه‌هایش را دوباره ذخیره و برای سال‌های جنگ آماده کرد و مبادله کتاب را دوباره از سر گرفت. حدود ۳۰۰ هزار کتاب به کتابخانه‌هایی که در طول اشغال آلمان‌ها، صدمه دیده بودند، داده شد. با اهدای کتاب به موجودی کتابخانه‌های استونی، لاتویا، لیتوانی، اوکراین، مولداوی و بلاروس، به موجودی کتاب کشور کمک چشمگیری شد. در سال‌های پس از جنگ، نیز روند بازسازی، توسعه و تغییرات در ساختار کتابخانه به تدریج ادامه یافت. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در ۲۷ مارس ۱۹۹۲ رئیس جمهور بوریس یلتسین، طی فرمانی، این کتابخانه را به عنوان "کتابخانه ملی روسیه" نامید.^۱



خمسه نظامی با کتابت سال ۸۸۷ هجری

از ارزشمندترین داشته‌های کتابخانه، بخش نسخ خطی که موجودی آن به ۴۰۰ هزار نسخه روسی و شرقی می‌رسد که جمع‌آوری آنها، از سال ۱۸۰۵م شروع شده است. این مجموعه‌های ارزشمند در اتاقی (سالن مطالعه فائوست)^۱ نگهداری می‌گردد که در سال ۱۸۵۷م توسط ایوان گورنوستایف طراحی شده است. در این کتابخانه در کنار دستنویس‌های روسی شخصیت‌های علمی و ادبی برجسته روسیه و دستنوشته‌هایی به زبان‌های کلاسیک اسلاوی، اروپایی و یونانی، در حدود ۲۸۰۰۰ هزار نسخه خطی اسلامی به زبان‌های شرقی، از جمله عربی، فارسی و ترکی در موضوعاتی نظیر زبان‌شناسی، جغرافیا، پزشکی، ستاره‌شناسی، ریاضیات و جز اینها، نگهداری می‌شود.

مجموعه کتب نادر نیز شامل کتب منتشر شده در قرن ۱۶ میلادی در اروپای غربی است که همراه مشهورترین مجموعه سده هجدهم، یعنی کتابخانه هفت هزار جلدی ولتر و کتابخانه خصوصی دنیس دیدرو در این کتابخانه نگهداری می‌گردد. دستنوشته‌های روی پاپیروس، برگ‌های نخل، پوست آهو، عاج فیل، تنه درختان گان، بشقاب‌های فلزی، لوحه‌های چوبی، موم اندود و همچنین تکه‌های کاغذ با منشأ و تاریخ‌های گوناگون، شجره‌نامه، نشان‌ها و خطوط هیروگلیف (تصویری)، زینت بخش ویتترین‌های بخش خطی و سنگ نبشته‌های به خط سومری، یونانی، رومی، عربی، فارسی، ترکی و ارمنی نیز زینت بخش پلکان مرکزی کتابخانه می‌باشد.



از مهمترین مجموعه‌های نفیس این کتابخانه عامره، نسخه‌های خطی بقعه شیخ صفی اردبیلی است که در سال ۱۸۲۸م/۱۲۴۳هـ همزمان با دوره دوم جنگ‌های دوم ایران و روسیه، از سوی پاسکویچ از بقعه شیخ صفی در اردبیل به روسیه، منتقل گردید.

پیش‌تر باید دانست که ایوان فتودورویچ پاسکویچ در ۱۸۲۵م از سوی نیکلای یکم تزار روسیه، فرماندهی بخشی سپاهیان این کشور را در تازش به قفقاز دوره دوم

جنگ‌های ایران و روس عهده‌دار گردیده بود. وی در ۱۸۲۶م در نزدیکی گنجه شکست سختی به نیروهای زیر فرماندهی عباس میرزا داد. در همان سال پاسکویچ عباس میرزا را تا چورس عقب راند و خود تا آذربایجان پیشروی کرد و از ارس هم گذشت. در ۱۸۲۷م امپراتور یرمولف را برکنار نمود و اختیارات وی را در فرماندهی نیروها به پاسکویچ سپرد. در پاییز ۱۸۲۷م پاسکویچ سرانجام توانست ایروان را بگشاید. در پی این پیروزی امپراتور روسیه به او نشان سن‌گئورگ و لقب "گنت ایروان" را اعطا نمود. پاسکویچ سپس مرند را گشود و در اکتبر همان سال بی پایداری چندانی، تبریز را هم فتح کرد. پس از آن در دهخوارقان با عباس میرزا به مذاکره نشست که بی نتیجه ماند. در ۱۸۲۸م/۱۲۴۳هـ او اردبیل را نیز گشود، در جریان این فتح کتاب‌های نفیس آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی را به سن‌پترزبورگ فرستاد. سرانجام با میانجی‌گری وزیرمختار انگلیس (مک دونالد) دو طرف در قریه ترکمانچای قراردادی را منعقد ساختند و جنگ به پایان رسید. البته طبق گفته خانم اولگا واسیلیوا، رئیس بخش نسخ خطی این کتابخانه عامره، بنا بر اسنادی تاریخی که در جلد ششم یا هفتم مجموعه ارزشمند اسناد مربوط به قفقاز (چاپ تفلیس ۱۸۶۶-۱۹۰۴م):

Акты, собранные Кавказской археографической комиссией, 1866-1904

منتشر شده است، حکایت از آن دارد، با اینکه این کتب، غنائم جنگی محسوب می‌شده‌اند، با این حال دولت روسیه تزاری برای ابراز حسن نیت، در مقابل آن دستنویس‌ها، به دولت ایران، طلا پرداخته و آن را داخل پاکتی روی مقبره شیخ صفی در اردبیل نهاده است!

به هر تقدیر ۱۶۶ نسخه نفیس ارسالی از اردبیل به روسیه، سرانجام در کتابخانه عمومی-سلطنتی (سالتیکف) آرام گرفتند و آقای دورن، اندکی بعد آنها را در سال ۱۸۵۲م به زبان فرانسوی فهرست نموده و منتشر ساخت؛ نشانه "Ard" در این فهرست، اشاره به نسخه‌های نفیس "اردبیل" است؛ عنوان اصلی این فهرست چنین می‌باشد:

B. Dorn: Catalogue des manuscrits et xylographes orientaux de la *Bibliothèque impériale publique* de St. Pétersbourg, 1852.

گفتنی است پس از آن، برای نسخه‌های خطی شرقی و اسناد این کتابخانه فهرست‌های متعددی نیز نوشته شد که زنده یاد اولگ آکیموشکین، گزارشی از آن‌ها، تا سال ۱۹۹۲م منتشر ساخته است.^۱



یکی از نسخه‌های نفیس این کتابخانه عامره (دو مجلد) که مورد بازدید قرار گرفت، کتاب *احسن الکبار*، تألیف ابن عرب‌شاه، محمد بن ابی‌زید علوی ورامینی (درگذشته پس از ۸۳۷هـ) است. این اثر درباره زندگی امامان شیعه علیهم السلام است که به سال ۸۳۷هـ با نثری ساده و روان به زبان فارسی تألیف گردیده است. باید دانست که این اثر در قرن دهم هجری در روزگار شاه طهماسب اول صفوی و به دستور او، به دست فخرالدین علی بن حسن زواره‌ای تلخیص شده و با افزودن مطالبی بر آن، به نام *لوامع الانوار الی معرفة الی المعرفة الأئمة الأطهار* نامیده شده است. *احسن الکبار* خالی از هرگونه پیچیدگی زبانی است، به طوری که همه می‌توانند از خواندن آن بهره بگیرند. اما دلیل این که این نسخه خطی در این دوره و در زمان شاه طهماسب برای مصورسازی انتخاب شده است به تعصبات شدید مذهبی و گرایش عمیقی که شخص شاه به شیعه داشته است، برمی‌گردد؛ در زمان او نگارگری نسخ خطی بیش‌تر درباره اهل بیت علیهم‌السلام، رونق و رواج یافته بود. این تصاویر وقایعی را روایت می‌کنند که در اسلام و نزد شیعه از اهمیت بالایی برخوردارند؛ برخی از وقایع نیز صفات و فضائل ائمه را به نمایش می‌گذارند.

دو نسخه *احسن الکبار* نفیس، مذهب و مینیاتوری موجود در این کتابخانه (سالتیکف)، به شماره‌های 312 و 313. ПНС نگهداری می‌گردند. این نسخه‌ها در قطع رحلی به اندازه ۲۶×۳۷/۵ سانتی‌متر ۲۴ سطری، به خط تعلیق کتابت شده است و مجموع دو جلد، دارای ۸۰۰ برگ با ۳۹ مجلس نگاره (مینیاتور) مشتمل بر رویدادهای مهم زندگی و معجزات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام آراسته شده است. برخی از نگاره‌ها عبارتند از: امام حسن علیه‌السلام و معاویه، حضرت علی علیه‌السلام

۱. المخطوطات الإسلامية في العالم (لندن ۲۰۰۰م): ج ۲، صص ۵۶۷-۵۷۲.

در حال کشتن اجنه، وداع پیامبر ﷺ با مردم، ماجرای تل ریگ، معلق شدن کوه، داستان هشام بن عبدالملک و امام زین العابدین علیه السلام، ماجرای لیلۃ المبیت، قضیه گذشتن حضرت علی علیه السلام با دلدل از چاه، ولادت پیامبر ﷺ، پیامبر ﷺ و قوم بنی اسرائیل، خواندن خطبه حضرت فاطمه علیها السلام، غدیر خم و جنگ جمل. از جمله نگاره‌ها، یکی داستان تولد حضرت محمد ﷺ را روایت می‌کند. نگاره بعدی پیامبر ﷺ را در حال گفت‌وگو با تقی چند از قوم بنی اسرائیل نشان می‌دهد. در نگاره دیگر پیامبر ﷺ بر منبر نشسته و علی علیه السلام و جمعی از صحابه مقابل او و عده‌ای دیگر نیز در ضلع دیگر مسجد ایستاده‌اند و امام حسن نیز در آستانه محراب جای گرفته‌اند. از دیگر نگاره‌ها، تصویر واقعه مربوط به روزهای واپسین حیات پیامبر ﷺ است، زمانی که بیماری ایشان شدت یافته بود. تصویر دیگر مربوط به واقعه غدیر خم است. در مرکز این تصویر حضرت محمد ﷺ و حضرت علی علیه السلام بر بالای جهاز شتران در حالی که محمد ﷺ، علی علیه السلام را در آغوش گرفته و بلند کرده نشان داده شده است. نگاره دیگر جریان خواستگاری کردن حضرت علی علیه السلام از حضرت فاطمه علیها السلام را نشان می‌دهد.

نگاره دیگر، تصویری است که ماجرای خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر را بازگو می‌کند، زمانی که حضرت علی علیه السلام از جان خود گذشت و به جای پیامبر ﷺ در بستر وی خوابید. مینیاتور دیگر، حضرت علی علیه السلام را سوار بر دلدل (اسب حضرت) نشان می‌دهد، در این تصویر حضرت علی در مرکز تصویر نشان داده در حالی که دلدل سر در گوش او دارد و گروهی از کافران را که برای قتل حضرت علی علیه السلام با حفر چاه سر راه او نقشه کشیده‌اند در پشت تپه‌ها ترسیم کرده است که در حال سرک کشیدن و منتظر به وقوع پیوستن نقشه‌شان هستند. در نگاره دیگری نقاش یکی از اتفاقات صدر اسلام را نشان داده است. در این تصویر عایشه همسر حضرت رسول ﷺ و طلحه و زبیر در جنگ جمل در برابر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشاهده می‌شوند. در این تصویر چهره حضرت امیر و عایشه پوشیده شده است در حالی که هاله نورانی فقط در اطراف چهره حضرت امیر علیه السلام دیده می‌شود. یکی از نگاره‌ها نیز مربوط به مجلسی است که امام حسن علیه السلام

و معاویه را در کاخ معاویه بر سر خوان طعام نشان می‌دهد. تصویر را می‌توان به سه قسمت در راستای عمودی تقسیم کرد که قسمت پایین آن به وسیله خط افقی لبه بلندی از بخش مرکزی متمایز شده است و بخش بالایی تصویر در پشت قسمت میانی قرار گرفته است به طوری که برتر بودن جایگاه میانی به خوبی در تصویر نمایان است حضور چهار پیکر در قسمت پایین و پیکره سمت چپ قسمت بالا به درک این مسأله کمک می‌کند. درخت بید مجنون و درختان بی‌شکوفه که از ویژگی‌های نگارگری صفویه است و درخت دیگری که می‌تواند سپیدار باشد عناصر فضای طبیعی تصویر را تشکیل می‌دهند. چهره‌های پیکره‌ها گرد و چشم‌های آن‌ها کشیده و ابروهایشان پیوندی است و برخی از آن‌ها کلاه ترک‌دار قزلباش به سر دارند. رنگ‌های متنوع و درخشان در این تصویر به کار رفته است و خطوط نرم و قوی است.^۱

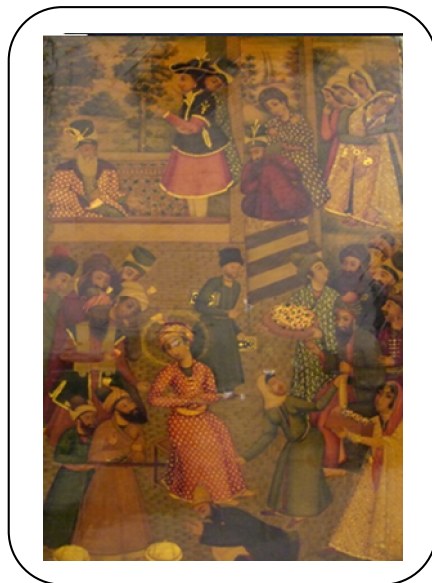
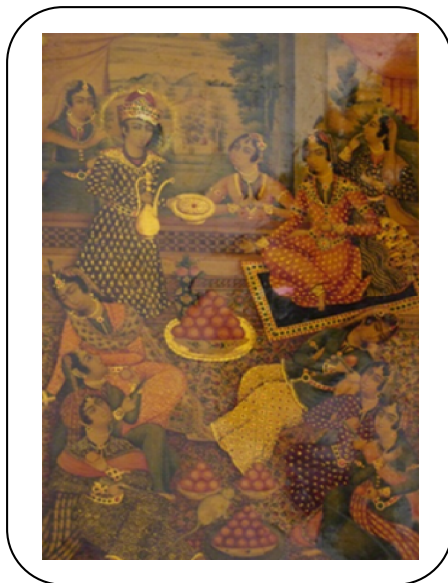
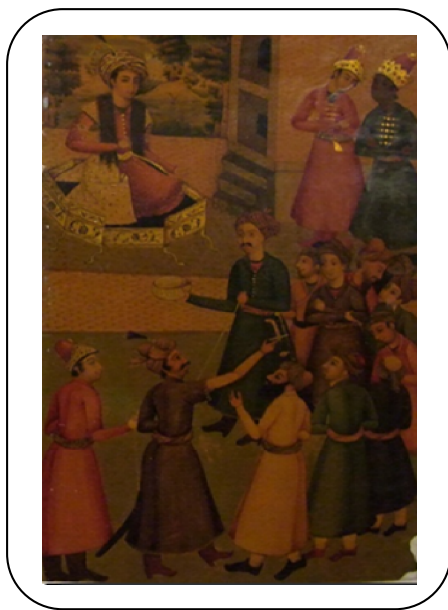
یکی دیگر از نسخ خطی که مورد بازدید قرار گرفت، نسخه نفیس و مذهب یوسف و زلیخای عبدالرحمن جامی است که از سوی خسرو میرزا در سال ۱۲۴۸ هـ/ ۱۸۳۲ م در دارسعاده زنجان، به گراف سیمونیچ، سفیر مختار دولت روسیه تزاری در تهران، تقدیم شده است. روی و پشت دو جلد بسیار نفیس رنگ روغنی مرغش این نسخه، نقاشی مینیاتوری بسیار هنرمندانه‌ای از داستان حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام با زلیخا ترسیم گردیده است که بی‌تشابه با داستان زندگی خسرو میرزا نبوده است.

باید افزود تاکنون درباره تمام یا بعضی از نسخ خطی نفیس به یغما رفته از بقعه شیخ صفی در اردبیل، از سوی کسانی همچون بنهارت دورن، اولگ آکیموشکین، اولگا واسیلیوا و دیگران مقالات و کتب متعددی به زبان‌های فارسی، روسی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و دیگر زبان‌ها نوشته شده است که اشاره به فرد فرد آن آثار، موجب تطویل خواهد بود. در این راستا، یکی از کارهای پژوهشی ناچیزِ راقم سطور نیز در پانزده سال گذشته نگارش یک فهرست جامع در توصیف نسخه‌های خطی بقعه شیخ صفی اردبیلی بوده است؛ الحمدلله تاکنون بیش‌تر بخش‌های آن نگارش و تنظیم گردیده و امید است در آینده‌ای نزدیک، به زیور طبع آراسته گردد.





نگاره‌ای از نسخه نفیس أحسن الکبار (PHC. 312)



نگاره‌های جلد نسخه نفیس یوسف و زلیخا جامی (نسخه 395. ПНС.)

بر اساس آمار سال ۱۹۱۳م، تعداد مراجعه کنندگان کتابخانه ملی روسیه، حدود ۱۹۵ هزار خواننده بوده است این در حالی بود که شمار کتاب‌های کتابخانه، حدود ۴۶۰ هزار کتاب بود، اما امروزه تعداد مراجعین به حدود ۱/۵ میلیون نفر در سال (روزانه ۴۰۰۰ نفر) در ۲۶ سالن مطالعه (هر یک با ۱۴۰۰ نفر)، رسیده است و طبق آمار سال ۱۹۹۰م نیز موجودی کتابخانه، بالغ بر ۲۸ میلیون جلد کتاب و مجموعه ادواری آن نیز افزون بر ۶ میلیون مجلد شده است. علاوه بر مجموعه کامل روزنامه‌ها و نشریات روسی، تقریباً تمامی نشریات داخلی و اروپای غربی که از سده ۱۷ میلادی به بعد منتشر شده‌اند، در این کتابخانه یافت می‌شود. این کتابخانه همچنین حاوی ذخائر عظیمی از کاتالوگ‌های نمایشگاه‌های بزرگ، نقشه‌های جغرافیایی، میکروفیلم‌ها، اسناد، زندگی‌نامه‌ها، نشریات خارجی، نت‌ها و موسیقی‌ها، کاست‌ها، نقاشی‌ها، تصاویر و عکس و پرتره، کارت پستال و منابع کتابی و غیرکتابی است. در این کتابخانه سالانه به طور میانگین در حدود ۱۵۰۰ نمایشگاه فرهنگی، مرتبط با کتاب و کتابخانه برگزار می‌گردد که شاید در نوع خود در سطح جهانی کم نظیر باشد. این کتابخانه، امروزه یکی از مراکز مهم پژوهش در زمینه‌های کتابداری، فهرست‌نویسی و کتابشناسی است که با کتابخانه‌های مهم دیگر روسیه، همچون کتابخانه دولتی روسیه در مسکو و کتابخانه آکادمی علوم در سنت پترزبورگ ارتباطات نزدیکی دارد. باید دانست که بنای جدید کتابخانه، در مقابل پارک پروزی نزدیک ایستگاه مترو مسکوسکی پروسپکت، با توجه به معماری تاریخی آن در ۹ طبقه ساخته شده و گنجایش مخزن آن بیش از ۲۰ میلیون جلد کتاب و نیز گنجایش سالن مطالعه منفرد آن (یکجا) دو هزار نفر می‌باشد.

انستیتو دستنویس‌های شرقی آکادمی علوم روسیه

انستیتو نسخه‌های خطی شرقی (IOM)^۱ وابسته به فرهنگستان علوم فدراسیون روسیه (RAS) در سنت پترزبورگ (پتروگراد/لنینگراد) واقع است. هسته اصلی تشکیل این انستیتو به سال ۱۷۲۴م ایام سلطنت و دستور پتر کبیر برمی‌گردد که در

۱. The Institute of Oriental Manuscripts of the Russian Academy of Sciences (IOM)

آن سال با ادغام کتابخانه کونستکامرا و کتابخانه آکادمی علوم روسیه صورت گرفت. پس از گذشت ده‌ها سال، در سال ۱۸۱۸م موزه آثار شرقی در شهر پتروگراد تأسیس گردید؛ نهادی که در آن مقطع، در اروپا، از نخستین‌های شرق‌شناسی محسوب می‌گردید. در آن مقطع، به جهت مقابله با فرهنگ ملل شرقی، همزمان با دیگر کشورهای غربی، ضرورت دانستن زبان، آداب، فرهنگ و رسوم کشورهای همسایه شرقی، در روسیه نیز احساس گردید. پیرو تأسیس این نهاد خاورشناسی، اساتید مطرحی نیز از آلمان (پروس) دعوت گردید. در این ایام، منابع اولیه پژوهشگران این نهاد را تعدادی نسخ خطی شرقی و همچنین آثار، قطعات و اشیای تاریخی و فرهنگی تشکیل می‌دادند که از برخی جاها برای نخستین بار به روسیه آورده شده بودند و البته به سفارش دولت وقت روسیه، در این راستا، سفرا، دیپلماتها و تجار روسی، جملگی وظیفه جمع‌آوری و انتقال این نوع آثار را از کشورها و مناطق شرقی، به روسیه، داشتند.

در سال ۱۸۱۸م بود که آکادمی علوم روسیه تصمیم به خرید مجموعه‌ای مشتمل بر ۷۰۰ نسخه خطی اسلامی از کنسول فرانسه در طرابلس و حلب در شامات گرفت. پس از خرید و انتقال این مجموعه ارزشمند، در سال ۱۸۱۹م، یک بخش جدید در فرهنگستان علوم روسیه با نام موزه آسیایی (AM) - که بعدها به موسسه مطالعات شرقی (IOS) تبدیل شد- تأسیس و افتتاح گردید و نخستین رئیس موزه آسیایی نیز فردی به نام آقای فرن انتخاب گردید؛ وی در مدت ۲۲ سال ریاست خود، توانست زمینه‌های مطالعات شرقی، بخصوص در زمینه خاورمیانه، زبان عربی، زبان فارسی را تأسیس یا گسترش دهد. جانشین وی در موزه آسیایی، دانشمند شهیر، آقای دورن بود که بیش از ۲۰ سال در تقویت موضوعات مربوط به خاورشناسی تلاش نمود. نباید از نظر دور داشت که این سالها (۱۲۴۳هـ) یادآور پایان دومین دوره از جنگ‌های خانان‌سوز ایران و روسیه بود که در پی آن نسخه‌های خطی نفیس بقعه شیخ صفی در اردبیل، به سنت پترزبورگ انتقال یافت و آقای دورن، همان کسی است که آنها را در سال ۱۸۵۲م به زبان فرانسوی به خوبی فهرست نموده و منتشر ساخت.

باید افزود در آن مقطع تاریخی، موزه آسیایی، به جز مجموعه‌های دستنویس مغولی، ترکی، تبتی و چینی، مجموعه‌ای نفیس نیز در موضوع فلسفه به دست آورد که مطالعات شرقی را وارد مرحله جدیدی ساخت. تا سال ۱۸۵۵ زمانی که دانشکده زبان‌های شرقی در دانشگاه ایالتی سنت پترزبورگ افتتاح شد؛ این موزه همواره به عنوان یک نهاد تخصصی برای نیازهای دانشمندان روسی و خارجی خدمت می‌کرد. در سال ۱۸۷۶م این موزه نقش فعالی در سومین کنگره بین‌المللی شرق شناسان در سنت پترزبورگ داشت. در سال ۱۹۱۷م، این موزه مهمترین و بزرگترین مجموعه تخصصی جهان در عرصه نسخ خطی و نخستین‌های کتب چاپ شده در شرق و در حقیقت گنجینه بزرگ فرهنگی ملل شرق در سواحل رودخانه نوا محسوب می‌گردید. پس از انقلاب کمونیستی روسیه، از ۱۹۲۰م، همچنان این نهاد تنها مرکز مطالعات شرقی در فرهنگستان علوم شناخته می‌شد. در سال ۱۹۳۰م، انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی بنا گذاشته شد. همزمان با جنگ جهانی دوم و محاصره لنینگراد توسط آلمان‌ها در سال ۱۹۴۳م مؤسسه بسیاری از محققان خود را از دست داد؛ در پی این جنگ خانمان‌سوز، روس‌ها بیش از ۲۷ میلیون کشته دادند و کسانی از محققان هم مجبور به ترک لنینگراد و مهاجرت به مسکو شدند. در سال ۱۹۵۰م انستیتو رسماً از لنینگراد به مسکو انتقال داده شد و در لنینگراد فقط شعبه‌ای از آن به نام شعبه دست‌نویس‌های شرقی، باقی ماند؛ اما بعد از گذشت دو سال، بر پایه شعبه دست‌نویس‌های شرقی، مجدداً انستیتوی خاورشناسی، با عنوان "انستیتوی خاورشناسی شعبه لنینگراد" تأسیس گردید که تابع انستیتوی خاورشناسی مسکو بود. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۸م این انستیتو به عنوان "انستیتوی ملل آسیایی" نامیده می‌شد و برخی فهرست‌ها و مطالعات نیز تحت همین عنوان منتشر گردیده است. در ۲۹ اکتبر ۱۹۷۰، هیأت رئیسه آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی (سابق) تصمیم گرفت، حوزه فعالیت‌ها در زمینه مطالعات شرق‌شناسی

۱. نخستین کنگره خاورشناسان در سال ۱۸۷۳م در پاریس و دومین کنگره نیز در سال ۱۸۷۴م در لندن برگزار گردید.

شعبه اصلی مسکو و شعبه فرعی لنینگراد را از هم مستقل و تعریف نماید؛ بر این پایه، مطالعات اساسی شرق‌شناسی، همچون بررسی تاریخ کهن شرق در قرون وسطی، ادبیات کلاسیک فرهنگ‌های شرقی، مذاهب، فلسفه و قانون، در مسکو (IOS) متمرکز گردید و عمدتاً قلمرو بررسی متون کهن و نسخ خطی شرقی نیز به شعبه سنت پترزبورگ واگذار شد و در حقیقت می‌توان گفت انستیتو از این تاریخ به بعد، رسماً مستقل از مؤسسه خاورشناسی مسکو، گردید. پس از آن، شاخه‌های پژوهشی متعددی از جمله مطالعات کردی و ترکی نیز در شعبه سنت پترزبورگ تأسیس گردید و کاتالوگ‌های چندی برای نسخ خطی عربی، فارسی و ترکی از سوی دانشمندانی همچون آکیموشکین، خالدوف و دیمتریوا به تدریج نگارش و منتشر گردید. در این مرکز، همچنین تحقیقات بنیادی چندی روی جنبه‌های مختلف شرق باستان، شامل چین‌شناسی، مطالعات ژاپنی و کره‌ای و نیز مطالعات سعغدی، صورت گرفت. در این مدت آثار متعددی تألیف گردید؛ آثار کهن چندی، همچون تاریخ مغولان راز، بخشی از تاریخ رشیدالدین فضل‌الله، به زبان اصلی خود تصحیح گردیده و به چاپ رسید و چندین اثر شرقی نیز به روسی ترجمه و منتشر گردید. در طول دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰م دستاوردهای علمی بزرگی نصیب انستیتو گردید؛ در این مدت از جمله، سه جلد از تاریخ خلافت، به چاپ رسید که جایزه وزارت امور خارجه فدراسیون روسیه را در سال ۲۰۰۱م در پی داشت. همچنین کتاب چهار جلدی «اسلام در قلمرو امپراتوری سابق روسیه» که از سوی اسلام شناس برجسته روس، پروفیسور پروزروف، تهیه شد و نیز فهرست نسخه‌های خطی عربی مسیحی آماده گردید. در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۷ هیأت رئیسه آکادمی علوم روسیه دستور سازمان دهی مجدد شعبه سنت پترزبورگ را صادر نمود و از این تاریخ، همزمان با استقلال کامل و رسمی از مسکو، نام این نهاد از «انستیتو مطالعات شرقی» به «انستیتو نسخ خطی شرقی» تغییر یافت.

باید افزود این مؤسسه افزون بر دارا بودن ۱۳۰ هزار نسخه خطی شرقی در ۶۵ زبان، نیز دارای کتابخانه‌ای تخصصی، شامل ۸۰۰ هزار جلد کتاب در شاخه‌های مختلف مطالعات شرقی و نیز دارای هزاران سند تاریخی است. این انستیتو به آموزش میراث ادبی و فرهنگی ایران توجه زیادی نشان می‌دهد. در حال حاضر در شعبه خاورمیانه آن،

۱۱ کارمند ایران‌شناس و افغان‌شناس به تحقیقات علمی مشغولند. ۴ کارمند علمی دیگر در کنار آن شعبه زبان، تاریخ و ادبیات کردی آموزش می‌دهند. چهار ایران‌شناس، یعنی آقایان دکتر لیفشیتس، دکتر پیریحانیان، دکتر داندامایوف و دکتر چوناکووا در شعبه خاور باستان کار می‌کنند. گرچه موضوعات و رشته‌های پژوهشی دانشمندان آن انستیتو خیلی دامنه‌دار و گسترده هستند، ولی بررسی و تحقیق دستنویس‌های فارسی و تاجیکی همچنان مورد توجه ویژه ایران‌شناسان آن انستیتو قرار دارد. آرشیو دستنویس‌های پژوهشگاه نزدیک به پنج هزار دستنویس فارسی است. تهیه برخی فهرست دستنویس‌ها توسط گروه محققان، زنده‌یاد دکتر آکیموشکین، دکتر کوشیف، دکتر میکلوخا ماکلای، دکتر صلاح الدینوف، دکتر تومانوویچ، دکتر نیازوف انجام گرفته و خانم دکتر شیگلوا، تهیه فهرست کتاب‌های چاپ سنگی را عهده دار است. لینیا اسمیرنوا در زمینه متون تاریخی، آکیموشکین در زمینه متن‌شناسی مینیاتوری، اولگا اسمیرنوا و لیوشیتس در زمینه کشف رمزهای اسناد به زبان‌های سغدی، پارسی و باختری، راگوز و پرخانیان و چوناکووا در زمینه متن‌های فارسی میانه، داندامایوف در عرصه مسائل تاریخ ایران باستان، کولسنیکوف و پوگالوف و نزریه در زمینه مسائل قرون وسطی، و اورانسکی در عرصه تاریخ زبان‌های ایرانی، تحقیقات مختلفی انجام داده‌اند. گفتنی است که اکنون ده سال است ریاست انستیتو بر عهده خانم دکتر ایرینا پاپوا^۱ است، تخصص اصلی ایشان چین‌شناسی می‌باشد. بر اساس آماری که زنده‌یاد اولگ آکیموشکین در سال ۱۹۹۲ م منتشر ساخته است^۲ با چشم پوشی از آمارهای مربوط به نسخ خطی غیراسلامی، انستیتو دستنویس‌های شرقی، دارای ۹۸۷۴ نسخه اسلامی، مشتمل بر ۵۱۸۴ نسخه عربی، ۳۰۵۸ نسخه فارسی، ۱۵۰۰ نسخه ترکی، ۲۸ نسخه پشتو، ۱۴ نسخه مالیزی، ۱۴ نسخه کردی و ۳ نسخه اردو است؛ اما با توجه به روند خرید، اهدا یا انتقال برخی نسخه‌ها به این مرکز علمی، در سال‌های اخیر، این آمارها تا حدودی دست خوش تغییر شده‌اند، برای نمونه، به اذعان خود مسؤولان انستیتو، تعداد نسخ خطی فارسی موجود در این انستیتو، بیش از پنج هزار نسخه، گزارش گردیده است که به نظر می‌رسد، در این مؤسسه، نزدیک به پانزده هزار نسخه خطی اسلامی، متمرکز شده باشد.

۱. Dr. Irina F. Popova.

۲. المخطوطات الإسلامية في العالم (لندن، مؤسسة الفرقان، ۲۰۰۰ م): ج ۲، صص ۵۴۰-۵۹۲.



شاه سلیمان صفوی و درباریان او (به قلم علیقلی جعبه‌دار - اصفهان ۱۶۷۰م)

باید افزود بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۰م، برای ثلث نسخه‌های خطی فارسی (حدود ۱۰۰۰ نسخه)، ۱۰ جلد فهرست به زبان روسی (بدون جلد ۹) از سوی دانشمندان و ایران‌شناسان روسی تهیه شده است. عنوان مشترک این اثر فهرست نسخ خطی فارسی و تاجیکی موجود در انستیتوی شرق شناسی (نسخ خطی) آکادمی علوم روسیه است که بین سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۳م به اهتمام فهرست‌نگاران برجسته انستیتو نسخ خطی شرقی با نام‌های: ان. دی میکلوخو ماکلائی (جلدهای ۱-۳)، اس. ای. بایوفسکی (جلدهای ۴-۵)، ان. ان. تومانیچ (جلد ۶)، ز. ان. واروژیکنیا (جلد ۷)، خ. ان. نیازوف (جلد ۸) و زنده‌یاد اولگ آکیموشکین (جلد ۱۰)، به ترتیب در موضوعات تاریخ، جغرافیا، تذکره‌ها (جلدهای ۱-۳)، فرهنگ‌های فارسی (جلد ۴)، فرهنگ‌های دو زبانه (جلد ۵)، فولکلور، داستان‌ها و حکایات (جلد ۶)، دیوان‌های شعر (جلد ۷)، ادبیات منظوم و منثور فارسی (ج ۸) و جنگ‌ها و آلبوم (ج ۱۰) نگارش یافته است. گفتنی است جلد نهم فهرست نسخه‌های خطی فارسی، هنوز تألیف نشده است. عناوین اصلی فهرست‌های نسخ خطی فارسی و تاجیکی مؤسسه، نیز به زبان روسی چنین است:

1. Миклухо-Маклай Н. Д.: *Описание таджикских и персидских рукописей Института востоковедения*. Выпуск 1. Ответственные редакторы В.И.Беляев, Д.И.Тихонов. М. Л.: Издательство Академии Наук СССР, 1955.

2. Миклухо-Маклай Н. Д.: *Описание таджикских и персидских рукописей Института народов Азии*. Выпуск 2. Биографические сочинения. Ответственные редакторы И.А.Орбели, В.И.Беляев. М.: ИВЛ, 1961.

3. Миклухо-Маклай Н. Д.: *Описание таджикских и персидских рукописей Института востоковедения*. Выпуск 3. Исторические сочинения. Ответственные редакторы О.Ф.Акимускин. М.: «Наука» ГРВЛ, 1975.

4. Баевский С. И.: *Описание персидских и таджикских рукописей Института народов Азии*. Выпуск 4. Персидские толковые словари (фарханги). М.: ИВЛ, 1962

5. Баевский С. И.: *Описание персидских и таджикских рукописей Института*

народов Азии. Выпуск 5. Двухязычные словари. [Ответственный редактор А.Н.Болдырев] М.: ГРВЛ, 1968.

6. Туманович Н. Н.: *Описание персидских и таджикских рукописей Института востоковедения АН СССР*. Выпуск 6. Фольклор (Занимательные рассказы и повести). Ответственный редактор Ч.А.Байбурди. М.: «Наука» ГРВЛ, 1981.

7. Ворожейкина З. Н.: *Описание персидских и таджикских рукописей Института востоковедения*. Выпуск 7. Персоязычная художественная литература (X — начало XIII в.). Ответственный редактор А.Н.Болдырев. М.: «Наука» ГРВЛ, 1980.

8. Х. Н. Ниязов *Описание персидских и таджикских рукописей института востоковедения*, Выпуск 8. М., Наука, 1979.

10. Акимушкин О. Ф.: *Описание таджикских и персидских рукописей Института востоковедения РАН*. Выпуск 10. Поэтические сборники, альбомы. М., Наука, 1993.

این فهرست‌ها انصافاً بسیار دقیق نوشته شده‌اند و آنچه که بایستی در فهرست‌نگاری اشاره شود، آمده است؛ به گمان راقم، رده این فهرست‌ها تقریباً بین فهرست توصیفی و تحلیلی قابل تعریف است. گفتنی است در هر فهرست، به طور میانگین بین ۳۰ تا ۴۵ آیتم از هر نسخه گزارش شده‌اند.



روز نخست اقامت‌مان در سنت پترزبورگ (یکشنبه ۲۵ تیر) به استراحت، موقعیت‌یابی، گشت و گذار در داخل شهر، عکاسی و خرید برخی مایحتاج عمومی از فروشگاه مواد غذایی کنار محل سکونت گذشت.

روز دوشنبه، ۲۶ تیرماه، پس از طی مسافت نسبتاً طولانی از محل مسکونی تا مرکز شهر، پرسیان پرسیان، محل انستیتو نسخ خطی شرقی آکادمی علوم روسیه را در

نزدیکی موزه ارمیتاژ یافتیم. در این هنگام آقای الکساندر یاکولف^۱ که دانشجوی زبان فارسی در دانشکده شرق شناسی دانشگاه سنت پترزبورگ است و برای مهمانان رایزنی نقش مترجم را ایفا می نماید، طبق قرار قبلی به ما ملحق می شود. پس از طی تشریفات اداری و ثبت اسامی و کنترل پاسپورت ها، با راهنمایی خانم منشی، وارد اتاق رئیس انستیتو، خانم دکتر ایرنا پاپوا شدیم. ایشان در ابتدا استقبال گرمی از دوستان نمودند و پس از خوشامدگویی و پذیرایی، نامه رسمی آقای دکتر ابراهیمی خطاب به خودشان، درباره برنامه یک هفته ای ما در خصوص بررسی نسخ خطی فارسی این انستیتو و موضوع چاپ ترجمه فارسی فهرس این انستیتو با همکاری سه جانبه انستیتو، رایزنی و کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی رحمته الله را خواندند که در ادامه پیرامون آن تبادل نظرها و گفتگوهایی شد. سپس بنده یک جلد فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (جلد ۱/۴۰) را که با خود به روسیه آورده بودم، به ایشان اهدا نمودم که ایشان هم متقابلاً تشکر نمودند.

پس از آن، استاد صدرایی درباره وضعیت نسخ خطی در ایران و روند معرفی نسخ خطی در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله گزارشی ارائه نمودند که آقای الکساندر به روسی برای ایشان ترجمه نمود و البته به جهت وجود پاره ای اصطلاحات نسخه شناختی در صحبت هایی که در جریان بود، جناب ذوقی نیز، هر از گاهی، در ترجمه روسی و احیاناً برگردان فارسی مطالب رئیس، مدد می رساندند. خانم پاپوا نیز در ادامه گزارشی مستوفی از روند تاریخی شکل گیری این انستیتو و بخش ها و منابع آن و نیز شخصیت های علمی این مؤسسه بیان داشتند و آقای الکساندر نیز آن مطالب را به فارسی ترجمه نمودند؛ البته مطالب ایشان، عمدتاً همان بود که در سطور پیشین، به شمه ای از آن ها اشاره گردید.

پس از مدتی گفتگو، ایشان خود شخصاً ما را به موزه انستیتو راهنمایی نمودند تا ادامه مطالب خود را در قالب مستندات مکتوب، که بخشی از آن ها در موزه نهاده شده، ارائه دهند. در این موزه، تاریخچه ای عملی و علمی از روند تشکیل و نیز دوره های

فعالیت کارگروه‌های تخصصی شرق شناسی و ایران شناسی در این انستیتو، همراه برخی اسناد کهن و تصاویر خاورشناسانی همچون ایوانف، کراچکوفسکی، ژوکوفسکی، برتلس، مینورسکی و ... درون چندین ویتترین یا روی تابلوهای مندرج در موزه، ارائه گردیده است.

پس از توضیحات ایشان، با خانم پاپوا، استاد پروزروف و دوستان دیگر، چند عکس به رسم یادگار، گرفته شد و پس از آن، با رئیس انستیتو خداحافظی کردیم.



باید دانست که در این انستیتو در بخش‌های مختلف، کسانی همچون ولادیمیر ایوانف جوان، استانیسلاف پروزروف، خیسمتولین، ایانیسیان، کامنسکی، بوریس نوریکی، شگیلوا و دیگران اشتغال دارند که برخی در زمینه ایران شناسی نیز فعالیت‌هایی انجام داده‌اند و از آنجا که اکثر این افراد به جهت تعطیلات در مرخصی بودند، از ملاقاتشان محروم ماندیم. دکتر پروزروف - که خُلُقاً و خَلَقاً و عِلماً و عَمَلًا، ما را به یاد استاد عبدالمحسین حائری حفظه الله در کتابخانه مجلس می‌انداخت - در این دیدار، با محبت سرشار خویش، ما را به اتاق خود، راهنمایی نمودند و با اینکه یک دستش از ناحیه بازو تا نوک انگشتان، مصنوعی بود و بندهای انگشتان دست دیگرش نیز افتاده بود، از ما پذیرایی گرمی به عمل آوردند. ایشان در عین حال، ضمن دارا بودن مقام دوم انستیتو و تسلط به زبان عربی، صاحب تألیفات فراوانی نیز در حوزه‌های اسلامی و شیعی در قالب کتاب و مقاله است. شرح و ترجمه فرق الشیعه نوبختی به روسی (مسکو ۱۹۷۳م)، کتابشناسی تاریخ شیعه در عراق، ایران و آسیای میانه تا عصر آل بویه = علم التاریخ عند الشیعه (مسکو ۱۹۸۰م)، شرح و ترجمه جلد نخست الملل و النحل شهرستانی (مسکو ۱۹۸۴م)، دائرة المعارف الإسلامیة، حاوی ۶۰۰ مقاله (مسکو ۱۹۹۱م)، النصوص العربیة الإسلامیة (مسکو ۱۹۹۴م)، الإسلام فی الدولة الروسیا، حاوی مقالات متعدد شامل ۵ جلد (مسکو ۱۹۹۸-۲۰۱۲م)، التقدّم فی الدراسات الإسلامیة (سنت پترزبورگ ۲۰۰۹م)، تصحیح تلخیص البیان فی ذکر فرق أهل الأديان (مسکو ۱۹۸۸م)، تصحیح معجم الشیوخ،

تألیف ابوالکرم عبدالسلام بن محمد الحجّی الأندلسی من القرن ۶هـ (در دست انتشار)، تصحیح لوامع أنوار القلوب فی جمع أسرار المحبّ و المحبوب، تألیف القاضی ابوالعالی عزیزی بن عبدالملک بن منصور، الشهیر بـ شیدلة من القرن ۵هـ (در دست انتشار)، از جمله آثار کتابی اوست. وی همچنین بخش‌هایی از تفسیر المیزان علامه طباطبایی رحمته الله را در دست ترجمه به روسی دارند. نباید از نظر دور داشت که استاد یکی از اعضای علمی بنیاد ایران‌شناسی و بنیاد مطالعات اسلامی در مسکو می‌باشند. وی در این دیدار، توضیحات جامع و اطلاعات ذی‌قیمتی از وضعیت شرق‌شناسی و اسلام‌پژوهی در روسیه به زبان عربی فصیح خود، ارائه دادند و البته هر کجا نیز زبان عربی ایشان یار نمی‌شد، مجبوراً به روسی ادامه می‌داد و آقایان یاکوئوف و ذوقی به فارسی ترجمه می‌نمودند. ایشان در بخشی از سخنان مبسوط خود، افزودند: «ما در سال‌های اخیر، در روسیه و جمهوری‌های خود مختار، نسبت به مباحث روز دنیای جهان اسلام پیشرفت‌های خوبی داشتیم و برای مثال عربی روزنامه‌ای را خود مسلطنند، اما نسبت به مباحث تاریخی و کهن، بسیار افت کرده‌ایم؛ بسیاری از شرق‌شناسان در روسیه، بخصوص جاهایی مثل سنت پترزبورگ، ضمن اینکه نمی‌دانند ماهیت اسلام چیست، حتی توانایی قرائت نصوص و متون اسلامی و عربی کهن را هم ندارند»؛ وی می‌گفت: «إنّ روسیا تحتاج إلى كثير من الناس ليعرفوا الإسلام و الثقافة الإسلامية و مصطلحاتهم و تاریخهم و عقائدهم و رجالهم».

ایشان می‌افزاید: «من کارهایی که درباره اسلام در جمهوری‌های شوروی سابق نوشته می‌شود، مطالعه می‌کنم، اما حقیقت این است که آنها مفاهیم دینی را نفهمیده‌اند، مثلاً اگر کسی به نصوصی را که آنان در موضوعات تصوّف به روسی برگردانده‌اند، مطالعه نماید، به راحتی خواهد فهمید که آنان اصلاً این مفاهیم را نفهمیده به روسی برگردانده‌اند و متأسفانه برخی هم که این متون را خوب می‌فهمند، نمی‌توانند آن را به زبان آکادمیک به روسی برگردانند».

ایشان همچنین در بخش‌هایی از سخنان ارزنده خود، از وضعیت شیعه در روسیه، کارهای پژوهشی شیعی، نسخه‌های خطی شیعی در انستیتو، وضعیت کلی نسخ خطی در روسیه، طرح فهرستگان مشترک نسخ خطی اسلامی در روسیه که ایشان

سال‌ها پیش پیشنهاد داده بودند، مشکلات فهرست‌نگاری نسخ خطی اسلامی در روسیه، فقدان رجال زبان‌شناس، نسخه‌شناس، متن‌شناس، کتاب‌شناس و همچنین نبود امکانات مادی در مؤسسات و به طور کلی تقلیل بودجه‌های پژوهشی در روسیه و مانند آن، سخن گفتند که البته نقل همه مطالب، موجب تطویل بوده و قطعاً خارج از رسالت این نوشتار خواهد بود؛ لیکن به حول و قوه الهی، در کتابی که راقم با عنوان *اسلام و تشیع در روسیه*، در دست تألیف دارد، به برخی از این مباحث، به تفصیل، پرداخته است.

باید افزود که در مدت حدود یک هفته، طبق هماهنگی‌های قبلی، تمامی شصت نسخه خطی فارسی معرفی شده در جلد چهارم فهرست دستنویس‌های فارسی و تاجیکی انستیتو، از نزدیک مورد بررسی قرار گرفته و داده‌های آن فهرست، به عنوان شاخص تمامی مجلدات ترجمه شده، با اصل نسخ تطبیق داده شد. در این میانه، تا جایی که فرصت اقتضاء می‌نمود، برخی نسخ خطی دیگر و منابع چاپی دیگر نیز مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و با شخصیت‌های متعددی نیز ملاقات‌هایی صورت گرفت.



از جمله شخصیت‌هایی که در ایام اقامت در سنت پترزبورگ و انستیتو ملاقاتی دست داد، می‌توان به دیدار با خانم دکتر فیروزه عبدالله‌یوا، اشاره نمود. مقدمتاً باید بگویم، پیش‌تر، بنا به سفارش آقای دکتر حیدرنیا، برای ایشان، تصویری از *سفرنامه خسرومیرزا به پترزبورغ*، تهیه نموده و صحافی کرده و با خود به مسکو آورده بودم، لیکن، از آنجا که دقیقاً از ابتدای امر مشخص نبود که این تصویر به سفارش کیست، لذا متأسفانه در سفر به سنت پترزبورگ، این نسخه تجلید شده در دفتر بنیاد ایران‌شناسی ماند تا بعداً خود دوستان به آدرس ایشان در سنت پترزبورگ، ارسال دارند. *سفرنامه خسرومیرزا به پترزبورغ* نام کتابی است نوشته میرزا مصطفی بهاءالملک افشار منشی میرزا مسعود مستوفی در شرح سفرنامه هیأت اعزامی از سوی دربار قاجار برای پوزش کشته شدن گریبایدوف سفیرکبیر روسیه در تهران به سن پترزبورگ پایتخت روسیه. دستور گسیل این هیأت را عباس میرزا در سال ۱۲۴۴هـ به میرزا مسعود به عنوان مأمور سفر صادر نمود. سپس چند ماه پس از

اقامت هیأت در قفقاز و فراهم نمودن پیش‌زمینه‌های دیدار از پایتخت روسیه تزاری، سرانجام خسرو میرزا قاجار پسر عباس میرزا به عنوان نماینده دربار ایران به این گروه پیوست. نویسنده کتاب (بهاء الملک) آنچه را که نوشته است در سفر به چشم دیده و یا از شنیده‌های میرزا مسعود مستوفی بهره برده است. کتاب در اصل در شش فصل بوده است؛ ولی فصل ششم کتاب به نام در اطوار مراجعت، مفقود گردیده است! در این کتاب گزارشی نغز از برخورد ایرانیان با کارخانجات روسی، صنایع مدرن، بالون، لیتوگرافی (چاپ سنگی)، موزه، گلخانه، تاکسیدرمی و... آمده است. نویسنده به تقریب هر جا که پیشرفتی در کار روس‌ها دیده، افسوس خورده که چرا ایرانیان از این زمینه‌ها بی‌بهره‌اند و در متن کتاب هم پیشنهادهایی برای گسیل دانشجویان از ایران به روسیه و دیگر کشورهای فرنگ برای آموختن و ترقی طرح می‌کند. اعضای این هیأت که به سن پترزبورگ رسیدند، عبارت بودند از: خسرو میرزا قاجار، میرزا مسعود مستوفی، میرزا صالح شیرازی، امیر نظام زنگنه، میرزا مصطفی بهاء الملک (نویسنده کتاب)، میرزا بابا افشار (پزشک هیأت) و گروهی دیگر از جمله میرزا تقی خان فراهانی (امیرکبیر) و شماری خدمه.

خانم فیروزه عبدالله‌یوا (ملویل)، با تبار تاجیکی، متولد شهر سنت پترزبورگ و دانش‌آموخته رشته هنر و مطالعات اسلامی از گروه فقه اللغه ایرانی دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه سنت پترزبورگ در سال ۱۹۸۹م است؛ وی سال‌ها از اساتید همین دانشگاه در سنت پترزبورگ بوده است، لیکن پس از ازدواج با دکتر چارلز ملویل (رئیس بخش ایران‌شناسی دانشگاه کمبریج) به انگلستان مهاجرت نمودند؛ ایشان مدتی مؤسسه مطالعات پیشرفته (دانشگاه پرینستون) و یک دوره نیز در دانشگاه میشیگان (آن آرپور) به عنوان استاد فولبرایت اشتغال داشتند. از سپتامبر ۲۰۰۵ تا سپتامبر ۲۰۱۰ او استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه آکسفورد و نیز عضو و مسئول کتابخانه فردوسی کالج وادهام بوده و از اکتبر سال ۲۰۱۰ او دانشیار پژوهشی بنیاد میراث ایران و اکنون نیز دانشیار کالج پمبروک (از ۲۰۱۱م)، محقق وابسته به دانشکده آسیا و مطالعات خاورمیانه و رئیس و مدیریت پروژه بزرگ نسخه‌های خطی شاهنامه فردوسی در کمبریج هستند. ایشان با اینکه اصالتاً

تاجیکی، لیکن کلمات زبان فارسی (تاجیکی) را به سختی ادا می‌نمایند؛ اما علاقه‌شان به زبان فارسی، بخصوص شاهنامه فردوسی ستودنی است. از آنجا که علایق شخصی و پژوهشی ایشان با محوریت ادبیات کلاسیک و مدرن فارسی، هنر در قرون وسطی، نسخ خطی اسلامی و نسخه شناسی، ادبیات، سفرنامه‌های دوره قاجار و شرق شناسی روسی در آسیای مرکزی است؛ بر این پایه، آثار و مقالات تألیفی ایشان نیز عمدتاً در همین حوزه‌های تاریخ، هنر، زبان و ادبیات فارسی است. در کارنامه علمی وی آثاری همچون *تفاسیر فارسی قرآن* (سنت پترزبورگ ۲۰۰۰م)، *فرخی، شاعری از خطه سیستان، تفسیر قرآن* (مسکو ۲۰۰۱م)، *شعر کلاسیک فارسی* (۲۰۰۲م)، *قصه‌های طوطی* (سنت پترزبورگ، ۲۰۰۶م)، *خوشنویسی اسلامی* (شیکاگو ۲۰۰۷م) و *ابراهیم سلطان میرزا* (آکسفورد ۲۰۰۸م) دارد و با مقالاتی در همایش‌های مرتبط با سفینه تبریز (آمستردام، ۲۰۰۷م)، نسخه‌های خطی مصور شاهنامه در مجموعه کتابخانه ملی روسیه (سنت پترزبورگ ۲۰۰۷م)، مجموعه مقالاتی درباره تفاسیر فارسی شیعه (سنت پترزبورگ ۲۰۰۷م)، مجموعه دستنویس‌های فارسی دانشگاه سنت پترزبورگ (کمبریج ۲۰۱۱م)، شاهنامه در تاریخ ادبیات فارسی (لندن-نیویورک ۲۰۱۰)، نقاشی کتاب‌های فارسی (کمبریج ۲۰۱۰م)، مجموعه مقالات کنفرانس میراث خیام (لیدن)، عشق و صمیمیت (ملبورن ۲۰۱۱م)، مجموعه مقالات هزاره شاهنامه کنفرانس (مبئی ۲۰۱۱م) و استعاره و تصاویر در شعر فارسی (لیدن-بوستون ۲۰۱۲م) شرکت داشته که مجموعه مقالات آنها، منتشر شده و برخی نیز مانند: فردوسی، مغولان و تاریخ ایران: هنر، ادبیات و فرهنگ از اوایل اسلام تا دوره قاجار ایران (لندن)؛ مجموعه مقالات کنفرانس "امپراتوری و انقلاب: برخورد ایران و روسیه از سال ۱۸۰۰" (لندن) و "عاشقانه اسکندر در ایران و شرق" در دست انتشار است. همچنین مقالاتی نظیر "شاهنامه ناشناخته در آن آرپور"، (رک. مانوسکریتا اورینتالیا: ش ۱، س ۱۱، مارس ۲۰۰۵، صص ۲۸-۶۱)؛ "الهی، انسانی و شیطانی: انعطاف پذیری در تصویر رستم و اشکابوس" (رک. مطالعات شاهنامه، مقالات ۵، کمبریج، ۲۰۰۶، صص ۲۰۳-۲۱۹)؛ "شعر فارسی زن" (رک. هنر کلاسیک، شاعران و اشعار ایران (دانشنامه زنان

و فرهنگ اسلامی)، جلد ۵، لیدن، ۲۰۰۷، صص ۴۶-۴۷؛ "والنتین ژوکوسکی آلکسیوویچ" (رک. دایره المعارف ایرانیکا، آنلاین)؛ "دستنویسی از بودلیان درباره اسدی طوسی (رک. ایران، ۲۰۰۹، صص ۶۹-۹۵)؛ "شاهنامه: هزاره یک شاهکار حماسی" (مطالعات ایرانی، آکسفورد، ج ۴۳، ش ۱، فوریه ۲۰۱۰، صص ۱-۱۱) و "شاهوار پرواز: نیمرو، کیکاووس، اسکندر..." (پرسیکا، لیدن، ش ۲۳، ۲۰۰۹-۲۰۱۰، صص ۱-۲۹)، از جمله پژوهش‌های وی در عرصه ادبیات فارسی است.

باید افزود پروژه شاهنامه، آنگونه که از مطالب وبسایت^۱ آن پیداست، بر آن است تا مشخصات و داده‌ها و احیاناً تصاویر منتخب تمامی نسخه‌های خطی شاهنامه موجود در کتابخانه‌های جهان را به ترتیب اهمیت آنها، سازمان دهی نموده و تصاویر و داده‌های آنها را به صورت دیجیتال در وبسایت آن بنهد. در ملاقاتی که با ایشان در سنت پترزبورگ دست داد، ایشان گزارشی از روند پروژه نسخه‌های خطی شاهنامه فردوسی در کمبریج ارائه دادند و همچنین از موضوع پژوهشی مورد علاقه خود، سفرنامه خسرو میرزا، فاضل خان گروسی، میرزا صالح و ... و اسناد سفر آنها به سنت پترزبورگ در سال ۱۲۴۴هـ به تفصیل سخن گفتند و از اینکه موضوع خسرو میرزا در روسیه از شهرت به سزایی برخوردار است ابراز تعجب می‌نمود! البته ایشان افزودند: «بر اساس اسناد و قرائنی که در انستیتو پوشکین و جاهای دیگر در دست است، قتل گریبایدوف قطعاً کار انگلیسی‌ها بوده است، نه قاجار و نه میرزا مسیح استرآبادی! و در کنفرانسی که اخیراً درباره خسرومیرزا در انگلستان برگزار شده بود، تقریباً تمامی مقالات سخنرانان این موضوع را تأیید می‌نمود. امروزه بر خلاف روس‌ها، هم انگلیسی‌ها و هم بازماندگان قاجار، به همین دلایل، مطلقاً تمایلی به باز شدن پرونده خسرو میرزا ندارند!»



خسرو میرزا شاهزاده قاجار، هفتمین پسر عباس میرزا نایب السلطنه فتحعلیشاه قاجار است و در سال ۱۲۲۷هـ به دنیا آمده است. پس از قتل گریبایدوف

(سفیر کبیر دولت فخمیه روس) در تهران که چندی پس از پایان دورنه دوم جنگ‌های ایران و روسیه و انعقاد قرارداد ترکمنچای اتفاق افتاد، هیأتی دیپلماتیک به سرپرستی خسرومیرزا (۱۷ ساله) به روسیه سفر کرد تا پیام عذرخواهی و دوستی شاه ایران را به امپراتور روسیه تسلیم کرده و از بروز خصومت و جنگی تازه جلوگیری نماید. این هیأت اعزامی به گرمی مورد استقبال تزارها قرار گرفت، تا جایی که برای دیدار ناپلئون از پترزبورغ، ۲۰ توپ شلیک شده بود، لیکن هنگام ورود خسرومیرزا و هیئت همراه وی، ۲۱ توپ شلیک گردید! باید دانست که مأموریت خسرومیرزا و هیئت همراه، چیزی قریب یک سال به طول انجامید؛ مشروح گزارش جزئیات دیدارها و وقایع سفر آنان در نشریات و روزنامه‌های آن زمان روسیه، به تفصیل منعکس شده است. در این مدت اعضای هیأت دیپلماتیک ایرانی که دو تن از اولین تحصیل‌کرده‌گان ایرانی در فرنگ، یعنی میرزا صالح شیرازی و میرزا بابا افشار (گویا همان حاجی بابا اصفهانی)، نیز در بین آنان بودند در شهرهای مختلف از مؤسّسات آموزشی و کارگاه‌های صنعتی روسیه بازدید کردند. خانم فیروزه می‌گفت: «در این سفر خود خسرو میرزا دفترچه‌ای با خود همراه داشته و جزئیات وقایع سفر را در آن یادداشت می‌نموده است؛ بعدها گفته شد که این دفترچه نزد ناصرالدین شاه بوده است؛ لیکن از آنجا که تمامی کتب و یادداشت‌ها و کتابخانه ناصرالدین شاه اکنون در کتابخانه سلطنتی (کاخ گلستان) در تهران قرار دارد، بنده مدتی پیش با امیدواری به ایران و کتابخانه مذکور در تهران رفتم، ولی رئیس و متصدیان کتابخانه، آب پاکی روی دستام ریخته و از وجود دفترچه خاطرات خسرومیرزا، اظهار بی‌اطلاعی نمودند!»

به هر تقدیر ماحصل این سفر برای ایرانیان، چند سفرنامه، از جمله سفرنامه میرزا مسعود مستوفی انصاری و نیز سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورغ بود که به قلم منشی هیأت، یعنی مصطفی خان افشار (بهاء الملک) نوشته شده است. خانم فیروزه بر اساس تحقیقی که درباره نسخ خطی سفرنامه خسرومیرزا انجام داده‌اند، می‌گویند: «تصحیح آقای گلبن جامع نیست و گویا آن تنها بر پایه نسخه کتابخانه مجلس بوده است، در حالی که از این سفرنامه چند نسخه دیگر یکی در کتابخانه دانشگاه

سنت پترزبورگ، یکی در کتابخانه ملی ایران، یکی در کتابخانه وزارت امور خارجه و یکی هم در موزه بریتانیا در لندن موجود است».

به هر تقدیر در این سفرنامه علاوه بر جزئیات بازدیدها و ملاقات‌ها، پیشرفت‌های کشور روسیه و سیستم آموزشی و مدارس آن نیز شرح داده شده و لزوم ایجاد موسسات مشابه در ایران بحث شده است. طرفه آنکه میرزا تقی خان فراهانی ۲۲ ساله که بعدها به نام امیرکبیر شناخته شد نیز در این سفر در مقام منشی حضور داشت و چهل سال بعد زمانی که به مقام صدارت اعظم رسید، طرح مدرسه نظامی جدید، یعنی دارالفنون را مشابه آنچه در این سفرنامه پیشنهاد شده بود، عملی کرد. برخی سفر روسیه را از نقاط آغازین شکل‌گیری ایده اصلاحات امیرکبیر می‌دانند. الماس شاه، الماسی گران‌بها که از غنائم حمله نادرشاه به هندوستان بود، در این سفر به نیکلای یکم تزار روسیه، پیشکش شد. باید دانست که تاریخچه ورود اصطلاحات روسی مانند کالسکه، استکان، سماور و ... به ایران مربوط به این سفر می‌باشد. در این باره خانم فیروزه می‌گویند: «این مدت یکسال حضور در پترزبورگ و شرکت در مراسم‌های رقص، آواز، تئاتر و ... برای خسرو میرزای نوجوان، بسیار خوش گذشته بود، به گونه‌ای که او چندان تمایلی برای بازگشت به ایران از خود نشان نمی‌داد! او در این مدت حتی با شخصیت‌های برجسته ادبی روس، همچون الکساندر پوشکین (شاعر محبوب روسیه) نیز دیدارهایی داشته است. هدایایی که خسرومیرزا با خود آورده بود، از شمشر، طلا و ... امروزه بایستی آنها را در موزه ارمیتاژ جستجو نمود، لیکن بر پایه بررسی‌های که ما به عمل آوردیم، متأسفانه ردی از آنها در این موزه نیست! از آنجا که این ایام روس‌ها، در حال جنگ با عثمانیها بودند و تمایل نداشتند در جبهه دیگری درگیر شوند، هنگام بازگشت خسرومیرزا به ایران در سال ۱۲۴۵هـ. حدود ۳۰ کالسکه بار، شامل منسوجات، کریستال، عطریات و دیگر لوازم لوکس، به عنوان هدایای تزار روسیه به سلطان قاجاری به ایشان تحویل گردید، البته به عنوان حسن نیت دولت تزاری، به همین میزان، یعنی ۳۰ کالسکه دیگر نیز در مسکو به آن هدایا افزوده شد!»

البته نباید از نظر دور داشت که خسرومیرزا، علت احترام روس‌ها به وی را حمایت آنان از حکومت آینده وی قلمداد می‌نمود؛ هر چند که این مسأله هرگز تحقق نیافت. چرا که با مرگ زودهنگام عباس میرزا و ولیعهد شدن محمدمیرزا، قائم مقام فراهانی مرّبی و وزیر محمدمیرزا، به خسرو میرزا بدگمان شد و دستور به دستگیری و حبس او در قلعه‌ای در اردبیل داد. پس از مرگ فتحعلیشاه و پیش از رهسپار شدن محمدمیرزا به تهران به قصد تاجگذاری، قائم مقام دستور به کور کردن خسرو میرزا و برادر دیگرش جهانگیر میرزا داد. در مقاله‌ای^۱ که خانم اولگا و. واسیلیوا هم بدان اشاره نموده، در همین زمان نامه‌ای از خورده خانم، مادر خسرومیرزا به سیمونیچ (گویا سفیر کبیر روسیه تزاری) در تهران، به عنوان استمداد، نوشته شده است. گفته شده اصل این نامه اکنون در کتابخانه ملی فرانسه در پاریس موجود است، لیکن مسؤولان آن، اکنون از وجود چنین نامه‌ای در این مجموعه، اظهار بی‌اطلاعی می‌نمایند! خسرو میرزا ادامه عمر را در تويسرکان و تهران گذراند و در سال ۱۳۰۰هـ درگذشت. گفتنی است داستان عذرخواهی خسرو میرزا از تزار روسیه، در بخشی از یک فیلم روسی، به تصویر کشیده شده است.



در مدت فعالیت تحقیقی خود در انستیتو نسخ خطی شرقی آکادمی علوم روسیه، روز چهارشنبه ۲۸ تیرماه (۱۷ ژولای) یک‌بار دیگر نیز ملاقاتی با خانم دکتر پاپوا، رئیس انستیتو دست داد و استاد صدراپی، گزارشی از روند چند روزه بررسی نسخ خطی فارسی، به ایشان ارائه نمودند. در ادامه، از باب الکلام یجر الکلام، در زمینه فعالیت‌های انستیتو در موضوع چین شناسی، مغول شناسی و ترک شناسی و نیز متون اسلامی، مانوی، اویغوری، سغدی، طخاری و دیگر متون یافته شده از تورفان و کوه‌های موغ در چین و تحقیقات صورت گرفته در مجامع علمی و فهارس منتشر شده برای آنها در آلمان تحت عنوان VOHD و نیز پژوهش‌ها انجام یافته در روسیه گفتگوهایی متنوعی انجام گرفت. از آنجا که تخصص اصلی خانم دکتر پاپوا،

چین شناسی بود و تقریباً احتمال نمی‌داد در ایران هم روی چنین موضوعاتی علاقه باشد یا پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته باشد، با تعجب و اشتیاق مطالب و گفتگوها را دنبال می‌کرد و با توضیحاتی که آقای ذوقی در تکمیل این موضوع به ایشان ارائه دادند، زمینه‌ای برای صحبت‌های مفصل بعدی ایشان در این حوزه‌ها گردید و ایشان نیز در ادامه با اشتیاق تام، به ارائه مستندات و گزارش تحقیقات دانشمندان روسیه در زمینه دستنویس‌های تورفان، یارکند، ختن، قاراکنند، قولجا و ... در موضوعاتی همچون بودیسم، سگزیلدوز، آلتون یاروق و دیگر نسخ خطی چینی، مغولی و ترکی پرداخت. ایشان در پایان این گفتگوی نسبتاً طولانی چند کتاب و نشریه را در این زمینه‌ها را به بنده و جناب ذوقی اهدا نمودند. از جمله نشریه Пгсьмт Ннѣе Памяникц Востока که تاکنون (۲۰۱۲م) دو شماره از آن از سوی همین انستیتو، به مدیرمسئولی خانم پاپوا منتشر شده بود و ایشان همچنین از ما تقاضا نمودند که در زمینه‌های مورد گفتگو و دیگر پژوهش‌های تراثی، مقالاتی به زبان‌های روسی یا انگلیسی، برای انتشار در این نشریه، به این انستیتو، ارسال داریم. در پایان این گفتگو، همچنین روی موضوع کاغذهای سمرقندی و خانبالیغ و تاریخ آنها نیز مباحثی مطرح شد و ایشان از نوعی کاغذ نام بردند که عمده نسخه‌های خطی در چین روی این نوع کاغذ کتابت شده است و گفتند که یک دانشمند ژاپنی درباره آن و آنالیز شیمیایی آن کاغذ تحقیق جامعی به زبان انگلیسی نموده است و ترجمه روسی آن نیز اکنون در روسیه در دست انتشار است. این کمترین نیز از موضوع آنالیز شیمیایی کاغذهای شرقی در ایران و انتشار مقالاتی چند در این زمینه، از جمله در نشریه وزین نامه بهارستان، سخن به میان آوردم که مورد عنایت ایشان قرار گرفت.



پس از گفتگویی نسبتاً طولانی با خانم پاپوا، همراه استاد صدرایی، جهت بررسی باقی نسخه‌ها، به سالن مطالعه بخش نسخ خطی انستیتو بازگشتیم و جناب ذوقی هم فرصت را مناسب شمرده، به بخش ترک‌شناسی و مغول‌شناسی و نسخ خطی ترکی و مغولی انستیتو، سری زده و نیز از بخش فهرست‌نگاری نسخه‌های چاپ سنگی که به مدیریت خانم شیگلوا در حال انجام است، بازدیدی به عمل آوردند و در این روند

اطلاعاتی مفیدی از فعالیت‌های صورت گرفته در این زمینه‌ها کسب نمودند که قطعاً در گزارش سفر خود به سنت پترزبورگ به تفصیل، به جزئیات آن اشاره خواهند داشت. البته این کمینه نیز ساعتی بعد، برای دقایقی چند، به ایشان ملحق شده و تا حدودی در جریان اجمالی فعالیت‌های آنان قرار گرفتیم. همانگونه که پیش‌تر هم اشاره گردید، این انستیتو بجز نسخه‌های دیگر، حدود ۱۵۰۰ نسخه خطی به زبان ترکی دارد که عمدتاً با لهجه‌های عثمانی، چغتایی، تاتاری، آذری و ... نوشته شده‌اند. در دوره اتحاد جماهیر شوروی، این نسخه‌ها فهرست گردیده و در ۳ جلد منتشر شده است که خوشبختانه تصویری از آن سه جلد، در کتابخانه راقم نیز موجود است؛ البته در سال ۲۰۰۸م نیز یک جلد فهرست برای نسخه‌های خطی ترکی انستیتو منتشر شده که در حقیقت، سری جدید از فهرس نسخ خطی ترکی محسوب می‌گردد. از محققان این بخش، در حوزه نسخ خطی ترکی، می‌توان به آقای الکساندر ویتولد و خانم گلنار خلیووا اشاره نمود که بیش‌تر فعالیتشان با محوریت زبان‌شناسی است.



دفتر و بخش فهرست‌نگاری کتب سنگی فارسی انستیتو، با پرچم سه رنگ ساده منقش به شیر و خورشید روی میز خانم دکتر اولیمپادا پاولوونا شیگلووا^۱ نیز حال و هوای خاص خودش را دارد، که شوربختانه به جهت ایام تعطیلات و مرخصی ایشان، ملاقات با این دانشمند برجسته، میسر نگردید. گفتنی است عنوان نخستین کتاب ایشان در زمینه کتب سنگی، کتب چاپ سنگی ایرانی، منابع تاریخ و تاریخ فرهنگ در ایران قرن ۱۹ میلادی (سنت پترزبورگ، ۱۹۷۹م) بوده است که آن در واقع تز دکتری مؤلف در دانشگاه سنت پترزبورگ بوده که در سال ۱۹۷۶م از آن دفاع نموده است. این اثر با همکاری یوری بورشوویسکی^۲ در سال ۱۹۷۹م در لنینگراد (سنت پترزبورگ) به زبان روسی به چاپ رسیده است:

О.П. Щеглова: *Иранская литографированная книга (Из истории*

۱. Олимпиада Павловна Щеглова .

۲. Юрий Ефимович Борцевский .

книжного дела в Иране в XIX первом десятилетии XX в.).

Ответственный редактор Ю.Е. Борщевский. М., Главная редакция восточной литературы издательства «Наука», 1979.

این اثر با عنوان تاریخ چاپ سنگی در ایران، از سوی پروین منزوی، به زبان فارسی، ترجمه و از سوی انتشارات معین در سال ۱۳۸۸ در تهران منتشر شده است. عنوان تز دکترای تخصصی وی نیز کتابهای چاپ سنگی فارسی منتشره در ایران و هند، بر اساس مجموعه‌های سن پترزبورگ است که وی در سال ۱۹۹۵م به دفاع از آن نائل شده است. گفتنی است این اثر در سال ۲۰۰۱م در سنت پترزبورگ به چاپ رسیده است:

О.П. Щеглова: Персоязычная литографированная книга индийского производства (XIX в.). СПб. : «Петербургское Востоковедение», 2001, 336с.

از دیگر آثار وی می‌توان به فهرست کتب چاپ سنگی فارسی کتابخانه دانشگاه ایالتی لنینگراد (سنت پترزبورگ) اشاره نمود که در سال ۱۹۸۹م به زبان روسی منتشر شده است.

О.П. Щеглова: Каталог литографированных книг на персидском языке в собрании восточного отдела научной библиотеки им. А.М.Горького Ленинградского Государственного Университета. Ответственный редактор В.В.Кушев. М.: «Наука» ГРВЛ, 1989.

ناگفته نماند این فهرست از سوی آقای فتح الله ذوقی در دست ترجمه قرار دارد، لیکن تا این تاریخ (۲۰۱۲م) منتشر نشده است. باید افزود که فهرست کتب چاپ سنگی فارسی کتابخانه ملی روسیه از دیگر آثار وی است که در سال ۲۰۰۲م در سنت پترزبورگ به زبان روسی منتشر شده است:

О.П. Щеглова: Каталог литографированных книг на персидском языке : Из собрания Российской Национальной Библиотеки . М: Вост. лит., 2002, 143с.

ناگفته نماند آخرین اثر تألیفی ایشان در این زمینه نیز، کتب چاپ سنگی فارسی در ترکستان و بخارا می‌باشد که در سال ۲۰۱۱م از سوی فرهنگستان علوم انستیتو تاریخ (نستور) در سنت پترزبورگ، منتشر گردیده بود:

О.П. Щеглова: Литографское книгоиздание на персидском языке в Туркестане и Бухаре. Нестор-История, 2011.

نظر به قدرشناسی از مؤلف دانشمند آن، باید اشاره نمایم، با اینکه خانم شیگوا در خارج از شهر سنت پترزبورگ و در تعطیلات به سر می‌بردند، وقتی مطلع شدند که دوستان ایرانی، در دفترشان حاضر شده و جویای احوال ایشان شده‌اند، به توسط یکی از کارمندان، نسخه‌ای از این فهرست تازه انتشار به ما اهدا نمودند.

امروز (۲۹ تیر) هنگام بررسی باقی نسخ خطی فارسی در انستیتو، با دوست ایرانی پژوهشگری با نام گودرز رشتیانی (اهل کنگاور) نیز آشنا شدیم که پیش‌تر مقالات چندی از ایشان در نشریاتی مانند پیام بهارستان به نظر رسیده بود. ایشان دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران بوده و برای یک دوره فرصت مطالعاتی همراه همسر خود - که دوره زبان روسی خود را می‌گذراند - به سنت پترزبورگ آمده‌اند. باید افزود که حوزه مطالعاتی ایشان عمدتاً حوزه قفقاز و اسناد تاریخی مربوط به مناطق شمالی ایران می‌باشد، برای این منظور، مدتی در گرجستان در این زمینه فعالیت پژوهشی داشته‌اند.



باید یادآور شوم که در شهر سنت پترزبورگ، نشریه‌ای مهم با نام مانوسکروپتا اورینتالیا^۱ به چاپ می‌رسد که حاوی مقالاتی تخصصی و ارزنده درباره نسخ خطی به زبان‌های شرقی، از جمله عربی، فارسی و ترکی است. تمامی شماره‌های این نشریه وزین در بخش مخطوطات کتابخانه بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی رحمته‌الله موجود است.

موزه چاپ و نشر در سنت پترزبورگ

امروز روز یکشنبه، آخرین روز اقامت‌مان در سنت پترزبورگ است، با حضور جنابان گودرز رشتیانی و الکساندر نیت کرده‌ایم به حومه شهر سنت پترزبورگ، یعنی منطقه فانتانا و پتروف و باغ پتر کبیر برویم. اما تا قرارمان با جناب رشتیانی، ساعتی باقی بود، از فرصت موجود، استفاده بهینه کرده و با پرداخت یکصد روبل بابت بلیت برای هر نفر، از موزه چاپ این شهر نیز دیدن کردیم.

این موزه، تنها موزه چاپ در شهر سنت پترزبورگ است که رسماً در سال ۱۹۹۱م برای بازدید عموم، بازگشایی شده است؛ این موزه در واقع بخشی از "موزه تاریخ شهر سنت پترزبورگ" به حساب می‌آید. این مکان، سال‌ها پیش از اینکه به موزه تبدیل شود، ابتدا خانه سرگئی لویسکی عکاس خاص امپراتور الکساندر دوم بود که البته امروزه ابزار و ادوات عکاسی وی نیز در همین موزه، داخل اتاقچه‌ای شیشه‌ای، قابل مشاهده است. سال‌ها بعد، این بنا را فردی به نام سورلین خریداری کرد که در آن، نشریاتی همچون: روس، چشم و مولوا منتشر می‌نمود. وی پس از انتشار چند شماره از این نشریات، ورشکسته شد و مجبور گردید این بنا را بفروشد. خریدار جدید، چند طبقه‌ای را با کاربری استیجاری و مانند آن، بر این ساختمان افزود. یکی از طبقات مخصوص این بنا، تأسیسات متعلق به یک چاپخانه بود و با اینکه صنعت چاپ در سنت پترزبورگ قدیمی‌تر است، اما در این مکان از سال ۱۹۰۵م این چاپخانه شروع به کار نمود. در این چاپخانه نشریه‌ای به نام روس منتشر می‌شد؛ همچنین اینجا مرکز چاپ نشریه سوارین بود که پیش از انقلاب اکتبر، در سال‌های حدود ۱۹۰۵م منتشر می‌شد. از کتاب‌هایی که اینجا چاپ شده، می‌توان به یک تقویم مربوط به سال ۱۹۱۰م، کتاب سراینده روستایی (۱۹۱۱م) و دیوان شاعر شهیر روسیه، الکساندر پوشکین اشاره نمود که در سال ۱۹۱۲م منتشر شده است.

اهمیت این چاپخانه بیش‌تر از آن جهت است که در سال‌های منتهی به انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م، مرکز اصلی انتشار نشریه /خبر روستا و نشریه پرآوازه /پراودا/ (حقیقت) است که ۹۹ شماره نخست آن به رهبری شخص لنین، به عنوان رئیس حزب بُلشویک و همکاری همفکرانش، در همین چاپخانه، با تیراژ روزانه ۶۵۰۰۰ نسخه، منتشر می‌شد و همینجا در طی این مدت، با ابزار آلات اولیه آن روز چاپ و حروفچینی با فونت‌های سربی، علاوه بر چاپ اصل این دو نشریه، ۱۶۰ مقاله نیز برای پراودا نوشته، چاپ و منتشر گردید. در این موزه همه اتفاقات و روند چاپ این نشریه، به صورت ماکت، بازسازی شده است و دیوارهای اتاق‌ها نیز، مشحون از تصاویر فردی یا جمعی روزنامه‌نگاران است که عاشقانه و فعالانه، در جهت اعتلای مرام و تفکر نوین کمونیستی تلاش می‌کنند.

پترهوف یا کاخ ورسای پترکبیر

پس از دیدار از موزه، باید به پترهوف برویم، سوار مترو شده و در ایستگاه متروی آفتووا از قطار پیاده شده و سوار ون‌هایی با نشانه «مارسوتکا ۴۲۴» می‌شویم که کرایه معمولی آنها ۷۰ روبل است.

پترگوف یکی از شهرهای منطقه فدرال سن پترزبورگ در ساحل جنوبی خلیج فنلاند است. جمعیت این شهر در سرشماری سال ۲۰۰۲م به ۶۴،۷۹۱ بوده است. کاخ پترهوف مجموعه‌ای از قصر و باغ است که به دستور پتر کبیر، روسیه ساخته شده است. این کاخ که گاهی با نام ورسای روسیه هم خوانده می‌شود، تحت حفاظت بخش میراث جهانی سازمان یونسکو می‌باشد.

این کاخ که زمانی قصر خصوصی پتر کبیر بوده در حال حاضر یکی از پربازدیدترین مکان‌های گردشگری و توریستی و از محبوب‌ترین جاذبه‌های سنت پترزبورگ در سرتاسر روسیه، به شمار می‌رود. محبوبیت این کاخ به حدی است که از سال ۲۰۰۷م تا به امروز به عنوان یکی از عجایب روسیه در این کشور شناخته شده است. محبوبیت کاخ پترهوف به دلیل وجود فواره‌ها و آبشارهای فوق العاده زیبا، مجسمه‌های طلایی و منحصر به فرد محوطه کاخ و خود کاخ است. مشهورترین این فواره‌ها، پلکان عظیم یا گرند کاسکید نام دارد که از نمای شمالی کاخ تا کانال مارین امتداد دارد و از ۶۴ فواره مختلف با بیش از ۲۰۰ مجسمه برنزی تشکیل شده است. هر کدام از مجسمه‌های این باغ تاریخچه‌ای دارند که این مجسمه‌ها به نوبه خود در کنار زیبایی‌های دیگر این کاخ به محبوبیت این کاخ کمک بسیاری می‌کند. در روبروی کاخ آبشار پله‌ای زیبایی وجود دارد که همراه با فواره‌های آن و مجسمه‌های طلایی که در کنار پله‌ها از بالا تا پایین آبشار قرار دارد، زیبایی خاصی را به این محوطه داده است و این تنها آبشار این باغ نیست و آبشارها و چشمه‌های متعدد دیگری نیز در گوشه و کنار این باغ رویایی به چشم می‌خورند.



پس از یک هفته اقامت کاری در شهر زیبای سنت پترزبورگ، یکشنبه شب ۲ مرداد (۲۲ ژولای و دوم ماه رمضان المبارک) ساعت ۱۱ شب با قطار عازم مسکو

شده و ساعت ۸/۳۰ صبح روز دوشنبه (۳ مرداد) به ایستگاه راه آهن مسکو رسیده و با وسیله نقلیه رایزنی به رانندگی آقای احد (اهل تاجیکستان)، یکی از کارکنان رایزنی، به محل اقامت خود در ساختمان رایزنی رسیدیم. پس از استراحتی چند ساعته، همراه استاد صدرایی با دکتر ابراهیمی ملاقاتی داشتیم و گزارشی از سفر و روند بررسی نسخ خطی فارسی انستیتو به ایشان ارائه گردید. در این واپسین ایام حضور در مسکو متوجه شدم استاد دکتر احمد رهدار، نیز برای یک پژوهش یک ماهه مهمان رایزنی هستند و شب هنگام فرصتی دست داد تا با ایشان دیدار دو ساعته صمیمانه‌ای داشته باشم و به درخواست ایشان، از وضعیت نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه و نیز برداشت خود از فضاها‌ی علمی و پژوهشی روسیه گزارشی ارائه بدهم. اگر درست فهمیده باشم، ایشان روی پروژه‌ای تحقیق می‌کردند، مبنی بر اینکه اگر در جهان اسلام، رنسانسی محقق شود و تمدن اسلامی بخواهد بار دیگر شکل بگیرد، سهم مناطق مختلف جهان، از جمله روسیه در این روند، چه مقدار خواهد بود؟



صبح روز سه شنبه سوم مرداد، فرصتی داشتیم به همراه آقایان صدرایی و دکتر رهدار، بار دیگر از بنیاد ایران شناسی، دیدن داشته باشیم. در بنیاد مذکور، با فردی دانشمند به نام آقای داوودی آشنا شدیم که در زمینه پزشکی فعالیت دارند و به قول خود، برای دریافت فوق تخصص به مدت ده سال بود که مقیم مسکو بود. به مناسبت سؤال آقای رهدار، ایشان اطلاعات مفیدی از کشور روسیه و وضعیت مسلمانان این کشور ارائه نمودند که نقل فرازهای آن در پایان این نوشتار، خالی از فائده نیست. ایشان، که اصالتاً اهل لاریجان مازنداران و از سادات موسوی هستند، ابتدا درباره اسلام و مذاهب افراطی و انحرافی در روسیه افزودند: «مشکل اساسی ما مدرنیته سیاسی شیعه است که تبیین نشده است. ببینید! الآن چند سالی است وهابیت، سلفی‌گری و بهائی‌گری در آذربایجان و روسیه فعال شده است. امروزه در کشورهایی مانند آلمان، انگلستان و حتی خود روسیه به این نتیجه رسیده‌اند که مسائل بنیادگرایی در جهان معاصر، از وهابیت و مشخصاً از عربستان سعودی نشأت می‌گیرد. اینکه آلمان‌ها از ایرانی‌ها و اساتید متخصص مطالعات شیعی

دعوت می‌کنند، برای این است که آنها جامعه چند فرهنگی می‌خواهند. آنها و حتی روس‌ها معتقدند، از کلاس درس وهابیت اسلحه، رادیکالیسم و خشونت بیرون می‌آید که برای این جوامع سم مهلک است ولی محصول و نتیجه کلاس درس اسلام شیعی و ایرانی، اندیشه، تفکر، عقل و تعقل است. ببینید! آنگونه که من بررسی کردم، جامعه علمی در روسیه به هیاهوهای وهابیت نگاه نمی‌کند بلکه آنها کتاب می‌خوانند و به تعبیر دیگر اگر حرفی برای گفتن باشد از روی نوشته‌ها می‌خوانند، مردم روسیه بسیار اهل مطالعه‌اند. ایران هم باید مکتب شیعه، ایده‌ها و برنامه‌های خود را به صورت مکتوب در قالبی علمی برای آنان به زبان روسی معرفی نماید، در روسیه امروز کتاب است که در کانون توجه قرار دارد نه هیاهوی تبلیغاتی! اکنون با توجه به حضور وهابیت در دو جمهوری خودمختار داغستان و تاتارستان، نیازهای شدیدی روی مطالعات شیعی احساس می‌شود، ولی متأسفانه تاکنون کار جدی چندانی در زمینه تألیف و حتی ترجمه به روسی صورت نگرفته است. با توجه به هزینه‌های سنگین زندگی و تحصیل در روسیه، دولت ایران باید دانشجویان زیادی را بورسیه نموده به دانشگاه‌های قازان، مسکو و سنت پترزبورگ بفرستد، زبان روسی باید در ایران جدی گرفته شود، برای تسلط به روسی دانشجویان باید دو سال کار کنند، یکسال بی‌فایده است! یک منبع وسیع اطلاعاتی نسبت به روسیه باید در ایران تشکیل شود. نباید دانشجویان را فقط به مسکو فرستاد، نه اینجا هزینه‌ها سنگین است، باید به شهرهای دیگر روسیه فرستاد تا هم و غم‌ش مصروف هزینه‌های اقامت نشود. حتماً برنامه‌ای گذاشته شود، در قالب تورهای علمی، روس‌ها به ایران دعوت شوند. خود روس‌ها و خاورشناسان نیز علاقه وافری به ایران و زبان فارسی دارند و از سوی آنان کارهای خوبی هم در این زمینه‌ها صورت گرفته است».

وی در بخش دیگری از سخنان خود می‌گوید: «الان بزرگترین ایران شناسان در مسکو هستند، روی منابع تفکر اسلامی و شیعی مطالعه و کار می‌کنند. البته مدرنیته در روسیه از قازان شروع شد، به هر تقدیر در این روند دیدگاه سیاسی تشیع و مدرنیته سیاسی شیعه بسیار مهم است و جا دارد از سوی متخصصان مطالعات شیعی در ایران، این موضوع به خوبی تبیین شود و این نیاز امروز روسیه است».

همو می‌افزاید: «پس از هرج و مرج سال ۹۰-۹۱ میلادی در مسکو، وهابیت و سلفی‌گری خوب از این موقعیت بلبشو، به نفع خود بهره برداری نمودند. وهابیت امروزه با پول عربستان الآن روی روسیه و آلمان و انگلستان کار می‌کند، آنوقت متخصصان اسلامی و شیعی ما رفتند روی آفریقا سرمایه‌گذاری می‌کنند! من البته کار در حوزه شمال آفریقا را قبول دارم ولی بیش‌تر اتلاف انرژی است!»

ایشان ادامه می‌دهند: «در همین حوزه روسیه، با توجه به نیازهای فرهنگی و بر اساس مقتضیات این منطقه، بایستی کارهای دست اول شیعی به زبان روسی تألیف نمود، ترجمه آثاری که بر اساس نیازهای فرهنگی مناطق دیگر نوشته شده است، به درد نمی‌خورد. روس‌ها روی اسماعیلیه و تشیع کار کرده‌اند و باز بسته‌گریخته کارهایی می‌کنند، اما ما باید جدی‌تر کار کنیم، برنامه ریزی و کار گروهی نظام مند می‌خواهد، با کارهای مقطعی و فردی نمی‌توان راه به جایی برد. باید ابتدا مدرنیته سیاسی شیعه را از مشروطه و پس از آن روند ملی شدن صنعت نفت و سرانجام تحقق انقلاب اسلامی و حتی ولایت فقیه را به نحو علمی و آکادمیک و مطابق با مقتضیات علمی جهان امروز برای آنان توضیح داد. صحبت از حافظ و فردوسی و سعدی و ایران چهار فصل و اصفهان و اینها البته خوب است ولی اگر بخواهید به صورت جدی جایی در جهان معاصر پیدا کنید باید از "فرهنگ سیاسی شیعه" صحبت نمود؛ باید سمینارهایی عملی گذاشت و به نحو کارشناسانه و دقیق به این مسائل پرداخت. در روسیه به پژوهش‌های شیعی علاقه دارند. زمانی که آقای ایمانپور اینجا موقعی رایزن بودند همین مطلب را هم به ایشان گوشزد کردم. تبیین ساختار سیاسی اسلام و شیعه و حتی برای نمونه تبیین بانکداری اسلامی با زبانی قابل فهم برای مجامع علمی، یک ضرورت امروز است. این مباحث بایستی در مجامع علمی ایران از سوی اساتید و دانشجویان، با جدیت دنبال و تقویت شود. امروز با به بن بست رسیدن مکتب‌های سیاسی و اقتصادی جهانی بستر و فضای مناسبی برای شنیدن سخنان جدید فراهم شده است و ایران شیعی می‌تواند این نقش اساسی را بر عهده بگیرد. برای معرفی یک فکر، یک کشور، یک ایده و غیره بایستی فیلم ساخت، باید کتاب نوشت، باید با فرمت‌های جهانی و بین‌المللی، مسائل را تبیین

علمی نمود، قطعاً با ادعا و شعار نمی‌توان جایی در جهان علم امروز دست و پا کرد؛ باید آستین‌ها را بالا زد و کار کرد».

وی در ادامه افزود: «ببینید! الان همین بحث عرفان و اخلاق، برای جامعه روسیه، باید تبیین علمی شود، فرق بین عرفان و اخلاق باید تشریح شود. در روسیه، حالت عاطفی روماتیک بسیار بالاست. برای مثال کسی اگر بخواهد گدایی نماید، یک گربه‌ای یا سگی را در خیابان کنار خود می‌گذارد مبنی بر این که پولی برای سیر کردن شکم این حیوان ندارم و مردم به سبب این حیوان، به فرد کمک می‌نمایند! اینجا هندی‌ها از دهه ۱۹۶۰م در روسیه نفوذ نمودند و هندوئیسم و عرفان‌های هندی به تدریج سپس بودیسم وارد روسیه شد. به لحاظ همین مسأله عاطفه، فضای روسیه آمادگی پذیرش عرفان اسلامی و شیعی را دارد، نیاز هست آثاری در زمینه عرفان شیعی با توجه به مقتضات فرهنگی روسیه تألیف و منتشر گردد، به نظر من عطش روسیه عرفان است و نه دین! عرفان به معنی ارتباط عاطفی با خداوند و نه شریعت. اگر متخصص عرفان اسلامی و شیعی داریم، بایستی به زبان روسی آن را برای مردم روسیه تبیین نماییم».

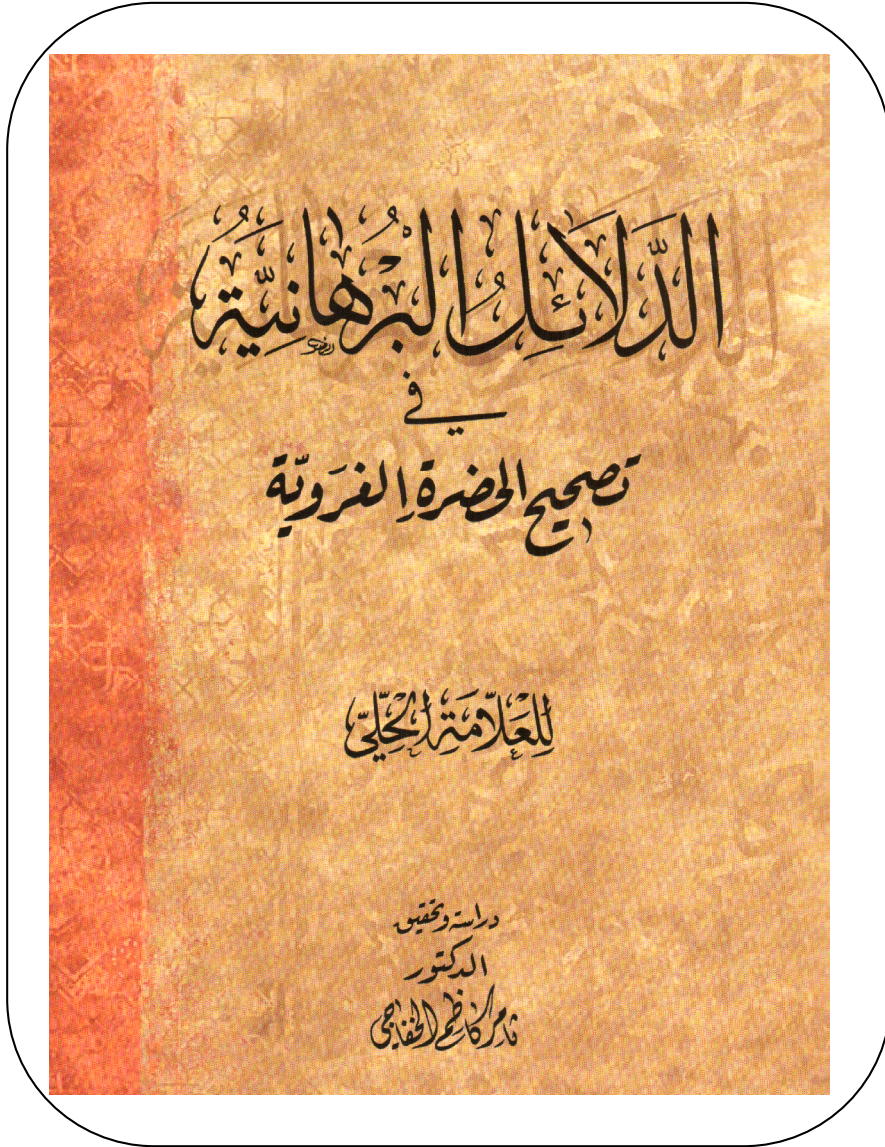
او افزود: «حتی به لحاظ اقتصادی، دیدگاه‌های اسلام و شیعه در زمینه اقتصاد، بایستی به زبان روسی تبیین شود، جا دارد کتاب اقتصادنا شهید صدر به روسی ترجمه شود. انسان گاهی درمی‌ماند ما حتی ترجمه روسی قانون اساسی ایران را نداریم. شفاف‌سازی در ایران بحث مهم دیگری است که باید کار شود. اینجا یا در غرب، نسبت به برخی امور، مانند مباحث مربوط به حقوق بشر، حقوق زنان تبلیغ می‌کنند، جا دارد، به این مطالب به سرعت مورد بررسی قرار گرفته و جواب داده شود».

وی در بخش دیگری از سخنان خود می‌افزاید: «روی مسائل امنیت اجتماعی جامعه خیلی توجه نموده و به نحو جدی کار کنید، ببینید! کشور تونس به لحاظ امنیت اجتماعی در شمال افریقا فوق العاده است؛ انقلاب‌های اخیر هم از همانجا آغاز شد؛ مردم مثل باروت هستند، در مقابل خیانت سریع عکس‌العمل نشان می‌دهند و به عکس آن وقتی ببینند دولت با مردم صادق است، به دولت حتماً کمک خواهند کرد».

وی در بخش دیگر می‌گوید: «الآن روس‌ها نسبت به قذافی و از دست دادن پایگاه سنتی‌شان در شمال آفریقا، خیلی ناراحتند، آنها امروز بشّار اسد را واقعاً دوست دارند، منافعشان با وی گره خورده است، سوریه الان برای روسیه مسأله‌ای حیثیتی است چرا که آخرین پایگاه سنتی روسیه در خاورمیانه به شمار می‌رود. ببینید! من الان ده سال است در مسکو و روسیه هستم، مردم روسیه به هر دلیل ممکن، حقیقاً آمریکا را دوست ندارند، الان با ۱۵۰۰ دلار می‌توان به آسانی ویزا گرفت ولی مردم بسیار نادر به آمریکا سفر می‌کنند. چرا؟ چون مردم باسوادند، آنها اهل مطالعه هستند، روزنامه می‌خوانند، می‌فهمند، کاملاً نسبت به مسایل تحلیل دارند و حرف معقول و دقیق و منطقی را می‌پذیرند این خصیصه دقیقاً همان چیزی است که گفتم، جامعه روسیه بهترین فرصت برای ایران در تبیین علمی اندیشه اسلامی و شیعی است».



کتابخانه بزرگ آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته الله منتشر کرده است:



کاروند ابوحنیفان توحیدی

محمدحسین اسفندیاری

ابوحنیفان توحیدی و تفکر عقلانی و انسانی در قرن چهارم هجری، حمیدرضا شریعتمداری (قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۹)، ۳۲۳ ص، رقعی.

یکم:

قرن چهارم هجری را دوران طلایی تاریخ اسلام و عصر رنسانس و انسان‌گرایی نام نهاده‌اند. مکتب‌ها، حلقه‌ها و محافل همچون مکتب یحیی بن عدی، مجلس ابوسلیمان سجستانی، انجمن اخوان الصفا، حلقه کلامی ابو عبدالله بصری و محفل ابن سعدان در این دوران شکل گرفت که از طرفی انسان‌مداری اسلامی را هدف و از دگر سو عقل‌گرایی را پیشه ساخته بودند. اوج تمدن اسلامی را در این برهه یافته‌اند و بزرگانی در عرصه‌های گونه‌گون فکری در این ایام بالیده‌اند. نیز در همین سده است که فلسفه رونق یافت، ادبیات (فارسی) شکوفا شد، عرفان گسترش یافت و کلام اوج گرفت.

کتاب *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، از آدام متز، که به فارسی و عربی برگردانده شده، وقف این موضوع است و کارنامه پربزرگ و بار مسلمانان را در این سده، که دوره عقل‌گرایی خوانده‌اند، نشان داده است.

بدین سان، می‌سزد که هر کاونده علوم عقلی، هر پژوهنده مسائل فرهنگی و هر جوینده مباحث ادبی، توجهی خاص معطوف به این سده کند و علل رشد و بالندگی مسلمانان را بررسد و آن را چراغ راهی برای امروز کند.

دوم:

ابوحیان توحیدی را اگر فیلسوف ندانیم، اگر ادیب محسوب نکنیم و اگر مورخ نشماریم، قطعاً باب ورود به فضای فکری-فرهنگی-ادبی نیمه دوم قرن چهارم را نیم‌گشوده و چه بسا ناگشوده خواهیم یافت. ارتباط گسترده وی با حکیمان و حاکمان، از معتزلیان تا صوفیان، از اشاعره تا زنادقه، از وزرا تا فقرا، از ادبا تا فقها، همه و همه، ما را به یافتن ژرفای این ایام می‌رساند و چگونگی دوران طلایی تاریخ اسلام را بر ما می‌نمایاند.

در فاصله زمانی میان فارابی و ابن‌سینا، که بیش از نیم قرن به طول کشید، هر چند از فلاسفه نوآور، که نظام فلسفی کاملی پی‌ریخته باشند، خبری نیست، اما حیات فلسفی همچنان جریان داشت. بسیاری از آنچه ما از این دوران می‌دانیم، مدیون آثار ابوحیان است. فی‌المثل، اطلاعات ما از انجمن اخوان الصفا از آن اوست، و هموست که از اندیشه‌های یحیی بن عدی پرده برداشته و افکار ابوسلیمان سجستانی را بر ما آشکار می‌کند. از باب نمونه، روایت وی از مناظره ابوبشر متی و ابوسعید سیرافی درباره مزایای نحو عربی و منطق یونانی، توجه بسیاری را معطوف داشته است. «... نقش مؤثر و گاه بی‌بدیل وی در روایت‌گری ادیبانه، عالمانه و فیلسوفانه از خصیصه‌ها و شاخصه‌های فرهنگی و اجتماعی قرن چهارم و بازتاباندن آلام و آمال مردم، روحیات حاکم زمانه، اندیشه‌ها و مکاتب و محافل فلسفی و کلامی در آن مقطع مهم تاریخی...» (شریعتمداری، ۱۳۸۹: ۱۷) تا آنجاست که نمی‌توان به ژرفای فرهنگ و کنه اندیشه قرن چهارم دست یافت مگر با گذر از ابوحیان توحیدی. گفتنی است آثار تاریخی‌ای که گذشتگان می‌نوشتند، تاریخ خلفا و ملوک و حاکمان بود. همواره سخن از این بود که چه حاکمی آمد و چه حاکمی رفت و چه نزاعی میان این و آن حاکم درگرفت. تاریخ اندیشه و فرهنگ و ادبیات مغفول بود

و بدان نیم‌نگاهی هم نمی‌شد. ما بدین لحاظ سخت تهیدست هستیم و به ناچار باید تاریخ فرهنگمان را از لابلای آثار غیر تاریخی فرادست آوریم؛ مانند آثار ابوحنیفان توحیدی.

سوم:

کتاب ابوحنیفان توحیدی و تفکر عقلانی و انسانی در قرن چهارم هجری، نوشته پژوهنده ارجمند، دکتر حمید رضا شریعتمداری را شاید بتوان مهمترین کتاب در این باره - به زبان عربی و فارسی - دانست. این اثر دربردارنده شش فصل است که به جز فصل دوم و سوم، که روزگار ابوحنیفان را می‌کاود، مابقی فصول اختصاصاً ابوحنیفان را مورد نظر قرار داده است. فصل اول که به آشنایی با احوال ابوحنیفان می‌پردازد، ضمن توضیح دربارهٔ حیات وی، از گرایش‌های مذهبی، استادان، آثار و ویژگی‌های اخلاقی ابوحنیفان سخن به میان می‌آورد. فصل دوم، که روزگار ابوحنیفان را می‌کاود، از جغرافیای سیاسی، اوضاع اقتصادی و اجتماعی، جغرافیای فرهنگی و جغرافیای دینی سخن رانده است. فصل سوم به غور دربارهٔ فلسفه و کلام در روزگار ابوحنیفان پرداخته است و از حلقه‌ها، مجالس، محافل و مکاتبی همچون حلقهٔ یحیی بن عدی، مجلس ابوسلیمان سجستانی، مکتب اخوان الصفا و دیگر بزرگان فلسفه و کلام آن روزگار سخن گفته است. فصل چهارم از عقل‌گرایی ابوحنیفان پرده برداشته و در ذیل ستیز ابوحنیفان با کلام، به فلسفه و نسبت آن با دین از نگاه وی می‌پردازد، و در ادامه به انسان‌گرایی ابوحنیفان و پرسش‌های فلسفی او نظر افکنده است. فصل پنجم به موشکافی انسان از منظر ابوحنیفان پرداخته و موضوعاتی از قبیل سرشت انسان، نفس و بدن، جایگاه انسان در هستی، خودشناسی، انواع انسان از لحاظ عقلی و انسان کامل را دربرمی‌گیرد. فصل ششم نیز نقی به آثار ابوحنیفان زده و ضمن معرفی اجمالی آن‌ها، شرحی کامل از دو کتاب ارزندهٔ مقابسات و الامتاع و الموائسه به دست می‌دهد.

آنچه این کتاب را از یک شرح حال‌نویسی فراتر می‌برد، تسلط نگارنده بر دگرگونی‌های تاریخی آن دوره و در دست داشتن نبض زمانه است. مضافاً اینکه تا ژرفای تفکر ابوحنیفان فرو رفته و درونمایهٔ تفکرات قرن چهارم را نمایانده است. تخصیص دو فصل به قرن چهارم (فصل دوم و سوم) و نیز دو فصل به اندیشه‌ها

و نگرش‌های ابوحنیفان (فصل چهارم و پنجم) از مزایای این کتاب است که آن را از حدّ يك زندگینامه، به حدّ يك اندیشه‌نامه برکشیده است.

چهارم:

ابوحنیفان توحیدی از رجال نسبتاً ناشناخته در جهان اسلام است. کتاب ارزنده و آموزنده دکتر شریعتمداری، دومین اثری است که تاکنون درباره وی منتشر شده. پیشتر کتابی از استاد علی رضا ذکاوتی قراگزلو، تحت عنوان *ابوحنیفان توحیدی*، در حجمی مختصرتر منتشر شده بود.

اکنون زبان فارسی دارای دو کتاب درباره ابوحنیفان است. در زبان عربی نیز چندان آثار فراوانی درباره وی نوشته نشده است و شاید تعداد آن‌ها به ده کتاب نرسد. این، حکایت از آن دارد که ابوحنیفان همچنان ناشناخته مانده است و باید در دستور کار پژوهشگران قرار گیرد.

در اینجا می‌سزد به نکته‌ای اشاره کنم که ظریفی می‌گفت در میان رجال هر دوران همواره باید به جستجوی «گمنامان» و «بدنامان» پرداخت. زیرا رجالی که اندیشه‌ای مستقل داشته‌اند و سخنانی از سر سوز، یا بدنامشان کردند و یا در گمنامی نگاهشان داشته‌اند. ابوحنیفان توحیدی یکی از این گمنامان، و بلکه بدنامان، است که باید در کانون توجه پژوهندگان قرار بگیرد و اختلافاتش با دیگران و امتیازاتش از ایشان، بررسی شود.

اکنون که همواره از آزاداندیشی و نظریه‌پردازی و تولید علم سخن می‌رود، شخصیت ابوحنیفان بسیار خورند مطالعه است. او متفکری آزاداندیش و دارای خلاقیت بود که چه بسیار نکته‌هایی را نخست بار گفت؛ گو اینکه خبط و خطا هم کرد. ما در تاریخ اسلام به شخصیت‌های متعددی برمی‌خوریم که کپی یکدیگرند و به همدیگر می‌مانند، ولی ابوحنیفان توحیدی استثنا بوده است و به کسی مانند نبود. مطالعه این رجال استثنایی و متفاوت، و بررسی شدوذات و نوادر ایشان، کارآمد است و سودمند.



کتابخانه بزرگ آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی رحمته الله منتشر کرده است:

مرآة المراد

في تحقيق مشتبهات رجال الأسناد

للعلامة الرجالي

الشيخ أحمد بن مصطفى بن أحمد الخمسني

السلطاني القزويني الخويني

١٢٤٧ هـ - ١٣٠٧ هـ

تحقيق

السيد مهدي الرجائي